



فصلنامه علمی - بین‌المللی بیداری اسلامی با هدف معرفی و نقد اندیشه‌ها، اطلاع‌رسانی، گفتمان‌سازی، فضا‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی و اندیشه‌ورزی و تولید علم و دانش بومی، در عرصه اسلام، بیداری اسلامی، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی با رویکردی تحلیلی، نقادانه، دینی و نوآورانه در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی منتشر می‌شود.

فصلنامه علمی - بین‌المللی بیداری اسلامی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

www.Isc.gov.ir

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاه

www.Sid.ir



فصلنامه علمی - بین‌المللی بیداری اسلامی

شماره اول، سال اول، تابستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز:

مجمع جهانی بیداری اسلامی

مدیر مسئول:

دکتر علی اکبر ولایتی

سر‌دبیر:

دکتر عبدالله مبینی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| - سہل ابراہیم (یمن) | - شمس‌الدین شرف‌الدین (یمن) |
| - محمد ابراہیم اعرافی (ایران) | - محمد العاصی (آمریکا) |
| - مجدی احمد حسین (مصر) | - رمضان عبدالله (فلسطین) |
| - عباسعلی اختری (ایران) | - سید ساجد علی نقوی (پاکستان) |
| - صلاح‌الدین اوزگندوز (ترکیه) | - نعیم قاسم (لبنان) |
| - احمد بدرالدین حسون (سوریه) | - محسن قمی (ایران) |
| - لیاقت بلوچ (پاکستان) | - علی کریمیان (ایران) |
| - محمدعلی تسخیری (ایران) | - سید آصف محسنی (افغانستان) |
| - ابراہیم جعفری (عراق) | - سید مجید مشعل (بحرین) |
| - جلال‌الدین رحمت (اندونزی) | - علی اکبر ولایتی (ایران) |
| - ابراہیم الشابی (تونس) | - تاج‌الدین الہلالی (مصر) |

مدیر اجرایی: محسن مطلبی جونقانی

ویرواستاران: طاہرہ زارع، طاہرہ سبنجلی

ترجمہ انگلیسی: مجتبیٰ صادقیان

صفحه‌آرا: مرضیہ روشن‌روان

مدیر داخلی: محسن دودانگہ

ترجمہ عربی: دکتر علی گنجیان خناری، علیرضا طاقتی

ترجمہ اسپانیولی: حسن ایزدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، خیابان سهرودی شمالی، خیابان شهید محبی، شماره ۴، دفتر فصلنامه علمی بین‌المللی بیداری اسلامی

کد پستی: ۱۵۵۸۸۳۸۳۵۶۱۱، تلفن: ۸۸۵۳۴۱۲۸-۲۴۸۳۵۲۲۲ (۰۲۱)، شماره: ۳۵۰۳۲۲۷۱ (۰۲۱)

Web: Islamic-awakening.ir

E.mail: info@islamic-awakening.ir

راهنمای تدوین، تنظیم و ارسال مقالات و نحوه داوری آنها

الف - ساختار کلی مقاله

۱. عنوان مقاله
۲. نام و نام خانوادگی کامل نویسنده، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، رتبه علمی، گروه آموزشی، نام دانشگاه، پست الکترونیکی، نشانی پستی و شماره همراه نویسنده مسئول و دیگر نویسندگان (تعیین نام نویسنده مسئول الزامی است).
۳. چکیده، شامل تاریخچه موضوع، تبیین مسئله، پیشینه تحقیق، طرح سؤال، بیان فرضیه، هدف مقاله، روش پژوهش و یافته‌های تحقیق، حداکثر در دو بیست کلمه
۴. واژگان کلیدی، شامل پنج واژه اصلی به کاررفته در متن مقاله
۵. مقدمه، با هدف ترسیم چهارچوب کلی مقاله، پاسخ به سؤال اصلی، نحوه آزمودن فرضیه و توضیح دیگر مسائل مطرح شده در چکیده، حداکثر در یک صفحه
۶. بررسی مفاهیم اصلی مقاله، به‌ویژه مفاهیم به کاررفته در عنوان مقاله و کلید واژه‌ها، به منظور فراهم آوردن زمینه مناسب برای فهم آسان‌تر مطالب
۷. ترسیم چهارچوبی نظری، با هدف حرکت درقالبی مشخص و پرهیز از پراکنده‌گویی و خروج از موضوع
۸. متن یا بدنه مقاله، مشتمل بر چهار تا شش موضوع فرعی مرتبط با عنوان مقاله، منطبق بر چهارچوب مطرح شده در چکیده، مقدمه، مفاهیم اصلی و چهارچوب نظری
۹. نتیجه‌گیری، با هدف ارائه یافته‌های پژوهش، نه تلخیص یا تکرار آن‌ها، و نیز مطرح کردن پیشنهادهایی برای بهره‌گیری از یافته‌ها
۱۰. کتابنامه، که لازم است بر اساس شیوه‌نامه تنظیم شود

ب - شیوه‌نامه

۱. ارجاعات

- نشانی منابعی که بدان‌ها استناد شده‌است در درون متن و به‌صورت زیر درج شود:
- (نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان سال انتشار اثر: صفحه مورد استفاده)
- نمونه: (اصغری ۱۳۹۶: ۱۸)
- چنانچه منبع مورد استفاده بیش از یک جلد باشد، شماره جلد استفاده شده مطابق نمونه زیر درج شود:
- (اصغری ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۸)
- اگر از نویسنده‌ای دو یا چند اثر با تاریخ انتشار یکسان به کار گرفته شود، لازم است آثار وی با حروف الفبا از هم متمایز گردند.
- نمونه: (اصغری ۱۳۹۶ الف، ج ۲: ۱۸)
- اگر سال انتشار منبعی به قمری باشد، علامت اختصاری «ق» تنها در صورتی درج شود که ذکر نکردن آن موجب پدید آمدن اشتباه گردد.
- نمونه: (بخاری ۱۳۵۶ ق، ج ۲: ۷۵)
- نقطه پایان جمله پس از پرانتز ارجاع قرار گیرد.
- نمونه: بوده‌است (اصغری ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۸).

چنانچه منبع مورد استفاده بلافاصله در همان صفحه تکرار شود، از کلمه «همان» استفاده گردد، اما اگر در صفحه بعد تکرار شد، کامل نگاشته شود.

ارجاع به قرآن به روش زیر صورت گیرد:

(نام سوره: شماره آیه)

نمونه: (حج: ۱۸)

استناد به سایت‌های اینترنتی در مقالات علمی مطلوب نیست؛ از این‌رو، باید از آن پرهیز شود. در ارجاع درون‌متنی، فرقی بین کتاب، مقاله، مصاحبه و مانند آن نیست.

ارجاع به منابع لاتین همانند منابع فارسی است.

نمونه: (Fukoyama 1995: 21)

۲. کتابنامه

کتابنامه به‌صورت زیر تنظیم شود:

یک - کتاب

نام خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار اثر). نام اثر به‌صورت ایرانیک، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام محل نشر، نام ناشر، جلد مورد استفاده.

نمونه: مظفری، حسین (۱۳۹۱). *تشیع در جهان آینده*، ترجمه حسن ملانوری، مشهد، معرفت، ج ۲.

* چنانچه کتاب مورد استفاده فاقد هریک از موارد فوق بود، جای آن خالی بماند و از آوردن اصطلاحاتی چون «بی‌تا» و «بی‌جا» پرهیز شود.

دو - مقاله

نام خانوادگی نویسنده، نام (سال انتشار). «نام مقاله»، نام نشریه به‌صورت ایرانیک، شماره مجله، ماه یا فصل انتشار، صفحات مقاله.

نمونه: الله‌وردی، علی (۱۳۹۰). «جهان در عصر حکومت امام عصر»، فصلنامه نگاه به آینده، ش ۴، زمستان، ص ۱۷-۳۱.

سه - سایر موارد

نام خانوادگی صاحب اثر، نام (سال انتشار). «موضوع»، نوع اثر یا منبع (مصاحبه / سخنرانی)، تاریخ دقیق مصاحبه یا سخنرانی.

* در کتابنامه نیز، همچون ارجاعات، اگر دو یا چند اثر از یک نویسنده به کار گرفته شود، با حروف الفبا از هم متمایز گردند.

نمونه: مظفری، حسین (۱۳۹۱ الف). *تشیع در جهان آینده*، ترجمه حسن ملانوری، مشهد، معرفت، ج ۲.

منابع باید، بر اساس نام خانوادگی نویسنده، الفبایی شوند.

درج «ش»، به نشانه شمسی، پس از سال، لازم نیست. پس از سال‌های قمری نیز، چنان‌که در بخش ارجاعات ذکر شد، تنها در صورتی از «ق»، به نشانه سال قمری، استفاده شود که ذکر نکردن آن موجب پدید آمدن اشتباه گردد.

ضروری است معادل شمسی سال‌های میلادی و قمری در کتابنامه درج گردد.

نمونه: (۱۳۹۱ / ۲۰۱۱)

۳. سایر موارد

به تناسب موضوع می‌توان در متن مقاله از جدول، نمودار و تصویر سود جست، با عنایت به اینکه عنوان و شماره جدول در بالای آن و عنوان شکل و نمودار در زیر آن درج می‌شود. برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری، به اختصار، در پانوش درج شود. درج سال آغاز و انجام حکومت‌ها و نیز سال تولد و مرگ شخصیت‌ها و پادشاهان لازم است، مانند غوریان (۶۷۳-۷۸۶) و ابن سینا (۷۹۱-۸۶۷).

ج - برخی نکات مهم

۱. دریافت مقالات از طریق پورتال ارسال و پیگیری مقالات امکان‌پذیر است. این پورتال از طریق سایت فصلنامه (Islamic-awakening.ir) قابل دسترسی است.
۲. سطح علمی نویسنده مسئول باید حداقل استادیاری باشد. سطح علمی یک یا چند نویسنده غیرمسئول دیگر نیز نباید از کارشناسی ارشد کمتر باشد.
۳. لازم است مقالات ارسالی بر مسئله‌ای خاص در حوزه فعالیت فصلنامه (بیداری اسلامی) متمرکز باشد، که تشخیص این موضوع با سردبیر است.
۴. مقاله باید بر مؤلفه‌های مطرح‌شده در چکیده - شامل تاریخچه موضوع، تبیین مسئله، پیشینه تحقیق، سؤال اصلی، فرضیه، هدف مقاله، روش پژوهش و یافته‌های تحقیق - استوار باشد.
۵. مقالات ارسالی باید نوآورانه و حاصل تحقیق و پژوهش نویسنده مسئول و نویسندگان همکار باشد.
۶. تحریریه فصلنامه در رد، قبول، چاپ و اصلاح مقالات آزاد است و نیز جزئیات ارزیابی‌های به‌عمل آمده، به هیچ‌وجه، در اختیار نویسنده مسئول و همکاران او قرار نمی‌گیرد.
۷. مسئولیت مطالب مندرج در مقالات بر عهده نویسندگان است و فصلنامه در قبال دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات مسئولیتی ندارد.
۸. مقالات ارسالی نباید کمتر از بیست و بیش از ۲۵ صفحه سید کلمه‌ای باشد.
۹. تهیه و ارسال ترجمه لاتین و عربی چکیده مقاله، پس از نهایی شدن آن، الزامی است.
۱۰. مقالات ترجمه‌شده پذیرفته نمی‌شود، مگر آنکه دربردارنده نقدی قوی باشد.
۱۱. تنها مقالاتی بررسی می‌گردد که نویسنده مسئول آن متعهد شود قبلاً منتشر یا هم‌زمان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.
۱۲. مقالاتی امکان چاپ می‌یابند که در آن‌ها از منابع دست اول استفاده شده باشد و نیز مستند، مستدل، تحقیقی و تحلیلی بوده، از انسجام محتوایی، ساختار منطقی، قلمی روان برخوردار باشد. تقدم و تأخر چاپ مقالات با نظر شورای سردبیری صورت می‌گیرد. نقل مطالب فصلنامه، با ذکر نام آن، بلامانع است. فصلنامه از هرگونه نقد و پیشنهاد استقبال می‌کند.

د - نکات مربوط به داوری

۱. مقالات پس از دریافت از طریق پورتال اعلام وصول می‌شود. دیگر مراحل چرخه ارزیابی نیز، از طریق سامانه، به اطلاع نویسنده مسئول یا نویسندگان همکار می‌رسد.
۲. مقالات دریافتی، پس از آنکه سردبیر رعایت موارد اشاره‌شده را تأیید کرد و شورای سردبیری تناسب آن را با خط مشی و موضوع فصلنامه به تصویب رساند، هم‌زمان، برای دو داور صاحب نظر، به تشخیص شورای سردبیری، ارسال می‌گردد.

۷ راهنمای تدوین، تنظیم و ارسال مقالات و نحوه داوری آنها ■

۳. داوران از میان افراد صاحب‌نظر در موضوع انتخاب می‌شوند. حداقل رتبه علمی داوران استادیار است، هر چند از مریدان که سابقه ارزیابی مقالات علمی - پژوهشی دارند نیز استفاده خواهد شد.

۳. چنانچه نمره داوری دو داور 70 و بالاتر از آن باشد، مراحل چاپ مقاله، پس از آنکه نویسنده مسئول اصلاحات لازم را انجام داد، دنبال می‌شود.

۴. چنانچه مقاله‌ای را یکی از داوران تأیید و دیگری رد کند، آن مقاله با نظر سردبیر برای داور سوم ارسال می‌گردد.

۵. داوری مقالات بر اساس مؤلفه‌های ارزشیابی زیر صورت می‌گیرد.

نوآوری و خلاقیت	۲۵ امتیاز
اتقان و غنای علمی	۲۰ امتیاز
ساختار منطقی	۱۵ امتیاز
روانی و رسایی	۱۰ امتیاز
جنبه کاربردی	۱۰ امتیاز
قوت نقد و تحلیل	۱۰ امتیاز
انطباق با اهداف	۱۰ امتیاز

۶. نتیجه نهایی ارزیابی حداکثر سه ماه پس از دریافت مقاله به نویسنده مسئول اعلام می‌شود.

۷. صدور گواهی پذیرش مقاله پس از اتمام داوری و بعد از اقدام نویسنده مسئول به انجام اصلاحات لازم صورت می‌گیرد.

داوران این شماره: (به ترتیب الفبا)

دکتر مسعود اسداللهی، دکتر نبی‌الله روحی، فرزانه شهیدی،
دکتر حسین شریفی طرازکوهی، دکتر ابوالفضل صدقی، علیرضا
طلاقی، دکتر علی عباس‌پور، دکتر اصغر قائدان،
دکتر ابراهیم متقی، دکتر عبدالله مبینی.

فهرست مطالب

- تحلیل روند اسلام‌هراسی در غرب و راهبردهای مقابله با آن
جاوید منتظران ۱۱- ۳۴
- مبانی و خاستگاه وحدت اسلامی
أحمد محمد أحمد شمس الدین حسان ۳۵- ۵۸
- «ایجاد امت اسلامی» کارویژه بنیادین انقلاب اسلامی
عباسعلی مشکانی سبزواری ۵۹- ۸۶
- تهدیدهای گروه‌های تکفیری علیه محبان اهل بیت (ع)
محمد حقی ۸۷- ۱۰۶
- فرهنگ اهل بیت (ع) در مواجهه با تروریسم رسانه‌ای
والریا آگوستینا رودریگز ۱۰۷- ۱۳۰
- وحدت محبان اهل بیت (ع) برای تشکیل امت واحدہ اسلامی
ایهاب شوقی ۱۳۱- ۱۵۸
- نقش نهضت عاشورا در بقای شیعه و تفکر آن
احمد مزینانی ۱۵۹-۱۸۵
- خلاصه المقالات ۱۸۷- ۱۹۵
- ABSTRACTS ۱۹۷-۲۰۵



تحلیل روند اسلام‌هراسی در غرب و

راهبردهای مقابله با آن

جاوید منتظران^۱

(۱۱-۳۴)

چکیده

غربی‌ها با اذعان به گسترش روزافزون اسلام در جهان غرب و افزایش جمعیت مسلمانان در این کشورها، موضوعی به نام «اسلام‌هراسی» را مطرح کرده‌اند و در رسانه‌هایشان به صورت گسترده بدان می‌پردازند. اگرچه پیشینه این کار به زمان ظهور دین اسلام برمی‌گردد، ولی امروزه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در بیشتر کشورهای غربی، گستره و عمق آن بیشتر شده است.

با توجه به دیدگاه‌های اسلام‌ستیزانه و اسلام‌هراسانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا، موج جدید اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب، به ویژه در اروپا و آمریکا راه افتاده است و این رویکرد حاکی است که دولت‌های غربی، با بهره‌گیری از ابزارهایی می‌توانند تصویری رادیکال از مسلمانان را به نمایش بگذارند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا اشاراتی به مفهوم اسلام‌هراسی، زمینه‌ها و عوامل اسلام‌هراسی دارد و سپس ابزارهای بهره‌مندی غرب از اسلام‌هراسی را تشریح می‌کند و در پایان راهبردهایی پیش روی مسلمانان قرار می‌دهد که بهره‌گیری از آنها می‌تواند به معرفی معارف اسلام حقیقی و افشای اسلام‌هراسی غرب کمک کند.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی، تمدن غرب، مسلمانان، یازدهم سپتامبر، رادیکال‌گرایی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مالک اشتر تهران montazeran.javid@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۳۰

مقدمه و بیان مسئله

روابط غرب با اسلام بعد از جنگ‌های صلیبی، همواره خصمانه بوده است. در عصر حاضر، به ویژه بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر و اعلام جنگ‌های صلیبی توسط جورج بوش، تحلیلگران توجه بیشتری به این روابط نشان داده‌اند. غربی‌ها با اذعان به گسترش روزافزون اسلام در جهان غرب و افزایش جمعیت مسلمانان در این کشورها، موضوعی به نام اسلام‌هراسی را مطرح کرده‌اند و در رسانه‌هایشان به صورت گسترده به آن می‌پردازند. رسانه‌های غربی، با ارائه تصویری غیرواقعی از مسلمانان و اسلام و برداشتی یک‌جانبه از اسلام، این‌گونه به افکار عمومی خود القا می‌کنند که مسلمانان خود را برتر از دیگران می‌دانند؛ اسلام در صدد است بر سراسر جهان حکومت کند؛ اسلام حقوق بشر را نقض می‌کند؛ اسلام مروج خشونت‌طلبی، حامی و مولد تفکر تروریستی است؛ اسلام با حکم جهاد، جنگ و خون‌ریزی را امری مقدس می‌شمارد (شیروودی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳۸ و ۱۷۶).

پیشینه پدیده هراس از اسلام به زمان ظهور دین اسلام برمی‌گردد، هرچند امروز، به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، در بیشتر کشورهای غربی، اسلام‌هراسی گسترده شده و عمق یافته است. اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد. سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت گسترده استفاده شده است. مؤسسه رانیمد تراست انگلستان که به موضوع تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷ اسلام‌ترسی را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام» و بنابراین ترس و نفرت از همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی انگلستان دلالت دارد. اسلام‌ترسی همچنین دربردارنده این برداشت است که اسلام ارزشی مشترک با فرهنگ‌های دیگر ندارد و در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد و بیش از اینکه دین باشد یک ایدئولوژی سیاسی است. با این تلقی می‌توان ادعا کرد که اسلام‌هراسی پدیده‌ای دیرین با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخص است که می‌تواند در سطح اروپا و آمریکا- به عنوان خاستگاه اولیه آن- بررسی مستقل و جداگانه‌ای شود (مرشدی زاد و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

رفتارها و فعالیت‌های اسلام‌هراسانه و اسلام‌ستیزانه پدیده‌هایی تحت کنترل کامل دولت‌ها نیستند. در بسیاری موارد، دولت‌ها بروز چنین حرکت‌هایی را مغایر منافع خود می‌بینند و از

آن ابراز تأسف و نارضایتی می‌کنند. با این حال موارد فراوانی اتفاق افتاده که دولت‌ها خود به عنوان کارگردان اصلی عمل کرده‌اند. مهم این است که اسلام‌هراسی اساس طرح نظریه‌هایی مانند «برخورد تمدن‌ها» است و تقویت آن ممکن است به مثابه چالشی بزرگ در برابر صلح و همزیستی ملت‌ها عمل کند.

در پی بروز اتفاقاتی نظیر چاپ کاریکاتوری موهن از پیامبر اسلام(ص) در یک روزنامه دانمارکی یا فراخوان کلیسای آمریکایی برای قرآن‌سوزی، با اینکه بسیاری از دولت‌های جهان اسلام موضع منفعلانه‌ای اتخاذ کردند، واکنش گروه‌های مردمی عموماً حاکی از انزجار افکار عمومی مسلمانان از چنین حرکت‌هایی بوده است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

هم اکنون نیز دیدگاه‌های اسلام‌ستیزانه و اسلام‌هراسانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا، و وضع قوانین سخت‌گیرانه‌ای نظیر منع ورود مسلمانان به آمریکا که از آخرین تحرکات اسلام‌ستیزانه و اسلام‌هراسانه در غرب بوده است، نشان می‌دهد موج جدید اسلام‌ستیزی در غرب، به ویژه اروپا و آمریکا راه افتاده است. این رویکرد حاکی از آن است که دولت‌های غربی با بهره‌گیری از ابزارهایی می‌توانند تصویری رادیکال از مسلمانان به مخاطبان خود نشان دهند.

در این راستا مقاله پیش رو با پرداختن به مفهوم اسلام‌هراسی، ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل و ابزارهای بهره‌مندی غرب از اسلام‌هراسی را تشریح می‌کند و در پایان تلاش دارد رسالت پیش روی مسلمانان را که معرفی معارف اسلامی حقیقی و ابزارهای لازم برای افشای اسلام‌هراسی است، در قالب راهبرد ارائه دهد.

روش و نوع پژوهش

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پی آن است که تصویری مبتنی بر واقعیت از وضعیت موجود اسلام‌هراسی در غرب ارائه دهد. با توجه به اینکه سازمان‌های تصمیم‌گیر می‌توانند از نتایج این تحقیق برای مقابله با اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی بهره ببرند، این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی برای سازمان‌ها و مراکز تصمیم‌گیر و تأثیرگذار در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی و مذهبی محسوب می‌شود.

۱. تعریف اسلام‌هراسی

در ژانویه ۲۰۰۱ در «مجمع بین‌المللی استکهلم برای مبارزه با عدم تساهل» گام‌هایی برای پذیرش رسمی این اصطلاح برداشته شد و اسلام‌هراسی در کنار بیگانه ترسی و آنتی سمیتیزم به عنوان نوعی عدم تساهل پذیرفته شد. منابع مختلف علت اسلام‌ترسی را حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نیز حضور روزافزون مسلمانان در کشورهای غربی بیان کرده‌اند. «مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌ترسی» که یک نهاد نظارتی اروپایی است، در مه ۲۰۰۲ گزارشی با عنوان «خلاصه گزارش اسلام‌هراسی در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» منتشر کرد که بیان‌کننده افزایش حوادث مربوط به اسلام‌هراسی در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود (مرشدی زاد و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

تعدادی از افراد و سازمان‌ها کوشیده‌اند این واژه را تعریف کنند. کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل، در کنفرانسی درباره اسلام‌هراسی در سال ۲۰۰۴ گفت: «هنگامی که جهان مجبور است اصطلاحی برای نشان دادن تعصب و سرسختی در عقیده بیافریند، نشان از تحوّل تأسف‌انگیز و دشوار دارد.» این مطلب درباره اصطلاح اسلام‌هراسی صدق می‌کند. مؤسسه رانیمد تراست در سال ۱۹۹۶ «کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام‌هراسی» را به وجود آورد که ریاست آن را گوردون کانوی، معاون دانشگاه ساسکس، عهده‌دار بود. گزارش آنها با عنوان «اسلام‌هراسی: چالشی علیه تمامی ما» در نوامبر ۱۹۹۷ انتشار یافت. در این گزارش اسلام‌هراسی به عنوان «ترس و اکراه بی‌اساس در قبال مسلمانان، که باعث دفع آنها و تبعیض علیه آنها می‌شود» تعریف شده است.

استفن شوارتز، نویسنده آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان «محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی؛ برخورد با تعارضات مربوط به مسلمانان به عنوان اموری الزاماً حاصل اشتباه‌های آنها؛ تأکید بر اینکه مسلمانان درصدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند و اعلان جنگ علیه کلیت اسلام» تعریف کرده است (مرشدی زاد و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

در این راستا گزارش رانیمد هشت برداشت در ارتباط با اسلام‌هراسی را شناسایی کرده است:

۱. تمدن اسلامی بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون واکنش در مقابل تغییرات؛
۲. تمدن اسلامی به عنوان «دیگری» مجزاً که بدون ارزش‌هایی مشترک با فرهنگ‌های دیگر است، از آنها تأثیر نمی‌گیرد و بر آنها تأثیر نمی‌گذارد.

۳. تمدن بربری، غیر عقلانی، ابتدایی و جنسیت‌گرا در نظر گرفته می‌شود.
۴. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده، حامی تروریسم و درگیر در رویارویی تمدن‌ها؛
۵. اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی که برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود.
۶. انتقادهای مسلمانان از غرب انتقادهایی کهنه و منسوخ هستند.
۷. خصومت نسبت به اسلام به عنوان توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنها از جامعه استفاده می‌شود.
۸. خصومت ضد اسلام امری عادی در نظر گرفته می‌شود (مرشدی زاد و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

۲. جریان اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر

اسلام‌هراسی در تعبیری کلی عبارت است از نوعی ترس و نفرت گروهی از اسلام و مسلمین یا خصومت با مسلمین که در نتیجه آن زندگی و رشد و پیشرفت مسلمانان تحت تأثیر رفتارهای تبعیض‌آمیز و آزاردهنده با مشکل مواجه می‌شود. تصورات و برداشت‌های ویژه‌ای درباره اسلام و مسلمانان ترویج می‌شود که در چارچوب آنها به مسلمانان به مثابه گروهی استثنایی و دارای گرایش به خرافات، جمود فکری، خشونت و ترور و در عین حال، سلطه‌گری نگریده می‌شود، اما سهم آنها در رشد و پیشرفت تمدن بشری نادیده گرفته می‌شود. پدیده اسلام‌هراسی که اساساً در جهان غرب ریشه دوانده و عمدتاً در آنجا فرصت ظهور پیدا کرده، از عوامل مهم سوء تفاهم و ناسازگاری مسلمانان با غیرمسلمانان بوده است. اسلام‌هراسی در سطح کلی‌تر، زمینه‌ساز نوعی شکاف، رویارویی و برخورد بین مسلمانان و غیرمسلمانان است. در دهه‌های اخیر خیزش جریان‌های اسلام‌گرا و طرح تئوری‌هایی مانند «برخورد تمدن‌های اسلام و غرب» در گسترش مباحث مربوط به اسلام‌هراسی نقش مؤثری داشته‌اند.

البته مسئله اسلام‌هراسی محدود به جهان اسلام نیست و امروزه نمودهای آن در سایر مناطق از جمله آسیا نیز به چشم می‌خورد. برخی گروه‌های فعال در جهان غرب اصولاً گرایش‌های بیگانه‌هراسانه دارند و به طور کلی از بابت رشد جمعیت ساکنان غیر بومی اروپا و آمریکا ابراز نگرانی می‌کنند؛ اما به طور خاص‌تر، جهت‌گیری‌های ضد اسلامی آنها ملموس‌تر و آشکارتر است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۹).

۳. نمونه‌های تبعیض ناشی از اسلام‌هراسی در اروپا علیه مسلمانان

تبعیض‌ها و سوءرفتارهای ناشی از اسلام‌هراسی صورت‌بندی‌های متنوعی دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عرضه خدمات ناقص یا نامناسب در رستوران‌ها، مراکز تفریحی و بنگاه‌های مشابه؛
- رفتارهای عاری از نزاکت و غیرمحترمانه؛
- سوءظن و متهم‌سازی‌های نابجا؛
- زیر نظر گرفتن و کنترل کردن افراد در امکان عمومی؛
- بروز رفتارهایی که نشانه نگرانی و ترس است.
- تمسخر مستقیم و غیرمستقیم؛
- توهین‌های لفظی و استفاده از برچسب‌هایی چون تروریست؛
- اجتناب از برقراری روابط نزدیک و دوستانه؛
- بروز رفتارهایی که نشانه دست‌کم یا سطح پایین گرفتن مسلمانان است.
- نظارت و کنترل پلیسی فراتر از حد متعارف؛
- ضرب و شتم جسمی و سایر رفتارهای خشونت‌آمیز؛
- تبعیض در جذب و استخدام افراد در مشاغل خصوصی و دولتی؛
- تبعیض در عرضه خدمات پلیسی و قضایی.

۴. ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی پدیده‌ای دیرین با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخص است که می‌تواند در سطح اروپا و آمریکا، به عنوان خاستگاه اولیه آن، بررسی مستقل و جداگانه‌ای شود.

الف) عوامل تاریخی اسلام‌هراسی

سابقه خصومت مسیحیان با مسلمانان به قرن هشتم میلادی باز می‌گردد، ولی باید اذعان کرد اسلام‌ستیزی یا به تعبیر دیگر «اسلام‌هراسی» در غرب به ویژه اروپا ریشه دیرینه‌تری دارد و واکنشی به گسترش اسلام است؛ زیرا به عقیده آنان، اسلام از آغاز تا کنون چند مرحله غرب را به چالش کشیده است. قرن‌های اولیه هجری، جنگ‌های صلیبی، توسعه امپراتوری

عثمانی و رشد اسلام‌گرایی و ارزش‌های اسلامی در غرب حاکی از هراس غرب از اسلام بوده است (خراسانی، ۱۳۹۰: ۴۶).

گسترش اسلام در قرن‌های اولیه هجرت (قرن هشتم میلادی) از ایتالیا و فرانسه گرفته تا اسپانیا، نوعی هراس از مسلمانان و اسلام را در جهان مسیحیت به وجود آورد. حضور مسلمانان در اسپانیا (آندلس) ۸ قرن به طول انجامید. در قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، اعلان جنگ علیه مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی به برخورد با اسلام و مسلمانان ابعاد جدیدی بخشید. تسلط مسلمانان عثمانی بر بیزانس، پایتخت روم شرقی، در قرن ۱۵ میلادی و تحت کنترل درآوردن بخش‌های گسترده‌ای از اروپا (که تا محاصره وین، پایتخت اتریش هم پیش رفت) مسیحیان ارتدوکس را در مناطق گسترده‌ای تحت کنترل مسلمانان قرار داد و قلمرو مسیحیان کاتولیک را هم مرز مسلمانان کرد. طی قرن‌های ۱۹ و ۲۰، توقف، انفعال و رکود در جهان اسلام از نگرانی گروه‌های ضد اسلامی کاست. از این زمان، غرب در حالتی تهاجمی قرار گرفت و مسلمانان سنگر به سنگر مواضع خود را واگذار و عقب‌نشینی کردند. پس از احیای مجدد و بازیابی هویت جهان اسلام که از اواخر قرن بیستم، به ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد، به تدریج بار دیگر احساس ترس از اسلام و مقابله با مسلمانان در غرب در ابعاد جدیدی آغاز شد (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

عامل دیگر در شکل‌گیری اسلام‌هراسی در فرایند تاریخی ناشی از اقدامات برخی به اصطلاح خاورشناسان غربی بوده است. همواره برخی پژوهشگران غربی با عنوان مستشرق یا خاورشناس به تحقیق، نقد و بررسی علمی موضوعات اسلامی پرداخته‌اند؛ اما این عده به بهانه تحقیق و اسلام‌شناسی همان اهداف کینه‌توزانه قرون وسطایی را تعقیب می‌کردند. از جمله این شرق‌شناسان می‌توان به تئودور نولدکه، گارل بروکلمان، ژوزف شاخت، گارل هینریش بکر و... اشاره کرد. اگرچه خدمات ارزنده برخی مستشرقان در شناساندن اسلام قابل تحسین و تقدیر است، اما هیچ‌گاه نمی‌توان از غرض‌ورزی‌ها، خیانت‌ها، تحریف‌ها، تهمت‌ها و خلاف‌واقع‌گویی‌های بعضی دیگر از آنان چشم‌پوشی کرد. برای مثال «اسلام چیز تازه‌ای نیاورده و هرچه دارد از ادیان پیشین گرفته است؛ اسلام ناسازگار با علم و دانش و مظاهر تمدن است؛ نسبت دادن شهوت‌پرستی به دین اسلام؛ شخصیت نداشتن زنان در دین اسلام؛ مخالف تمدن و تجدد بودن اسلام؛ اسلام دین بردگی است؛ اسلام دین باج‌گیران و آیین

جمود افکار و اندیشه هاست و... که بیش از همه عوامل در تخریب چهره واقعی اسلام مؤثر بوده است.

ادوارد سعید معتقد است این وارنه‌گویی‌ها معلول عوامل زیادی است که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱. تسلط کافی نداشتن به زبان عربی و معارف و حقوق اسلامی؛
۲. دسترسی نداشتن به برخی مأخذ و منابع اصیل به ویژه کتب مستند؛
۳. متأثر بودن از محیط و نوشته‌های غربی که نوعاً با اغراض ضد اسلامی آلوده است.
۴. مأنوس نبودن با روحیه و خصوصیات مردم شرق و فلسفه مشرق‌زمین؛
۵. تقید به مذهب و مسلک و مرام فکری و رسوبات اعتقادی خاص و اصرار در توجیه و تعلیل همه پدیده‌ها و جریان‌های دینی بر پایه آنها؛

۶. وابستگی برخی از این مستشرقان به استعمار و قدرت‌های استعماری، دستگاه تبشیری مسیحیت و صهیونیسم جهانی که مأموریت آنها تخریب چهره واقعی اسلام است (پور اسماعیلی، ۱۳۹۱).

باید پذیرفت از ابتدای رویارویی مسیحیت با اسلام تا زمان حاضر، مبلغان مسیحیت همواره استحاله و نابودسازی ارزش‌های اسلامی به ویژه در حوزه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام و در نهایت اگر نگوییم مسیحی کردن مسلمانان، دست کم تحقیر مسلمانان در برابر مسیحیت را در دستور کار خود قرار داده‌اند (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

ب) عوامل جمعیتی، مهاجرت و تقابل فرهنگ‌ها

اصطلاح اسلام‌هراسی از اواخر دهه ۱۹۸۰ در غرب رایج شد. ریشه این پدیده نگران‌کننده به زمانی باز می‌گردد که جامعه غربی با تئوری اجتماعی چند فرهنگی و هویت سیاسی روبه‌رو و مجبور شد ذهن متفکران خود را نسبت به بیگانه‌هراسی و عدم پذیرش فرهنگ‌های بیگانه حساس کند و از آنها بخواهد راه‌حلی برای پذیرش چند فرهنگی در جوامع غرب بیندیشند. در این میان، مواجهه جهان غرب با موج درخور توجه مهاجران مسلمان که در اکثر کشورهای اروپایی بیشترین رقم اقلیت‌های مهاجر را تشکیل می‌دهند، به بزرگ‌ترین چالش اجتماعی تبدیل شد. جوامع مسلمان مایل به ادغام در جوامع غربی نبودند. مسلمانان با نشانه‌های بارز ظاهری که در نوع پوشش ظاهری زنان و آرایش مردان آنها مشهود بود، عدم تطبیق خود با کشورهای مذکور را به رخ می‌کشیدند. در این میان جوامع اروپایی نیز تلاشی برای شناختن صحیح آنها

نکردند و ترجیح دادند شهروندان اروپایی و آمریکایی آنها را بیگانه بدانند. در اوایل ۱۹۹۰ واژه «بیگانه‌هراسی» که از آن به عنوان یک آسیب جدی اجتماعی برای شهروندان اروپایی یاد می‌شود، جای خود را به واژه اسلام‌هراسی داد (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۲۱).

با وجود این، در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر، افزایش حساسیت نسبت به مسلمانان در اروپا سبب شده است امور آنان با دقت و موشکافی دنبال شود. برای نمونه، احزاب دست راستی اظهار می‌دارند که برای چهار سال پی در پی نام «محمد» برای کودکان پسر که در «بروکسل» به دنیا آمده‌اند، بیش از نام‌های دیگر بوده است. یک حزب دست راستی دانمارکی چندی پیش در پوستر انتخاباتی خود، دختر بلوند جوانی را نشان داد که زیر آن نوشته شده بود: وقتی این دختر بازنشسته شود، بیشتر جمعیت دانمارک را مسلمانان تشکیل می‌دهند. مخالفت‌ها با مسلمانان در اروپا تا آنجا پیش رفت که برخی صاحب‌نظران مستقل و حتی اروپایی معتقدند تمام ایرادات مربوط به وضعیت حقوقی بشر، آزادی‌های اقتصادی و غیره درباره پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بهانه‌ای بیش نیست و موضوع اصلی نگران‌کننده برای مخالفین، دین مردم ترکیه و تغییر چهره اتحادیه اروپا از نهادی مسیحی به نهادی مختلط است. هم‌اکنون شش میلیون ترک در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند که این میزان بیش از جمعیت برخی دولت‌های اروپایی است. حال اگر ترکیه مسلمان با ۷۵ میلیون جمعیتش به اروپا بپیوندد، قطعاً چندین میلیون ترک مسلمان به امید زندگی بهتر راه اروپا را پیش می‌گیرند؛ در این صورت دیگر نمی‌توان از هویتی مسیحی سخن به میان آورد. شاید به همین علت «منصور آغان»، روشنفکر و اندیشمند مشهور ترک، در مصاحبه‌ای با نشریه معتبر *فارین پالسی* در پاسخ به سؤالی درباره مقایسه وضعیت حقوق بشر در ترکیه و رومانی این‌گونه پاسخ می‌دهد: «بین ما و رومانی یک تمایز وجود دارد: آنها مسیحی‌اند و ما نیستیم. البته ما مسیحیانی داریم که در ترکیه زندگی می‌کنند و به همان اندازه نیز یهودیان و اقلیت‌های دینی دیگر نیز هستند، اما ترکیه کشوری اسلامی است و اروپاییان این ایده را نمی‌پسندند که یک کشور مسلمان وارد اتحادیه اروپا شود» (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳).

ج) غیریت‌سازی

دنیای غرب بعد از جنگ جهانی دوم، سیاست‌ها و اهداف خود را در جهان در راستای مقابله

با نفوذ کمونیسم و شوروی سابق سامان می‌داد و از آن به «خطر سرخ» یاد می‌کرد؛ اما پس از فروپاشی شوروی سابق، غربی‌ها در پی غیریت‌سازی‌های جدیدی برای توجیه رفتارها و کنش‌های توسعه‌طلبانه خود برآمدند. به عبارتی یافتن تهدید جدید می‌توانست موجب بازسازی هویت انسان غربی شود؛ از این رو این مهم به یکی از دغدغه‌های اصلی نظریه پردازان و حاکمان مغرب‌زمین تبدیل شد. بنابراین نظریه‌هایی همچون «برخورد تمدن‌ها» و «پایان تاریخ» و... را مطرح کردند و در پی ساختن نظم نوین جهانی برآمدند. واقعه ۱۱ سپتامبر هم به این مسئله شدت بخشید و مسئله تروریسم اسلامی مطرح و از اسلام به عنوان «خطر سبز» یاد شد. در نتیجه جوامع غربی حول محور مقابله با این تهدید شروع به غیریت‌سازی با اسلام کردند. بنابراین اسلام و ارزش‌های اسلامی و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی، فرهنگ و تمدن غربی محسوب شدند و به کمک ابزارها و تکنولوژی‌های رسانه‌ای پیشرفته افکار عمومی غرب را تحریک و اسلام را جایگزین خطر کمونیسم و شوروی کردند. از این چشم‌انداز، پس از فروپاشی شوروی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل، سخن از جنگ سرد دیگری است که این بار نه تنها در ساحت قدرت سخت، بلکه در ساحت قدرت نرم و بر پایه تجدید هویت‌های منطقه‌ای که بر قوم و مذهب تأکید دارند، استوار شده است و عمدتاً غیریت‌سازی‌های فرهنگی و تمدنی معیار اصلی دسته‌بندی‌ها و یادگیری‌ها در سطح بین‌المللی است. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران از جمله جوزف نای، نویسنده کتاب قدرت نرم، نقشی که در دوران جنگ سرد به شوروی و کمونیسم داده شده بود، پس از فروپاشی شوروی به اسلام داده شد (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۲۴).

د) بحران هویت در اروپا و آمریکا

بحران هویت در غرب در دو دهه آخر قرن ۲۰ به اوج خود رسید و در دهه ۱۹۹۰ به ویژه با رشد فزاینده عملیات تروریستی در کشورهای آفریقایی، آسیای میانه و قفقاز، خاورمیانه عربی و آسیای جنوب غربی و شرقی، این مسئله حتی گفتمان جنگ و تنازع تمدن‌ها را به کمک متفکران آمریکایی مانند هانتینگتون و دیگران در حوزه‌های اروپایی و حتی آسیایی، وارد ادبیات سیاست و روابط بین‌الملل کرد (اکبری کریم آبادی، ۱۳۹۳: ۲۵). در آخرین روزهای سال ۲۰۰۹ «رمزی بارود» در مجله سیاست خارجی در مقاله‌ای با عنوان «مسلمانان نباید هزینه بحران هویت اروپا را بپردازند» نوشت: در اروپا و بسیاری

فرهنگ‌های دیگر فرود هویت ملی و دینی (مسیحیت) باعث شده است رهبران سیاسی، فکری و اجتماعی تخطئه و تبعیض علیه اسلام و مسلمانان را در اولویت قرار دهند. به گفته «شاهد مالک»، نخستین وزیر مسلمان دولت بریتانیا، مسلمانان امروز، «یهودیان اروپای» دیروز تلقی می‌شوند و شاهد نژادپرستی و تبعیض هستند.

در پیمایشی در سال ۲۰۰۴ که در انگلستان انجام گرفت، ۸۰ درصد مسلمانانی که با آنها مصاحبه شد، ابراز کردند به دلیل دین‌شان مورد تبعیض واقع شده‌اند؛ حال آنکه این رقم در سال ۲۰۰۰، ۴۵ درصد و در سال ۱۹۹۹، ۳۵ درصد بود. دفاتر ضد تبعیض در هلند طی چند سال گذشته تعداد روزافزونی شکایت در خصوص آنچه «تبعیض نژادی دارای انگیزه‌های دینی» نامیده شده است، دریافت کرده‌اند و بیشتر شکایت‌کنندگان در سال ۲۰۰۳ به عنوان مسلمان یا به نیابت از مسلمانان ثبت نام کرده‌اند (مرشدی‌زاده و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۴).

ه) عوامل مؤثر دیگر در رشد اسلام‌هراسی

در مقطع کنونی، علاوه بر عوامل جمعیتی و تاریخی و... چند عامل دیگر به رشد اسلام‌هراسی در اروپا کمک کرده است:

۱. شهروندان اروپایی گمان می‌کنند مسلمانان افرادی منزوی، جدایی‌طلب و گوشه‌گیرند که تمایلی به حل شدن در جامعه ندارند و از معاشرت و تبادل فرهنگی و معیشتی با غیرمسلمانان دوری می‌کنند.

۲. شهروندان اروپایی و غربی فکر می‌کنند که دین اسلام یک دین تک‌صدایی، راکد و بی‌اعتنا به تغییر و تحول است و از آن رو جایی در جامعه مدرن ندارد.

۳. اروپایی‌ها مسلمانان را بزرگ‌ترین منتقدان خود می‌دانند.

۴. تلاش طولانی اروپا و غرب برای تحقیر مسلمانان و معرفی اسلام به عنوان دینی غیرمنطقی و بدوی به دنیای غرب به ویژه نسل‌های جدید (ایرانلو، ۲۶ مهر ۱۳۸۵: ۱۱)؛

۵. تصویر غرب مبنی بر اینکه اسلام در پی حکومت کردن بر آنان است.

۶. به باور بسیاری از اروپاییان و غربی‌ها، هر قدر که اسلام و دموکراسی در تئوری با یکدیگر موافق و همگام باشند، در عمل با یکدیگر ناسازگاری دارند.

۷. معرفی اسلام به عنوان دینی ضد زن و غیرمسلمانان؛

۸. رشد و تقویت گرایش‌های راست افراطی و احزاب افراطی در اروپا (به ویژه در کشورهای اتریش، ایتالیا، هلند، فرانسه و آلمان)؛

۹. شرایط نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر و عملکرد رسانه‌های غربی در پیوند دادن اسلام با خشونت (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۲۵).

در مجموع می‌توان گفت اسلام‌هراسی به چهار شیوه بروز می‌کند که عبارت‌اند از: خشونت، تبعیض، پیش‌داوری و طرد. در این میان شیوه‌های رایج خشونت‌ورزی، حملات فیزیکی، تخریب و آسیب‌رسانی به اموال و حملات لفظی را شامل می‌شود. تبعیض به صورت تبعیض در محل کار و تبعیض در ارائه خدمات (آموزش، بهداشت و...) بروز می‌کند. پیش‌داوری در دو حوزه عمده بروز می‌یابد: یکی در رسانه‌ها و دیگری در گفت‌وگوها و برخوردهای روزمره. طرد بیشتر در سه حوزه نمود می‌یابد: در سیاست و حکومت، اشتغال و نیز در مدیریت و مسئولیت. در عین حال، این موارد به گونه‌ای در هم تنیده‌اند که نمی‌توان مرزی قطعی بین آنها گذاشت. برای مثال، طرد از حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی خود نمونه‌ای از تبعیض نیز محسوب می‌شود. انتشار کاریکاتورها علیه اسلام و مسلمانان، گرچه در زمره پیش‌داوری‌ها محسوب می‌شود، نمی‌توان آن را از مقوله خشونت (توهین لفظی) ندانست (مرشدی‌زاده و غفاری هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۵. ابزارهای اسلام‌هراسی در غرب

الف) اسلام‌هراسی با رسانه

بخش درخور توجهی از بار اسلام‌هراسی معاصر بر دوش رسانه‌های غربی نهاده شده است. نقطه مشترک اغلب این رسانه‌ها ارائه تصویری مخدوش، غیرعقلانی، خشن و هراس‌آور از اسلام و مسلمانان است. رسانه‌های غربی در پوشش‌های خبری خود همه مسلمانان را در ظرفی واحد قرار می‌دهند و با اسلام به عنوان یک تهدید رفتار می‌کنند. هیچ‌یک از اقلیت‌های دیگر ساکن غرب این چنین زیر ذره بین رسانه‌ها نبوده‌اند که اعتقادات شخصی و حیات اجتماعی آنها این‌گونه مورد سؤال و تفحص قرار گیرد. در روند رسانه‌ای اسلام‌هراسی در غرب، مراحل و شگردهای متفاوتی در دستور کار قرار گرفته است. هتاک‌های مستقیم رسانه‌ای به اسلام و مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر طی گزارش‌ها و تصاویر مختلف شگرد اولیه این رسانه‌ها بود که اوج آن در انتشار کاریکاتورهای موهن روزنامه جیلاند پوستن دانمارک در سپتامبر ۲۰۰۵

مشاهده شد که سایر رسانه‌های غربی نیز در حمایت از این اقدام موهن به انتشار آنها پرداختند. ساخت و پخش فیلم‌های «تسلیم» به کارگردانی تئو ون گوگ و «فتنه» به کارگردانی گرت ویلدرز از نمونه‌های دیگر این اقدامات بود.

شگرد دیگر رسانه‌های غربی انتخاب و کنار هم چیدن تصاویر و تفاسیر خاص برای ایجاد برداشت‌های جهت‌دار در مخاطبان است که با رویکردی غیرمستقیم تلاش دارد چهره‌ای منفی از اسلام و مسلمانان ارائه کند. برای نمونه هرگاه یک برنامه تلویزیونی درباره مسائلی مانند تروریسم بحث می‌کند پشت صحنه، تصویر زنی نقاب‌دار، یک مسجد یا مرد مسلمانی در حال نماز، نمایش داده می‌شود. در حال حاضر روزی نیست که رسانه‌های غربی به بهانه وقایع روزمره‌ای که به جهان اسلام مربوط می‌شود، به ارائه تحلیل‌های جهت‌دار در خصوص اسلام نپردازند. در واقع، در خصومت با اسلام و مسلمانان یک برخورد هیستریک جمعی از سوی رسانه‌های غربی مشاهده می‌شود.

علاوه بر تحلیلگران غربی حاضر در رسانه‌ها که به ارائه تفاسیر جهت‌دار درباره اسلام و مسلمانان می‌پردازند، چهره‌های ضد دین اصالتاً مسلمان ابزار بهتری برای سیاه‌نمایی‌های رسانه‌های غربی درباره اسلام هستند. این رسانه‌ها تریبون‌های زیادی در اختیار افرادی در داخل جوامع مسلمان قرار می‌دهند که دیدگاه منتقدانه درباره اسلام دارند یا از موضع یک مسلمان سابق به خصومت با اسلام می‌پردازند. ما این حقیقت را در توجه زیاد به بنیاد کوئلیام در انگلیس مشاهده می‌کنیم.

بنیاد کوئلیام در سال ۱۳۸۷ با هدف مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی تأسیس شده و به حزب لیبرال انگلیس نزدیک است. توجه به احزاب راست افراطی ضد اسلام حتی قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر در اروپا آغاز شد. در سال ۱۹۹۹ جنبش آزادی اتریش به رهبری یورگ‌هایدر با گرایش‌های ضد مهاجرت و بیگانه‌ستیزی مقام دوم را در انتخابات ملی کسب کرد. در ایتالیا دو حزب با تمایلات بیگانه‌ستیزی در انتخابات ۲۰۰۱ توفیقاتی کسب کردند. در سال ۲۰۰۲ ژان ماری لوپن، چهره معروف ضد مهاجرت فرانسه و رهبر جبهه ملی، به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری صعود کرد و رقیب شیراک شد. بعد از ۱۱ سپتامبر نه تنها گرایش به این احزاب رو به رشد بوده، بلکه رهبران سیاسی احزاب دیگر هم از شعارهای سیاسی احساسی علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند تا آرای با گرایش راست افراطی را جذب کنند.

در هلند «آیان حرسی علی»، زن مسلمان سومالیایی، بعد از ارتداد از اسلام و تبلیغ علیه

اسلام، به چهره‌ای ملی تبدیل شد. نمونه دیگر کم‌دین‌نروژی پاکستانی‌الصل، شعبانه رحمن، بود که عکس‌های برهنه او منتشر شد؛ در حالی که پرچم نروژ را روی بدن خود کشیده بود و لباس‌های پاکستانی خود را دور می‌انداخت. مرکز اروپایی پایش، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی رسانه‌های اروپایی را به دلیل استفاده از تصویرسازی‌ها و کلیشه‌های منفی و قلمداد کردن مسلمانان به عنوان تروریست و «ستون پنجم» ملامت می‌کند.

می‌توان گفت گروه‌های قدرتمند با تسلط بر جریان اصلی رسانه‌ها (به عنوان یکی از منابع قدرت در دنیای جدید) به شکل هوشمندانه‌ای عمل می‌کنند و در این راستا، روش‌ها و ابزارهای جدیدی در انتقال پیام و اقناع مخاطب به کار می‌برند. از این رو در بحث اسلام‌هراسی و ضدیت با اسلام و مسلمانان، از مفاهیم قدیمی و عامیانه نژادپرستی (رنگ پوست، نوع نژاد، نژاد برتر، نژاد پست و...) و اختلافات آشکار مذهبی صحبتی به میان نمی‌آورند و در مقابل، با ابزارهای دیگری پیام خود را به شکل باورپذیر و توجیه‌پذیر به مخاطب ارائه می‌دهند. برای مثال، مسئله‌ای که امروزه در بحث اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی و به همین نحو، در رسانه‌های بریتانیایی مطرح می‌شود، تأکید بر تمایزها و تفاوت‌های مسلمانان با جامعه میزبان است که پس از روشن کردن تفاوت‌ها، تلاش می‌کنند ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-مذهبی خود را در جایگاهی برتر و ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-مذهبی مسلمانان را در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دهند. به عبارت دیگر، پس از تمرکز روی اختلافات، در مرحله بعد، اقدام فرهنگ‌ها و ارزش‌های غربی را به عنوان یک ایده‌آل معرفی می‌کنند. پیامد چنین گفتمانی، مخالفت و بیگانه‌انگاری سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌هاست. البته این مسئله تنها یکی از جنبه‌های اقدامات اسلام‌ستیزانه رسانه‌ها به شمار می‌رود. نگرانی درباره رسانه‌ها وقتی شدت می‌یابد که برای بیشتر مردم تنها منبع کسب اطلاعات و اخبار (به ویژه آنهایی که با مسلمانان در ارتباط نیستند) این رسانه‌ها باشند (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۸-۱۰۰۹؛ درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۴).

در مجموع، رسانه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری و گسترش اسلام‌هراسی ایفا می‌کنند. براساس تحقیقات الیزابت پول در دایره‌المعارف مطالعات قومی و نژادی، رسانه‌ها نقشی مهم در ایجاد فضای ضد اسلامی و اسلام‌هراسی ایفا کرده‌اند. وی با مطالعه مقالات روزنامه‌های انگلیسی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیده است که رسانه‌ها اغلب در پی نمایش تصویری منفی از مسلمانان هستند که در نتیجه این تصاویر، مسلمانان یک تهدید و

دشمن برای ارزش‌های غربی محسوب می‌شوند. بن در کتاب *زنان مسلمان در جامعه انگلیس* معتقد است دشمنی و خصومت ضد اسلام در پیوند نزدیک با تصاویری از مسلمانان است که در رسانه‌ها به نمایش در می‌آید و در آن مسلمانان وحشی، بدوی، غیرمتمدن و بی‌فرهنگ معرفی می‌شوند. رسانه‌ها با استفاده از منابع مالی درخور ملاحظه و شبکه‌های متنوع در تلاش‌اند تصویری نامناسب از اسلام به افکار عمومی ارائه دهند. در همین حال، هر چند مسلمانان تلاش می‌کنند این تصویر نادرست را تصحیح کنند و به نوعی با این تصویر مقابله کنند، با توجه به سلطه جهانی رسانه‌های غربی، عموماً تلاش‌های آنها بی‌فایده (یا کم‌فایده) بوده است. غرب براساس تجربه‌های جنگ‌های جهانی و دوران جنگ سرد، توان بسیار حرفه‌ای در راه تبلیغات و انتقال پیام‌های مد نظرش دارد و این چیزی است که مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند. بیشتر رسانه‌های غربی از حوادث پس از ۱۱ سپتامبر برای اهداف سیاسی خود بهره‌برداری می‌کنند. این رسانه‌ها اسلام را در اشکال «رادیکالیسم»، «بنیادگرایی» و «افراط‌گرایی» نمایش می‌دهند. روشن است در دنیای پست‌مدرن و در فضایی که رسانه‌ها نقش محوری دارند، تصاویر واقعی‌تری فراتر از حقیقت می‌یابند. رسانه‌های بریتانیایی در تلاش‌اند مسلمانان را تروریست و تهدید برای امنیت غرب معرفی کنند تا هم از گسترش اسلام جلوگیری و هم به نوعی جنگ افغانستان و عراق را توجیه کنند. همین تلاش‌ها و جریان‌ها در سال‌های اخیر موجب شکل‌گیری بخشی از جریان اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در جامعه بریتانیا شده است. برخی اختلافات بین مسلمانان و جریان‌های اصلی رسانه‌ای را امری عادی تلقی می‌کنند، اما واضح است که این چالش فراتر از یک اختلاف نظر است؛ زیرا ضمن اینکه به طور روزافزون افزایش می‌یابد، تأثیرات عمیقی هم بر زندگی مسلمانان داشته است. مسلمانان معتقدند رسانه‌ها تصویری نادرست از اسلام ارائه می‌دهند و تمرکز رسانه‌ها بیشتر بر جنبه‌ها و اخبار منفی است و توجهی به نکات مثبت نمی‌شود. با نگاهی کلی به بحث اسلام‌هراسی در رسانه‌های بریتانیا می‌توان سه محور اصلی را شناسایی کرد که عموماً اغلب اخبار و گزارش‌ها و مقاله‌های مربوط به مسلمانان، براساس این نقاط محوری سازماندهی و بیان می‌شوند (درخسه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۵).

ب) اسلام‌هراسی در ابعاد رسمی

اسلام‌هراسی نه فقط میان بخشی از افکار عمومی غرب و راست‌گرایان و ملی‌گرایان افراطی بلکه

در محافل رسمی و سیاسی نیز نفوذ کرده است تا جایی که برخی از ظهور مجدد مک کارتیسم این بار در اروپا صحبت می‌کنند. به رغم وضعیت هشداردهنده اسلام‌هراسی در غرب، دولتمردان غربی همچنان نسبت به ایده، مفهوم و واقعیت اسلام‌هراسی بی‌اعتنا هستند و عامدانه این واقعیت را نادیده می‌گیرند. برخی خود مسلمانان را در روند رو به رشد اسلام‌هراسی مقصر می‌دانند. برخی دولتمردان غربی نه تنها واقعیت‌های موجود در فضای رو به وخامت اسلام‌هراسی در غرب را نادیده می‌گیرند، بلکه ادعا می‌کنند که اسلام‌هراسی پرده‌ای است که مسلمانان در پناه آن خود را از انتقادات مشروع و معتبر پنهان می‌کنند.

اما نقش محافل رسمی غرب در رشد روزافزون اسلام‌هراسی، تنها در نادیده گرفتن این واقعیت خلاصه نمی‌شود، بلکه دولتمردان غربی خود در گسترش این روند نقش مهمی بر عهده گرفته‌اند. با توجه به گسترش گرایش‌های اسلام‌ستیزانه به ویژه در اروپا و با در نظر گرفتن ظرفیت این موضوع برای جذب آرای بخشی از رأی‌دهندگان، سیاست‌مداران اروپایی برای جلب نظر این دسته از رأی‌دهندگان گوی سبقت را از هم می‌ربایند. به ویژه که در سال‌های اخیر احزاب راست افراطی اروپا که نقطه مشترک همه آنها مخالفت با مسلمانان مهاجر است، موفقیت‌هایی در انتخابات پارلمانی به دست آورده‌اند. این احزاب که زمانی بروز آنها تنها در کشورهایی مانند فرانسه و اتریش ملموس بود، اکنون به احزابی دارای کرسی و صاحب نفوذ در کشورهایی مانند سوئد، هلند، انگلیس، دانمارک و ایتالیا تبدیل شده‌اند. به بیان دیگر گفتمان ضد اسلامی اکنون خود را در سطح رسمی تثبیت کرده و در مجامع رسمی صاحب صدا شده است. در سال ۲۰۱۰ پس از انتخابات پارلمانی هلند که راست‌های افراطی رأی درخور توجهی کسب کردند، دولت ائتلافی شکل گرفت که گرت ویلدزر، رهبر راست‌گرایان افراطی و چهره معروف ضد اسلام، عضو آن بود. راست‌های افراطی سوئد هم در انتخاباتی که محور آن را تهاجم به اسلام قرار داده بودند، توفیقاتی کسب کردند. در آلمان هم وضعیت برای مسلمانان به وخامت گراییده است. بحث‌های اسلام‌هراسی زمانی در آلمان اوج گرفت که در سال ۲۰۱۰ تیلو سارازین، سیاست‌مدار و عضو سابق هیئت مدیره بانک فدرال آلمان، کتاب *آلمان خود را محو می‌نماید* را منتشر کرد. وی در این کتاب مطرح کرده بود که چون مهاجران مسلمان از نظر ژنتیک هوش کمتری دارند و بازدهی و کارایی‌شان کمتر است، آلمان را به سمت تبدیل به ملت کودکان‌ها رهنمون می‌سازند. در اکتبر همان سال مرکل، صدر اعظم آلمان، اعلام کرد سیاست تکثر فرهنگی شکست خورده است. در فرانسه

نیز سارکوزی، رئیس‌جمهور این کشور، پیشگام گفتمان اسلام‌هراسانه است و علاوه بر تصویب قوانینی در ایجاد محدودیت برای مسلمانان، با راه انداختن بحث هویت ملی، بر حساسیت‌ها در قبال مسلمانان این کشور افزود.

تصویب قوانین علیه مسلمانان در اروپا متأثر از موج اسلام‌هراسی و نیز نگرانی از رشد روزافزون شمار مسلمانان، از جمله اقدامات برخی دولت‌های اروپایی است. این جریان که با ممنوعیت حجاب دختران مسلمان در فرانسه آغاز شد، در سال‌های بعد با ممنوعیت ساخت مناره مساجد در سوئیس در سال ۲۰۰۹، مخالفت با ساخت مساجد در کشورهای مختلف اروپایی و تصویب قوانینی در منع برقع زنان مسلمان در اماکن عمومی در فرانسه و بلژیک در سال ۲۰۱۱ ادامه یافت. در این فضای مسموم، خصومت با اسلام مانند یک لکه نفتی از یک کشور به کشور دیگر سرایت می‌کند. ما شاهد فضای تندی از اسلام‌هراسی هستیم که برخی صاحب‌نظران از آن به عنوان «مک کارتیسم جدید» یاد می‌کنند. بخش عمده این فضا متمسک به آنچه جنگ با تروریسم گفته می‌شود می‌باشد.

پس از ۱۱ سپتامبر امکان سوءاستفاده دولت‌های غربی از فضای ضد مسلمانان و تحمیل محدودیت‌های بیشتر بر آنان فراهم شد. تعریف موسع اتحادیه از تروریسم باعث ایجاد یک نظام جزایی جداگانه برای مسلمانان و رای حاکمیت متعارف قانون شده است. تعاریف اتحادیه از تروریسم از این برداشت آغاز می‌شود که اسلام مساوی چنین تهدید بزرگی است و اینکه هر مسلمان باید در خصوص نشانه‌های رادیکالیسم زیر نظر قرار گیرد (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۰-۱۰۱۱).

ج) بهره‌مندی از گفتمان آخرالزمانی مسیحیان راست‌گرا (مسیحیان صهیونیست)

در جهان غرب، مسیحیان، به خصوص شاخه‌های پروتستان، در ترویج اسلام‌هراسی نقش مهمی داشته‌اند. این گروه‌ها با توجه به تجربه تاریخی خاصی که درباره نقش و دخالت دین در عرصه اجتماع طی سده‌های میانه دارند، معمولاً به دخالت ادیان در زندگی اجتماعی حساس‌اند. حال با توجه به نقش اجتماعی دین اسلام، بین مسیحیان حساسیت ویژه‌ای درباره گسترش اسلام‌گرایی شکل گرفته است. این مسیحیان در توصیف اسلام غالباً از همان برچسب‌هایی بهره می‌گیرند که در وصف مسیحیت سده‌های میانه استفاده می‌کنند. این مسئله را باید در کنار متغیرهایی در نظر گرفت که یادآور منازعات و برخوردهای مسلمانان در سده‌های میانه است. بسیاری از مسیحیان بر این باورند که اسلام دین خشونت و رکود است؛ از این رو،

مسلمانان نیاز به رنسانس و اصلاحاتی دارند که در جهان غرب اتفاق افتاد و نقش دین را اساساً تغییر داد.

سه شاخه اصلی مسیحیت در جهان عبارت‌اند از: کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان. کشورهای جنوب اروپا و آمریکای لاتین عمدتاً کاتولیک‌اند؛ کشورهای اروپای شرقی و روسیه بیشتر پیرو کلیسای ارتدوکس هستند و کشورهای شمال اروپا و ایالات متحده به پروتستان گرایش دارند.

پروتستان‌ها به دو شاخه اصلی لیبرال و محافظه کار تقسیم می‌شوند. از ویژگی‌های عمده پروتستان‌های محافظه کار این است که ضمن گرایش به یهود و صهیونیسم، نگاه بدبینانه و خصومت آمیزی به مسلمانان دارند. کلیسایی که در فلوریدای آمریکا به مناسبت سالگرد ۱۱ سپتامبر فراخوان قرآن‌سوزی داد و به ویژه کشیش جونز از پروتستان‌های تندرو و محافظه کار به شمار می‌آیند. در توصیف این گروه از مسیحیان بعضاً از عناوینی نظیر مسیحیان راست یا مسیحیان صهیونیست استفاده می‌شود. البته همه پروتستان‌های محافظه کار و راست ضرورتاً چنین گرایش‌های تندروانه‌ای ندارند، اما عموماً به صورت گروهی تندرو و بنیادگرا شناخته می‌شوند. آنها تقریباً یک‌چهارم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند.

مسیحیان صهیونیست برآنند که ظهور مسیح مستلزم اتفاق بزرگی است که همان پیروزی و حکومت یهودیان است. آنها ضمن اعتقاد به برگزیدگی و رسالت یهودیان، به فلسطین به مثابه سرزمین موعود می‌نگرند. به نظر این گروه، تسلط دوباره یهودیان بر قدس در سال ۱۹۶۷ که نشانه و گامی بزرگ برای بازگشت مجدد مسیح است، به این علت اتفاق افتاد که اراده الهی با یهودیان بود. به اعتقاد صهیونیست‌های یهودی و مسیحی در آخر الزمان و پیش از ظهور مسیح، در منطقه‌ای بین فلسطین و اردن، جنگ بزرگی به نام «آرماگدون» یا «هارمجدون» روی خواهد داد که در آن دشمنان یهود و مسیح از سمت شرق خود را به منطقه آرماگدون می‌رسانند و سپس در جنگ با یهودیان شکست می‌خورند. پس از پیروزی اولیه دشمنان، مسیح موعود برای نجات یهودیان ظهور و با پایان پیروزمندانه جنگ، آنان را به مسیحیت هدایت خواهد کرد. سپس صلح و امنیت واقعی در کل جهان برقرار خواهد شد. قبل از ظهور دوباره مسیح، صلح در جهان معنی ندارد و مسیحیان باید مقدمات جنگ آرماگدون را فراهم آورند. از نظر بنیادگرایان صهیونیست، مسجد الاقصی و قبه صخره در بیت‌المقدس باید تخریب و به جای آن معبد بزرگ و هیکل سلیمان بنا شود. پس از جنگ،

بیت‌المقدس نقش مرکزیت حکومت جهانی را به عهده خواهد داشت. با این تفصیل، رویکرد مسیحیان راست به مسلمانان مشخص می‌شود. اگرچه این گروه جایگاه و موقعیت دقیق و مشخصی برای مسلمانان ترسیم نکرده‌اند، نگاهشان عموماً بر تقابل با جهان اسلام است. این رویکرد به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تقویت شده است. مسیحیان راست از ۱۱ سپتامبر به مثابه نماد تقابل مسلمانان با مسیحیان یاد می‌کنند و ضمن تأکید بر خشونت‌طلبی ذاتی اسلام به جنبه تهدیدآمیز آن علیه یهودیان و مسیحیان نظر دارند. بر این اساس در پی ۱۱ سپتامبر، آنها از اظهارات بوش درباره «جنگ‌های صلیبی» استقبال و از سیاست‌های جنگ‌طلبانه و آشننگتن در برابر کشورهای اسلامی حمایت کردند. از این دوره به بعد، مطالب زیادی در حمایت از آموزه‌های صهیونیستی مسیحیت نوشته شد. دفاع از صهیونیسم مسیحی به قلم دیوید پلوس و نمونه‌ای از آثاری است که در آن چنین ایده‌ای ترویج می‌شود. مسیحیان راست از ۱۱ سپتامبر به مثابه فرصت بزرگی برای ترویج اندیشه‌های ضد اسلامی خود استفاده کرده‌اند. آنها سخنرانی‌های بن‌لادن و همفکران او علیه یهودیت و مسیحیت و تعبیر خشونت‌آمیز آنان از آیات قرآن را به مثابه اسناد محکمی برای تخریب سیمای اسلام و مسلمانان معرفی کردند. اظهارات برخی رهبران راست مسیحی از جمله پاتریک رابرتسون، جری فالول و جری واینز نشان داد چگونه طرح مطالب سوء علیه اسلام بعد از ۱۱ سپتامبر به جزء ثابتی از گفتمان سیاسی راست مسیحی تبدیل شده است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۵).

ه) بهره‌مندی از جریان‌های رادیکال اسلامی

اهمیت این گفتار ریشه در این واقعیت دارد که در دهه‌های اخیر خیزش و فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا، به ویژه اسلام‌گرایی رادیکال، مبنای اساسی تقویت اسلام‌هراسی گروه‌های ضد اسلامی غرب بوده است. طی دو سده گذشته، دو جهت‌گیری متمایز در جنبش‌های اسلام‌گرا وجود داشته است: اسلام‌گرایان مدرن که معتقد به سازگاری اسلام و مدرنیته‌اند و از آن حمایت کرده‌اند و اسلام‌گرایان بنیادگرا و تندرو که به ناسازگاری اسلام و مدرنیته اعتقاد دارند و بعضاً از موضوع ضرورت منازعه بین آنها دفاع کرده‌اند و در این راستا کشورهای غربی از طرح مسائل مربوط به خشونت، منازعه و تروریسم بهره می‌برند. عمده‌مباحث اخبار غربی‌ها مربوط به حوادث تروریستی و افراط‌گرایان مسلمان بوده است. درباره حضور مسلمانان و اسلام در کانون توجهات رسانه‌ای بریتانیا چند مقطع حساس به مثابه نقاط

عطف وجود دارد که بیان می‌شود.

مسئله سلمان رشدی: در ژانویه ۱۹۸۹ تظاهرات گسترده‌ای در شهر برادفورد در اعتراض به سلمان رشدی و انتشار کتاب *آیات شیطانی* در بریتانیا برگزار و نسخه‌هایی از این کتاب در این تظاهرات به آتش کشیده شد. این وقایع به‌طور گسترده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. این تظاهرات در حالی برگزار شد که کمیته امور اسلامی (یکی از تشکل‌های اسلامی) در ماه‌های قبل از مسئولان خواسته بود از انتشار این کتاب جلوگیری کنند. در این میان فتوای امام خمینی(ره) و درخواست مسلمانان بریتانیا برای اخراج سلمان رشدی و حوادث پس از آن به تنش میان مسلمانان و مسیحیان در سراسر بریتانیا دامن زد. رسانه‌ها از این واقعه حداکثر استفاده را برای گسترش ترس و نفرت از مسلمانان کردند. توجه رسانه‌ها بیشتر بر دو موضوع متمرکز شد: اول، سوزاندن کتاب *آیات شیطانی*، که تلاش رسانه‌ها در این مورد، بیان مشابهت میان این ماجرا و کتاب سوزی نازی‌ها در دهه ۱۹۳۰ بود. دوم، تمرکز بر مرتد اعلام کردن سلمان رشدی و حکم اسلام درباره ارتداد که از این موضوع هم برای بیان این مطلب استفاده کردند که اسلام با حقوق بشر، آزادی بیان و سایر مؤلفه‌های فرهنگ لیبرالی غرب مخالف است.

حوادث سال ۲۰۰۱: دوازده سال بعد از مسئله سلمان رشدی، تنش‌های مذهبی در جامعه بریتانیا بار دیگر شعله‌ور شد. این‌بار درگیری میان عده‌ای از جوانان جنوب آسیا و سفیدپوستان نژادپرست بریتانیایی ضد یکدیگر و ضد پلیس رخ داد. این درگیری‌ها بین ماه‌های آوریل و جولای ۲۰۰۱ در چندین شهر شمالی انگلستان اتفاق افتاد. خشونت‌بارترین درگیری (که شدیدترین درگیری و شورش در اروپای غربی در دو دهه اخیر بود) در هفتم ژوئیه ۲۰۰۱ در شهر برادفورد رخ داد که سه روز طول کشید و در نتیجه آن ۱۶۴ نفر زخمی و ۵۵ نفر به دست پلیس دستگیر شدند. علت شروع درگیری، زخمی شدن یک جوان مسلمان به دست یکی از اعضای حزب راست افراطی ملی بریتانیا بود که به شعله‌ور شدن درگیری‌ها به مدت دو ماه انجامید که به تدریج دامنه خشونت‌ها به شهرهای اولدهام و برنلی گسترش یافت. مسئله سلمان رشدی و ناآرامی‌های سال ۲۰۰۱ از ظرفیت اختلاف و بی‌ثباتی میان جریان اصلی اجتماعی و مسلمانان بریتانیا پرده برداشت.

حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن: هم‌زمان با حادثه ۱۱ سپتامبر، اسلام و مسلمانان، به ویژه مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفتند و این مسئله به شیوه‌های مختلف مشکلاتی برای مسلمانان در سراسر بریتانیا ایجاد کرد. به دنبال این حادثه، پیوند و رابطه جدایی‌ناپذیری میان اسلام و

تروریسم در جامعه بریتانیا تصور شد و رسانه‌ها در این میان نقشی کلیدی ایفا کردند. برای مثال، پخش و تکرار تصاویر مربوط به عده‌اندکی فلسطینی که بعد از این حادثه با ابراز شادی اقدام به پخش شیرینی کردند، اثر عمیقی بر افکار عمومی گذاشت و پیوند میان تروریسم و اسلام را تقویت کرد. هر چند تردیدهای جدی درباره واقعیت این فیلم وجود داشت، اما به خوبی در القای این مطلب که مسلمانان از تروریسم حمایت می‌کنند، موفق بود.

در واقع حوادث ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن سبب شد گفتمانی غلط ضد اسلام توسط روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی شکل بگیرد. برای مثال، پخش گزارشی جانب‌دارانه درباره یک تازه‌مسلمان به نام جان مک کلینتوک سبب شد گزارش‌های مبالغه‌آمیزی درباره کمک مسلمانان بریتانیا به گروه طالبان منتشر شود که گویی همه مسلمانان بریتانیا طرفدار گروه‌های تروریستی القاعده و طالبان هستند. در همین فضا از واژه‌هایی مانند ستون پنجم یا دشمن نفوذی ضد مسلمانان استفاده شد. حوادث پس از ۱۱ سپتامبر، مانند بمب‌گذاری هفتم جولای لندن، موضوع مناقشه‌انگیز لباس دختران در مدرسه و ارتباط مسلمانان بریتانیایی با گروه‌های تروریستی و مسائلی از این قبیل، فرصت را در اختیار رسانه‌های بریتانیایی قرار داد تا بیش از پیش دست به فضاسازی ضد اسلام بزنند و از هر حادثه خبری یک جنجال رسانه‌ای بزرگ ایجاد کنند (درخسه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۹).

ترسیم خشونت و تعجر به نام اسلام: اقدامات خشونت‌باری نظیر بمب‌گذاری‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها که به نام اسلام در اقصی نقاط جهان انجام می‌گیرد و موجب نفرت و کینه از مسلمانان می‌شود از عوامل توسعه اسلام‌ستیزی هستند و مورد بهره‌برداری جریان‌های فرصت‌طلب قرار می‌گیرند. بهره‌برداری تبلیغاتی از جنایاتی که گروه‌های انحرافی و مشکوک در مناطقی همانند افغانستان و عراق انجام می‌دهند، بزرگ کردن و طرح چنین صحنه‌های مشمژکننده‌ای به یک برنامه دائمی تبدیل شده و این صحنه‌های آزاردهنده به طور مداوم در رسانه‌های بین‌المللی برای معرفی اسلام و مسلمانان مطرح می‌شود. همچنین این رسانه‌ها می‌کوشند چهره‌ای خشن از مسلمانان ترسیم کنند که به کشتار سایرین دست می‌زنند و از دیدن مرگ غیرمسلمانان خوشحال می‌شوند.

نتیجه‌گیری

دین شیوه برخورد با جاهلان را تبیین کرده است و نباید مواجهه با این حرکت، خود

برخوردی نامناسب و غیرعقلانی باشد؛ زیرا صلابت و استحکام در بدنه تفکر و اندیشه اسلامی نهفته است و هرگز کسی نمی‌تواند با این معارف والا و عظیم و گسترده و عمیق روبه‌رو شود و بخواهد با آن به نبرد و ستیز برخیزد، زیرا هرگز با برهان و حکمت و عقلانیت اصیل نمی‌توان جنگید و مبارزه کرد. به ویژه در دنیایی که مدعی عقلانیت و استدلال و برهان است، همگان باید حرکت ناصواب افراطی و خشنی را که به نام اسلام و دین ارائه شده است، محکوم کنند و به جهانیان نشان دهند که اسلام دین رحمت، عظمت، کرامت و آزادی است و هیچ محدودیتی را در مقام بیان و قلم قائل نیست. البته روشن است که آزادی بیان و قلم به معنای توهین و اهانت و تحقیر و نظایر آن نیست. آنانی که اصل و اساس آزادی بیان را برای بشر تقدیم داشته‌اند و انسان را کریم معرفی کرده‌اند و به انسان از ناحیه حق تعالی کرامتش را نشان داده‌اند، هرگز از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسند؛ بلکه از حرکت‌های نادرستی که موجب انحراف و تحریف افکار جوامع بشری به ویژه جوانان می‌شود، دغدغه دارند. از این رو باید با صلابت و عظمت و با حکمت و برهان و عقلانیت جهان اسلام با این پدیده ناصواب و ناشایست که مبنایی جز جهالت و ضلالت برای او می‌توان یافت، مقابله و اسلام عزیز را در شرایطی که جامعه جهانی متوجه دین و تشنه دین اصیل است، به درستی معرفی کرد. بنابراین در بخش انتهایی، به تبیین راهبردهایی برای معرفی معارف اسلامی حقیقی می‌پردازیم که برای معرفی اسلام به جوامع غربی و افشای اسلام‌هراسی لازم است مد نظر قرار گیرد:

- جوانان به عنوان جامعه هدف: چنان که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بعد از حادثه شارلی ابدو، جوانان جوامع غربی را خطاب قرار دادند و به درستی اشاره کردند که جوانان هم آینده کشور خود را در دست دارند و هم حس حقیقت‌جویی در آنها پویاتر است، باید برخی نهادها برای آموزش، تبلیغ و معرفی اسلام روی جوانان متمرکز شوند.
- ارائه تصویر درست و بدون واسطه از اسلام به جوانان غرب: در راستای فعالیت تبلیغی باید توجه کرد قدم اول در این فرایند باید ارائه تصویری درست و بدون واسطه از چهره حقیقی دین اسلام و پیامبر رحمت(ص) به جوامع غربی و جوانان آنان باشد؛ زیرا موج گسترده تبلیغاتی علیه اسلام موجب شده است تصویری مخدوش از آن نشان داده شود.
- نشان دادن چهره غیرصادقانه سیاست‌مداران غربی به جوانان غرب: اقدام دیگر نشان دادن چهره واقعی سیاست‌مداران غربی است که سعی دارند چهره منفی اقدامات

خود را زیر تبلیغات گسترده علیه اسلام پنهان کنند و این سیاست غیرصادقانه آنها باید آشکار شود.

- نشان دادن انگیزه تخریب چهره اسلام توسط ابرقدرت‌ها به جوانان: باید با برنامه‌های مختلف جوانان غربی را نسبت به انگیزه تخریب چهره اسلام توسط غربی‌ها بیدار کرد و به این پرسش پاسخ داد که مشکل غرب با اندیشه اسلامی چیست که سعی دارد تصویری سیاه از آن به نمایش بگذارد.

- ارائه معارف اسلامی به طور مستقیم به جوانان غربی: مطابق فرمایشات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) باید وسایل و مقدمات لازم برای شناخت مستقیم جوانان غربی از دین اسلام آماده شود. در این زمینه تولید کتب و متون مختلف مناسب، ترجمه روان قرآن و انتشار گسترده و قابل دسترس آن در کشورهای غربی و برنامه‌های صوتی و تصویری باید مد نظر قرار گیرد.

- ارائه تصویر درست از زندگی پیامبر: یکی از مهم‌ترین اقدامات تهیه متون، فیلم و کلیپ از زندگی پیامبر(ص) است تا جوامع غربی با ابعاد زندگی پیامبر اسلام(ص) آشنا شوند. در این رابطه انتقاد بزرگی به جوامع اسلامی به علت کم‌کاری وارد است. برای مثال نمایشنامه «هملت» همیشه در اروپا روی صحنه است و هر سال تکرار می‌شود، اما در مورد پیامبر(ص) و تاریخ اسلام اقدام درخوری که مخاطب جهانی داشته باشد، صورت نگرفته است.

- مبارزه با جنگ رسانه‌ای غربی‌ها علیه اسلام: غرب با هجوم بسیار سنگین علیه دین اسلام جنگ رسانه‌ای را شروع کرده است تا تصویری سیاه از اسلام نشان دهد. باید برنامه‌هایی برای مقابله با این هجوم رسانه‌ای در سطح جهانی تدارک دید. مسلمانان باید از معدود فرصت‌هایی که برای آنها در رسانه‌های فعلی مهیاست، کمال استفاده را برای مقابله با این حملات ببرند.

- حضور همه‌جانبه مسلمانان در فضای مجازی: بر مسلمانان دلسوز لازم است در فضای مجازی حضوری فعال داشته باشند و ضمن ارائه تصویری صحیح از اسلام، با پوشش‌های جانبدارانه علیه اسلام در این فضا مقابله کنند.

- مقابله با افراط‌گرایی و رادیکال‌گرایی درون اسلام: تلاش برای خارج‌سازی نمایندگی اسلام و مسلمانان از دست جریان‌های افراطی و انحرافی و ارائه چهره صحیح اسلامی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین تلاش‌ها برای مقابله با جریان‌هایی باشد که به نام جریان‌های افراطی در هر دو طرف پیگیری می‌شود.

منابع فارسی

- اکبری کریم آبادی، نورالدین (۱۳۹۳)، «نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا»، پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۱۳، پاییز.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، «اسلام‌ستیزی در غرب؛ دلایل و ویژگی‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۲، ش ۱.
- ایرانلو، مژگان (۱۳۸۵)، «می‌هراسند چون نمی‌شناسند»، روزگار وصل.
- خراسانی، رضا (۱۳۹۰)، «تقابل اسلام سیاسی و لیبرالیسم، شکل‌گیری بیداری اسلامی و انسانی در دوره معاصر»، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، ش ۳.
- درخشه، جلال حسینی و سید محمدمهدی فائق (۱۳۸۸)، «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی رسانه‌های بریتانیا»، ش ۷۹.
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۰)، «اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سیاست خارجی»، ش ۹۹، زمستان.
- شیروودی، مرتضی و سید آصف کاظمی (۱۳۹۰)، «نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، سخن تاریخ، ش ۱۴، پاییز.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹)، «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب جستارهای سیاسی معاصر»، ش ۲، پاییز و زمستان.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷)، «علت یا معلول؛ ظهور ناسیونالیسم افراطی در غرب»، شهروند/امروز.
- مرشدی زاد، علی و زاهد، غفاری هاشجین (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، فصلنامه دانش سیاسی، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان.



مبانی و خاستگاه وحدت اسلامی

أحمد محمد أحمد شمس الدین حسان^۱

ترجمه: علیرضا طاقتی

(۵۷-۳۵)

چکیده

مفهوم «وحدت اسلامی» از اصلی‌ترین موضوعاتی است که در جوامع اسلامی به آن پرداخته می‌شود و عمر آن نیز به درازای تاریخ اسلام می‌باشد. ولی با وجود دغدغه‌های جدی در بین اندیشمندان جهان اسلام در این زمینه، شاید بتوان گفت که ما شاهد پیشرفت‌های جدی در برابر این راهبرد نبوده ایم که طبیعتاً اصلی‌ترین دلیل آن تلاش دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمین برای ایجاد تفرقه بین امت اسلام و جوامع اسلامی از یک طرف و غفلت اندیشمندان امت نسبت به این تلاش‌های خبیثانه از طرف دیگر است؛ مهم‌ترین موضوعات مورد اشاره در این مقاله به این شرح است:

- توضیح مفهوم وحدت اسلامی بین مذاهب وابسته به اهل بیت (ع)؛

- اشاره به مبانی و خاستگاه وحدت اسلام؛

- بررسی مصادیق این مفهوم در قرآن کریم از جمله «اعتصام بحبل الله»، «إصلاح

ذات البین»، «نهی از اختلافات و افتراق» و این که مسلمین اولیاء یکدیگر باشند؛

- ذکر اصول تحقق وحدت از جمله: ایمان واقعی به وحدت، تمرکز بر نقاط

مشترک، ایجاد فرهنگ گفتگو و اصلی پذیرفتن نظر طرف مقابل با حکمت و شفافیت،

اصل تسامح و ارتقاء روحیه محبت و برادری، شفافیت فکری و عقیدتی و ملزم نکردن

دیگران به آن؛

- تبیین سند وحدت از نظر امام علی (ع).

۱. پژوهشگر اسلامی و عضو انجمن علماء یمن و عضو مجلس شافعی اسلامی؛

- همزیستی مسالمت‌آمیز بین امت و پذیرش یکدیگر به عنوان یک ضرورت حتمی و جدی در این دوره زمانی در سایه متغیرات و تلاش شدید دشمن و برای تجزیه امت اسلامی و اشاره به راه‌های رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز.

- نمونه‌هایی از قرآن مرتبط با فرهنگ تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز مانند استفاده از عبارات‌های زیبا هنگام مخاطب قرار دادن دیگران، آزادی اقلیت‌های دینی، به رسمیت شناختن طرف مقابل، تعامل نیکو و صحیح با همه مردم، دعوت به سوی خدا با روش‌های مسالمت‌آمیز و متمدنانه، نظر به نقاط مشترک و مبنا قرار دادن آنها، دعوت به خویشنداری و کظم غیظ.

- نزاع فکری بین مذاهب و آثار منفی آن که همان هدف اصلی دشمن است تا بتواند از این طریق عداوت و تفرقه را بین مسلمین تثبیت و آنها را تضعیف و قطب‌نمای یافتن دشمنان حقیقی یعنی امریکا و اسرائیل و دنباله روه‌های عربی آنها از جمله پادشاهان حوزه خلیج [فارس] و دیگران را منحرف سازد و همچنین تبیین آثار مثبت گفتگوی فکری بین نخبگان و متخصصان و اهل علم بر جامعه به دلیل تولید افکار و روش میانه رو و حل مشکلات موجود و از بین بردن شبهات وارده.

- ادوات تحریک طایفه‌ای و خطر آن برای امت مانند شبکه‌های ماهواره‌ای فتنه انگیز مانند شبکه‌های ماهواره‌ای «وصال» و «صفا» و مانند آنها به گونه‌ای که تمرکز برنامه‌های آنها بر کینه توزی، دشمن‌نام، بی حرمتی، تکفیر طرف مقابل، محو هویت و وارونه جلوه دادن حقائق است زیرا از اصول و مبانی اساسی گفتگو و آداب مناقشه و احترام به طرف مقابل بی بهره است.

- آداب گفتگوی فکری و اخلاقی و اصول اولیه گفتگوی ثمربخش مورد تأکید و تأیید علماء با استدلال به کلام یکی از علماء منصف «امامیه».

واژگان کلیدی

وحدت اسلامی، تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز، قرآن کریم.

مقدمه

وحدت و الفت رودهایی شیرین هستند که سرچشمه آنها روح شریعت اسلامی است، قلبها را جذب می‌کند و عقل را رشد می‌بخشد و تمدن‌ها را می‌سازد و روابط خانوادگی، برادری و جوامع و دینی مبتنی بر اساس وحدت با معانی گسترده خود است.

اگر به وضعیت فعلی ملت‌های اسلامی و مذاهب دینی مرتبط با ثقلین اهل بیت و قرآن کریم تأمل کنیم، به یک نتیجه واحد می‌رسیم مبنی بر این که وحدت، الفت، اجتماع و تقریب دیدگاه‌ها، ضرورتی حتمی و لازم است زیرا دشمنان امت و زعماء استکبار جهانی شبانه روز در راستای پروژه صهیونیستی خود با هدف تجزیه امت اسلامی و محو هویت آن و از صحنه خارج ساختن رسانه‌های آن و تغییر فرهنگ و افکار آن و فتنه‌انگیزی و عداوت و تفرقه افکنی بین ملت‌ها گام بر می‌دارند تا این طریق جسم این امت ضعیف شود و ناچاراً از اصول و مبانی خود دست بردارد و عملاً روابط آن با اهل بیت (ع) قطع گردد.

انگیزه ما در پرداختن به این موضوع از آن جهت است که دشمن تکیه زیادی بر روش‌های فریبکارانه دارد تا ریشه امت اسلامی را از داخل هدف بگیرد و عناصر پنهان و هسته‌های مخفی خود را در مذاهب اسلامی نفوذ دهد تا با زبان مذهب صحبت کند و از آن دفاع نماید و هف حقیقی خود را که عبارتست از فتنه‌انگیزی طایفه‌ای و دشمنی‌های قومی و نژادی محقق نماید تا از این طریق شکاف بین مؤمنان را گسترش دهد و روابط و مناسبات موجود بین آنها را قطع نماید و متأسفانه برخی از امت اسلام نیز به دلیل کم‌آگاهی و سوء برداشت از پیامدهای آن، به دام این افراد افتاده‌اند و به آنها جهت تحقق اهداف شان خدمت می‌کنند.

شاید برخی تصور می‌کنند به دلیل وجود این حجم از تفرقه و اختلاف بین مسلمین، سخن گفتن از وحدت اسلامی در این دوره، نوعی آرمان‌گرایی و خیالپردازی است و برقرار کردن اجماع، کار دشواری به نظر می‌رسد؛ و همین تصورات است که منجر به یأس و تسلیم شدن در برابر واقعیت‌های دردناک شده است.

در مقابل این تصور، تعداد زیادی از علمای ربّانی و مخلص نیز بودند که طی قرن گذشته خود را وقف تقریب بین مذاهب کردند و تلاش خود را برای مرحم گذاشتن بر جراحات‌ها و از بین بردن شکاف‌های ایجاد شده متمرکز کردند از جمله رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله خمینی و شیخ محمود شلتوت شیخ وت الازهر و شیخ محمد تقی الدیت قمی و شیخ عبدالحسین شرف الدین و شیخ سلیم بشری و شیخ محمد مدنی (رحمة الله علیهم) و دیگر علمایی که در ایم سیر

حرکت کردند؛ این افراد با احساس مسئولیت نسبت به تکلیف شرعی در زمانی که احول امت روز به روز بدتر می‌شود و در پیچی خطرناک در حرکت بود، با درک خطرات این مرحله و آگاهی از مقاصد و اهداف دشمن، در جهت وحدت صفوف امت گام برداشتند.

شایان ذکر است اشارات قرآن و همچنین سنت صحیح نبودی و روش ائمه و اهل بیت علیهم السلام در این زمینه از صراحت برخوردار است؛ بنابراین هر کس در سیره ائمه (ع) تأمل نماید و از روش عملی تربیتی آنها آگاهی یابد به نتیجه می‌رسد و مقصود والای توحید صفوف و ایجاد اجماع و انتشار ارزش‌های تسامح و الفت و محبت و حسن ظن و راهنمایی ارواح و قلوب را جهت شناخت «علام الغیوب» می‌فهمد.

مبحث اول: وحدت اسلامی بین محبین اهل بیت (ع) و مبانی جامع آن
در این مبحث مفهوم وحدت اسلامی و نشانه‌ها و جایگاه آن را تبیین خواهیم کرد سپس مبانی و خاستگاه آن را برای تحقق وحدت و انجام آن ذکر خواهیم نمود و این موضوع را در قالب دو مطلب ذیل ذکر کرده ایم:

مطلب اول: مفهوم وحدت اسلامی

اصطلاح وحدت امت اسلامی به معنای ادغام و یکی شدن بر اساس اسلام است که با رسالت خود، ارتباط عقدیتی را بین انسان‌های مسلمان برقرار می‌سازد و تمامی انواع و اشکال روابط دیگر اعم از روابط نژادی زبانی و مانند آن را منحل می‌کند و نقاط مشترک بین جوامع بشری مانند عقیده و نظام زندگی را مبنای ورود به دین اسلام به رسمیت می‌شناسد.

اگر امت اسلامی به اجماع برسد، وحدت منحصر به فرد و بی نظیری را با معانی مختلف خود محقق ساخته است به گونه‌ای که چنین جامعه‌ای، تجزیه و انقسام را نمی‌پذیرد. دکتر ابوزهره در این زمینه می‌گوید: «وحدت در سه موضوع جامع، محقق می‌شود:

اول: احساسات همه را مبنی بر این که به حکم اسلام برادر هستیم، یکی می‌کند.
دوم: وحدت فرهنگی و زبانی و اجتماعی که بین احساسات اجماع ایجاد می‌کند و منجر به اعتلای اسلام و عزت مسلمین می‌شود؛

سوم: هیچ گونه جنگی اعم از اقتصادی و یا نظامی، از یک منطقه اسلامی علیه منطقه‌ای

دیگر به راه نیفتد زیرا در هر دو حالت قدرت اسلام تضعیف خواهد شد.^۱

وحدت اسلامی آفتابی است که ظلمت ضعف و انحلال و تبعیت را از بین می‌برد به گونه‌ای که بعد از آن ملت‌های جویای وحدت را پس از دهه‌ها جهل و عقب ماندگی و تبعیت، ملامت نخواهیم کرد به گونه‌ای که تفرقه بین مسلمین آنها را سست گردانیده و آنها را بهانه‌ای علیه اسلام و مبانی اش قرار داده است تا جایی که دشمنان می‌گویند اگر در اسلام خیری بود، پیروانش به آشفتگی نمی‌افتادند و از ابزارهای قدرت دور نمی‌شدند.

وحدت اسلامی مفهومی است که معانی گسترده‌ای در سطح عملی دارد به گونه‌ای که این مفهوم، صرفاً یک درخواست و یا هدف نیست بلکه جوهره اسلام حنیف و مبتنی بر توحید صاف است و به هر کسی که وارد اسلام می‌شود کلمه «ما» را آموزش می‌دهد و نه «من».

مطلب دوم: مبانی و خاستگاه تحقق وحدت اسلامی

هنگامی که در مفاهیم قرآنی تأمل می‌کنیم، به طور واضح می‌بینیم که اهمیت وحدت اسلامی به بهترین و زیباترین شکل در قرآن کریم بیان شده است.

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» [المؤمنون: ۵۲]

و یا این که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» [الأنبياء: ۹۲]

پس حالا که قرآن مفهوم امت واحد را به گونه‌ای بیان کرده که می‌تواند همزیستی مسالمت‌آمیز و سازگاری را تثبیت کند، چرا امروزه ما در تجسم واقعی و فعال سازی این مفهوم بزرگ برای رسیدن به اهداف بزرگی که همه مسلمین را دوره کلمه توحید جمع می‌کند، ناتوان هستیم.

ما مسلمین باید بر نقاط تلاقی بین خود تأکید کنیم و در این راه دارای الگوی خوبی در تجربه تقریب وحدت به رهبری شیخ محمد تقی قمی و شیخ محمود شلتوت در دهه پنجاه داریم که علی‌رغم ایجاد اختلاف، تجربه موفق و خوبی بود به گونه‌ای که علمای دو طایفه توانستند موضوعات متعددی را بررسی کنند که اشتراکات بسیاری در آنها داشتند و هر موضوع اختلافی را در بر روی میز بحث علمی و موضوعی قرار می‌دادند تا به نتایجی دست یابند که منجر به تألیف قبول بین مسلمین شود.

۱. د. محمد أبوزهره، کتیب الوحدة الإسلامية، سلسلة الثقافة الإسلامية، المكتب الفني للنشر، ۱۹۵۸م، ص ۲۹.

در این راستا تلاش‌های مصلح بزرگ شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و سخنرانی‌ها و مناقشات موضوعی ایشان نیز که خواستار وحدت بین همه مسلمین بود، برای امت اسلامی افتخار آمیز است.

یکی دیگر از مهم‌ترین نمونه‌های تقریب در این زمینه نیز مربوط است به گفتگوهای آرام و ثمربخش و هدفمند بین سید شرف الدین و شیخ سلیم بشری مالکی؛ به گونه‌ای که در طرح دیدگاه‌های مورد نظرشان ادب و تسامح و مودت را رعایت می‌کردند و به نقطه اشتراک و تلاقی در عقاید دست می‌یافتند. کتاب «المراجعات» یکی از نمونه‌های عمق حب بین دو مذهب در عین وجود اختلاف در دیدگاه و اعتقاد است.

بنابراین ما باید به اشاعه روحیه تسامح و محب و دوستی و حسن ظن نسبت به دیگران روی آوریم و تا زمانی که به چنین روحیه‌ای دست نیابیم نمی‌توانیم به مفهوم امت واحده مورد نظر قرآن برسیم و در نهایت نیز نمی‌توانیم وحدت بین مسلمین را محقق سازیم. در قرآن مفهوم وحدت دارای تنوعاتی به شرح ذیل است:

۱. الاعتصام بحبل الله تعالی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» [آل عمران: ۱۰۳] قرطبی در تفسیر خود گفته است: «خداوند متعال امر به الفت و نهی از تفرقه کرده زیرا تفرقه موجبات هلاکت را ایجاد می‌کند و جماعت موجبات نجات را»^۱.

علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان گفته است: «این آیه به حکم جماعت اجتماع کننده اشاره دارد و دلیلش نیز «جمیعا» و «لا تفرقوا» است و آیات به جامعه اسلامی امر به تمسک به کتاب و سنت می‌کند همچنان به فرد نیز همین امر را دارد»^۲.

۲. إصلاح ذات البین

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [الحجرات: ۱۰]

۱. تفسیر القرطبی، م دار الفکر، ج ۴ ص ۱۵۹.

۲. تفسیر المیزان: ج ۳ ص ۳۶۹.

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [الأنفال: ۱]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسلم برادر مسلم است و حق مسلم بر برادر مسلمش این است تا زمانی که برادرش گرسنه است، سیر نباشد و تا زمانی که برادرش تشنه است، سیراب نباشد و تا زمانی که برادرش عریان است، تنش پوشیده نباشد و بنابراین حق مسلمان بر برادر مسلمانش زیاد است»^۱.

بخاری از انس بن مالک نقل کرده که رَسُولَ اللَّهِ فرموده اند: «به یکدیگر بغض نکنید و به یکدیگر حسادت نکنید و به یکدیگر پشت نکنید، بندگان خدا! با یکدیگر برادر باشید و کسی که بیش از سه روز برادرش را ترک کند، مسلمان نیست»^۲.

۳. نهی از تفرقه و اختلاف

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» [الأنفال: ۴۶]

و همچنین می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» [الأنفال: ۴۷]

۴. مسلمانان اولیاء یکدیگر باشند

خداوند متعال می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» [التوبة: ۷۱]

بنابراین، این ادله صراحتاً به مسلمین امر می‌کند که محبت بین خود را بیشتر کنند و همچنین آنها را از انجام کارهایی که باعث بغض و کینه در صفوف شان می‌شود نهی می‌نماید و همچنین صراحتاً به آنها امر می‌کند که برادر باشند و مسلمین تنها در صورتی می‌توانند برادر یکدیگر باشند که متحد گردند و از تفرقه خودداری نمایند زیرا برادران، ضد تفرقه و اختلاف هستند.

۱. بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۲۲۱.

۲. صحیح البخاری: ج ۷ ص ۸۸.

مبانی و اصول تحقق وحدت اسلامی

اگر بخواهیم وحدت اسلامی واقعی را محقق نماییم باید مبانی و اصولی را پایه ریزی کنیم که بتواند عامل تقارب صحیح و جدی بین مسلمین شود که به برخی از این مبانی اشاره می‌کنیم:

اصل اول: ایمان واقعی به وحدت بین مسلمین

منظور این است که ایمان ما به وحدت، حقیقی و ناشی از احساس مسئولیت در برابر خداوند متعال و ملت‌ها باشد و این موضوع را به عنوان یک طرح و نظریه حقیقی ارائه کنیم تا از این طریق منافع عمومی محقق شود و پس از آن گام‌های اساسی از طریق هماهنگی حقیقی بین همه کشورهای اسلامی و در همه سطوح برداشته شود به گونه‌ای که همه مسلمین با نژادها و مذاهب مختلف، به این مفهوم به عنوان یک گفتمان وحدت آفرین ایمان بیاورند.

اصل دوم: تمرکز بر نقاط مشترک

نقاط بسیاری در سطوح عقیدتی و فقهی، موجبات اجماع و وحدت مسلمین را فراهم می‌کند و ما تجربیات موفق در این زمینه داریم که در طرح‌های شیخ قمی و شیخ شلتوت و سید شرف الدین و شیخ سلیم بشری و دیگران به آن اشاره شد. باید این نقاط مشترک در اذهان امت اسلامی نهادینه شود و نتایج آن که همان پروژه وحدت است برداشت گردد و نباید دست دشمنان اسلام باز باشد تا هر کاری که می‌خواهند علیه اسلام و مسلمین انجام دهند.

اصل سوم: ایجاد فرهنگ گفتگو و اصل پذیرش دیدگاه طرف مقابل با حکمت و شفافیت.

فرهنگ گفتگو، مبداء اسلامی است که قرآن بر آن تکیه کرده است؛ خداوند متعال می‌فرماید:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ} [النحل: ۱۲۵]

و می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ

وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» [فصلت: ۳۴]

آنچنان که از این آیه می‌فهمیم هنگام گفتگو با دشمن با چشم پوشی از هویت او باید به بهترین شیوه گفتگو را انجام دارد و فضایی از آرامش و الفت را ایجاد کرد به گونه‌ای که دو

دوست صمیمی گفتگو می‌کنند، بنابراین اگر گفتگو بین برادران ایمانی و دینی و عقیدتی باشد نیز به همین رویه باید عمل کرد. از این رو معتقدیم که گفتگو پایه مهمی در ایجاد وحدت اسلامی است تا یکدیگر را بفهمیم و موانع همگرایی را از بین ببریم و کلمه واحد اجتماع کنیم.

اصل چهارم: اصل تسامح و ارتقاء به روحیه محبت و برادری

شاید یک از مهم‌ترین مشکلاتی که منجر به افول امت اسلامی و تجزیه آن می‌شود این است که ما روش تسامح و دوست داشتن دیگران را نیاموخته ایم و به عنوان یک امت مسلم، از روش صحیح تسامح برخوردار نیستیم بلکه خشونت و عدم پذیرش طرف مقابل بین ما رواج دارد. بنابراین تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد ما نیز طعمه جهل و ناآگاهی خواهیم بود که سوغات آن چیزی جز دشنام و بی‌احترامی به طرف مقابل و در نهایت نشانه گرفتن سینه برادر خود با سلاح نیست؛ در نتیجه امتی ضعیف و تجزیه شده به وجود می‌آید که هیچ‌توانی بین ملت‌های جهان که امید به تمدن و شکوفایی دارند، ندارد.

اصل پنجم: صراحت اندیشه و عقیدتی و عدم التزام دیگران به آن.

وحدت به معنای حذف طرف مقابل و یا به حاشیه راندن او نیست بلکه وحدت مطلوب عبارتست از شناخت واقعی طرف مقابل و سپس بیان حق با ارائه دلیل و مناقشه امور اختلافی با روحیه تسامح و ارائه راه حل‌های مناسب آن بدون این که طرف مقابل را به آن ملزم نمود و خودداری از افراط در گفتگوی متشنج. زیرا فهم طرف مقابل نقش بزرگی در گشودن عقل‌های بسته دارد چرا که فقط خود را صحیح مطلق می‌داند و دیگری را باطل مطلق و تصویری که از دیگران استنباط می‌کند نادرست و مبهم است زیرا فکر طرف مقابل و کتب و ادله او را بررسی نمی‌کند.

شیخ لطف الله صافی در این زمینه می‌گوید: «باید در ادله شیعه تدبر و دقت کنند و این چیزی است که شیعه از هر پژوهشگر و محقق می‌خواهد زیرا این کار حق را واضح می‌کند و پاسخگویی و تفاهم بین دو طایفه را نهادینه می‌کند و بر برادری ایمانی بین آنها تأکید می‌کند. چه تعداد از اهل سنت به کتب تفسیری و فقهی و کلامی و ادبی شیعه مراجعه می‌کنند و برای نبوغ و تلاش آنها در علوم اسلامی ارزش قائل می‌شوند و صداقت و ورع و امانت داری علماء آنها را ارج می‌نهند و در آراء و مقالات آنها دقت می‌کنند و شاید هم آن‌طور که آراء علماء طایفه خود را قبول می‌کنند این آراء را نیز بپذیرند؛ حتی بعد از تحقیق در برخی مسائل نظر مذهب

شیعه را ترجیح دهند»^۱.

بنابراین بستن درها به روی خود و عدم گشودن درها به روی دیگر و متهم کردن آنها به شرک و گمراهی به نگاه به گفته‌ها و ادله آنها منجر به ایجاد جامعه متفرق و ضعیف می‌شود که منازعات طایفه‌ای آن را فرا می‌گیرد و جهل بر آن سیطره می‌یابد. ما امروز نیازی ضروری داریم یکدیگر را بفهمیم و از نظر فکری و روحی به صورت حقیقی و واقعی به یکدیگر نزدیک شویم اگر چه در برخی موضوعات نیز اختلاف داشته باشیم.

دکتر «مصطفی رافعی» در کتاب خود با عنوان «اسلامنا» گفته است: «اختلاف یکی از سنت‌های اجتماع است، بنابراین سرزنش و نکوهش و منازعه و خصامه و دادن لقب به دیگران را باید کنار گذاشت، آن هم در زمانی که همه ملت‌ها تلاش می‌کنند با یکدیگر ارتباط و همکاری داشته باشند و به یکدیگر کمک و خدمت کنند؛ بنابراین ما مسلمانان با وجود اختلاف مذاهب به این کارها اولی تر هستیم زیرا نقاط زیادی داریم که ما را به یکدیگر پیوند می‌دهد که در رأس آنها «برادری اسلامی» است.

«إنما المؤمنون أخوة فأصلحوا بین أخیکم واتقوا الله لعلکم ترحمون»^۲.

سند وحدت نزد امام علی علیه السلام

امیر المؤمنین علی علیه السلام چشم اندازه‌های وحدت را ترسیم کرده و ادبیاتی را در گفتگو ایجاد کرده است؛ سخنان ایشان همچون قانون اساسی است که باید در هر زمان و مکان به عنوان یک سند به آن مراجعه کرد و سرلوحه کار خود قرار داد. ایشان می‌فرماید: «الناس صنفان إما أخ لك فی الدین وإما نظیر لك فی الخلق»^۳.

ایشان همچنین اصحاب خود را این گونه خطاب قرار داده است: «نمی‌پسندم که شما یکدیگر را لعن کنید و دشنام دهید ولی اگر طرف مقابل با شما چنین کاری کرد به جای این که همین روش آنها را در پیش بگیرید، برای برائت از آنها بگویید: خداوندا خون ما و خون آنها را حفظ بفرما و بین ما و آنها صلح برقرار کن و آنها را از گمراهی نجات بده و هدایت کن تا حقی را که نسبت به آن جهل دارند بفهمند و ...؛ اصحاب نیز گفتند: «یا امیر المؤمنین موعظه

۱. لطف الله الصافی، مجموعه الرسائل: ص ۲۸۴.

۲. مصطفی الرافعی، اسلامنا فی التوفیق بین السنة والشیعة: ص ۲۱۳.

۳. شرح نهج البلاغة: ج ۳ ص ۸۴.

تو را پذیرفتیم و به ادب مؤدب شدیم»^۱.

ایشان همچنین فرموده است: «بعد از من با خوارج نجنگید کسی که در پی حق باشد و آن را اشتباه بگیرد مانند کسی نیست که در پی باطل باشد و آن را درک کرده باشد»^۲.

ابن ابی الحدید در شرح این سخن گفته است: «منظور ایشان این بوده که خوارج به دلیل شبهه‌ای که بر آنها وارد شده گمراه شدند، آنها به دنبال حق بودند و به دین تمسک داشتند و از اعتقادات خود حفاظت می‌کردند اگرچه در آن خطا کردند»^۳.

بنابراین از سخنان نورانی امیر المؤمنین علی هلیه السلام سه قاعده مهم را نتیجه می‌گیریم که پایبندی به آنها بر هر مسلمانی واجب است:

قاعده اول: انسان برادر دینی انسان است و ایشان قید تشیع و یا تسنن به آن اضافه نکرده است؛ همچنین آنها در خلقت و منشأ نیز برادرند.

قاعده دوم: پایبندی به ادب گفتگو اجازه دشنام و فحاشی را نمی‌دهد بلکه باید در تقابل به مثل بهترین پاسخ را داد چرا که تأثیر آن بهتر و مؤثرتر است.

قاعده سوم: شاید اشتباه و یا شبهه‌ای در عقیده ایجاد شود؛ بنابراین هتک حرمت انسان توسط انسان و با صرف نظر از رنگ، نژاد و هویتش جایز نیست؛ حتی کسانی که بر ایشان خروج کردند و جنگیدند.

بنابراین محبان اهل بیت که بهره‌های زیادی از بیانات و وصایای این امام همام برده اند نمی‌توانند کوچک‌ترین بیانات ایشان را نادیده بگیرند.

مبحث دوم: همزیستی مسالمت‌آمیز

در این مبحث دو مطلب به شرح ذیل وجود دارد:

مطلب اول: همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش طرف مقابل

این مطلب نیز دارای دو بخش است:

۱. شرح نهج البلاغه: ج ۳ ص ۱۸۱.

۲. المصدر نفسه: ج ۵ ص ۷۸.

۳. المصدر نفسه: ج ۵ ص ۷۸.

بخش اول: پذیرش طرف مقابل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است

بی تردید همزیستی مسالمت‌آمیز بین مذاهب اسلامی در عصر حاضر و در سایه تحولات بین‌المللی که مسلمین با آن مواجهند یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و بلکه قبل از این که یک امر حیاتی باشد یک واجب شرعی است؛ اسلام در سخن و عمل، حفظ حقوق همه مسلمین را تشویق کرده و از تجاوز به حقوق آنها و مباح دانستن اعراض شان منع کرده است. هر کسی که شهادتین را بر زبان جاری سازد، اسلام خون، شرف و مال او را تضمین کرده است و این پایه تحقق همزیستی بین سایر گروه‌های مختلف است.

اختلاف در آراء و مذاهب و اعتقادات طوایف مسلمین را از اسلام خارج نمی‌سازد و حقی از حقوق به رسمیت شناخته آنها توسط اسلام را از آنها سلب نمی‌نماید. بنابراین شایسته نیست به مبلغان تفرقه و تکفیر گوش فرا داد که دائماً به تفرقه افکنی و اختلاف بین گروه‌های امت مشغولند و دغدغه‌ای به جز تکفیر دیگر مسلمین ندارند؛ آنها تعالیم نورانی اسلام را نفهمیده‌اند بلکه تنها پوسته اسلام را فرا گرفته و مغز آن را که خداوند به ما دستور داده به ان تمسک داشته باشیم و را در ان مسیر حرکت کنیم، رها کرده‌اند. هر کس که در حوادث تاریخی تأمل نماید در می‌یابد همه گروه‌های مسلمین در دوره‌های مختلف زمانی در سایه یک جامعه واحد در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و بعضی حوادث نادری که برخی از مبلغان تفرقه افکنی در این دوره‌ها ایجاد کردند، این حقیقت را نقض نمی‌کند زیرا حوادث نادر قابلیت توجه و استناد ندارند.

بخش دوم: راه‌های رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز

با توجه به این که امروزه امت اسلام در شرایط پیچیده‌ای به سر می‌برد، مهم‌ترین راه‌هایی که شایسته است شهروندان جامعه در مسیر ایجاد همگرایی بین مذاهب اسلامی مختلف بپیمایند به شرح ذیل تقدیم می‌گردد:

- متوقف ساختن رویکردهای تکفیری علیه یکدیگر و جابجایی آن با ارائه دیدگاه‌های صحیح
- مورد نظر اسلام و ایجاد الفت بین مسلمین و تشویق آنها به حفظ این الفت و حقوق یکدیگر.
- اقدامات دستجمعی جهت فعال کردن تقریب بین اتباع مذاهب اسلامی از طریق ایجاد نهادهای دینی مشترک که در راستای تقویت روحیه الفت بین گروه‌ها کار می‌کند.
- آشنا کردن اهل سنت با حقیقت مذهب شیعه و بلعکس و چشم‌پوشی از موضوعات اختلافی.

- تلاش اهل سنت برای فهم صحیح حقیقت مذهب خود و عدم تحریک نسبت به تکفیر اهل قبله و تلاش شیعه برای درک تعالیم اسلام در معاشرت توأم با مودت و محبت و الفت با اهل سنت؛ زیرا فهم تعالیم این دو مذهب مانع از بسیاری از تجاوزات طرفین نسبت به یکدیگر می‌شود.

- از بین بردن موانع اجتماعی و روانی بین اتباع دو طایفه و اقدام دستجمعی برای مشارکت آنها با یکدیگر در مراسمات شادی و جشن، عزاداری و دیگر موضوعات مورد اهتمام مشترک.

مطلب دوم: نمونه‌هایی قرآنی مرتبط با تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز

قرآن کریم به موضوع تسامح به عنوان یکی از ویژگی‌ها و صفات لازم برای هر فرد مسلمان و یکی از مؤلفه‌های اساسی همزیستی مسالمت‌آمیز در چندین آیه اشاره کرده است و از لغاتی مانند بخشش، حلم و عفو زیبا و دیگر الفاظ استفاده کرده است که از ویژگی‌های مذمومی مانند دروغ، کبر، عُجب، بُخل، تفاخر، ریاء، کینه و حسد نهی کرده است زیرا اخلاص در روابط انسانی را خدشه دار می‌کند.

البته اسلام تنها به دعوت کلی به کسب اخلاق نیکو و دست برداشتن از اخلاق پست اکتفا نکرده بلکه بین این ویژگی جدایی برقرار ساخته و انواع هر یک از این ویژگی‌ها را بیان داشته است و حکمت این بیان مفصل عبارتست از توضیح معانی اخلاق و مشخص کردن آنها تا در بین مردم اختلاف نیفتد و هواهای نفسانی در مشخص کردن هدف، دخالت نکند.

انواع تسامح در قرآن

با بررسی آیات قرآنی درمی‌یابیم که می‌توان تسامح را این گونه تقسیم بندی کرد:

۱- تسامح بین افراد: شایسته است روابط افراد با یکدیگر بر این پایه باشد به گونه‌ای که بر اساس احترام متقابل و تعامل نیکو و چشم پوشی از جهالت‌های دیگران رفتار کنند؛

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» [الأعراف: ۱۹۹]

زمانی که این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) از جبرائیل سؤال کرد: یا جبرائیل، این چیست؟ جبرائیل گفت: خداوند به تو امر کرده از ظلمی به تو روا داشته شده ببخشی و به هر کسی که تو را محروم کرده، اعطا کنی و با هر کسی که قطع رابطه کرده، ارتباط برقرار کنی^۱.

۱. أخرجه ابن أبي الدنيا وابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم وأبو الشيخ عن الشعبي وأورده السيوطي في الدر المنثور.

۲- تسامح بین زوجین در خانواده واحد: این نوع از تسامح، واجب شرعی است تا زوجین به معاشرت پاک، الفت، مودت، مهربانی و مهر ورزیدن پایبند باشند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» [النساء: ۱۹].

۳- تسامح بین گروه‌ها: ممکن است یک گروه تحت فشار و ظلم گروه دیگری قرار گیرد؛ در این حالت به عنوان گام اول باید از خسارت‌های مواجهه با زور جلوگیری کرد که دلیلش کمال تسامح در این دین است که پیروان خود را قتل و مواجهه شدید در ابتدای کار امر نمی‌کند بلکه باب فشار نیاوردن و آرامش اوضاع را باز کرده است.

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [البقرة: ۱۰۹] صاحب کتاب الکشاف در این زمینه گفته است: «نسبت به آن چیزی که از روی جهل، عداوت می‌ورزند، با آنها رویه بخشش و مهرورزی را در پیش گیرید».

۴- تسامح بین ملت‌ها و دولت‌ها: به این نوع از تسامح نیز در قرآن کریم نسبت به نقشه عقیدتی و سیاسی جهان اشاره شده است و تأکید شده نباید عقیده را به زور تحمیل کرد.

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» {البقرة: ۲۶۵}

قرآن از نظر روانی پیروان خود را برای پذیرش تکثر و تنوع دینی آماده ساخته است و در این راستا بارها داستان‌های اقوام و ملل گذشته را بیان کرده و توقع هدایت همه مردم را نداشته و اختلاف بین آنها را امری طبیعی دانسته است. «أَفَلَمْ يَبْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا» [الرعد: ۳۱]

در موضوع روابط جنگ و صلح دو نظر متعارض به شرح ذیل وجود دارد:

اول: نظر متعلق به عموم علماء مبنی بر این که اصل در روابط خارجی امتف جنگ است و صلح حالتی فوق العاده است که به دلیل ایمان و یا امان دادن ایجاد می‌شود. آنها نظر خود را با ادله‌ای از قرآن و سنت و عقل نیز مستند کرده اند که در یکی از کتب فقهی به نام «المطولات» به آن اشاره شده است.

دوم: نظر «اوزاعی» و «ثوری» و برخی علماء متأخر و معاصر مبنی بر این که اصل بر صلح است و جنگ و قتال وضعیتی عارضی است زیرا هنگامی که اوضاع برای دعوت به سوی خدا طبیعی باشد و مانعی برای بیان اسلام در برابر مسلمین نباشد، صلح برای همه مردم مقرر شده است؛ این افراد نیز ادله نقلی و عقلی و تاریخی برای این نظر خود دارند.

تربیت مسلم مبتنی بر فرهنگ تسامح و همزیستی مسالمت آمیز

نکات اخلاقی که قرآن کریم قرای گسترش فرهنگ تسامح بر آنها تأکید می کند بسیار هستند از جمله:

۱- پایبندی به حق و صرف نظر از گوینده و صاحب آن و رعایت حداکثر انصاف در حقیقت:

«وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ

ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» [الأنعام: ۱۵۲]

۲- بالاترین مراتب اینها:

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْمُقْلِحُونَ» [الحشر: ۹]

۳- بهترین تعامل با دیگران که منجر به اشاعه روحیه تفاهم و آشنایی شود:

«وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِحَسَنَةٍ فَتَقَبَّلُوهَا بِأَحْسَنِ مِمَّا أُوتِيتُمْ بِهَا وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

حَسِيبًا» [النساء: ۸۶]

۴- استفاده از بهترین عبارات:

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانَ كَانَ

لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» [الإسراء: ۵۳]

۵- آزادی قانونی اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی:

«سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَاوُنَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن

تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِن حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ» [المائدة: ۴۲]

۶- به رسمیت شناختن کلیه ادیان:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [البقره: ۶۲]

۷- به رسمیت شناختن همه قومیت‌ها:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [الحجرات: ۱۳]

۸- تأکید بر عمل صالح و ایمان خداوند و روز قیامت

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ» [الأنبياء: ۹۴]

۹- تعامل نیکو و با قسط با همه مردم:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ

تَبَرَّوهُمْ وَتُنَفْسُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» [المتحنه: ۸]

۱۰- دعوت به سوی خداوند با راه‌های مسالمت‌آمیز و متمددانه یعنی با حکمت و موعظه و

جدال احسن:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ

رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» [النحل: ۱۲۵]

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا

بِالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» [العنكبوت: ۴۶].

۱۱- هشدار شدید نسبت به توطئه‌های دشمنان و کینه‌های آنها و تسلیم وضعیتی موجود

شدن زیرا موازین و دگرگونی‌های سیاست مشهور است البته به جز معاهدات امضا شده به

وفاداری و پایبندی به آن و برخورد قاطع با خیانت ضروری است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» [المائدة: ۱]

«وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْخَائِنِينَ» [الأنفال: ۵۸]

۱۲- وفاداری به شروط حتی اگر دارای ضرر باشد.

«وأوفوا بعهد الله إذا عاهدتم ولا تنقضوا الأيمان بعد توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا»

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ

تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ

تَخْتَلِفُونَ» [النحل: ۹۲]

۱۳- ارتباط انسانی، ارتباطی مقدس و فوق اعتبارات ملیت و نوع است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» [النساء: ۱]

مؤلفه‌های تسامح و همزیستی مسالمت‌آمیز در قرآن

نظام اخلاقی قرآنی از فرد شروع کرده و خانواده و جامعه و حکومت و در نهایت جامعه جهانی انسانی را نیز مخاطب قرار داده و در هر یک از این حوزه‌ها آموزش قرآنی بر علم و دستیابی به حکمت و تقوا تمرکز کرده است.

۱- طهارت نفس:

«ونفس وما سواها فألهمها فجورها وتقواها قد أفلح من زكّاهما وقد خاب من دساها»

«یوم لا ینفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سلیم».

ابن سیرین گفته است: قلب سلیم این که بداند خدا، حق است و تردیدی در قیامت نیست و خداوند هر کس را که در قبر است برمی انگیزد.

سعید بن مصیب گفته است: قلب سلیم، صلب صحیح است که قلب مؤمن است زیرا قلب کافر و منافق، مریض است.

ابو عثمان نیشابوری گفته است: قلب سلیم، قلب سالم از بدعت و مطوئن به سنت است»^۱

۲- کظم غیظ:

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» [آل عمران: ۱۳۳-۱۳۴]

نبی مکرم اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «هرکس کظم غیظ کند در حالی که می‌تواند غضب خود را بروز دهد، خداوند قلب او را از امن و ایمان پر می‌کند»^۲.

۱. أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی [۷۰۰ - ۷۷۴ هـ]، تفسیر القرآن العظیم، م دار طيبة، ج ۶ ص ۱۴۹.

۲. أخرجه ابو داود في سننه واحمد في المسند.

۳- مخالفت با هوای نفس:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» [ص: ۲۶]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» [النساء: ۱۳۵]

۴- گسترش فرهنگ تسامح با ارائه درس‌های اخلاق اجتماعی:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» [الحجرات: ۱۲]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» [الحجرات: ۶]

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنهُ مَسْئُولًا» [الإسراء: ۳۶]

۵- قرآن کریم به ما یاد داده که هدف اساسی رسالت انبیاء، سعادت بشریت است و راه رسیدن به آن نیز رعایت قسط بین مردم و بدون تبعیض بین مؤمن و کافر می‌باشد.

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» [یونس: ۴۷]

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِبَائِكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» [سبأ: ۲۴]

«قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ» [سبأ: ۲۵]

۶- تشریح جهاد شرعی و مطلوب: در راه خدا و برای برپایی قسط و عدل باشد و هدف از جنگ دستیابی به قدرت و انتقام‌گیری و سیطره بر بندگان خدا نباشد.

«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسْ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بِأَسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا» [النساء: ۸۴]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّنْ
قَبْلُ فَمِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فِتْنَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» [النساء: ۹۴]

مبحث سوم: نزاع فکری بین مذاهب

دارای دو مطلب است:

مطلب اول: نزاع فکری و آثار منفی و مثبت آن

با تأمل در تاریخ گذشته و معاصر طوایف اسلامی، شاهد شکافی گسترده بین آنها هستیم و این حالت بین مذاهبی که نقطه اجماع آنها محبت اهل بیت و وجوب تبعیت از آنهاست نیز وجود دارد تا جایی که این شکاف و اختلافات به مرحله تکفیر صریح و متقابل مذاهب رسیده است. و این مصیبتی است که گریبانگیر امت اسلامی شده و دلیل این کینه توزی و دشمنی این است که هر مذهبی از نظر تاریخی، فکری و عقیدتی، دیدگاه مختلفی نسبت به اسلام دارد و معتقد است او حق است و دیگری باطل؛

نزاع بخشی از زندگی بشریت است و در زمینه فکری، موضوعی ستایش شده است و اگر این اختلاف در چارچوب فکری و عقیدتی باقی بماند دارای نتایج مثبتی نیز هست زیرا تولید کننده افکاری جدیدی با پشتیبانی حجت و برهان است.

از طرف دیگر نزاع عقیدتی و فکری مثبت معمولا بین متخصصین و نخبگان دینی در جریان است که با ارائه دلایلی به دفاع از دیدگاه خود می پردازند و همچنان که این گونه نزاع در بین مذاهب اسلامی در طول زمان‌های گذشته برخی مراحل تاریخی رایج بوده است.

ولی به تدریج اختلاف بین مذاهب اسلامی مراحل گسترده تری از اختلاف فکری و عقیدتی به خود گرفت و به منازعات بین حکومت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی تبدیل شد تا جایی که ما شاهد منازعات مسلحانه با هدف نابودی کامل طرف مقابل و حذف آن از نقشه بوده ایم؛ عجیب تر آن که طرفین نزاع دارای امکانات فراوان و پشتیبانی مادی و لجستیکی و سیاسی و حتی

نظامی نیز بوده اند و این تأکید می‌کند که پشتیبانی از منازعات بین مذاهب اسلامی با هدف تضعیف اسلام انجام می‌شود و کاملاً مشخص می‌کند که فرماندهان دشمنی و واگرایی مذهبی برخی شیوخ اسلام از طوایف مختلف را به خدمت می‌گیرند. یعنی شاکله نزاع مذهبی شامل رهبران ثروتمندی است که دارای پول و مناصب عالی هستند و امکانات حکومتی خود را برای این نزاع به خدمت می‌گیرند تا ماموریت‌های رسانه ایف سیاسی و نظامی خود را انجام دهند؛ این رهبران و یا فرماندهان منازعات با تعیین شیوخ دیتی متخصص در بحث و تحقیق در مفاهیم تاریخی فتنه انگیز و استفاده از سخنرانی‌های آهنگین و گفتگوها و مصاحبه‌ها در رسانه‌های گروهی، ایفای نقش می‌کنند و طرف سوم در معادله کسانی هستند که با استفاده از رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی وظیفه تفسیر و تحریک و هجوم را بر عهده دارند. شایان ذکر است این عملیات پیچیده طی برنامه ریزی و توزیع نقش‌ها و با همکاری بخش وسیعی از حامیان مالی انجام می‌شود که خواسته و ناخواسته تحت تأثیر افکار شیوخ و ادوات منازعات مذهبی قرار دارند.

و به این ترتیب این عملیات ادامه خواهد داشت و اشکال آن متنوع تر و پیچیده تر می‌شود به گونه‌ای که متوقف ساختن آن بسیار سخت است زیرا سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و محلی وجود دارند که هر چه زندگی بشریت به سمت آرامش می‌رود، آنها این آرامش را هدف می‌گیرند. اما آثار منفی این نزاع عبارتست از اجرای مطامع دشمنان اسلام و محور شرارت و استکبار جهانی و ضربه زدن به مسلمین با خود مسلمین با هدف تجزیه و تضعیف قدرت یکدیگر. از جمله آثار منفی این است که جامعه مسلمان قدرت تسامح و همزیستی و احترام به پیروان ادیان و افکار مختلف را از دست می‌دهد و مسلمین دیگر نمی‌توانند حتی با مسلمینی که با آنها اختلاف مذهب و یا نظر دارند زندگی کنند.

با بررسی جوامع اسلامی با هدف مشخص شدن رسیدن جوامع به این نتایج از نزاع مذهبی و رشد جریان‌های بنیادگرا و وهابی و کاهش اعتدال و میانه روی به مجموعه عوامل ذیل حاصل از نتایج مذکور برخوردار می‌کنیم:

اول: ظلم و ستم سیاسی و دیکتاتوری طبقه‌ای از واعظان سلاطین، عقب بشری را مصادره کرده و افکاری را جایگزین آن کرده که با میراث و حوادث تاریخ متفاوت است.

دوم: فقر و از بین رفتن فرصت‌ها و سرکوب طبقه میانه و سوء استفاده از ثروت کشورهای اسلامی به جای توسعه ملت‌های شان.

سوم: ایجاد محیطی ایده آل برای رشد جریان‌های افراط‌گرا که با ایجاد منازعات تنفس می‌کنند و اساساً قدرت همزیستی با دیگران ندارند؛ این محیط برای ادامه و تنفس منازعات مذهبی فضا سازی می‌کند که البته حکومت‌ها و نهادها و شیوخ در ایجاد آن نقش داشته‌اند؛ ولی در نهایت چهره واقعی افراط‌گرایان و اندیشه‌های خصمانه آنها برای افکار عمومی مشخص خواهد شد.

مطلب دوم: ادوات تحریک طایفه‌ای

در دوره اخیر، چندین برنامه گفتگویی توسط برخی شبکه‌های ماهواره‌ای مانند شبکه وصال و صفا و مانند آنها با هدف بررسی اختلافات بین شیعه و اهل سنت پخش شد که برخی این برنامه‌ها را تأیید کردند و برخی نیز اعتراض کردند و برخی نیز سکوت پیشه نمودند.

در هر صورت پخش چنین برنامه‌هایی همواره باعث ایجاد اختلاف شده است زیرا نوعی واکنش منفی را از طرف مقابل به همراه خواهد داشت زیرا اساس این گونه برنامه‌ها، بر پایه گفتگوی علمی و آکادمیک متعارف نیست. بنابراین می‌توان این برنامه‌ها را غیر هدفمند و غیر سودمند و حتی مضر دانست زیرا بیشتر شبیه مشاجره و نزاع کلامی است تا گفتگوی آرام.

شایسته است چنین گفتگوهای توسط نهادهای رسمی مسئول و پاسخگو برگزار شود و هدف از آنها کسب منافع مادی و یا معنوی نباشد بلکه هدف، بیان حق و پایبندی به ادب باشد و از افراد با تجربه و دارای افکار به بلوغ رسیده برای گفتگو استفاده شود تا اظهارات آنها مورد استفاده مسلمین قرار گیرد و مبلغات تفرقه و تکفیر از این حلقه اخراج گردند و مدیریت این گفتگوها به یک کمیته علمی بی طرف و منصف و متخصص در اختلافات مذهبی واگذار گردد.

شایسته است موضوعات انتخاب شده برای گفتگو، هدفمند و به نفع مسلمین باشد تا وحدت کلمه محقق گردد و هر طایفه‌ای مبانی و اصول گروه دیگر را بشناسد بدون این که منجر به تفرقه گردد و یا به یکی از طایفه‌ها توهین شود و یا شیعیان به دلیل اعتقاداتشان محاکمه گردند.

مطلب سوم: آداب گفتگوی فکری

گفتگوی فکری و عقیدتی دارای آداب و اخلاق خاص خود است که مهم‌ترین آن به شرح ذیل است:
- دوری از استفاده از عبارات زشت و دشنام و تمسخر دیگران و تحریک عواطف طرف

مقابل و برانگیختن کینه.

- بالا نبردن صدای خود هنگام گفتگو زیرا نشانه ضعف و احساس شکست اوست.
- داشتن تواضع در برابر طرف مقابل خود و اجتناب از استفاده از عبارتهای متکبرانه.
- کامل گوش دادن به کلام طرف مقابل و شروع نکردن کلام خود از جایی که طرف مقابل سخنش را به پایان رسانده است.

- دغدغه گفتگو کننده رسیدن به حق و انصاف باشد و اجتناب از عناد و اصرار بر اشتباه. زیرا خداوند را ما امر فرموده که انصاف را حتی در مقابل دشمنان خود رعایت کنیم.

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ» [المائدة: ۸]

پایان

در خاتمه این بحث تأکید می‌کنیم که وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب محبان اهل بیت بر مبنای نقاط مشترک و همگرایی صورت می‌گیرد و فایده‌ای که امید است از این وحدت حاصل شود عبارتست از قوت و استحکام امت و عدم نفوذ در آن و تجزیه آن و مسلمین در جهت دشمنی با دشمنان حقیقی خود گام بردارند که همان استکبار جهانی است.

در این راستا باید در جهت انجام تمهیدات ظهور حضرت صاحب العصر و الزمان مهدی موعود (عج) آمادگی‌های لازم را ایجاد کرد و از خداوند متعال بخواهیم که مار جزء اعوان و انصارش قرار دهیم و ایشان محور اساسی توافق همه مذاهب اسلامی است.

و از آنجا که خداوند متعال نیکی و بدی را از هم جدا می‌کند، هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) مردم در دو جبهه خیر و شر تقسیم بندی خواهند شد.

پس شایسته است مفاتیح خیر و موانع شر باشیم و روش اهل بیت (ع) را در تعامل با همه مردم تبیین کنیم و موانع را در برابر طالبان حق برطرف سازیم تا مکانی برای دشمنان امت در خانه خود ایجاد نکنیم.

مهم‌ترین نتایج و توصیه‌ها

۱. شایسته است کمیته‌های علمایی از بین محبان اهل بیت تشکیل شوند که به یک مؤسسه رسمی وابسته باشند و در جهت حل مشکلات موجود گام بردارند و گفتگوهای علمی

نافع را مدیریت کنند و مفاهیم نادرست را اصلاح نمایند.

۲. إحياء روحیه تسامح و همزیستی مشترک با پخش برنامه‌های هدفمند از قرآن و روش ائمه اطهار.

۳. اقدام در جهت تصویب قوانینی که علیه شبکه‌های ماهواره‌ای فرقه گرا و کینه ورز اعلام جرم کند و آنها را مورد تعقیب کیفری قرار دهد زیرا اقدامات کینه توزانه آنها منجر به منازعات مسلحانه و کشتار و خونریزی و ویرانی و سلب حقوق دیگران و ظلم و ستم به اقلیت‌ها می‌شود.

۴. تأکید به مردم جهت هشدار دادن به فرزندان‌شان نسبت به روش‌های وهابیت تکفیری که در قالب کتیبه‌ها، نوارها و کلیپ‌های ویدئویی و شبکه‌های ماهواره‌ای و ... منتشر شده است؛ زیرا این روش‌ها سم کشنده هستند و نه داروی شفابخشی که برای سلامت خود و فرزندان مان و همه مسلمین می‌خواهیم.

منابع

- القرآن الکریم

- القرطبی، تفسیر القرآن العظیم.

- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی [۷۰۰ - ۷۷۴ هـ]، تفسیر القرآن العظیم، م دار طیبیه.

- ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه.

- الزمخشری (۴۶۷ - ۵۳۸ هـ)، الکشاف، دار الکتب العربی - بیروت.

- محمد باقر المجلسی، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء - بیروت - لبنان.

- د. محمد أبوزهره، کتیب الوحدة الإسلامية، سلسلة الثقافة الإسلامية، المكتب الفني للنشر.

- جلال الدین السیوطی، الدر المنثور فی تفسیر القرآن بالمأثور.



«ایجاد امت اسلامی»

کارویژه بنیادین انقلاب اسلامی

عباسعلی مشکانی سبزواری^۱

(۸۵_۵۹)

چکیده

ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود؛ اما لازمه ایجاد امت اسلامی وحدت و همدلی مسلمین منطقه و جهان است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های جمهوری اسلامی حرکت در مسیر گسترش فرهنگ تقریب و وحدت اسلامی و بسترسازی برای ایجاد امت اسلامی از این طریق است. مقاله پیش رو پس از تبیین چیرستی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز امت اسلامی و وحدت مسلمین، به تحلیل نسبت سه‌سویه این هر سه پرداخته است. ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در گرو ارائه الگویی صحیح به جهان اسلام است. از این رو در بخش پایانی مقاله به اثبات ظرفیت‌های الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

امت اسلامی، فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، وحدت مسلمین، ظرفیت‌های الگویی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

۱. مدرس دانشگاه باقرالعلوم (ع) و رئیس مؤسسه معارف و اندیشه تمدنی اسلام (قم)؛

مقدمه

آنچه ملتی را از ملل دیگر و جامعه‌ای را از جوامع دیگر متمایز می‌کند و موجب برتری آن بر ملل دیگر می‌شود «اتحاد و انسجام و همبستگی» است (پاشایی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز یکی از عوامل مهم انحطاط یک ملت و جامعه تجزیه شدن آن به گروه‌های کوچک و از بین رفتن انسجام و وحدت گروهی در آن است که نتیجه‌اش چیزی جز نفوذ و سلطه استعمارگران نیست که با تقویت حس ناسیونالیستی و فرقه‌گرایی و با تبلیغ و پرورش تفاوت‌های مذهبی و... سعی در تجزیه جامعه و تبدیل آن به گروه‌های کوچک دارند (پاشایی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). به فرموده امام خمینی(ره)، اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند (به صورت یک امت بودند)، معنا نداشت که قریب یک میلیارد مسلمان زیر دست قدرت‌ها باشند. متأسفانه در عصر حاضر کشورهای اسلامی تحت دکترین و نفوذ افکار و اندیشه غرب و عمال آنها، خود را به صورت یک ملت می‌نگرند، نه یک «امت» و مسلمین دچار اختلاف و تشتت شده‌اند. هر کشور می‌خواهد به تنهایی و به صورت مجزا از خود در مقابل قدرت‌های بزرگ محافظت کند بدون اینکه توانایی و قدرت آن را داشته باشد (مولانا، ۱۳۸۵: ۱۷). دشمنان اسلام، به ویژه آمریکا، از دیرباز در کمین بوده‌اند تا وحدت میان مذاهب و کشورهای اسلامی از بین برود تا بتوانند افکار پلید خود را برای جلوگیری از تحقق یا پیشرفت امت اسلامی و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی به اجرا گذارند (رک: امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۸: ۱۲۲). بنابراین از پرکاربردترین تکنیک‌های غرب برای جلوگیری از اتحاد امت اسلام و ایجاد دنیای یکپارچه اسلامی، تشدید اختلافات است (سعادت، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۷۷).

در مقابل، انقلاب اسلامی ایران و رهبران فقیه آن، از روزهای آغازین انقلاب، راهبرد «وحدت مسلمین» را نصب‌العین خویش قرار دادند و آن را عامل قوت و قدرت پایدار و برتری مسلمین و حرکت جامعه به سمت کمال و رشد قلمداد کردند و تفرقه و تنازع را مهم‌ترین عامل شکست درونی و بیرونی امت اسلامی و اضمحلال قدرت و شوکت مسلمین برشمردند.

اهمیت وحدت مسلمین، امت اسلامی و دنیای اسلام در نگاه رهبران انقلاب اسلامی، آنگاه جلوه‌گر می‌شود که ایشان آرمان نهایی و نقطه اوج انقلاب خویش را «ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام» دانسته و در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی ایران در راستای دستیابی به امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، تلاش و برنامه‌ریزی می‌کنند. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در فرایندی تکاملی که برای انقلاب اسلامی ترسیم فرموده‌اند «ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی» را آخرین حلقه این فرایند تکاملی قرار داده و گاه از آن با همین عنوان یاد کرده‌اند (مقام معظم رهبری،

۷۵/۹/۱۹). در همین راستا ایشان وحدت اسلامی را ضرورتی انکارناپذیر و از اهداف بزرگ نظام اسلامی دانسته و کارشکنی در مسیر آن را ضربه به کل امت اسلامی تلقی کرده‌اند (مقام معظم رهبری، ۸۲/۲/۲۲). بدیهی است دستیابی به دنیای یکپارچه اسلامی و احیای امت اسلامی در گرو اتحاد و همدلی آحاد مسلمین جهان در مقیاس بین‌المللی و جهانی است. علاوه بر این انقلاب اسلامی - با توجه به تعدد مذاهب و فرهنگ‌های دینی در داخل کشور- در مقیاس ملی نیز در حلقات پیشین فرایند تکاملی خویش، از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد کشور اسلامی، نیازمند وحدت و همدلی مسلمین (گروه‌های مختلف پیروان مکتب اهل بیت(ع) و پیروان مکتب خلفا) است.

مقاله حاضر به تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی و دنیای اسلام در آن پرداخته و هدف نهایی خویش را تبیین نقش وحدت مسلمین در ایجاد دنیای اسلام و احیای امت اسلامی با محوریت دیدگاه‌های مقام معظم رهبری(حفظه الله) قرار داده است. همچنین ظرفیت‌های الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام، به عنوان پیش شرط اساسی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی توسط انقلاب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلیات و مفاهیم

۱. امت اسلامی و دنیای اسلام

تعاریف مختلفی درباره امت اسلامی و دنیای اسلام در بیانات مقام معظم رهبری یافت می‌شود؛ از جمله «دنیای اسلام یک مجموعه عظیم با مسائل مبتلا به و دردهای مشترک، با دشمنی‌های مشترک، با درمان‌ها و راه‌های علاج مشترک است. در حقیقت، مسائل و مشکلات عمده مسلمان‌ها با همدیگر مشترک است» (مقام معظم رهبری، ۶۵/۵/۱۲). در تعریفی دیگر با برقراری ارتباط میان دنیای اسلام و امت اسلامی، می‌فرمایند: «دنیای اسلام یک امت است، و رای ایرانی بودن و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و و رای همه اینها و مانند آن. ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند» (مقام معظم رهبری، ۷۷/۳/۴). در تعریفی سوم، ایشان معتقدند: «دنیای اسلام به یک مجموعه انسانی اطلاق می‌شود که اعتقاد به توحید خالص دارد، به نفی عبودیت غیر خدا می‌پردازد، به استقرار عدل و اخلاق در بین انسان‌ها دعوت و اقدام می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۷۳/۱۰/۱۰). «امت اسلامی- چنان که پیامبر مکرم اسلام(ص) و تعالیم قرآن، طراح و برنامه‌ریز آن بوده‌اند- مجموعه‌ای از انسان‌ها هستند که از علم، اخلاق، حکمت، روابط صحیح و اجتماع برخوردار از عدالت بهره‌مند و نتیجه

همه اینها رسیدن انسان به اوج تکاملی است که استعداد آن را خدا در او قرار داده است (مقام معظم رهبری، ۸۳/۶/۱۳). به‌رغم تفاوت ظاهری در این تعاریف، در همه آنها وجوه مشترکی چون عقیده، آرمان، کتاب، پیامبر، قبله و... به چشم می‌خورد. بنابراین می‌توان دنیای اسلام را «مجموعه انسان‌هایی که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اعظم اسلام(ص) گرد آمده، در قالب امت اسلامی برای برقراری تمدن اسلامی و احیای کلمه حق قیام می‌کنند» دانست.

۲. فرایند تکاملی انقلاب اسلامی

غالباً هر انقلابی از یک نقطه آغاز می‌شود و با طی مراحل مختلف و فرایندی مشخص و مدون در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برمی‌دارد. انقلاب اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در حقیقت نقطه آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران، قیام رسمی امام خمینی(ره) در سال‌های ۴۱-۴۲ بود و تا امروز با طی مراحل و فرایندی خاص در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برداشته است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان در تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی دارند. گرچه نهان و ماهیت فرایندهای مطرح یکی است، اما دسته‌بندی‌ها و عنوان‌گذاری مراحل، مختلف و متعدد است. از میان فرایندهای مطرح، سه فرایند از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است. در یک طرح، فرایند تکاملی انقلاب اسلامی پنج مرحله دارد و در طرحی دیگر چهار مرحله و در طرح سوم این فرایند، سه مرحله را شامل می‌شود.

الف) فرایند پنج مرحله‌ای

فرایند انقلاب اسلامی و مراحل تحقق آرمان‌های آن تا دستیابی به الگوی جامع انقلاب و در نهایت تشکیل تمدن اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری در فرایندی پنج مرحله‌ای تبیین شده است. ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم فرمودند: «فرایند تحقق انقلاب اسلامی همین‌طور، قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود... این فرایند یک فرایند طولانی و البته دشوار است که انسان به طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها خیلی طولانی است» (مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۱۲).

مرحله اول: ایجاد انقلاب اسلامی: بر این اساس مرحله اول از این فرایند، پیروزی شکوهمند ملت ایران در مقابل رژیم منحوس پهلوی و «ایجاد انقلاب اسلامی» بوده است که هر چند کار بسیار مهم و پرهزینه‌ای بود، در مجموع نسبت به مراحل بعد جزو آسان‌ترین مراحل به شمار

می‌رود: «قدم اول که پرهیجان‌ترین و پرسرو صداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی بود، لیکن این آسان‌ترین است. این انقلاب اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزش‌های معنوی آغاز شده است. یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌ها» (مقام معظم رهبری، ۷۹/۲/۲۳). «انقلاب بزرگ ما خصوصیات خاصی مخصوص به خود داشت. این خصوصیات که بارها هم در تحلیل‌های ملت ما و آشنایان با انقلاب تکرار شده، اولین بار در یک انقلاب مشاهده می‌شد: تکیه به اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌ای که بر پایه ارزش‌های اسلامی بنا شده باشد» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۳/۱۴).

مرحله دوم: ایجاد نظام اسلامی: مرحله دوم از فرایند تحقق آرمان‌های اسلامی در بستر انقلاب، تأسیس نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته‌اند (۸۰/۹/۱۲). در حقیقت با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد. این قانون که تبلور ارزش‌های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

مرحله سوم: ایجاد دولت اسلامی: اما مرحله سوم که مرحله‌ای حساس به شمار می‌رود و از دو قدم پیشین دشوارتر است، «ایجاد دولت اسلامی» است. «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولت‌مردان به گونه‌ای اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۲۱). البته منظور از دولت در اینجا تنها هیئت دولت و وزیران نیست، بلکه مجموعه کارگزاران حکومت را دربرمی‌گیرد.

مرحله چهارم: ایجاد کشور اسلامی: پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تالک و تشعشع نظام اسلامی خواهد بود؛ بدین معنا که کارویژه اصلی دولت اسلامی، «ایجاد کشور اسلامی» است که خود مرحله چهارم فرایند تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن وقت کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود، عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌المللی ارتقا پیدا می‌کند. این می‌شود کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آنگاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه

می‌شویم: «لتکونوا شهداء علی الناس».

مرحله پنجم: ایجاد دنیای اسلام (امت اسلامی): «اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آنگاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است» (مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۲۱). به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به امت اسلامی خواهد بود: «از این مرحله [کشور اسلامی] که عبور کنیم بعدش دنیای اسلام است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (مقام معظم رهبری، ۷۵/۹/۱۹؛ رک: مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲ب).

ب) فرایند چهار مرحله‌ای

در دیدگاهی دیگر، فرایند انقلاب اسلامی در چهار مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرایند عبارت‌اند از: ۱. ایجاد انقلاب سیاسی؛ ۲. ایجاد انقلاب فرهنگی؛ ۳. ایجاد انقلاب اقتصادی؛ ۴. ایجاد تمدن اسلامی.

مرحله اول: انقلاب سیاسی: اولین مرحله در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نقطه آغاز آن، انقلاب سیاسی است. اصولاً هر انقلابی در مرحله اول سیاسی است. وقتی در جامعه‌ای انقلاب رخ می‌دهد، ابتدا انقلاب در ارزش‌ها واقع می‌شود و نظام و ساختار سیاسی جامعه پیشین از بین می‌رود و ادبیات جدیدی از ارزش‌ها، اهداف و تمایلات در آن جامعه مطرح می‌شود. این مرحله انقلاب در واقع سیاسی است. در مورد انقلاب اسلامی، می‌توان ادعا کرد که این مرحله به خوبی به انجام رسیده و سپری شده است. انقلاب سیاسی‌ای که امام خمینی (ره) پرچم‌دار آن بوده و ریشه در حرکت و تکامل جامعه شیعه داشت.

انقلاب اسلامی ایران در مرحله اول یعنی انقلاب سیاسی موفق بود و بر پایه آن نظام شاهنشاهی از بین رفت. به عبارت دیگر نه تنها در سطح ملی، ادبیات و ارزش‌های جامعه تغییر پیدا کرد که در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز بعد سیاسی انقلاب عملکرد خوبی ارائه کرد. در حال حاضر در ادبیات سیاسی جهان تغییرات جدی مشاهده می‌شود. ورود واژگانی مانند اینار و شهادت در مقابل واژگانی مانند استکبار و استضعاف، از ثمرات جهانی بعد سیاسی انقلاب است. جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی و غیراسلامی در منطقه، الگوبرداری شده از انقلاب سیاسی ایران اسلامی هستند.

مرحله دوم: انقلاب فرهنگی: اگر انقلابی بعد از انقلاب سیاسی خود، اقدام به انقلاب فرهنگی نکند یا پس از اقدام، موفق نشود، از آن انقلاب جز پرچم و سرودش چیزی باقی نمی‌ماند. اگر انقلاب

سیاسی توانایی تبدیل به انقلاب فرهنگی را نداشته باشد، ارزش‌ها و اهداف آن انقلاب از بین می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت گام دوم انقلاب برای وصول به تمدن اسلامی، انقلاب فرهنگی است که به مراتب سخت‌تر از گام اول است. امام(ره) از سال ۴۲ انقلاب را شروع کرد و در سال ۵۷ با تلاش خواص و عوام انقلاب به وقوع پیوست. انقلاب فرهنگی به معنای تولید فکر انقلاب، اندیشه و نرم‌افزاری است که انقلاب بر پایه آن شکل می‌گیرد و این نرم‌افزار مبانی و اهداف انقلاب را در عینیت جامعه جریان می‌بخشد. تحقق انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت.

انقلاب فرهنگی در ایران بلافاصله پس از پیروزی در انقلاب سیاسی شکل گرفت و همچنان در جریان است. با نگاهی کلان به افت و خیزهای انقلاب فرهنگی، در مجموع اقدامات خوبی انجام گرفته است و ان‌شاءالله بهترین از این خواهد شد (رک: جمالی، ۱۳۸۶: ۵).

مرحله سوم: انقلاب اقتصادی: چنان که گذشت، تحقق صحیح انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت. انقلاب اقتصادی و واکاوی زیرساخت‌ها و بنیان‌ها و نظام اقتصادی و هماهنگ‌سازی آن با نظام اقتصادی اسلام، از اولی‌ترین نیازهای اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

اقدامات صورت‌گرفته در چند سال اخیر در ایران اسلامی، مانند اجرای اصل ۱۴۴ و هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح سودهای بانکی و ... نشان از شروع انقلاب اقتصادی در ایران دارد. با تعیین شعار سال جهاد اقتصادی، عملاً و علناً کلید انقلاب اقتصادی زده شد. رسیدن به اهداف انقلاب اقتصادی، زمینه وصول به تمدن اسلامی را بیش از پیش فراهم خواهد کرد.

مرحله چهارم: ایجاد امت و تمدن اسلامی: مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، وصول به امت اسلامی و در نتیجه، تمدن اسلامی است که هدف مهم نظام اسلامی نیز به شمار می‌رود (رک: جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۶).

نظام جمهوری اسلامی که هدف خود را ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای ایجاد تمدن اسلامی و الهی تعریف کرده است، سه مقطع از مراحل فوق را پشت سر گذاشته و هم‌اکنون در حال زمینه‌سازی و انجام مرحله سوم از مراحل پروسه وصول به تمدن اسلامی است.

ج) فرایند سه مرحله‌ای

در یک دیدگاه، فرایند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی(ره) را به سه مرحله می‌توان تقسیم کرد: **مرحله اول: ایجاد انقلاب اسلامی:** اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع شد و در سال ۵۷ به سرانجام رسید.

مرحله دوم: استقرار انقلاب اسلامی: مرحله دوم که استقرار انقلاب اسلامی است، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی شروع شد. اهمیت این مرحله بدان علت است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله، وارد مرحله توسعه و حرکت از جمهوری اسلامی به سوی تمدن اسلامی می‌شود. با توجه به موقعیت تثبیت‌شده جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد مرحله استقرار انقلاب اسلامی با موفقیت پشت سر گذاشته شده است.

مرحله سوم: توسعه انقلاب اسلامی: هم‌اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله توسعه انقلاب نهاده و بر اساس یک برنامه بلندمدت درصدد توسعه انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان و ایجاد امت و دنیای اسلام است. توسعه انقلاب اسلامی، به معنای فراگیری منطقه‌ای و بین‌المللی اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی و ایجاد امت و دنیای اسلام است. اهمیت این مرحله بدان علت است که در صورت موفقیت در این دوره، انقلاب اسلامی، پای در انقلاب جهانی اسلامی و ایجاد امت اسلامی و در نتیجه وصول به تمدن جهانی اسلامی مبتنی بر نگرش جهانی خواهد گذاشت (رک: مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲ الف).

گفتنی است فرایندهای سه‌گانه یادشده، هر کدام از منظری به تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و چنان که گذشت، نهان و نهاد آنها با یکدیگر تفاوت چندانی نمی‌کند، اما در عنوان‌گذاری و نیز تقسیم‌بندی مراحل، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. آنچه در هر سه فرایند مشهود است، توجه به هدف والای انقلاب اسلامی در مسیر ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام و در نتیجه وصول به تمدن اسلامی است. در هر سه فرایند، مرحله نهایی و آرمانی، وصول به امت اسلامی و در نتیجه ایجاد تمدن اسلامی است. در جدول زیر به تطبیق این سه فرایند با یکدیگر و جایگاه ایجاد امت اسلامی در هر کدام پرداخته شده است:

مراحل انقلاب	فرایند سه مرحله‌ای	فرایند چهار مرحله‌ای	فرایند پنج مرحله‌ای
مراحل ابتدایی	ایجاد انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب سیاسی	ایجاد انقلاب اسلامی
مراحل میانی	استقرار انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب فرهنگی + ایجاد انقلاب اقتصادی	ایجاد نظام اسلامی + ایجاد دولت اسلامی + ایجاد کشور اسلامی
مراحل نهایی	توسعه انقلاب اسلامی (ایجاد امت اسلامی)	ایجاد امت اسلامی و تمدن اسلامی	ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام

۳. وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری (حفظه الله) وحدت مسلمین را در دو معنای «اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی در مقابله با دشمن» و نیز «نزدیکی فرق اسلامی به همدیگر، ایجاد تفاهم و تبادل آرای مذهبی در راستای دستیابی به امت واحده اسلامی» به کار برده‌اند (رک: مقام معظم رهبری، ۷۸/۷/۲۴). نکته مهم در این میان این است که ایشان در بیان انواع وحدت مسلمین، آن را منحصر در همکاری و اتخاذ مواضع مشترک در میدان سیاست و جهاد یا نزدیکی فرق اسلامی نمی‌دانند، بلکه به وحدتی فراتر از اتحاد در میدان سیاست و جهاد و نیز تقریب در عرصه اندیشه و فکر معتقدند که آن وحدت در عرصه معنا، یعنی اتحاد دل‌ها و جان‌هاست (رک: مقام معظم رهبری، ۸۱/۱۰/۲۵).

۴. ضرورت وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف، وحدت امت اسلامی را نیاز قطعی و ضرورت حیاتی امروز، شرط اساسی نجات مسلمین از چنگال نظام سلطه و همچنین علاج و داروی اصلی دنیای اسلام معرفی کرده و آن را مهم‌ترین مسئله، اولین الزام و ضرورت، اولویت ارجح دنیای اسلام شمرده‌اند و به تبیین نقش و جایگاه این امر در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی پرداخته‌اند. ایشان در تبیین ضرورت وحدت اسلامی می‌فرمایند: «مسئله وحدت یک مسئله حیاتی است. نه اینکه فقط برای جمهوری اسلامی حیاتی است. که البته در اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست. اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است» (مقام معظم رهبری،

۶۸/۱۰/۵). در بیانی دیگر با تأکید بر حیاتی بودن مسئله وحدت اسلامی می‌فرمایند: «امروز اتحاد بین مسلمین برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است، شوخی و شعار نیست، جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند» (مقام معظم رهبری، ۷۴/۵/۲۴). از نگاه مقام معظم رهبری، اولین شرط برای ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، رهایی از چنگال نظام سلطه است و این رهایی در گرو ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمین است: «تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان، شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه جهانی است» (مقام معظم رهبری، ۶۴/۴/۷). همچنین داروی اصلی برای وضعیت امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است: «علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است؛ باید با هم متحد بشوند» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۱/۱۷).

فواید متعددی که بر وحدت اسلامی مترتب می‌شود در بیانات مختلف مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار گرفته است: حرکت به سمت عزت و بیداری مسلمین (۷۰/۳/۱۵)، ظهور قدرت اسلامی (۸۵/۵/۳۰)، احساس قدرت و عظمت (۸۰/۹/۲۵)، عزیز شدن اسلام (۶۹/۴/۱۶)، بهره‌مندی امت اسلامی از عزت و اقتدار (۷۷/۱/۱۲)، ایجاد حصن حصین در همه کشورها و ملت‌های اسلامی (۶۹/۷/۱۱)، کاستن از ضربه‌پذیری دنیای اسلام و دچار وحشت شدن دشمنان اسلام (۶۸/۴/۱۲)، عدم جرئت دشمن به تهدید و تشکیل پایگاه در دنیای اسلام (۶۹/۷/۱۱)، قلم بطلان کشیدن بر عقب‌ماندگی، مشکلات و ذلت‌های دنیای اسلام (۸۵/۱/۲۷)، انتفاع نظام اسلامی (۸۶/۴/۱۴)، رسیدن به مقام مطرح شدن ارزش‌های اسلامی به صورت ارزش‌های قطعی دنیا، جذب دل انسان‌ها و تغییر در زندگی مسلمانان بر مبنای آن (۶۸/۴/۴) و مهم‌تر از همه اینکه ایجاد یک مجموعه عظیم متحد و تشکیل امت واحده اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه جهان اسلام (۷۶/۶/۲۱) و اعتلای کلمه اسلام (۶۸/۷/۵) از جمله فواید مترتب بر وحدت اسلامی است. آنچه تمامی این فواید را به هم پیوند می‌زند و در واقع روح حاکم بر تمامی آنها به شمار می‌رود، این است که تمامی این اهداف و فواید در راستای یک هدف برتر و متعالی‌تر قرار دارد که شاید بتوان آن هدف متعالی را «ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی» دانست که در بستر آن آحاد جامعه انسانی به همه کمالات فردی و جمعی دست پیدا خواهند کرد (۷۰/۳/۲۶).

۵. نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی

یکی از پرسش‌های اساسی این است که نقش وحدت مسلمین در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی

چیست؟ گرچه با توجه به بدهت و اهمیت موضوع، تصور صحیح مسئله، پاسخ خود را به دنبال دارد، اما برای روشن تر شدن زوایای گوناگون مسئله از دیدگاه مقام معظم رهبری، مروری گذرا بر نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی خواهیم داشت. مقام معظم رهبری با بیانی ساده، بدیهی بودن نقش وحدت در ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام را به تصویر می کشند: «شما ملاحظه کنید امروز دنیا به سمت بلوک بندی می رود؛ یعنی هر چند کشور در گوشه‌ای، به ادنی مناسبتی با هم اتحاد و اتفاق پیدا می کنند. علت هم این است که در این دنیا می فهمند که هر واحدی، به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خودش - از جمله نیاز به دفاع از خود- نیست و باید با هم دست به یکی کنند» (۶۸/۱۰/۵). دیدگاه‌های معظم له درباره نقش وحدت اسلامی را می توان در دو حوزه بیان کرد: نقش وحدت اسلامی در حوزه دفاع و مقابله با دشمن بیرونی و نقش وحدت در ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی. در حوزه اول، ایشان وحدت را به عنوان عامل مقابله با تهدیدهای دشمنان بیرونی (۷۵/۲/۴)، بزرگ‌ترین حربه ملت‌های اسلامی در مقابل نظام سلطه (۷۵/۵/۱۳)، بزرگ‌ترین سد در مقابل دشمن (۸۴/۲/۶) و رمز پیروزی امت اسلامی (۸۲/۹/۵) می دانند. در حوزه دوم نیز از مواردی همچون راه رشد و صلاح مسلمانان (۷۰/۱/۱۷)، راه رسیدن به مقاصدی همچون استقلال و سازندگی (۷۱/۲/۱۲)، برافراشته شدن پرچم اسلام (۸۳/۲/۱۸)، پیشرفت در عرصه‌های گوناگون (۸۲/۹/۵) سعادت و سربلندی مسلمانان (۷۵/۵/۱۳) یاد فرموده‌اند. علاوه بر موارد مذکور، بر نقش وحدت اسلامی در ادامه حیات (۸۳/۲/۱۸) و قوام بخشی امت اسلامی (۸۵/۶/۴)، پاس دارنده عزت و شوکت امت اسلامی (۷۳/۱۲/۱۱)، توانا ساختن امت اسلامی برای دستیابی به عزت کامل و عمل به احکام الهی و پشتیبانی از دولت‌های اسلامی (۸۵/۱۰/۲۵) و در نهایت سوق دادن جوامع اسلامی به سوی شکل گیری دنیای یکپارچه و مقتدر اسلامی و امت واحده اسلامی اشاره می کنند که در سایه آن نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر خواهد بود (۷۰/۳/۲۶).

۶. معنای امت اسلامی و تعدد کشورها و دولت‌ها

برخی با القای برداشت‌های غلط و ناصواب از معنای تقریب و وحدت، به شبهه افکنی در مسیر وحدت مسلمین و ایجاد دنیای اسلام می پردازند و لازمه حرکت در این مسیر را حذف دولت‌ها و کشورهای اسلامی و ایجاد حکومت واحد اسلامی می دانند. مقام معظم رهبری در پاسخ به این شبهه، ایجاد حکومت واحد اسلامی در عصر غیبت را امری غیرممکن قلمداد و تنها آرزوی خویش را وحدت آحاد مسلمین جهان در قالب امت اسلامی و نه نفی کشورها و دولت‌ها بیان

کرده‌اند: «ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان حقیقتاً واحد باشند، نه اینکه دولت‌ها و کشورها وجود نداشته باشند، چنین چیزی علی‌الظاهر تا قبل از ظهور ولی عصر (ارواحنا فدا) محقق نخواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۷۱/۶/۲۲). در مقابل ایشان معتقدند اولاً، در عصر غیبت وجود کشورهای متعدد اسلامی امری طبیعی است. ثانیاً، راه حاکمیت اسلام در سایر کشورها یکی نیست و متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها، می‌توان الگوهای متفاوتی را بر اساس مبانی تعریف و به عدد کشورهای اسلامی، تجربه حکومت اسلامی فرض کرد (مقام معظم رهبری، ۷۰/۱۱/۱۴). علاوه بر این معظم له یکی از فواید مهم ایجاد وحدت اسلامی و در ادامه به وجود آمدن دنیای یکپارچه اسلامی را پشتیبانی از دولت‌ها و حکومت‌های مختلف اسلامی می‌دانند (۸۵/۱۰/۲۵). با توجه به تعریفی که از دنیای اسلام به عنوان «مجموعه‌ای از انسان‌ها که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اعظم (ص) گرد آمده‌اند» ارائه شده است، ایجاد دنیای اسلام، منافاتی با وجود دولت‌ها و کشورهای اسلامی ندارد. تنها نکته، اسلامی بودن مدل حکومت‌ها و دولت‌ها در جوامع اسلامی است که می‌توان با الگوگیری از انقلاب اسلامی و شاخص‌های حکومت دینی در آن، به عنوان الگوی حکومتی، به تکثیر مدل‌های مختلف حکومت دینی در جهت دستیابی به دنیای اسلام و تمدن اسلامی اقدام کرد: «از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (مقام معظم رهبری، ۷۵/۹/۱۹).

تحلیل جایگاه امت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی

فرایند تکاملی انقلاب اسلامی ناظر به حرکتی است که انقلاب اسلامی در دوره‌های یادشده و نیز دوره‌های پیش رو باید داشته باشد تا به اهداف و موفقیت‌های مدنظر خود در هر مرحله از مراحل چندگانه پیش‌گفته نایل آید. بدیهی است مرحله نهایی هر کدام از فرایندهای یادشده، نسبت به مراحل ابتدایی و میانی، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد. دیگر اینکه در دوره ابتدایی و میانی، هدف حرکت جامعه، به ویژه بر اساس هدایت‌ها و رهبری حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله)، اولاً بسیط و ثانیاً شفاف و روشن بود؛ اما در مرحله نهایی، این هدف ابعادی چندوجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. به بیان روشن‌تر، با توجه به

گسترش ابعاد کمی و کیفی انقلاب اسلامی در مرحله نهایی و سرایت آن به خارج از مرزهای جغرافیایی با هدف تکثیر الگوی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان و ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای وصول به تمدن الهی، مشکلات متعددی سر راه وجود دارد که باید با برنامه‌ریزی دقیق و رصد این مشکلات و نیز پیش‌بینی راه‌های گذار، به تدبیر آنها پرداخت. بخشی از این مشکلات مربوط به منابع و نرم‌افزارهاست که راه‌حل آن در گرو کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی است (در این باره رک: مشکانی، ۱۳۹۲ الف). همچنین در این مرحله و در مسیر حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی، بر سرعت، گستردگی و نیز چرخش تغییرات افزوده می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش رو می‌افزاید. به لحاظ ساختاری نیز جامعه اسلامی در مرحله نهایی، از مزیت نظام‌مند شدن فعالیت‌ها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وری‌ها، به مسائل و آسیب‌هایی خواهد انجامید. از طرف دیگر دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که از انقلاب و جمهوری اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر و نیز هماهنگ‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند (رک: مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۲۲-۲۲۳). بخشی دیگر از این مشکلات مربوط به آحاد مسلمین و نیز دولت‌های کشورهای اسلامی است که نیازمند آگاهی بخشی به اهداف انقلاب اسلامی در جهت ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی است. به بیان دیگر، مرحله ابتدایی و میانی انقلاب اسلامی درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و میان مردمان مؤمن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست؛ اما مرحله نهایی، پای را از جغرافیای خودی فراتر می‌نهد و سطح منطقه و بین‌الملل را شامل می‌شود. بالطبع مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت که بیشتر به نظایر آن برخورد نکرده بود و باید درصدد پاسخگویی و اشباع آنها برآید (رک: مشکانی، ۱۳۹۲ الف). از جمله این مسائل، تشنت و اختلافات ظاهری بین مسلمین در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی است که باید برای آن برنامه‌ریزی صحیح و دقیق انجام داد. مهم‌ترین کار در این مرحله زدودن مسائل اختلاف‌انگیز و مهیا کردن بستر وحدت اسلامی و برادری دینی در جهت وصول به امت اسلامی است.

برای تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز جایگاه ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام در آن و تشریح چرایی قرار گرفتن ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در مرحله نهایی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، تحلیل جامعه‌شناختی زیر می‌تواند راهگشا باشد.

۱. تحلیل جامعه‌شناختی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی در آن

جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن، دوره‌های متعددی را گذرانده و می‌گذراند. اولین مرحله را می‌توان جامعه طبیعی و ابتدایی نامید. البته این عنوان را نباید با معنای منفی آن، که برخی از جامعه‌شناسان به کار برده‌اند، خلط کرد. مقصود از جامعه طبیعی در این تحلیل، دوره‌ای از حیات بشری است که مؤثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه، عوامل طبیعی است؛ بنابراین شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امرار معاش او نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومت‌ها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیت‌هایی منحصر در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی، رهبران دینی برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نرسند و با ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت پی بگیرند.

اما با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به «جامعه مدنی»، حکومت اهمیت مضاعفی می‌یابد. البته مفهوم جامعه مدنی در طول تاریخ، تحولات عمده و معانی مختلفی پیدا کرده است. مقصود از جامعه مدنی در این تحلیل جامعه‌ای است که حکومت علاوه بر مسئولیت در قبال عوامل بیرونی، در قبال شهروندان مسئولیت‌های گوناگونی همچون به رسمیت شناختن و حفاظت از حقوق مالکیت فردی، احترام به حوزه حقوق خصوصی، به ویژه حق شهروندان برای مشارکت در بحث عمومی و زندگی سیاسی را بر عهده دارد (رک: غنی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۲۹-۳۰). اینجاست که متدینان و متولیان دین به ضرورت در دست داشتن حکومت و قدرت برای وصول به اهداف خود پی می‌برند و در تکاپوی به دست آوردن حکومت به جنب و جوش درمی‌آیند. به خصوص با گسترده شدن وظایف حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیع‌تری از موضوعات اعمال حاکمیت می‌کند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت دولت و دایره اعمال حاکمیت دین بیشتر شود. نتیجه این تعارضات در ایران اسلامی، مرحله ابتدایی انقلاب بود که انقلاب به وقوع پیوست. بعد از مرحله ابتدایی و نیز در مرحله میانی، جامعه انقلابی ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می‌برد. تنها تفاوت مرحله میانی با مرحله ابتدایی، مواجهه انقلاب با مسائل فزون‌تر و جدی‌تر از قبل است. پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه جهانی می‌رسد و در آینده جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله نهایی

خود، یعنی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و وصول به تمدن اسلامی وارد می‌شود. نهاد و نهان جامعه جهانی با جامعه مدنی متفاوت است و بالطبع نهاد و نهان مرحله نهایی انقلاب اسلامی با مرحله میانی آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله انقلاب اسلامی با گسترش جغرافیای اهداف خود، با هدف ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، پای در مرحله جامعه جهانی کمی گذارد و خود را مهیای تدبیر امور در مقیاس بین‌المللی و جهانی می‌کند (رک: مشکانی، ۱۳۹۲ الف). بدیهی است ورود به جامعه جهانی، قبل از هر چیز نیازمند بستر مناسبی است که انقلاب اسلامی بتواند در آن بستر اهداف خود را پی گیرد. همچنین بدیهی است ایجاد این بستر در گرو همدلی و همسازی کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای اسلامی است و این مهم از طریق گسترش اندیشه وحدت اسلامی و قوت‌بخشی به جریان‌های فکری تقریبی امکان‌پذیر است.

۲. جایگاه وحدت اسلامی در هندسه انقلاب اسلامی (از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد امت اسلامی)

وحدت در جوامع اسلامی و میان کشورهای اسلامی، نه تنها امری ممکن و مطلوب است، که به دلیل آثار و فواید آن، ضرورتی انکارناپذیر دارد. اما پرسش اساسی این است که رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به این مسئله، رویکردی تاکتیکی است یا استراتژیکی؟ به نظر می‌رسد رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به مقوله وحدت مسلمین، رویکردی استراتژیک است و به آن به مثابه راهبردی اصلی در سیاست خارجی و داخلی می‌نگرند. به بیان روشن‌تر، رویکرد انقلاب اسلامی به وحدت اسلامی، صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الهی دارد. البته این سخن به معنای نفی رویکرد تاکتیکی به مسئله نیست؛ به این معنا که گرچه وحدت مسلمین، از اهداف راهبردی انقلاب اسلامی است که به طور وسیع در درازمدت دست‌یافتنی است، اما امروز با توجه به تهدیدها و چالش‌هایی که نظام سلطه برای انقلاب اسلامی به وجود آورده است، برای تبدیل آن به فرصت، از اقدامات تاکتیکی و عملی نباید غفلت کرد (فولادی، ۱۳۸۷). در اندیشه مقام معظم رهبری نیز وحدت به مثابه یک «هدف اعلا» و «اصل اسلامی و انقلابی» است و به کارگیری آن در جهت اعتلای اسلام، قرآن و حاکمیت دین و به عنوان یک مسئله استراتژیک، حقیقی و بنیادین مطرح است، نه امری مصلحتی و گذرا: «امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر وحدت حاصل شود، آن وقت دنیای اسلام

حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و علم به احکام اسلامی دست پیدا کند» (۸۵/۱۰/۲۵). ایشان همچنین در بیان اهمیت وحدت و اصل بودن آن در اسلام و انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما این مسئله وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی مورد تأکید قرار می‌دهیم» (۶۸/۷/۱۹). در نفی تاکتیکی بودن شعار وحدت اسلامی اضافه می‌نمایند: «این امر را یک مسئله استراتژیک می‌دانم. یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم. ما این انگیزه صحیح مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم» (۶۹/۱/۲۶).

پس از تحلیل نسبت انقلاب اسلامی و وحدت اسلامی، به رابطه و نسبت دوسویه و هم‌افزایانه این دو دست پیدا می‌کنیم؛ بدین معنا که وحدت اسلامی نقش بسزایی در مراحل مختلف فرایند تکاملی انقلاب اسلامی داشته و در طرف مقابل، انقلاب اسلامی نیز عاملی اساسی در جهت تقویت و استمرار وحدت اسلامی بوده است. نقش وحدت اسلامی در انقلاب را در دو سطح ملی و فراملی می‌توان تحلیل کرد؛ بدین معنا که از مرحله ایجاد انقلاب اسلامی تا مرحله ایجاد کشور اسلامی نقش وحدت اسلامی، در سطح ملی و سپس در مرحله ایجاد دنیای اسلام و تمدن اسلامی نقش آن در سطح فراملی و بین‌المللی است.

مقام معظم رهبری وحدت اسلامی را یکی از پیام‌های عمده انقلاب اسلامی در مراحل مختلف آن قلمداد می‌کنند (رک: مقام معظم رهبری، ۶۸/۷/۱۹).

۳. تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری مسلمین و ایجاد دنیای اسلام

مسئله احیا و تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان و در مرحله پیشرفته‌تر آن، تجدید بنا یا بازسازی امت اسلامی و دنیای اسلام در قرون اخیر از طرف رهبران، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام به منظور رفع عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و همچنین در جهت برخورد با سلطه غرب طرح و دنبال شده است. انقلاب اسلامی ایران کامل‌ترین حلقه از سلسله جنبش‌های اسلامی در دوران معاصر و نقطه عطفی در حرکات و جنبش‌های فکری و فرهنگی به شمار می‌رود که هدف نهایی و آرمانی خود را تجدید بنای امت اسلامی و بازسازی یا ایجاد دنیای اسلام و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی قرار داده است.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بر ذهنیت‌ها و موقعیت دینی-سیاسی مسلمانان و مشروعیت دولت‌های حاکم تکان شدیدی وارد کرد و دوباره نقش دین و مذهب را در جامعه و

سیاست مطرح ساخت (موثقی، ۱۳۷۸: ۱۳۹). احیای امت و نیز اخوت اسلامی میان مسلمین جهان، شکستن بت استکبار و طلسم تسخیرناپذیر قدرت‌های شرق و غرب و حمایت از حرکت‌های آزادی‌بخش جهان و مستضعفین و احیای شعار نابودی اسرائیل و زنده کردن دوباره قدس که تأثیر بسزایی در انتفاضه فلسطین داشته (دهقان، ۱۳۷۶: ۱۵۹) و در نهایت هویت بخشیدن به جهان اسلام و حرکت در مسیر «ایجاد دنیای اسلام» از موارد مهم آن است. درباره تأثیر انقلاب اسلامی و هدف رهبران آن در راستای ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، اسپوزیتو می‌گوید: آیت‌الله خمینی طرفدار انقلاب غیر فرقه‌ای یا جهانی اسلام بود. هدف انقلاب از بین بردن شکاف شیعه و سنی در اسلام و آزادی مسلمانان بر حق شیعه و تمامی مظلومان جهان است. یکی از اهدافی که قانون اساسی جدید بر آن تصریح دارد، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است و این هدفی بود که بیش از سایر اهداف انقلابی توجه رسانه‌های غربی را به خود معطوف کرد و در دل‌های غربیان و حکومت‌های کشورهای اسلامی هراس افکند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۷).

امروزه مسلمانان جهان ضمن ناامیدی از اندیشه‌های انسان‌مدارانه و ارزش‌های غربی، بار دیگر به ارزش‌ها و احکام الهی رو کرده‌اند. بر اثر همین رویکرد مسلمانان به اسلام، هانتینگتون که تا دیروز تصریح می‌کرد در پایان قرن بیستم قضیه اسلام یکسره خواهد شد و کار این تمدن به پایان خواهد رسید، امروز پس از مشاهدات و ملموسات، اعلام می‌کند که من اشتباه کردم و ادامه می‌دهد: البته پیش از من افراد دارای اشتها به علم و معرفت نیز دچار چنین اشتباهی شده‌اند. من اکنون باور دارم که تمدن اسلامی، تمدن ماندگار و پایاست (قانع بصیر، ۱۳۷۷: ۷).

رابین رایت، پس از بیان نقش مذهب در عصر حاضر در عرصه سیاسی در کشورهای مختلف و اقبال مردم کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی و شبه قاره هند به مذهب می‌نویسد: تلاش‌هایی که اکنون در جهان اسلام صورت می‌گیرد، بیانگر نیاز عمیق‌تری نیز هست که می‌تواند تأثیر اسلام‌گرایان را گسترده‌تر و پایدارتر سازد؛ زیرا اسلام تنها دین بزرگ و یکتاپرستی است که نه تنها باورهای معنوی، بلکه مجموعه‌ای از قواعد برای حکومت عرضه می‌دارد. اکنون اسلام گذشته از مبارزات برای کسب جایگاهی در نظم جدید جهانی، با تحولاتی بنیادین روبه‌روست که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ دانست (رابین رایت، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

هرایر دکمجیان می‌نویسد: تجدید حیات اسلام و بازگشت به احکام و ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان به چشم می‌خورد. جهان تنها پس از ورود ناگهانی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با سلسله حوادثی تعیین‌کننده مواجه شد و واژه بنیادگرایی اسلامی نیز بخشی از فرهنگ و

ادبیات سیاسی، پژوهشی و ژورنالیستی غرب شد (دهقان، ۱۳۷۶: ۲۲۳).

محمد آرگون، نویسنده مشهور عرب، پس از بیان این نکته که امروز میلیون‌ها مسلمان در اندونزی، هند، بنگلادش، پاکستان و ترکیه پناهگاه و مرجع خود را در اسلام جست‌وجو می‌کنند، می‌افزاید: بدون تردید پیروزی آیت‌الله خمینی در ایران، دین را در عرصه‌های عینی مطرح کرد و استوار گردانید و جایگزین رویکردهای سکولاریستی در انقلاب عربی و سوسیالیستی ساخت؛ به گونه‌ای که محورهای پیام اسلام معاصر و فرضیه‌ها و موضوعات آن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از سوی همه به کار گرفته می‌شود (دهقان، ۱۳۷۶: ۲۲۴).

با توجه به آنچه آمد، تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری مسلمین و نیز اثر مستقیم آن بر گرایش به اسلام و ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، به اعتراف دوست و دشمن تأثیری انکارناپذیر است.

۴. ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی

مسئله دیگری که نیازمند بحث و بررسی است این است که آیا جمهوری اسلامی ایران ظرفیت لازم را برای ایجاد امت اسلامی دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی نیازمند چه سازوکاری است و آیا این سازوکار را فراهم آورده است یا ظرفیت فراهم‌آوری آن را دارد یا خیر؟

پاسخ به این پرسش در گرو مروری دیگر بر فرایند تکاملی انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری است تا شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در بیان ایشان روشن تر شود. معظم‌له در موارد متعددی در این باره فرموده‌اند: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شده، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد ... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌توان دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۱۲).

ایشان همچنین در بیانی دیگر، گسترش و توسعه انقلاب اسلامی را - برخلاف برخی انقلاب‌ها که از طریق ایجاد فتنه، لشکرکشی و گسترش تروریسم در این مسیر گام برمی‌دارند- از طریق الگوسازی نظام جمهوری اسلامی برای سایر کشورها و ملت‌های دنیای اسلام امکان‌پذیر می‌دانند (۸۷/۳/۱۴).

چنان که مشهود است، شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، ایجاد الگو است؛ یعنی «ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حد و مرتبه‌ای برساند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه

می‌کنند، شوق یابند و آن را دنبال کنند» (۸۷/۳/۱۴). بدیهی است حرکت ملت‌ها و کشورهای مسلمان در یک راه و در یک مسیر، مقدمه اتحاد دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی است.

بنابراین باید موقعیت فعلی جمهوری اسلامی مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد تا معلوم شود هم‌اکنون آن الگو ایجاد شده است و انقلاب اسلامی ظرفیت الگو قرار گرفتن برای سایر جوامع اسلامی را دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش مثبت است. در ادامه به طور مختصر به چند دلیل در این باره اشارتی می‌رود و تفصیل سخن به مقال دیگری با همین عنوان احاله می‌گردد.

۵. ظرفیت الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام (در راستای ایجاد امت اسلامی)

۱. انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی تا کنون بر پایه سیاست «نه شرقی—نه غربی» در عرصه جهانی حضور یافته است. تحلیل وضعیت قدرت شرق و غرب (شوروی و آمریکا) به خوبی میزان قدرتی را که در برابر آنها قد علم کرده است، نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به هر میزان که قدرت آمریکا و شوروی افسانه‌ای تبیین شود، به همان میزان، قدرت کشوری که در برابر این قدرت افسانه‌ای مقاومت و بدون اتکا به آنها آرمان‌ها و اهداف خود را محقق کرده است، افسانه‌ای خواهد بود. واقعیت این است که بسیاری از کشورهای جهان دوم و سوم و حتی برخی کشورهای جهان اول، تجربه تلاش برای قطع وابستگی به قطب‌های قدرت را داشته‌اند. آنها با تمام وجود سیطره قطب‌های قدرت را بر خود و سرنوشت ملت‌شان حس کرده‌اند و به تجربه وجودی حس می‌کنند که مقاومت در برابر آنها تا چه میزان سخت است. اما آنها در کمال ناباوری مشاهده کرده‌اند که انقلاب اسلامی به رغم همه فشار وارده از جانب قطب‌های قدرت، به طور نسبی توانسته است سایه آنها را از ملت خود و سرنوشت‌شان کنار بزند. به نظر می‌رسد هر چه زمان این مقاومت طولانی‌تر شود، هم‌زمان ایمان این کشورها به قدرت انقلاب اسلامی افزایش و قدرت ابرقدرت‌ها کاهش می‌یابد. از این رو در محاسبه قدرت ایران، باید علاوه بر ایمان ملت ایران به راهی که انتخاب کرده‌اند، ایمان ملت‌های بسیاری از کشورهای جهان دوم و سوم را نیز افزود.

۲. در میان کشورهای جهان، تنها ایران نیست که با غرب و سیاست‌های آن ناسازگار است، بلکه بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از استکبار غرب بر خود نگران هستند؛ اما از میان همه این کشورها، تنها ایران نوعی مواجهه حداکثری با غرب پیدا کرده است؛ بدین معنا که ایران، نه تنها با سیاست استعماری غرب، بلکه با فرهنگ آن، اقتصاد آن، مبانی معرفتی آن و هر چیزی که به

نحوی در استحکام آن مؤثر است، غیریت و ضدیت پیدا کرده است. مواجهه حداکثری با غرب، تجربه زیست‌غیروابسته در جهان پیچیده امروزی را در اختیار ایران قرار داده که هر چند با فشارها، تحریم‌ها و هزینه‌های بعضاً کلان همراه بوده، اما نتایج و دستاوردهای خجسته‌ای برای ایران به ارمغان آورده است. یکی از این دستاوردها، خودباوری عنصر ایرانی است که بسیاری از کشورهای اسلامی از آن محروم هستند. خودباوری ایرانی باعث شده است تا ایران ضمن پاسداری از تراث و مآثر خود، بتواند نوعی تجدد بومی را برای خود رقم زند. ممکن است در مقایسه برخی وجوه تمدنی، ایران پسانقلابی نسبت به برخی کشورهای اسلامی، عقب‌تر باشد، اما مهم این است که رشد و پیشرفت ایران، نه فقط با عنصر ایرانی، بلکه مهم‌تر از آن با اندیشه ایرانی محقق شده است؛ در حالی که در پیشرفت اغلب کشورهای اسلامی، بیش از آنکه «اندیشه بومی» حضور داشته باشد، «عنصر بومی» حضور دارد. مواجهه حداکثری با غرب باعث شده است تا ایران از جوانب مختلف در انزوایی برنامه‌ریزی شده قرار گیرد. واقعیت این است که تحریم برای کشوری که اراده حرکت کردن دارد، بیش از آنکه نعمت باشد، نعمت است. تجربه کالاهای تحریمی ایران به خوبی گواه است که به شکلی ناباورانه در هر زمینه که ایران بیشتر مورد تحریم قرار گرفته، بیشتر رشد و پیشرفت کرده است. کشورهای اسلامی برای مواجهه با غرب، چاره‌ای جز استفاده از تجربه و الگوی ایران ندارند.

۳. انقلاب اسلامی از بدو ظهور تا کنون با تحریم و فشار بین‌المللی مواجه بوده است؛ با این همه، در بسیاری موارد در اختلاف با ابرقدرت‌ها به دلیل قدرت ویژه‌ای که داشته، توانسته است از گزینه خود دفاع کند. قدرت ابرقدرت‌ها به امکانات اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی و سیاسی‌شان است، اما قدرت ایران ناشی از باور عمیقش به آرمان‌هایش می‌باشد. از آخرین موارد اختلاف جدی بین ایران و غرب، مسئله انرژی هسته‌ای ایران بود که به رغم همه فشارهای بین‌المللی، ایران به خوبی توانست از آن دفاع کند و حتی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تأثیری در اراده آن نداشت. به عبارت دیگر، ایران از چنان قدرت چانه‌زنی حتی در شورای امنیت برخوردار است که به راحتی می‌تواند ائتلاف قدرت‌ها را بشکند. بحث حمله به ایران و نیز داستان حمله به سوریه و نمونه‌های متعددی از این دست که به شکست طرف غربی منجر شده، جملگی به دلیل قدرت بالای ایران در چانه‌زنی در دقایق پایانی بوده که اعتبار آمریکا و غرب را به شدت در افکار عمومی دنیا زیر سؤال برده است. اعتبار غرب و آمریکا در این فضا آنگاه بیشتر مورد تشکیک و تردید قرار می‌گیرد که هر از گاهی مسئولان ایران، تهدیدهای آمریکا را در رسانه‌های عمومی به سخره می‌گیرند. طرفه آنکه گاه آنها را تحریک به حمله می‌کنند و از اینکه نمی‌توانند به ایران حمله کنند، تحقیرشان می‌نمایند! در این

میان، کدام‌یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی منطقه از این امتیاز برخوردارند؟ بدیهی است در این امر نیازمند الگوگیری از نمونه ایران هستند.

۴. برخی کشورهای اسلامی ممکن است در برخی جهات اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای و ... قدرت بیشتری از ایران داشته باشند، اما هرگز این قدرت‌شان را در عرض قدرت‌های ضد اسلامی قرار نداده‌اند. ملت‌های مسلمان هرگز از اینکه چنین کشورهای اسلامی به چنین قدرتی دست یابند، خوشحال نخواهند بود؛ زیرا مادام که قدرت اسلامی در برابر قدرت‌های ضد اسلامی عیان نشود، انگار که به تعداد قدرت‌های جهانی، قدرتی دیگر افزوده شده است و این نه تنها برای ملت‌های ستمدیده خوشحال‌کننده نیست، که مایه اضطراب و نگرانی است. آنچه ایران اسلامی را از سایر کشورهای اسلامی متمایز می‌کند، این است که قدرت ایران در عرض قدرت‌های استکباری رخ نموده است. برای آنکه بدانیم چه قدرتی در عرض و چه قدرتی در طول قدرت‌های استکباری ظهور کرده‌اند، بهترین روش این است که بدانیم آیا قدرت‌های استعماری از ظهور آن قدرت استقبال کرده‌اند یا به ستیزش رفته‌اند. برای مثال، پاکستان و ایران به عنوان دو کشور دارای نظام جمهوری اسلامی، مجهز به انرژی هسته‌ای هستند، اما آمریکا به عنوان یک قدرت استکباری از انرژی هسته‌ای پاکستان حمایت می‌کند و از انرژی هسته‌ای ایران نگران است. این بدین معناست که قدرت هسته‌ای پاکستان در برابر قدرت هسته‌ای غرب عیان نشده، بلکه در طول و شاید هم در خدمت آن نمود یافته است. از این رو، قدرت ایران بدان علت ظرفیت الگوبخشی به جهان اسلام را دارد که حقیقتاً متعلق به جهان اسلام است، نه اینکه ظرفیتی متعلق به خارج از جهان اسلام اما به ظاهر در درون جهان اسلام باشد!

۵. ظرفیت علمی انقلاب اسلامی ایران به اندازه‌ای است که به رغم همه توجه آگاهانه‌ای که غرب برای سانسور خبری و اعلام نکردن آن دارد، ناگزیر در برابر برخی وجوه آن تسلیم شده است. امروزه ایران در برخی حوزه‌های علمی، نه فقط در ردیف کشورهای برتر اسلامی، بلکه در رده‌های بالای جهانی قرار دارد. برای مثال ظرفیت علمی ایران در حوزه‌هایی همچون پزشکی، نانو تکنولوژی و ... در مقیاس جهانی و در حوزه‌های نظامی، پتروشیمی، برخی صنایع و ... در مقیاس جهان اسلام، در حد بالایی ثبت شده است. در سال‌های اخیر که نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری به وجود آمده، در میان جوانان ایرانی نوعی نشاط علمی با هدف عبور از غرب ایجاد شده است که در آینده نه چندان دور، حتماً نتایج مثبتی به بار خواهد آورد. اساساً جوانان ملتی اراده کرده‌اند که به جای تقلید از غرب، خودشان تولید کنند که بسیار امیدزاست. تقریباً همه حاکمان غیروابسته دنیا دغدغه دارند

تا به جوانان کشورشان روحیه خودباوری را تلقین کنند. نباید پنداشت که عمومیت یافتن این روحیه در ایران، تصادفی و کم‌اهمیت است. جوانان و حتی خواص برخی کشورهای اسلامی، افقی را که برای جوانان ایرانی نزدیک به چشم می‌آید، تا حد محال دور می‌پندارند! توفیق انقلاب اسلامی در جنبش مذکور می‌تواند ظرفیت الگوبخشی آن را در حوزه علم مضاعف کند.

۶. امروزه بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها بر اساس آمایش‌های سرزمینی انجام می‌گیرد. در آمایش‌های سرزمینی، تیپولوژی اقوام از زوایای مختلف روحی، جسمی، امکاناتی و ... سنجیده می‌شود. برای مثال، بررسی می‌شود که فلان قوم از چه ضریب هوشی، ظرفیت، تهدید، امکانات و ... برخوردار است. آمایش‌های سرزمینی به خوبی نشان می‌دهد که قوم ایرانی از جهات مختلف بر بسیاری از اقوام مسلمان دیگر برتری دارد که آن را برای الگوبخشی به جهان اسلام مستعد کرده است. از جمله این ویژگی‌ها ذهن عقل‌گرا، ضریب هوشی بالا، غیرتمندی ویژه نسبت به دین و وطن و موارد متعدد دیگر است. اینک‌هانتینگتون در نظریه معروف خود، یعنی «نظریه برخورد تمدن‌ها» - که ناظر به جنگ پایانی تاریخ است - از میان کشورهای اسلامی، ایران را به عنوان نماینده و الگو برای شرکت در نبرد آخرین تاریخ معرفی می‌کند، ناشی از همین ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص ایرانیان است وهانتینگتون به خوبی دریافته است که ظرفیت‌های ایران برای مقابله جهانی اسلام با کنفوسیوس و غرب بیشتر از همه کشورهای اسلامی دیگر است.

۷. از زمانی که استعمار کلاسیک قدرت و ثبات یافت و تکنولوژی و صنعت هم مددکار آن شد، بسیاری از استعمارگران دغدغه گسترش مستعمرات خود را تا آنجا پیش بردند که هوس فتح کل جهان را کردند و برای نیل بدین مقصود، تئوری‌هایی تولید کردند. در قرون اخیر دست‌کم پنج تئوری معروف برای کسب قدرت برتر جهانی ارائه شده است. تسلط بر دریاها، فضا، هلال خصیب (منطقه‌ای هلالی در خاورمیانه)، هفت گردونه آبی مهم دنیا و داشتن کمیت بالای انسانی هسته اصلی هر کدام از این تئوری‌هاست. شاید هیچ‌کدام از تئوری‌های مذکور، مطلق نباشند، اما همه آنها بهره‌ای حق و درستی را در اختیار دارند. واقعیت این است که در عصر ما، دریا، فضا، تنگه‌های استراتژیک آبی و ... همه و همه مهم هستند. در میان کشورهای اسلامی، ایران از معدود کشورهایی است که تقریباً از همه عوامل قدرت جهانی بهره‌مند است؛ در حالی که غالب کشورهای مسلمان، فاقد کمیت بالای انسانی، دور از هلال خصیب، فاقد امتیاز کنترل گردنه‌های آبی مهم دنیا و ... هستند. به عبارت دیگر، قدرت نسبی ایران در میان کشورهای اسلامی نیز می‌تواند یکی دیگر از ظرفیت‌های الگوبخشی آن برای جهان اسلام باشد.

۸. همه اقوام درون جهت‌گیری‌هایی حرکت می‌کنند که جهان‌بینی‌شان به آنها می‌بخشد. به طور کلی، ملت‌های جهان از سه نوع جهان‌بینی کلی برخوردارند: گذشته‌محور (مانند مکتب کنفوسیوس و سلفی‌های مسلمان و ...); حال‌محور (مانند تمدن فعلی غرب) و آینده‌محور. گروه اخیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: فقط آینده‌نگر؛ آینده‌نگر و آینده‌گرا؛ آینده‌نگر و آینده‌گرا و آینده‌پرداز. در میان ملل و نحل موجود در جهان معاصر، تنها قومی که آینده‌محور از نوع سوم (آینده‌پرداز) است، ایران شیعی است. در حقیقت اگر دیگران نیز مدعی آینده‌نگری باشند، حرکت آنها «به سوی فردا» است، اما آینده‌نگری ایران شیعی از نوع حرکت «برای فردا» است و بین این دو تفاوت از زمین تا آسمان است. بی‌شک آینده از آن کشوری است که برای فردا حرکت می‌کند، نه اینکه فقط به سوی فردا حرکت کند. از آنجا که ایران از معدود کشورهایی است که برای فردا حرکت می‌کند، نسبت به سایر کشورهای اسلامی که عمدتاً به سوی فردا حرکت می‌کنند، از ظرفیت الگوبخشی بالایی برای جهان اسلام برخوردار است.

۹. دست‌کم دو نحوه حضور اسلام در جوامع اسلامی را باید از یکدیگر تفکیک کرد: یکی «اسلام به مثابه تاریخ» و دیگری «اسلام به مثابه فرهنگ». در بسیاری از بررسی‌هایی که تا کنون درباره وضعیت اسلام در جوامع اسلامی شده، به دلیل عدم تفکیک میام این دو مقوله، خلط مبحث‌های زیادی شده است. در این خصوص، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

الف) هر چند میان تاریخ و فرهنگ ارتباطی وثیق برقرار است، با این حال این‌گونه نیست که هر تاریخی تبدیل به فرهنگ شود یا هر فرهنگی از تبار تاریخی روشنی برخوردار باشد. منطقی‌ترین شکل ارتباط تاریخ و فرهنگ، صورتی است که در آن تاریخ به فرهنگ تبدیل شده باشد. تاریخ فرهنگ شده و همان تاریخ پویا شده و تاریخ به ثمر نشسته است؛ چنان که بدترین شکل ارتباط این دو نیز صورتی است که در آن، تاریخ و فرهنگ در تضاد با یکدیگر عمل کنند.

ب) در میان جوامع کنونی اسلامی، برخی از جوامع از تبار تاریخی اسلامی برخوردارند، بی‌آنکه فرهنگ اسلامی روشنی داشته باشند. برای مثال، در طول خلافت عثمانی - حدود شش قرن - ترکیه در جایگاه دال مرکزی جغرافیای جهان اسلام بوده و این مسئله باعث شده است تا تاریخ ترکیه به بخش مهمی از تاریخ اسلام تبدیل شود. در حالی که به لحاظ فرهنگی، به ویژه از زمانی که آتاتورک قانون اساسی ترکیه را قانونی لائیک معرفی کرده تا امروز که جنبش اسلام‌خواهی در آن در حال تکون و نضج است، فرهنگ عمومی ترکیه چندان فرهنگ اسلامی نیست. به عبارت دیگر فرهنگ ترکیه در وجه اسلامی خود به اندازه تاریخ آن جلوه‌گری نمی‌کند. این بدین معناست که تاریخ ترکیه

به روشنی نتوانسته پشتوانه فرهنگ آن قرار گیرد.

ج) در میان جوامع اسلامی، کمتر کشوری وجود دارد که فرهنگ اسلامی داشته باشد بی‌آنکه از تاریخ اسلامی برخوردار باشد؛ زیرا اساساً فرهنگ، خود مقوله‌ای تاریخی است و نمی‌توان فرض کرد در جایی فرهنگ بدون حضور تاریخ وجود داشته باشد؛ چه فرهنگ مولود تاریخ است. البته فرهنگ می‌تواند بیرون از تاریخ یک قوم و توسط یک بیگانه راهبری شود؛ چنان که مصادیق زیادی در جهان اسلام می‌توان یافت که به رغم داشتن تاریخ اسلامی، از نداشتن فرهنگ اسلامی در رنج هستند. طرفه اینکه حتی می‌توان کشورهای مثل اسپانیا را یافت که به رغم داشتن تاریخ اسلامی، اینک دارای فرهنگ ضد اسلامی هستند. در جهان امروز کمتر کشوری را می‌توان جست که به رغم اینکه دارای تاریخ غیر اسلامی است، به دلیل تأثیرپذیری از تاریخ اسلام در بیرون مرزهای جغرافیایی‌اش، دارای فرهنگ اسلامی است.

د) واقعیت این است که کشوری می‌تواند به عنوان الگو به جهان اسلام معرفی شود که هم دارای تاریخ و هم دارای فرهنگ اسلامی باشد؛ در حالی که اغلب کشورهای اسلامی مدعی ایجاد امت و تمدن اسلامی، همچون ترکیه که فاقد فرهنگ اسلامی است و مالزی که فاقد تاریخ و فرهنگ اسلامی است و نیز کشورهای زیادی همچون عراق، سودان، عربستان، مصر و ... که به رغم داشتن هر دو مؤلفه (تاریخ و فرهنگ اسلامی) به دلیل اینکه واجد سایر شرایط لازم برای الگو شدن نیستند، ظرفیت لازم را برای این مهم ندارند و نمی‌توانند برای این مقصود در نظر گرفته شوند.

ه) در مقابل، ایران اسلامی کشوری است که هم به لحاظ تاریخی از تبار اسلامی قوی و درازمدت برخوردار است و هم به لحاظ فرهنگی، بهره‌افری از اسلام دارد. به لحاظ تاریخی، ایران در همان قرن اول به دست مسلمین فتح شد و پس از آن، ایرانیان چه در حوزه مدیریت سیاسی امپراتوری اسلامی (در قامت وزارت، سلطنت و ...) و چه در حوزه مدیریت فکری امت اسلامی، نقش بسزایی داشته‌اند. برای مثال چهار امام فقهی بزرگ اهل سنت، نویسندگان صحاح سته و عمده فلاسفه بزرگ اسلامی، ایرانی هستند. به لحاظ فرهنگی نیز ایران اسلامی چنان تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بوده که هیچ نویسنده‌ای - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - در اصالت و اسلامی بودن فرهنگ ایرانی تردید نکرده است. در حالی که بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی ایران متعلق به ایران باستان و قبل از اسلام است، با این حال در مواجهه این مؤلفه‌ها با اسلام، بیشتر آنها صبغه اسلامی به خود گرفته‌اند.

و) به نظر می‌رسد ایران اسلامی، علاوه بر واجد بودن تاریخ و فرهنگ اسلامی، از شرایط و

ظرفیت‌های لازم دیگر برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام نیز برخوردار است؛ چنان که در بندهای پیشین به برخی از آنها اشاراتی شد (رک: رهدار، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

۱۰) علاوه بر موارد مذکور، تجربه‌ها و موفقیت‌های سی ساله جمهوری اسلامی در اداره قومیت‌های مختلف با مذاهب چندگانه به روشی نسبتاً عادلانه، ظرفیت دیگری است که کمتر کشور اسلامی از آن برخوردار است. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی دارای چنان ظرفیتی است که توانسته در جریان ایجاد انقلاب اسلامی و مراحل پسین آن، بدون هیچ اعمال زوری، تمامی قومیت‌ها با مذاهب مختلف را درگیر و سهیم در انقلاب کند و در ادامه نیز در مراکز حساسی همچون خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ... همه قومیت‌ها و حتی اقلیت‌ها را سهیم و شریک سازد.

علاوه بر آن منابع دینی و فقهی و نیز جهان‌بینی و معارف شیعی، ظرفیتی انکارناپذیر برای ایجاد وحدت میان آحاد جهان اسلام دارد؛ چنان که اولین ندهای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب از حنجره پاک ائمه معصوم شیعه (ع) و در ادامه رهبران فقیه شیعی، به خصوص رهبران انقلاب اسلامی سر داده شده است. همکاری آیت‌الله بروجردی با دانشگاه الازهر، ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی توسط مقام معظم رهبری (۱۳۶۹/۷/۱۹)، صدور فتاوی عدم ایجاد تفرقه (۱۳۸۶)، دستور پخش اذان به سبک اهل سنت در مراکز سنی‌نشین (۱۳۸۸)، صدور فتاوی حرمت تکفیر پیروان مذاهب اسلامی و توهین به مقدسات یکدیگر (۱۳۸۸/۲/۲۲)، توسیع دایره شمول ایمان و عدم جواز غیبت از محدوده شیعه امامی به همه مسلمین (۱۳۸۹)، صدور فتاوی حرمت اهانت به نمادهای برادران اهل سنت (۸۹/۷/۱۰) و مواردی از این دست که توسط رهبران انقلاب اسلامی، به خصوص مقام معظم رهبری انجام گرفته، ظرفیتی درخور توجه است که در سایر کشورهای اسلامی و از طرف بزرگان و رهبران آنها کمتر شاهد اقداماتی از این دست هستیم.

مجموعه‌ای از عوامل یادشده و نظایر آنها باعث شده است تا ایران و انقلاب اسلامی، برای الگوبخشی به جهان اسلام در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر ویژه باشد. البته این به معنای نفی ویژگی‌های منحصر به فرد برخی از کشورهای اسلامی نیست. منظور این است که انقلاب اسلامی و ایران با لحاظ مجموعه ویژگی‌هایی که دارد، برای الگوبخشی به جهان اسلام نسبت به کشورهای دیگر مستعدتر است.

بر این اساس و با توجه به مجموعه موارد مذکور و نظایر آن، به راحتی می‌توان از ظرفیت انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی پرده برداشت. به بیان روشن‌تر، پس از آنکه معلوم شد اثبات توانایی

انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در گرو اثبات ظرفیت آن برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام است، مجموعه عوامل پیش‌گفته و نظایر آنها، ظرفیت الگو واقع شدن انقلاب اسلامی را اثبات می‌کنند. اگر انقلاب اسلامی بتواند الگوی به وجود آمده را به طور صریح و صحیح در اختیار ملت‌های دیگر قرار دهد، آنها با شوق و ذوق به دنبال آن حرکت خواهند کرد و نتیجه حرکت در مسیر واحد، به وجد آمدن «امت واحده اسلامی» خواهد بود.

نتیجه‌گیری

هر کدام از فرایندهای پیشنهادی برای انقلاب اسلامی را که نصب‌العین خویش قرار دهیم، ایجاد امت اسلامی، مرحله‌نهایی است. از طرف دیگر، دستیابی به دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی، بی‌هیچ شکی در گرو یکپارچگی و وحدت مسلمین است. بنابراین برای جمهوری اسلامی ضروری است که به ترویج گفتمان وحدت اسلامی همت گمارد. همچنین دستیابی به دنیای اسلام و امت اسلامی در گرو ایجاد الگوی صحیح کشور اسلامی و ارائه آن به ملت‌ها و حکومت‌های مسلمان است تا با پیروی از آن و حرکت در مسیر واحد گام در مرحله ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی بگذاریم. انقلاب اسلامی و کشور ایران به دلایل متعددی ظرفیت لازم را برای الگو واقع شدن دارد. بر این اساس در این مسیر باید ظرفیت‌های جهان اسلام را شناسایی و از آنها به نحو احسن استفاده کند. علاوه بر این باید آسیب‌ها و تهدیدهای این جامعه عظیم را رصد کند و درصدد حل و رفع آنها برآید. مسئولان رده‌های مختلف مرتبط با این موضوع باید توجه کنند که نصب‌العین قرار دادن دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری و نیز امام خمینی(ره)، اولین راهبرد آنهاست. بنابراین باید در مسیر تحلیل و تبیین اندیشه‌های این بزرگواران برای دستیابی به اهداف والای انقلاب اسلامی تلاشی مضاعف کنند.

منابع

- اسپوزیتو، جان ال. (۱۳۸۴)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امام خمینی (۱۳۶۵)، صحیفه نور، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- پاشایی، محمد (۱۳۸۶)، علل پیشرفت و انحطاط جامعه در کلام امام علی(ع)، قم: انتشارات مشهور.
- جعفرزاده، محمدحسن (۱۳۸۵)، نهضت تولید علم با نگاهی به دیدگاه‌های فرهنگستان علوم اسلامی، قم: انتشارات فجر ولایت.
- جمالی، مصطفی (۱۳۸۶)، مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری (جزوه)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیریت جنبش نرم‌افزاری، دفتر پژوهش.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهقان، حمید (۱۳۷۶)، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، قم: انتشارات مدین.
- دهقانی، سید جلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور»، دوفصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع).
- رایت، رابین (۱۳۷۲)، «دموکراسی و غرب»، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، ش اول.
- رهدار، احمد (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی ظرفیت ایران و مالزی برای الگوی تمدنی جهان اسلام»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره شیخ طوسی، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی(ص).
- غنی‌نژاد اهری، موسی (۱۳۷۷)، جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، تهران: انتشارات طرح نو.
- قانع بصری، محسن (۱۳۷۷)، «هانتینگتون: تغییر عقیده داده‌ام»، ماهنامه فکر نو، ش اول، دی ماه.
- مشکانی سبزواری، (۱۳۹۲ [الف])، «فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲.
- مقام معظم رهبری، بیانات در مناسبت‌های مختلف، پایگاه اینترنتی: khamenei.ir
- موثقی، احمد (۱۳۷۸)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- مولانا، حمید (۱۳۸۵)، جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر، تهران: انتشارات کیهان.
- مهدوی، اصغر آقا و سعید رجحان (۱۳۹۰)، گفتارهایی در فقه سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).



تهدیدهای گروه‌های تکفیری علیه

محبان اهل بیت (ع)

(با تأکید بر تهدیدهای سیاسی)

محمد حقی^۱

(۸۷-۱۰۶)

چکیده

گفتمان محبان اهل بیت (ع)، با توجه به داشتن شاخصه‌هایی، از جمله: تأکید بر اسلام ناب محمدی (ص)، تأکید بر همگرایی و وحدت اسلامی، استکبارستیزی، مبارزه با اسرائیل، عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی، عقل‌گرایی و عقل‌ورزی در مقابل قشری‌گری در سطح کشورهای اسلامی و نیز در سطح جهان تأثیرات و بازتاب قابل توجهی داشته و دارد. از سوی دیگر، از طرفی گروه‌های تکفیری، با توجه به داشتن ویژگی‌هایی نظیر: نقل‌گرایی، عقل‌ستیزی، خشونت‌گرایی، قشری‌گری، تکفیر برخی از مسلمانان و مباح دانستن خون و اموال آنها و... تهدیدهای متعددی علیه گفتمان محبان اهل بیت (ع) به وجود آورده‌اند. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که گروه‌های تکفیری چه تهدیدهایی در عرصه سیاسی علیه محبان اهل بیت (ع) دارند و راهکارهای مقابله با آنها چیست؟ تهدیدهای سیاسی شامل مواردی همچون: فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان محبان اهل بیت (ع)، خشونت‌گرایی، خدشه‌دار کردن رویه مسالمت‌آمیز محبان اهل بیت (ع)، ترویج اسلام‌هراسی و... می‌شود. به تناسب تهدیدهای موجود، راهکارها و راهبردهای لازم برای مقابله با این تهدیدها ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

گروه‌های تکفیری، محبان اهل بیت (ع)، تهدید، راهکار.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی، پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)،
mhaghi59@yahoo.com

مقدمه

گفتمان محبان اهل بیت(ع) منبعث از آموزه‌های اسلام ناب بوده و الگوی سیاسی-اسلامی ارائه‌شده از سوی آن و روش‌های فرهنگی هویتی با تأکید بر وجه سیاسی اسلام، از موارد تأثیرگذار در جهان اسلام و جهان معاصر محسوب می‌شود؛ زیرا مزیت‌ها و نقاط قوت و ضعف این گفتمان اغلب بر دو محور مبارزه با سلطه‌گری و هویت‌گرایی اسلامی متمرکز شده که این ویژگی‌ها به نحو بارزی در مواضع جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، جریان رو به رشدی داشته است. در راستای مقابله با تأثیرگذاری این گفتمان، برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دست به یکسری اقداماتی برای تقویت گروه‌های تکفیری زده و تلاش کرده‌اند آن را به عنوان جایگزین اندیشه محبان اهل بیت(ع) مطرح کنند.

گروه‌های تکفیری که به یکی از معضلات دردآور جهان اسلام تبدیل شده‌اند، وحدت جهان اسلام را با چالش مواجه کرده و به شدت بر آتش اختلافات فرقه‌ای و مذهبی دامن می‌زنند. علاوه بر نقش اختلافات تاریخی و زمینه و ریشه‌های فکری، نمی‌توان حمایت قدرت‌های استکباری و سرویس‌های جاسوسی دشمن را نادیده گرفت که از این جریان‌ها به عنوان آلترناتیو علیه گفتمان محبان اهل بیت(ع) استفاده می‌کنند. این در حالی است که محبان اهل بیت(ع) بر همگرایی و وحدت سطح جهان اسلام تأکید دارند. جریان‌های تکفیری آتش فتنه را به جان مسلمانان انداخته و پدیده اسلام‌هراسی را به نفع صهیونیست‌ها و نظام سلطه تقویت می‌کنند، همچنین ویژگی‌هایی نظیر: دشمنی با گفتمان محبان اهل بیت(ع) و اختلاف‌افکنی در سطح جهان اسلام و هماهنگی با ترفندها و دسیسه‌های دشمنان اسلام و ... دارند. در مقاله حاضر به دنبال بررسی تهدیدهای سیاسی گروه‌های تکفیری علیه محبان اهل بیت(ع) و راهکارهای مقابله با آن هستیم. تهدیدهای گروه‌های تکفیری اگرچه در ابعاد و عرصه‌های مختلف از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و ... قابل مشاهده و احصا هستند، اما در این مقاله، تهدیدها در ابعاد سیاسی مورد بررسی واقع شده‌اند که در ادامه راهکارهای مقابله با آن ارائه می‌شود.

تهدیدهای سیاسی گروه‌های تکفیری علیه محبان اهل بیت(ع)

شکل‌گیری گروه‌های تکفیری تهدیدهای متعددی را علیه گفتمان محبان اهل بیت(ع) به وجود

آورده است. تهدیدهای موجود دارای ابعاد مختلفی است که در این پژوهش، تهدیدهای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تهدیدهای سیاسی که از سوی این گروه‌ها علیه گفتمان محبان اهل بیت(ع) وجود دارد، شامل مواردی همچون: فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان محبان اهل بیت(ع)، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار کردن رویه مسالمت‌آمیز محبان اهل بیت(ع)، ترویج اسلام‌هراسی و ناامن‌سازی جهان اسلام، تقابل با هویت شیعه و تجزیه کشورهای اسلامی می‌شود که در ادامه به تبیین و توضیح آنها می‌پردازیم.

۱. فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی

یکی از اهداف گفتمان محبان اهل بیت(ع)، همگرایی و وحدت مسلمانان است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان پرچمدار گفتمان محبان اهل بیت(ع) در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داد که زمینه‌های تفرقه و اختلاف میان کشورهای اسلامی، از سوی دشمنان اسلام به شدت تقویت می‌شد؛ لذا امام خمینی(ره) به عنوان یکی از محوری‌ترین شخصیت‌های گفتمان محبان اهل بیت(ع)، ایجاد وحدت میان مسلمانان را به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی برشمردند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶). جهان اسلام در صورت عمل کردن به آموزه‌های دینی و قرآنی، امت واحده است. تصور جهان اسلام به عنوان امت واحده و کل یک پارچه که نیروی انسانی و منابع انرژی بسیار زیادی دارد، در نظام بین‌الملل دارای جایگاهی تعیین‌کننده خواهد بود. در این زمینه، حرکت‌هایی در جهان اسلام، مانند: شکل‌گیری کنفرانس اسلامی، حرکت‌های تقریبی و... شکل گرفته است که گفتمان انقلاب اسلامی از منادیان این آرمان و پیگیر راهبرد وحدت اسلامی است؛ اما مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند رسیدن جهان اسلام را به این آرمان ناکام بگذارد؛ درگیری‌های مذهبی و تشتت‌های درونی است. کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط‌گرایی، جهان اسلام را به درگیری‌های داخلی فروخواهد برد و امت واحده در حد آرمانی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند. یکی از زمینه‌های هم‌گرایی در جهان اسلام، حرکت‌های تقریبی است که علمای شیعه و سنی به آن اهتمام ورزیده‌اند. علمایی مانند: شیخ‌شلتوت، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی(ره) و ... سیر تفکری را دنبال کرده‌اند که به هم‌گرایی جهان اسلام کمک می‌کند. توجه به مشترکات در این اندیشه، فرصت‌های زیادی برای جهان اسلام فراهم می‌آورد، اما تحریک گروه‌های تکفیری و حمایت قدرت‌های بین‌المللی از

آنها، این سنت فکری و عملی را در تاریخ مسلمانان، خدشه‌دار کرده است. گسترش اندیشه تکفیری به برجسته شدن افتراق‌های گروه‌های مختلف مسلمانان و فراموش شدن محورهای مشترک و در نهایت، شکسته شدن راهبردهای تقریب منجر می‌شود (شیخ حسینی و خلیلی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۵۲۵).

با توجه به باورهای تنگ‌نظرانه گروه‌های تکفیری، زمینه‌های شقاق و گسست در کشورهای اسلامی فراهم شده است. این اختلافات از گذرگاه عقیده عبور کرده، به همه ساحت‌های دیگر از جمله سیاست و اجتماع کشانده شده است، به گونه‌ای که در حلقه مسلمانی آنان، کمتر مسلمانی قرار می‌گیرد و بسیاری از آنها مستحق قتل و غارت می‌شوند. سلفیه جدید با توسعه در دایره بدعت، بسیاری از مسائل علمی و مذهبی و اختلافی را که سلفیه قدیم معمولاً در حوزه اختلافات اجتهادی قرار می‌دادند، مشمول بدعت می‌دانند و مخالفان خود را به عنوان اهل بدعت طرد و تکفیر می‌کنند. گاهی نیز به ابزاری دلخواهانه در توجیه حمله به مخالفان نوسلفی بدل می‌شود، این اندیشه بدون آنکه وجه مثبت آرا و اعمال انسان‌ها را ببیند، بیشتر دیدگاهی بدبین و عیب‌جویانه است، میل دارد مخالف مذهبی خود را اهل بدعت و بنابراین دشمن پندارد. با این نگرش، هم جامعه دچار اختناق شدیدی در عرصه علمی می‌شود و هم در حوزه سیاسی - اجتماعی کسی احساس امنیت نمی‌کند. هرچند در طول تاریخ در کشورهای اسلامی فرقه‌ها و گروه‌های مختلف مذهبی و کلامی در کنار هم زندگی کرده‌اند و قرن‌ها با هم و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با گفت‌وگو داشته‌اند، متأسفانه باید باور کرد که در چند دهه اخیر، گروه‌های تکفیری، با فتواها و نوشته‌های خود، زمینه‌های آرامش اجتماعی را، که لازمه پیشرفت جامعه است، از میان برده، زمینه‌های گسست اجتماعی و اختلافات خانمان‌برانداز را فراهم کرده‌اند (سیدباقری، حسنی و ملاشفیعی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۳۶۳ - ۳۴۷).

گروه‌های تکفیری با تأکید بر تکفیر فرقه‌های اسلامی، به‌ویژه شیعیان نقش مهمی در واگرایی، شکاف و اختلاف در میان جوامع اسلامی دارند. این موضوع به‌ویژه به دلیل تعارض مبانی فکری و عملکردی آنان، با شیعیان به عنوان روافض و تأکید بر اولویت جهاد با آنان حتی قبل از یهود (اسرائیل) از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چنانچه با گسترش این اندیشه‌های انحرافی - تکفیری، زمینه‌های اجتماعی مقابله با شیعیان و به‌ویژه ایران (قلب جهان تشیع) در میان توده‌های مسلمان تقویت می‌شود. در این زمینه، با توجه به اولویت ملت‌ها در سیاست صدور ارزش‌های اسلامی، مسئله گسترش اندیشه‌های تکفیری یکی از مهم‌ترین موانع جدی

محبان اهل بیت(ع) برای دستیابی به وحدت جهان اسلام و از منابع تهدیدآفرین محسوب می‌شود (عموری و جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶۹).

گفتمان تکفیر با ایجاد انشقاق در بین امت واحده اسلامی و انحصار حقانیت بر خویش و فرض کردن بقیه مذاهب به عنوان «غیر» که این ویژگی را از استکبار و امپریالیسم وام گرفته است، عملاً در پیکره امت واحده اسلامی شکاف ایجاد کرده است. این در حالی است که مذاهب اسلامی در مسائل کلان امت اسلامی همیشه در طول تاریخ، دارای وحدت رویه بوده و با وجود اختلافات ریز، هیچ‌گاه کلیت امت اسلامی را تهدید نکرده‌اند. یکی از این مسائل کلان، قضیه فلسطین بوده و هست که علمای اسلام در محکوم کردن اشغال و در دفاع از مردم فلسطین و توصیه مسلمانان به مقابله با اشغالگران بیانیه‌هایی مهمی صادر کرده‌اند. این در حالی است که گفتمان تکفیر نه تنها نسبت به قضیه فلسطین موضع خنثی دارد، بلکه در مواردی با اشغالگران همسو بوده است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). به بیان آیت‌الله خامنه‌ای «جریان تکفیر، در مقابل رژیم صهیونیستی یک اخم هم نمی‌کنند و حتی با این رژیم برای مقابله با مسلمانان همکاری می‌کنند، ولی برای ضربه زدن به کشورها و ملت‌های اسلامی، حضور فعال دارند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۹/۴).

۲. حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان محبان اهل بیت(ع)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام حمایت از ملل مسلمان و مستضعف جهان و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به عنوان یکی از سیاست‌های مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی، مسئله حمایت از مردم فلسطین و مبارزه جدی و مستمر علیه اسرائیل و صهیونیسم، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم و دولت‌مردان نظام جمهوری اسلامی برخوردار شد. لذا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی قطع شد و سفارت سابق این رژیم در اختیار فلسطینی‌ها قرار گرفت (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۲۹). مسئله فلسطین یکی از چالش‌های مهم دهه‌های اخیر محبان اهل بیت(ع) و جهان اسلام بوده است. اشغال بخشی از جهان اسلام با واکنش متفاوت مسلمانان مواجه شد، به طوری که چهار جنگ موسوم به جنگ‌های اعراب و اسرائیل به دلیل همین مسئله رخ داد. به تدریج، برخی سران کشورهای اسلامی، اولویت فلسطین را از سیاست خارجی خود حذف کردند و عادی‌سازی روابط با اسرائیل در دستور کار قرار گرفت. دولت «حسنی مبارک» در مصر، نمونه این فراز و فرود در زمینه فلسطین بود. هرچند

دولت‌های اسلامی در سیاست‌های خود در مورد فلسطین تجدید نظرهایی کردند، اما جایگاه فلسطین در میان ملت‌های مسلمان هم‌چنان برجسته و حساسیت‌برانگیز است و همواره در مناسبت‌های مختلف، مسلمانان با مصائب فلسطینیان همدردی می‌کنند. رشد گروه‌های تکفیری و مشغول کردن جهان اسلام به درگیری‌های درونی، موجب فراموشی فلسطین از اولویت دولت‌ها و ملت‌ها در بین محبان اهل بیت(ع) و جهان اسلام شده است. فراموشی فلسطین، زمینه حملات شدیدتر رژیم صهیونیستی را فراهم کرده و جهان اسلام نیز به دلیل درگیر بودن با مسئله تکفیر، نتوانسته است راه حل عملی برای حمایت از این مردم مظلوم ارائه دهد (شیخ حسنی و خلیلی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۵۲۵).

امروزه گفتمان تکفیر و حامیان آن، با ترفند و توجیه‌های بسیاری تلاش می‌کنند به داشتن روحیه مقاومت در جامعه اسلامی آسیب بزنند. برای نمونه، گفتمان سلطه و تکفیر مقاومت را در کنار و یا همراه با گفتمان تروریستی بیان می‌کنند، درحالی که تفکیک و تمایز میان مقاومت و تروریسم بسیار روشن است؛ زیرا مقاومت دارای اهداف مشروع و عادلانه است و جز برای دفاع از سرزمین خویش و آزادسازی آن به خشونت دست نمی‌یازد، درحالی که هدف تروریسم، کشتن شهروندان غیرنظامی و مرعوب ساختن مردم است. کشتار غیرنظامیان یا آسیب رساندن به آنها از دیدگاه تروریست‌ها، مرحله و وسیله‌ای اساسی برای ابلاغ پیامشان و ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی است. از این رو می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین تهدیدها و پیامدهای پدیده تکفیر، تضعیف گفتمان مقاومت اسلامی است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

گروه‌های تکفیری مسائل اصلی و اساسی جهان اسلام را که همانا مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی است، به مسائل فرعی تبدیل کرده و مسائل و اختلافات فرعی داخلی مسلمین (بین شیعه و اهل سنت) را به دشمنی و مشکلات اصلی تبدیل کرده‌اند. دنیای اسلام که باید همه نیروی خود را صرف مقابله با توطئه رژیم صهیونیستی و دفاع از قدس شریف و مسجدالاقصی کند، امروز ناچار است به گرفتاری‌هایی که استکبار در درون دنیای اسلام به وجود آورده است، مشغول شود. در واقع پرداختن به مسئله تکفیر، چیزی است که بر علمای دنیای اسلام و زبندگان و فرزندان دنیای اسلام تحمیل شده؛ این را دشمن به صورت مشکلی دست‌ساز وارد دنیای اسلام کرده است، این در حالی است که مسئله اصلی، مسئله رژیم صهیونیستی و مسئله دفاع از قدس است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۹/۴).

آیت‌الله خامنه‌ای به شواهد و دلایلی اشاره می‌کنند که گروه‌های تکفیری در فرعی‌سازی

مشکلات اصلی جهان اسلام و اصلی‌سازی مشکلات درونی آن، به صهیونیست‌ها و استکبار جهانی خدمت می‌کنند: «یکی این است که جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضد آمریکا، ضد استبداد، ضد دست‌نشانندگان آمریکا در منطقه بود. ... جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری و ضد آمریکایی و ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی. خطّ مقدّم مبارزات در این منطقه، مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خطّ مقدّم را تبدیل کرد به خیابانهای بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه، و اینها شد خطّ مقدّم مبارزه!... شاهد دیگر این است که آن کسانی که پشتیبان جریان تکفیرند، با رژیم صهیونیستی می‌سازند تا با مسلمان‌ها بجنگند. به رژیم صهیونیستی اخم هم نمی‌کنند اما نسبت به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به بهانه‌های مختلف، انواع و اقسام ضربه‌ها را می‌زنند و توطئه می‌کنند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۹۳/۹/۴).

۳- خشونت‌گرایی و خدشه‌دار کردن رویه مسالمت‌آمیز محبان اهل بیت(ع)

اسلام، دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، بر همین مبنا، گفتمان محبان اهل بیت(ع) رویکردی صلح‌آمیز به روابط بین‌الملل دارد و جنگ و جهاد در این اندیشه، دارای ضوابط و قواعد اسلامی و منحصر در دفاع و استقلال‌طلبی است و درست در همین جاست که ماهیت جهاد در اندیشه شیعی، تفاوت‌های ماهوی فراوانی با جهادگرایی گروه‌های تکفیری می‌یابد. در گفتمان محبان اهل بیت(ع)، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اصالت دارد و جنگ و جهاد در راستای تأمین این هدف است و موضوع جنگ یک حالت استثنایی است (مرادی، ۱۳۹۳). در برابر گفتمان محبان اهل بیت(ع)، گفتمان تکفیری قرار دارد که با کج‌فهمی، بر این موضوع تأکید دارد که عرصه روابط خارجی، صحنه مبارزه و جهاد (در خشونت‌آمیزترین شکل آن) میان جبهه حق، مشتمل بر اعضای فرقه کوچک و افراطی وهابی، با جبهه باطل - که تمامی مذاهب اسلام، ادیان الهی و فرهنگ‌های سایر ملت‌ها را شامل می‌شود- است. گروه‌های تکفیری، مفهوم جهاد را بدون توجه به اصول و مجوز شرعی آن، در سطحی عامیانه و صرفاً در قالب مبارزه مسلحانه مطرح می‌کنند. این گروه‌ها نه تنها همزیستی مسلمانان با غیرمسلمانان را ناممکن می‌دانند، بلکه تکرهای درون جامعه مسلمان را نیز نفی می‌کنند (جوکار، ۱۳۸۶). عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های تکفیری، آن هم به صورت گسترده و سازمان‌یافته در کشورهای

اسلامی و در میان مردم بی‌گناه، پدیده‌ای جدید در تاریخ اسلامی است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به شدت مورد توجه جهانیان قرار گرفت. این تاکتیک‌ها یا روش‌ها، ضمن اینکه فی‌نفسه به حاکمیت فضای غیرعقلانی، رشد تعصبات کور مذهبی و نضج برخی انگاره‌ها و گرایش‌های افراطی و به شدت احساساتی و انتقام‌جویانه در میان مسلمانان کمک می‌کند، اساساً در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز گفتمان محبان اهل بیت(ع) قرار دارد؛ زیرا سیاست متکی بر مبانی اسلام در گفتمان محبان اهل بیت(ع)، ناظر به «عقلانیت و نفی خشونت» است. بنابراین، اقدامات تروریستی تکفیری‌ها و تبدیل آن به قاعده تحت پوشش «جهاد»، موجب می‌شود اولاً، این مسئله در فرایند تبلیغاتی سو به نام «اسلام» و یکسان‌انگاری «جهاد» با «ترور» تمام شود و اقدامات تروریستی جریان‌های تکفیری در ردیف مقاومت مقدس حزب‌الله، ذیل بنیادگرایی تعریف شود؛ ثانیاً، به دلیل اراده‌های موجود برای «این همانی گرایش‌های مختلف اسلام‌گرایی»، شعارهای حقیقی گفتمان انقلاب اسلامی تحت‌الشعاع قرار گرفته، اعتبار خود را نزد افکار عمومی از دست بدهد (سیدنزاد، ۱۳۸۹: ۱۲۲ - ۹۵).

گروه‌های تکفیری که دین اسلام را دین خشونت و تخریب معرفی می‌کنند، از مسلمانان نیستند. آنها بدترین بهانه را به دست اسلام‌ستیزان می‌دهند و باعث گسترش اسلام‌ستیزی، اسلام‌گریزی و اسلام‌هراسی در جهان می‌شوند؛ در حالی که اسلام دین رحمت است. خداوند پیوند همه انسان‌ها را [بر پایه] مودت و رحمت قرار داده و نه وحشت و جنایت (آیت‌الله مکارم شیرازی، ۸ بهمن ۱۳۹۴). براساس تحلیل‌های ناقص و ناشایست، گروه‌های تکفیری در کشورهای مختلف اسلامی در گام اول، به سراغ جوامع اسلامی و مسلمین می‌روند و به نام انجام جهاد، جنایت‌ها، کشتارها و ترورهای مختلفی انجام می‌دهند؛ امری که امروزه در کشورهای مختلف از جمله: عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، مصر و اردن شاهد آن هستیم. این باورها زمینه‌های گسترده [را برای] فروپاشی نظم عمومی [افراهم و در] نظام‌های سیاسی، [رشد] امنیت سرمایه‌گذاری، مشارکت عمومی، پشتیبانی سیاسی و پیشرفت در همه ساحت‌های جوامع را کند کرده، حتی رو به عقب می‌راند (سیدباقری، حسنی و ملاشفیعی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۳۶۳ - ۳۴۷).

گروه‌های تکفیری که امروزه با مصادیق مختلفی، مانند: داعش، جبهه‌النصره و... در منطقه شکل گرفته‌اند، با ارائه تصویری غیرواقعی، و هم‌آلود، خشونت‌آمیز و به معنای واقعی کلمه، کاریکاتوری از اسلام اصیل، نقش مهمی در تقویت اسلام‌هراسی در غرب دارند. این مسئله

به‌ویژه با استفاده ابزاری قدرت‌های غربی از این جریان و انتشار گسترده جنایات غیرانسانی آنان در رسانه‌های بین‌المللی و تأکید بر ماهیت تروریستی ایدئولوژی اسلامی این جریان که اجازه این‌گونه جنایات را به آنان داده است، عملاً در تقابل با اندیشه آرمانی گفتمان محبان اهل بیت(ع) برای بسط آموزه‌های انسانی و اخلاقی اسلام اصیل ناب محمدی(ص) در سراسر جهان قرار دارد. لذا عملاً تقویت این چهره خشن از اسلام، ابعاد نرم‌افزاری قدرت محبان اهل بیت(ع) را با تهدید مواجه می‌کند (عموری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶۹).

۴. ترویج اسلام‌هراسی و ناامن‌سازی جهان اسلام

امروزه پیش‌فرض مسلم پیشرفت و توسعه در هر کشوری، «امنیت» است. در واقع، امنیت ضروری‌ترین نیاز بشر است و دولت‌ها نیز مهم‌ترین وظیفه خود را برقراری امنیت می‌دانند. عدم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در کشورهای اسلامی، زمینه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی‌ها را موجب شده است. یکی از تهدیدهای گروه‌های تکفیری، «ناامن‌سازی جهان اسلام» است که نتایج منفی زیادی به دنبال خواهد داشت. از جمله این پیامدها فراهم شدن بازار فروش تسلیحات در کشورهای اسلامی است، زیرا با ناامن شدن منطقه توسط جریان‌های تکفیری، کشورهای منطقه به خریدن اسلحه از غرب مجبور می‌شوند که خود این انبار تسلیحات نیز یکی از زمینه‌های احساس ناامنی در جهان اسلام است. رسانه‌های غربی برای منفی جلوه دادن چهره مسلمانان، عده‌ای تکفیری را که با خشونت و ترور قرین‌اند، به عنوان مسلمانان خاورمیانه جلوه می‌دهند و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای قوی، سعی می‌کنند این تفکر را القا کنند که خاورمیانه، کانون بحرانی برای جهان است و دلیل بحرانی بودن این منطقه را وجود مسلمانان در این منطقه ابراز می‌کنند. امروزه در رسانه‌های غربی، اسلام دشمن جدید نظام سرمایه‌داری بعد از کمونیسم معرفی می‌شود. برای این تبلیغ به اسبابی نیاز دارند که متأسفانه گروه‌های تکفیری در اختیار آنها قرار می‌دهند. نتیجه این عملکرد نشان داده است که چهره خشونت‌آمیز و متصلب از اسلام رحمانی، مردم دنیا را از اسلام ناب دور می‌کند (شیخ‌حسینی و خلیلی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۵۲۶).

بی‌شک رفتار و اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های تکفیری که دارای عناوین اسلامی هستند، نه‌تنها به پیشرفت اسلام در جهان و پیاده شدن احکام اسلامی کمک نکرده است، بلکه موجب بدبینی و بازخورد منفی در میان مردم جهان شده و در حال حاضر، چهره‌ای نامناسب و

خسونت‌بار از اسلام در جهان ترسیم کرده است؛ همان هدفی که دشمنان اسلام در طول تاریخ، به ویژه در دوران استعمار نوین به دنبال آن بوده‌اند و متأسفانه برخی اقدامات کورکورانه، نسنجیده، خسونت‌بار و حتی غیرانسانی این گروه‌های به ظاهر مذهبی، زمینه را برای تبلیغات سوء آنان فراهم کرده است. با کمال تأسف در حال حاضر، در زمینه تمام فیلم‌های خبری که از گروه‌های تکفیری پخش می‌شود، هنگام قتل و کشتار و در صحنه‌های فجیع نظیر سربریدن انسان‌ها، صدای الله اکبر شنیده می‌شود. این امر نه تنها موجب بدبینی پیروان سایر مذاهب به اسلام خواهد شد، بلکه در میان مسلمانان نیز جوی از تردید و شک و دودلی، یأس و ترس از آینده به وجود می‌آورد؛ تا حدی که می‌توان گفت در حال حاضر، طراحان پشت صحنه و صحنه‌گردانان جهانی این رویدادها تا حدودی به این هدف شوم خود رسیده‌اند. چنان‌که در نقاط دوردست و کشورهای اروپایی و آمریکایی مسلمانان همچون تروریست و انسان‌هایی بی‌عاطفه و خشن معرفی شده‌اند. این مسئله از یک‌سو، زمینه‌های دشمنی و حتی نفرت سایر مذاهب از مسلمانان را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، موجب گسترش تفرقه، نفاق و حتی نفرت در میان پیروان مذاهب و نحله‌های مختلف اسلامی خواهد شد (خیریه، ۱۳۹۳، ج ۳: ۴۷۴-۴۷۱).

درگیری‌های گروه‌های تکفیری با سایر مسلمانان، این نظریه را القا می‌کند که مردم، درگیر یک جنگ در میان فرقه‌های مختلف اسلامی هستند، لذا در این میان، دشمنان اصلی به خصوص صهیونیست‌های غاصب فراموش می‌شوند و آنها با خیال راحت به پیاده کردن نقشه‌های شوم خود خواهند پرداخت و از این فضا نهایت استفاده را می‌برند. چنان‌که حملات سال‌های اخیر رژیم صهیونیستی به مسلمانان در نوار غزه و نسل‌کشی مسلمانان، با استفاده از فضای آشفته در سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و سایر کشورهای منطقه شکل گرفت؛ شرایطی که حاصل عملکرد گروه‌های تکفیری، نظیر: داعش، طالبان و القاعده است (خیریه، ۱۳۹۳، همان).

گروه‌های تکفیری با استفاده مکرر از اصطلاحاتی، نظیر جهاد، شهادت و آیات قرآن و نیز قرینه کردن آنها با تصاویر انفجار اماکن تاریخی و مذهبی ادیان مختلف، و کشتار مردم بی‌گناه و به اسارت گرفتن زنان و فروختن آنها در بازارهای برده‌فروشی، نوعی اکراه و بلکه تنفر را در ذهن هر خواننده‌ای نسبت به اصل اسلام و قرآن ایجاد می‌کنند و از اسلام چهره‌ای بدوی و خشن به نمایش می‌گذارند. در این زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «جریان تکفیر چهره اسلام را در دنیا مخدوش کرد، زشت کرد. همه دنیا در تلویزیون‌ها دیدند که کسی را می‌نشانند و با شمشیر گردن می‌زنند، بدون اینکه جرمی برای او معین شده باشد. اینها مسلمان را

کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه دنیا پخش شد، همه دنیا این را دیدند. همه دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینه یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. اینها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق. اسلام را اینها این جوری معرفی کردند؛ از این جنایتی بالاتر؟ از این فتنه‌ای خبیث‌تر؟ این مال جریان تکفیر است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۹/۴).

بنابراین، گروه‌های تکفیری با اقدامات خشونت‌آمیز خود باعث ترویج اسلام‌هراسی و نیز ناامن‌سازی جهان اسلام می‌شوند، این در حالی است که محبان اهل بیت(ع) به دنبال ترویج و تبلیغ اسلام رحمت، اسلام عقلانیت و اسلام منطقی هستند. گروه‌های تکفیری با چنین اقدامات خود گفتمان محبان اهل بیت(ع) را به چالش می‌کشند.

۵. تقابل با حکومت مبتنی بر هویت شیعی و تجزیه کشورهای اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب اهل بیت(ع) محور و مسئله تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای آموزه‌های شیعی، برخی کشورهای منطقه، حساسیت زیادی به این امر نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی، ضابطه‌ها و هنجارهای موجود در سیاست خارجی را بر اساس آموزه‌های اسلام سیاسی شیعی تنظیم کرد. این رویکرد باعث شد: اولاً، در سطح منطقه، برخی از کشورها، انقلاب اسلامی را خطر بالقوه و تهدیدکننده امنیت ملی تلقی کنند، در نتیجه کشورهای حاشیه خلیج فارس، که خود را نسبت به سایر کشورها آسیب‌پذیرتر می‌دیدند، در مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران احتیاط می‌کردند. اتحاد کشورهای عربی در جنگ عراق علیه ایران گویای این واقعیت است؛ ثانیاً، بازیگران عرصه روابط بین‌الملل نیز به جمهوری اسلامی ایران به عنوان نیروی برهم‌زننده نظم جهانی بنگرند. بنابراین، چالش با انقلاب اسلامی، بیشتر از داخل مرزها احساس می‌شود تا بیرون مرزهای اسلامی؛ اگرچه این سخن به آن معنا نیست که تهدید خارجی وجود ندارد (فلاح، ۱۳۹۳، ج ۵: ۳۴۹).

رشد گروه‌های تکفیری با حمایت برخی دولت‌های اسلامی در راستای اهداف راهبردی خویش در منطقه، به یک منازعه مذهبی در قالب تقابل شیعه - سنی منجر شده است. در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان بدست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق، این امر عینیت یافته است. حساسیت روی هویت شیعی محبان اهل بیت(ع)، از جمله بارزترین

نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احياناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله آنها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی‌واهمه تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره، نظام نشانه‌شناسی است که تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه‌الله، از نظریه‌پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، نشان‌دهنده آن است: «شیعه نه تنها از مارقین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است.» این تصویرسازی ضد ایرانی و ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، در عراق رو به گسترش است؛ به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ که از نظر سلفی‌ها، عراق از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷ و ۱۰۸).

گروه‌های تکفیری آشکارا با اندیشه شیعی (که متعلق به محبان اهل بیت(ع) است) مخالفت می‌کنند و در اندیشه و خیال خود، با تفکر شیعی به دشمنی، مخالفت و مبارزه می‌پردازند. در این زمینه رهبر انقلاب معتقدند: «امروز یک عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سلفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می‌کنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند؛ اما اینها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار می‌کند. دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می‌افشاند؛ اینها آن دست پنهان سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

راهبردها و راهکارهای محبان اهل بیت(ع) برای مقابله با گروه‌های تکفیری

با توجه به تهدیدهای مختلفی که از سوی گروه‌های تکفیری علیه گفتمان محبان اهل بیت(ع) وجود دارد، به منظور مقابله با این تهدیدها، راهبردها و راهکارهای مختلفی قابل ارائه است که در ادامه، به توضیح و تبیین آنها می‌پردازیم.

۱. تبیین و ترویج درست گفتمان عقلانی محبان اهل بیت(ع)

یکی از مهم‌ترین راهبردها و راهکارها در عرصه سیاسی برای مقابله با تهدیدات گروه‌های تکفیری، تبیین درست و نیز تأکید و ترویج گفتمان محبان اهل بیت(ع) است. برای تبیین گفتمان محبان اهل بیت(ع) باید عناصر اصلی آن را شناخت تا بتوان تهدیدات آن را نیز شناسایی و در نهایت، راهکارهای متناسب با آن را ارائه کرد. گفتمان محبان اهل بیت(ع) با تکیه بر مفاهیم اسلامی و تأکید بر حاکمیت اسلامی و زدودن مفاهیم گفتمان‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم، هویت خود را الگویی مطابق با معیار اسلام قرار داد و منجر به تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مستولی‌شده بر عرصه سیاسی شد. این گفتمان که ملهم از آموزه‌های اصیل و به تعبیر امام خمینی(ره)، «اسلام ناب محمدی و تشیع» است، بر محورهایی از جمله: حاکمیت الهی، سیاست دینی و نفی سکولاریسم، عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، وحدت اسلامی، مبارزه با استبداد و استکبار و استعمار و ... متمرکز شده و به نحو بارزی، این ویژگی‌ها در مواضع جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، جریان رو به رشدی داشته است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۳). بنابراین، در راستای مقابله با تهدیدهای گروه‌های تکفیری، بایستی گفتمان محبان اهل بیت(ع) با مولفه‌های مذکور به خوبی تبیین گردد و مردم کشورهای مختلف دنیا با این گفتمان آشنا شوند. همچنین متولیان امر همواره علاوه بر تبیین درست این گفتمان، در عمل نیز بر آن تأکید داشته، از طریق ابزارهای مختلف ساخت‌افزاری و نرم‌افزاری و نیز راهکارهای سیاسی به دنبال ترویج گفتمان اهل بیت(ع) باشند.

۲. دیپلماسی سیاسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی

از جمله راهبردها و راهکارهای مقابله با تهدیدهای گروه‌های تکفیری، دیپلماسی فعال سیاسی و تنش‌زدایی بین کشورها، به خصوصاً تنش‌زدایی با دولت‌های ذی نفوذ اسلامی و اعتماد سازی با قدرت‌های منطقه‌ای است. به کارگیری ابزار دیپلماسی سیاسی و عمومی از سوی محبان اهل بیت(ع) در روابط با کشورهای منطقه و حوزه خلیج فارس، به زدودن مسائل امنیت‌محور و اعتمادزایی، توسعه روابط متوازن و ارائه تصویر واقع‌بینانه کمک می‌کند و ضمن کاهش دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، موجب تأمین اهداف و منافع ملی ایران خواهد شد (جوادی ارجمند، ۱۳۹۴: ۱۰) و از این طریق می‌توان با تهدیدات گروه‌های تکفیری مقابله کرد. نقش مؤثر برخی از دولت‌های منطقه‌ای در شکل‌گیری و تقویت جریان‌های افراطی به منظور ایجاد موازنه قدرت

و تهدید سخت و نرم محبان اهل بیت(ع) در منطقه، ضرورت تنش‌زدایی و اعتمادسازی در روابط کشورهای اسلامی را آشکار می‌سازد. در این زمینه، استفاده از نقش بالاسر قدرتهای فرامنطقه‌ای و جنبش‌های اسلامی در منطقه نیز می‌تواند از تضعیف موقعیت محبان اهل بیت(ع) در معادله قدرت در منطقه بکاهد (عموری و جاودانی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۳۷۳ - ۳۷۱)

۳. همگرایی اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه

مسئله وحدت و همگرایی اسلامی یکی از راهبردها و راهکارهای اساسی در برخورد با خیلی از مشکلات و چالش‌های جهان اسلام، از جمله مقابله با گروه‌های تکفیری است. ادبیات اسلام، مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می‌کند و از تجزیه و تفرقه می‌هراساند و پرهیز می‌دارد. توجه به ادبیات همگرایانه از آن رو اهمیت دارد که جریان‌ها و گروه‌های تکفیری دقیقاً خلاف رویکرد قرآن و سنت، برای ایجاد تفرقه، ناهمسازگری و گسست امت اسلامی تلاش می‌کنند (دانشیار، ۱۳۹۳: ۹۳). از طرفی، یکی از اهداف محبان اهل بیت(ع)، همگرایی و وحدت مسلمانان است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان مصداق عینی محبان اهل بیت(ع)، در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داد که زمینه‌های تفرق و اختلاف میان کشورهای اسلامی، از سوی دشمنان اسلام به شدت تقویت می‌شد؛ لذا امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی، ایجاد وحدت در میان مسلمانان را یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی برشمردند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶).

مقام معظم رهبری درباره وحدت و همگرایی اسلامی به عنوان راهکار مقابله با جریان‌های تکفیری معتقدند: مسئله وحدت، وحدت ملی، حفظ اتحاد؛ جزو وظایف ماست. حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعال اند، خطر بزرگان این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می‌کنند؛ این خیلی خطر بزرگی است؛ جلو این بدبینی را باید بگیریم (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). راهبرد وحدت اسلامی ضمن اینکه مقتضای هویت محبان اهل بیت(ع) است، مؤلفه‌های مهم و بی‌بدیلی از قدرت نرم را در اختیار انقلاب اسلامی و جهان اسلام قرار می‌دهد. در عین حال، نگاه منفی جریان‌های تکفیری به مذاهب اسلامی و تفسیر انحصارطلبانه آنها، از عوامل آسیب‌پذیری این راهبرد است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۲ - ۹۵). بر این اساس، وحدت و همگرایی اسلامی ضرورت پیدا می‌کند تا از جنگ، خونریزی، فساد و تروریسم کور به بهانه اختلافات مذهبی جلوگیری شود. در این زمینه به نظر می‌رسد تکیه

بر مشترکات راهکار مناسبی باشد، زیرا مشترکات میان مسلمانان بیشتر از موارد اختلافی است.

۴. شناخت و روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری

یکی دیگر از راهکارهای اساسی و تعیین‌کننده در راستای مقابله با گروه‌های تکفیری شناخت و توجه به نقش قدرت‌های استکباری و سیاست‌های آنها در شکل‌گیری و تقویت جریان‌های تکفیری است و بدون توجه به این مسئله و روشنگری در این زمینه، مقابله با این جریان‌ها به موفقیت نخواهد رسید. دشمن‌شناسی یکی از شاخصه‌های اصلی و جزو کانونی‌ترین و اساسی‌ترین شناخت‌ها برای جهان اسلام و مسلمانان محسوب می‌شود که در رأس شناخت‌ها قرار دارد و برای مقابله با جریان‌های تکفیری باید به شناسایی دشمن حقیقی مسلمانان پرداخت. مقام معظم رهبری در این زمینه معتقدند: «دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمان‌ها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه می‌زند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی می‌کند، دچار ضعف می‌کند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۳/۶).

بر این اساس، به منظور مقابله با جریان‌های تکفیری، بایستی به سیاست و حمایت قدرت‌های استکباری از این جریان‌های توجه شود و نسبت به آن روشنگری‌های لازم صورت گیرد؛ همچنان‌که مقام معظم رهبری در این زمینه اظهار می‌دارند: «کاری که بسیار لازم است، روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری آمریکا و انگلیس است. باید روشنگری کرد؛ باید دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست‌های آمریکا در این میان چیست؛ نقش سرویس‌های جاسوسی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در این احیای جریان فتنه تکفیری چیست؛ این را باید همه بدانند. همه باید بدانند که اینها دارند برای آنها کار می‌کنند؛ نقشه از آنهاست، پشتیبانی از آنهاست، ارائه طریق از آنهاست، پول هم از دست نشانندگان آنها [یعنی] حکومت‌های منطقه است که پولش را می‌دهند، این بیچاره‌ها را بدبخت می‌کنند و دنیای اسلام را دچار این مشکل می‌کنند (بیانات همه‌پرسی، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴).

۵. اجماع‌سازی و ایجاد ائتلاف علیه گروه‌های تکفیری

از جمله راهکارهای مقابله با گروه‌های تکفیری، «تلاش برای اجماع‌سازی منطقه‌ای و جهانی

علیه این جریان‌ها» است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه‌دار گفتمان محبان اهل بیت(ع)، با استفاده از ابزارهای مختلف دیپلماتیک می‌تواند در این زمینه اقدامات قابل توجهی انجام دهد، از یک طرف، در سطح منطقه‌ای با کشورها و دولت‌های اسلامی رایزنی‌های لازم را جهت مقابله با جریان‌های تکفیری داشته باشد تا بتواند در راستای ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه این جریان‌ها قدم بردارد. طبیعتاً در این صورت، از ظرفیت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی این کشورها می‌توان بهره‌برداری لازم را کرد. در این زمینه با معرفی تهدیدها و خطرات جریان‌های تکفیری برای کشورهای منطقه و با تأکید بر منافع مشترک قدرت‌های منطقه‌ای و اسلامی، انگیزه مقابله و مواجهه با این جریان‌ها افزایش خواهد یافت (فاطمی‌صدر، تابناک، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴).^۱ از طرف دیگر، تلاش برای ایجاد ائتلاف و اجماع جهانی علیه گروه‌های تکفیری بایستی صورت گیرد و از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های قدرت‌های جهانی و سایر کشورها در این زمینه استفاده شود. از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی نیز می‌توان در این زمینه استفاده کرد.

۶. تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام

از جمله راهبردها و راهکارهای سیاسی که در زمینه مقابله با گروه‌های تکفیری دارای اهمیت است، توجه، ارتباط و تقویت جریان‌های سیاسی معتدل در جهان اسلام است، چرا که در کشورهای اسلامی تنها گروه‌های رادیکال و تکفیری مانند: القاعده، داعش و یا گروه‌های وابسته به آن فعال نیستند، گروه‌ها و جریان‌های معتدل در این کشورها خیلی قدرتمندتر از تکفیری‌ها هستند. در حقیقت، گروه‌های معتدل بیشتر از گروه‌های تندرو توانایی جلب نظر مردم این مناطق را دارند، در بیشتر کشورهای اسلامی از شرق آسیا گرفته تا شمال و غرب آفریقا از گروه‌های تندرو قوی‌تر هستند، به لحاظ عددی، هواداران بیشتری دارند و اکثریت جامعه مسلمانان از ایدئولوژی آنان حمایت می‌کنند. بنابراین، هر اندازه که در این کشورها گروه‌های معتدل بیشتر تقویت شوند، جریان‌های افراطی و تکفیری تضعیف می‌شوند و به حاشیه خواهند رفت. بر این اساس، در تقابل با وحشی‌گری و تروریسم خشن گروه‌های تکفیری که به نام اسلام این جنایات را انجام می‌دهند، بهترین راه [برای] خنثی کردن نفوذ این جریان‌ها، تقویت حرکت‌های فکری اسلامی معتدل و عقلانی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۹/۰۱). بنابراین، وجود جریان‌های معتدل در جهان اسلام

از فرصت‌های مهمی است که بایستی به منظور مقابله با جریان‌های تکفیری، تقویت شوند و با آنها در عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی و سیاسی همکاری و تعامل انجام شود. طبعاً با تقویت چنین گروه‌هایی، جریان تکفیر تضعیف می‌شود و به حاشیه خواهد رفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، تهدیدهای سیاسی گروه‌های تکفیری علیه محبان اهل بیت(ع) مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه تهدیدهای گروه‌های تکفیری در ابعاد و عرصه‌های مختلف، از جمله: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و... قابل توجه و احصا می‌باشند، در این مقاله، تهدیدها تنها در ابعاد سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. تهدیدهای سیاسی که از سوی این گروه‌ها علیه محبان اهل بیت(ع) وجود دارد، شامل مواردی همچون: فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، به حاشیه رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان محبان اهل بیت(ع)، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار کردن رویه مسالمت‌آمیز محبان اهل بیت(ع)، ترویج اسلام‌هراسی و ناامن‌سازی جهان اسلام، تقابل با هویت شیعه و تجزیه کشورهای اسلامی می‌شود.

بایستی به تناسب تهدیدهایی که از سوی گروه‌های تکفیری علیه محبان اهل بیت(ع) وجود دارد، راهکارها و راهبردهای لازم برای مقابله با این تهدیدها ارائه شود. در شرایطی که تهدیدهای تکفیری‌ها، آرمان و راهبرد وحدت اسلامی را تهدید کرده، در داخل گفتمان محبان اهل بیت(ع) به دنبال ایجاد درگیری است و با خشونت‌گرایی، رویه مسالمت‌آمیز محبان اهل بیت(ع) را خدشه‌دار می‌کند. لذا بایستی برای مقابله با این تهدیدها، در مرحله اول، گفتمان عقلانی محبان اهل بیت(ع) به درستی تبیین شود، از طریق دیپلماسی سیاسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی، مسیر همگرایی اسلامی هموارتر شود و با روشننگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری، جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام تقویت شوند. بر این اساس، راهبردها و راهکارهای سیاسی شامل موارد زیر می‌شود: دیپلماسی سیاسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی، همگرایی اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه، شناخت و روشننگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری، اجماع‌سازی و ایجاد ائتلاف علیه گروه‌های تکفیری و تقویت جریان‌های فکری - سیاسی معتدل در جهان اسلام می‌شود.

منابع

- احمد الخشن، حسین (۱۳۹۰)، اسلام و خشونت (نگاهی نو به پدیده تکفیر)، ترجمه موسی‌دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی (آستان قدس رضوی).
- امام خمینی، صحیفه امام (۱۳۷۸)، ۲۲ جلد، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امامی، محمدمامین (۱۳۸۹)، وهابیت؛ مقابله با ارزش‌های اسلامی و انقلابی، روزنامه رسالت.
- پوراحمدی، حسین و اسفندیاری، حامد (۱۳۹۳)، راهبردهای خروج از بازی برد - باخت در مواجهه با افراط‌گرایی اسلامی در خاورمیانه، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵)، «تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران مطالعات راهبردی، ش ۳۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۳)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- جوکار، محمدصادق (۱۳۸۶)، «چیستی نو‌بنیادگرایی اسلامی»، منابع اینترنتی، باشگاه اندیشه.
- «چرا وهابیون آل سعود آثار اسلامی را نابود می‌کنند؟» (۱۳۹۴/۱۰/۲۲) شیعه‌نیوز رک:
<http://www.shia-news.com/fa/news/۱۰۹۷۳۱>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۹/۴)، بیانات در دیدار با میهمانان شرکت‌کننده در «کنگره جهانی جریان‌های تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی».
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۹/۱)، بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری ترکمنستان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۴/۲۹)، بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، حدیث ولایت (متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای معظم له از شهریور ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ شمسی)، مرکز کامپیوتر نور.
- خیریه، بهروز (۱۳۹۳)، نقش گروه‌های تکفیری در تغییر نقشه منطقه، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم: دارالإعلام لمدرسة اهل البيت (ع)، ج ۳.
- دانشیار، علیرضا (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی جریان‌های تکفیری از دیدگاه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم: دارالإعلام لمدرسة اهل البيت (ع).
- دکمجان، هرایر (۱۳۹۰)، «جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب»، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، چاپ ششم.
- ستوده، علی‌اصغر و صفر خزایی (زمستان ۱۳۹۳)، جعفر، آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در

- خاورمیانه»، فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین، ش ۹.
- سیدنژاد، سیدباقر (بهار ۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی، ش ۴۷.
- سیدباقری، سیدکاظم، محمد حسنی و بتول ملاشفیعی (۱۳۹۳)، آثار سیاسی - اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، دار الإلام لمدرسه اهل‌البیت (ع) ج ۶.
- شیخ حسینی، مختار و محمدجواد خلیلی (۱۳۹۳)، نقش قدرت‌های بین‌المللی در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری و پیامدهای آن بر جهان اسلام، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲.
- عموری، عبدالحسین و مهدی جاودانی مقدم (۱۳۹۳)، مهدی، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نوسلفی‌گری در خاورمیانه و الزامات دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی.
- فراتی، عبدالوهاب، ولی محمد احمدوند، مهدی‌بخشی شیخ احمد (۱۳۹۳)، تحلیلی بر هویت جدید تروریست‌های تکفیری در خاورمیانه، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۱.
- فلاح، محمود (۱۳۹۳)، اسلام سیاسی و تمایز آن با سلفی‌گری در دوره معاصر: زمینه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵.
- فولر، گراهام (۱۳۹۰)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز.
- کاظمی، سیدآسف (۱۳۹۳)، بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی.
- کیوه، محمدعلی (۱۳۹۳)، جریان‌های تکفیری و خطرهای آن برای امت اسلامی و بشریت و عوامل شکل‌گیری آن، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۴.
- متقی، ابراهیم (بهمن ۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه بحران: نقش عربستان در رقابت‌های منطقه‌ای»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، ش ۸۰.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۳/۴/۲۱)، اصلاح‌طلبی به جای خشونت‌گرایی، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان.
- مرتضی باقر، اسامه (۱۳۹۳)، متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی و علل داخلی ورود داعش به عراق، مترجم: میثم صفری، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام؛ ج ۴.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴/۱۱/۸)، بیانات در کنگره بین‌المللی «خطر جریان‌های تکفیری در دنیای امروز؛ مسئولیت علمای جهان اسلام».
- میر احمدی، منصور و علی‌اکبر ولدبیگی، (۱۳۹۳)، جریان تکفیری و سیاست خشونت، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲.
- نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۲)، بنیادهای فکری القاعده و وهابیت، مجله راهبرد، شماره ۲۷.
- هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۹۲)، چالش‌های وهابیت؛ ایران، جهان اسلام و غرب، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- همفر (۱۳۸۶)، خاطرات مستر همفر، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: انتشارات اساطیر.
- هینه بوش، ریموند و انوشیروان احتشامی (۱۳۸۹)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمان قهرمان‌پور و مرتضی مسماح انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).



فرهنگ اهل بیت (ع) در مواجهه با

تروریسم رسانه‌ای

والریا آگوستینا رودریگز^۱

ترجمه: حسن ایزدی

(۱۳۰ - ۱۰۷)

چکیده

پس از ظهور دولت‌های نئولیبرال، مباحث زیادی در مورد نظم نوین جهانی مطرح شد، که پس از آن، راهبردهای ارتباطی رسانه‌های بزرگ چرخش قابل توجهی به سوی اسلام‌هراسی، با استفاده از رسانه‌های جمعی به عنوان ابزاری برای ایدئولوژی کردن جوامع بر اساس پیوند تعصبات در راستای پیش‌داوری‌های نادرست علیه مسلمانان و اعمال ظلم و ستم کشورهای قدرتمند به مسلمانان و همچنین حفظ و تثبیت هژمونی قدرت و بهره‌مندی شرکت‌های فراملیتی صورت گرفت. البته باید توجه داشت بخش عمده‌ای از این شبکه‌های غربی، صهیونیستی هستند؛ علاوه بر این، وجود گروه‌های تروریستی کمک شایانی به نشر و گسترش تفکر اسلام‌هراسی کرده است، به همین علت لازم است با راهبردهای ارتباطی و رسانه‌ای در جهت پاسخگویی به موضوع اسلام‌هراسی و تقابل رسانه‌ای با فرهنگ اهل‌بیت (ع) آشنایی داشته باشیم.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، جنبش‌های تروریستی، تروریسم، صهیونیسم، داعش، رسانه‌های جمعی.

۱. کارشناس علوم سیاسی بوئنوس آیرس - آرژانتین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۶

مقدمه

با ظهور ابزار ارتباطی جدید که محصول جهانی‌سازی و پیشرفت فن‌آوری می‌باشد، ارتباطات کالایی است که می‌تواند بنا به منافع شخصی مورد دخل و تصرف (دستکاری واقعیت) قرار گرفته و منتشر شود.

نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیستی)، توسط نخبگان اقتصادی که ارتباطات عمیقی با صهیونیسم بین‌المللی دارند مدیریت و کنترل می‌شود، که به دنبال تقسیم جامعه با تحمیل ایده‌ی دشمن قریب‌الوقوع با بهره‌گیری از روش انتشار تعصبات، با تأکید بر اختلافات بین جوامع و کسانی که با آنها اختلاف نظر داشته و ارزش‌ها و فرهنگ مورد قبول غرب را رد می‌کنند به دنبال گسترش تفکر اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی است. بنابراین در دستور کار بین‌المللی در وهله‌ی اول تروریسم که همیشه با ریشه‌ی عربی-اسلامی (اصطلاح غلطی که از طریق رمان‌ها، اخبار، موسیقی، و ... گسترش می‌یابد) پیوند خورده، قرار دارد. از سوی دیگر نظام سرمایه‌داری از استراتژی‌ی تحسین ایده‌های اقلیت‌ها که در راستای ارزش‌های غربی مانند خشونت جنسیتی از منظر فمینیستی که مردان را از زنان متمایز می‌کند، عمل کرده و بهره‌برداری می‌نماید.

در این میان، جامعه اسلامی باید از انزوا و اختلافات دوری نموده و برای ارتقاء جایگاه خود در جامعه جهانی به دنبال اتحاد بین مکاتب مختلف باشد. در مقاله حاضر به دنبال مشخص کردن اهمیت تروریسم رسانه‌ای (ارتباطی) و شناسایی استراتژی صهیونیست‌ها برای سیاه‌نمایی اسلام و فرهنگ اهل‌بیت (ع) همچنین دوگروه تروریستی (داعش و گولنیست‌ها)، پیام آن‌ها و استفاده ابزاری از انتشار پیام، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

در نهایت، به دنبال پیدا کردن استراتژی‌هایی برای خروج اسلام از وضعیتی که صهیونیست‌ها برای آن‌ها ایجاد کرده‌اند خواهیم پرداخت و برای دستیابی به این راهبرد از منابع روزنامه‌نگاری کتاب‌شناختی و همچنین نظریه‌های جامعه‌شناسی، نظریه سیاسی و ارتباطی مورد استفاده در غرب و منابع اسلامی استفاده خواهد شد.

۱. تروریسم رسانه‌ای (ارتباطی)

از ابتدای بشریت، ارتباطات، شیوه‌ای است که در آن انسان‌ها از طریق کلمات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند به نحوی که بتوانند از طریق به اشتراک‌گذاری ایده‌های خود، یکدیگر را درک

کرده و به این ترتیب روابط اجتماعی را برقرار نمایند که این امر برای سازگاری اجتماعی ضروری است.

در ابتدا کلمه وجود داشت، سپس هیروگلیف‌ها^۱ (خطوط) به وجود آمدند و با گذشت زمان کتاب‌ها وارد زندگی اجتماعی انسان‌ها شدند و در حالی که تاریخ در حال تکامل است، رسانه‌ها حضور خود را در جوامع آغاز کرده‌اند.

رسانه شکلی از قدرت^۲ است که اکثر اوقات به آن توجه نمی‌شود، در حالی که رسانه قادر است رفتار صدها نفر از بازیگران اجتماعی را تحت کنترل در آورده و بر آن تسلط یابد. بدین معنا که، ارتباطات رسانه‌ای، منابع تکنولوژیکی هستند که می‌توانند بیشترین تاثیر را بر قضاوت، تفکر یا عمل میلیون‌ها نفر داشته باشند، از سوی دیگر می‌توان گفت رسانه نشان دهنده‌ی شکلی ظریف از سلطه است؛ با توجه به این که، کسی که هژمونی رسانه‌ی جمعی را در اختیار داشته باشد، از قدرت واقعی برخوردار است. دخل و تصرف در (دستکاری واقعیت) اطلاعات به طور مستقیم با ارزش گذاری یا کاهش ارزش کلمات مواجه می‌شود، بطور مثال در غرب شاهد این موضوع هستیم که از کلمه دموکراسی برداشت مثبت صورت می‌گیرد در حالی که کلمه رژیم (نظام) ارزش منفی دارد حتی اگر این یک کلمه، کاملاً خنثی باشد، دارای یک ارزش محوری است.

همین ارزش گذاری در گروه‌های تکفیری و تفسیر متون قرآنی به واسطه‌ی منافع اقتصادی یک گروه تفسیر می‌شود.

در روند نئولیبرالی که از طریق جهانی شدن تجربه می‌شود، اطلاعات تجاری شده، یعنی؛ به عنوان یک کالا شناخته شده، کالایی که قابل خرید و فروش است و این موضوع به نفوذ و منافع خاص یک نفر یا جمعی مربوط نمی‌باشد، به همین دلیل است که گروه‌های اقتصادی، میلیون‌ها دلار در زنجیره‌ی شبکه‌های خبری، روزنامه‌ها و غیره در این زمینه سرمایه گذاری می‌کنند.

جهانی شدن سرعت تاثیر بر احساسات را در تمام حوزه‌ها افزایش داده است، به ویژه در اطلاعات و تصاویری که حتی بیش از کلمات، تاثیرگذار به نظر می‌رسند، زیرا آنها راحت تر احساس ترس را بر می‌انگیزند و احساس واقعی تری را نسبت به آنچه که کلمات می‌توانند به دست می‌آورند، ایجاد می‌کنند.

۱. خط هیروگلیف مصری را مصریان اولین بار جهت نوشتن مطالب خود ابداع کردند.

۲. قدرت به عنوان توانایی عمل بر اساس اهداف یا منافع همچنین توانایی مداخله در حوادث حاکم است.

ترس ابزاری برای دخل و تصرف (دستکاری واقعیت)

استفاده از ترس و وحشت به عنوان ابزاری برای القاء و تسلیم اجتماعی به وضوح توسط رسانه‌ها در بسیاری مواقع مورد استفاده قرار می‌گیرد، آن‌ها از تروریسم اطلاعاتی استفاده می‌کنند، زیرا آن‌ها تولید کننده آن و انتقال دهنده ی ترس هستند که اساساً می‌تواند در القا اجتماعی خلاصه شود یعنی یک احساس روانشناختی که احساس ترس را دریافت می‌کند، سپس مفهوم تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، با استفاده از تروریسم، ترس را در جامعه با هدف تاثیرگذاری و سرکوب جامعه هدف منتشر می‌نمایند.

قابل ذکر است، انواع مختلفی از رسانه‌ها و کسانی که دارای بیشترین نفوذ اقتصادی و به اصطلاح دارای زنجیره و شبکه‌های اطلاعاتی بزرگ با منافع اقتصادی فراوان هستند نه تنها تولید اطلاعات را امکان پذیر می‌سازند بلکه آن‌ها تولید محتوا را مدیریت کرده تا به دست بخشی از جامعه برسد سپس از طریق کُمدی‌ها، سریال‌ها، برنامه‌ها و محدود (فیلتر) کردن تعصبات در مقابل برخی از موضوعات به طور مثال در مقابل ایده ی لیبرالی "دشمنی که به طور مداوم تهدید می‌کند" وجود دارد. نه تنها این موارد را می‌توان در اخبار دید بلکه در آن چه که سرگرمی نامیده می‌شود به وفور قابل مشاهده است بطور مثال شرکت‌های بزرگی نظیر نت فلیکس مخاطبانی که به دنبال سرگرمی از طریق فیلم و سریال هستند، جذب می‌کنند در حالی که این گونه شرکت‌ها تحت تاثیر ایدئولوژی‌های امپریالیستی مانند صهیونیست‌ها هستند. تنها این موارد ابزار قدرت نیستند، بلکه ابزاری از این قبیل بسیار وجود دارد که ما می‌توانیم آن‌ها که به طور معمول می‌توانند با همان هدف، سلطه^۱ مورد استفاده قرار گیرند در زندگی روزمره خود را شناسایی کنیم.

آزادی بیان دروغین (کاذب)

مفهوم آزادی آن گونه که در غرب قابل درک و فهم است از انقلاب فرانسه به ارث رسیده که با ایدئولوژی بورژوازی گسترش یافت اما بهترین ماتریالیسم نظام سرمایه داری است. آزادی بیان به عنوان حق فرد یا رسانه‌ها برای بیان نظرات در مورد یک موضوع است، اما در

۱. سلطه: این مفهوم برگرفته از تئوری Weberiana است که استدلال می‌کند، سلطه، اعمال نفوذ قدرت برای مجبور کردن دیگران برای تسلیم شدن در مقابل آزادی مد نظر آن‌ها از طریق مشروعیت بخشی و تبعیت پذیری از حاکم است، نویسنده یک تیپ شناسی ایده آل از سلطه را ترسیم می‌کند.

حقیقت این آزادی بیان وجود ندارد، زیرا در داخل جامعه گروه‌های قدرتی وجود دارند که ایده‌های مورد علاقه و توجه آن‌ها، بارها و بارها توسط روزنامه نگاران بخاطر نیازهای اقتصادی منتشر می‌شود و از این طریق نظرات خود را به نفع این گروه‌های قدرت (هژمونیک) به فروش می‌رسانند. به همین دلیل، آزادی بیان که در بیانیه‌ی حقوق بشر تعریف شده کاملاً نادرست است، آزادی بیان یک توهم است زیرا به نظر می‌رسد که همه بازیگران توانایی ابراز نظرات خود را دارند اما در حقیقت آنها منافع برخی را بیان می‌کنند، حتی اگر بخشی از این صداها، صدای گروه‌های تکفیری باشد که توسط غرب به عنوان تروریست شناخته شده‌اند. یک مثال واضح و روشن از این نشریات، دابق، مجله دیجیتال داعش (یا دولت اسلامی عراق و شام EIL) است

که به راحتی در اینترنت یافت می‌شود که در بین موضوعات مختلف منتشر شده در این مجله، مصاحبه‌هایی از طراحان حملات تروریستی از جمله مصاحبه با نظریه پردازانی که متهم به طراحی حملات تروریستی هستند، منتشر شده است، به عنوان مثال مصاحبه‌ای که در فوریه سال ۲۰۱۵ با عبدالحمید اباعود، طراح حمله به مجله شارلی ابدو منتشر شده جزئیات زیادی در مورد چگونگی طراحی عملیات، تلاش برای پیاده سازی این ایده بیان شده و در بخشی از این مصاحبه به درگیری بین مسیحیان و مسلمانان پرداخته شده است، این گونه مصاحبه‌ها توسط رسانه‌ها در حقیقت در جهت انحراف اذهان عمومی از موضوع اصلی صورت می‌گیرد که در اینجا موضوع و مشکل اصلی شبکه‌های تامین مالی گروه‌های تروریستی مرتبط با ایالات متحده و عربستان سعودی (منشاء اصلی وهابیت، ایدئولوژی داعش یا EIL) است از سوی دیگر هدف این گونه اقدامات در رسانه‌ها تغییر هویت اصلی موضوعات به یک درگیری مذهبی و معرفی کردن مسلمانان به عنوان یک گروه وحشی و مسیحیان «قربانیان» تروریسم اسلامی است که در این جا از رسانه به عنوان ابزاری جهت کلیشه‌ای نمودن موضوعات بهره برداری می‌شود.

تفکر قالبی

تفکر قالبی، در پی ایجاد مجموعه‌ای از ویژگی‌های خارجی در جهت تغییر رفتار افراد در یک قالب خاص است. در همین راستا، یک فرد فقیر دارای نوعی رفتار خاص که از قبل تعیین شده است، می‌باشد، این فرد به روش خاصی صحبت می‌کند، در منطقه‌ای خاص زندگی می‌کند در

حالی که یک فرد ثروتمند دارای شرح و توصیف متفاوتی است. در هر دو مورد با تفکر قالبی به بخش عمده‌ای از جامعه به روش‌های مختلف (یکی مثبت و دیگری منفی) مشروعیت بخشیده می‌شود بدین معنا که تفکر قالبی، جامعه را تقسیم می‌کند.

در حال حاضر، چه کسی مسئول ایجاد این تفکر قالبی است و برای چه منظوری این کار را انجام می‌دهد؟

می‌توان گفت: تفکرات قالبی به عنوان ابزاری برای تسلط و تاثیرگذاری در جامعه از طریق «تبعیت‌پذیری» منفی یا مثبت کلمه با یک تصویر است همین اتفاق در ارتباط با تفکر قالبی در رابطه با مسلمانان رخ می‌دهد، کلمه تروریست با تصویری از یک مرد با ریش بلند و عمامه‌ای به سر، تفکری قالبی و کلیشه‌ای است که توسط ماشین بازاریابی (مارکتینگ) ساخته شده که قصد دارد با دشمن‌سازی جوامع را مدیریت کند.

تبلیغات، بازاریابی و فرهنگ تصویری

از سوی دیگر، بازار یابی با ایده‌ی تکمیل یک محصول خاص یا عادت در جامعه، استفاده می‌شود حتی از طریق آن می‌توان یک فکر منفی یا برخی ویژگی‌های کلیشه‌ای را تحریف کرد، همچنین از طریق سرعت اطلاعات و فقدان استدلال و اطلاعات غلط می‌توان برخی از موضوعات را تحت تاثیر قرار داد که جووانی سارتوری از آن تحت عنوان «هومو ونديس»^۱ «مخلوقی که می‌بیند اما فکر نمی‌کند، می‌بیند اما نمی‌فهمد» یاد می‌کند.

از طریق فقدان استدلال و تعصب، غرب، مسلمانان را با استفاده از گروه‌های تروریستی و بهره‌برداری از تفکر قالبی مسلمانان که توسط هالیوود ایجاد شده است خدشه دار کرده است. علاوه بر این، جووانی سارتوری، غلبه تصویر بر کلمه نوشته شده را فاجعه بار می‌داند زیرا از نظر وی، فرهنگ صوتی و تصویری ظرفیت انتزاع و نقد ایده‌ها را از بین برده و باعث فقر مرگبار (کشنده) در فرآیند فهمیدن و دانستن آنچه که معرف انسان بودن است، می‌شود.

امروزه تصاویر به عنوان واقعیت تعبیر می‌شوند و تصاویر آن چیزی هستند که می‌توان آن را مشاهده کرد ولیکن نسبی هستند زیرا دوربین فقط می‌تواند یک لحظه را نشان دهد همچنین می‌تواند در آن دخل و تصرف صورت نماید.

جنگ نرم راه جدیدی برای دخل و تصرف (دستکاری واقعیت)

از لحاظ تاریخی، زمانی جنگ بوجود می‌آید که نمی‌توان از طریق دیپلماتیک به نتیجه رسید، در گذشته جنگ با حمله مستقیم و سلاح‌های گوناگون برای تغییر روابط افراد و کسب قدرت صورت می‌گرفت ولیکن در حال حاضر قدرت در نتیجه ی جهانی شدن به تکامل رسانه‌ها و شبکه‌ها تبدیل شده است.

بدین ترتیب، تصویر و تبلیغات، جای سلاح (که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد) را گرفته، اما پیام‌های تبلیغاتی مستقیم تر بوده و اثر آن موثرتر است.

جنگ‌های جدید نرم نامیده می‌شوند، زیرا به آرامی در تفکر یک جامعه نفوذ کرده و تنها هدف آن‌ها دخل و تصرف (دستکاری) و تاثیر گذاری روانشناختی است.

رهبر انقلاب به جنگ نرم اشاره نموده است، یعنی یک جنگ با شدت کم اما رسانه‌ها در این جنگ نقش مهمی را ایفا می‌کنند، زیرا آنها فقط به انتشار تصاویر و اخبار غلط که جامعه را گمراه می‌کنند، می‌پردازند.

پس جنگ نرم به عنوان «استفاده دقیق و برنامه ریزی شده از تبلیغات و ابزارهای مرتبط با هدف تأثیرگذاری بر باورها، فرهنگ، سیاست، احساسات، گرایش‌ها، رفتار و مختصات فکری دشمن» تعبیر می‌شود. اصطلاح «جنگ نرم» توسط دکتر علی اصغر غلامرضا، معاون رئیس سازمان رادیو ایران در کنفرانس «رسانه‌ها و جنگ نرم» در سال ۲۰۱۴ مورد استفاده قرار گرفت، با تعبیر که این مفهوم دارای تاثیر روانشناختی و تبلیغات رسانه‌ای است و هدف آن در جامعه انسداد و شکست بدون هیچ گونه درگیری یا استفاده از زور است. عملیات روانی، جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای و غیره از هر وسیله‌ای برای نفوذ به اندیشه استفاده می‌کند. در دنیای امروز، تبلیغات و استفاده از رسانه‌ها بخش اصلی و اساسی جنگ نرم هستند، زیرا برنامه ریزان این جنگ از این طریق بر تفکر جامعه، حمله کرده و سعی می‌کنند فرهنگ بومی خود را جایگزین کردن عقاید آن‌ها کرده و آن‌ها را از عقاید خودشان، جدا کنند.

۲. اسلام هراسی، یک پدیده غربی؟

پدیده اسلام هراسی می‌تواند به عنوان نژادپرستی حاکم بر نظم نوین جهانی در قرن بیست و یکم تلقی گردد، که در راستای برآوردن منافع اقتصادی امپراتوری در خاور میانه مورد استفاده

قرار می‌گیرد و به نوبه خود، این پدیده برای مشروعیت بخشیدن به مداخلات نظامی و کودتا در منطقه کمک می‌کند.

اسلام سبکی از زندگی است متفاوت از آن چیزی که ماتریالیسم و نظام غربی هدایت می‌کند حتی یک سیستم اقتصادی جایگزین را به سرمایه داری پیشنهاد می‌کند که می‌تواند به عنوان دشمن مستقیم نظام مالی سرمایه داری محسوب شود که از طریق آن بانک‌ها حرکت می‌کنند. علاوه بر این، در ارتباط با سیاست، دارای یک موضع انقلابی است که آن را در مقابل حق ناسیونالیستی قرار می‌دهد که این تفکر در حال حاضر در غرب رو به گسترش است و به عنوان یک استراتژی در برابر حملات جهادی که توسط غرب و متحدان آن تامین می‌شود، در نظر گرفته شده است. در حال حاضر، اسلام هراسی، اسلام و مسلمانان را با تروریسم مرتبط می‌سازد و آن را یک مذهب خشونت‌آمیز معرفی می‌کند.

در حقیقت، با شروع از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اسلام هراسی به یک وضعیت عمومی تبدیل شد و یک ماشین تبلیغاتی حتی علیه خود اسلام راه اندازی شد.

با این وجود، اسلام هراسی پدیده‌ای است که بعد از جنگ سرد با ظهور انقلاب اسلامی در ایران ایجاد شد، قدرت‌های هژمونیک دشمن جدیدی را پیدا کردند که باید نابود شود. به نوبه خود، پس از تقسیم بندی، آنها فهمیدند که ضروری است که درگیری‌ها را زنده نگه داشته و آنها را برای مشروعیت بخشیدن به اعمالشان عملی کنند.

با ظهور جهانی شدن، خشونت آغاز شد و بخاطر اقدامات غیرانسانی نسبت به دیگران، «عملیات روانی» انجام می‌شود، پایه و اساس آن استفاده از اطلاعات به عنوان یک سلاح به منظور «باز تولید» واقعیت از طریق فریب دادن دشمن است، به منظور از بین بردن تمام بشریت و مشروعیت بخشی به خود به منظور ایجاد وابستگی ایدئولوژیک و عاطفی به یک انگیزه‌ی مشخص است.

از سوی دیگر، علیرغم تشکیل کمپین‌های شیطانی علیه اسلام، در سال‌های اخیر، جمعیت اسلامی به ترتیب ۱.۸٪ افزایش یافت که بزرگترین دین در جهان است؛ این واقعیت نادیده گرفته می‌شود، بنابراین، صهیونیسم و قدرت‌های اقتصادی باید به یک استراتژی جدید برای دستکاری بخش‌هایی از جامعه فکر کنند که اسلام را به عنوان راهی برای زندگی مورد توجه قرار داده است.

در ادامه حضور صهیونیسم را در رسانه‌ها و استراتژی‌های ارتباطی آن بررسی خواهیم کرد.

۳. صهیونیسم و رسانه‌های ارتباط جمعی

صهیونیسم بر این ایده از امپریالیسم فرهنگی تمرکز دارد، و در کتاب تئودور هرتزل، دولت یهود، دستورالعمل‌های لازم مشخص شده است.

از زمان شکل‌گیری صهیونیسم، آن‌ها از منابع مالی کافی برای کنترل رسانه‌ها و همه نوع فعالیت سرگرمی که از طریق آن می‌توانستند در آن جا حضور یافته و باعث پذیرش و رسیدن مقبولیت صهیونیسم، یعنی استعمار فرهنگی جامعه آن شوند، حاضر شده اند .

لازم ذکر است، با توجه به اظهار جامعه شناس نروژی یوهان گالتونگ، ۹۶٪ رسانه‌ها توسط شرکت‌های صهیونیستی کنترل و تحت تاثیر آن‌ها قرار دارند، مانند والت دیزنی، برادران وارنر و ویاکام و شبکه‌های خبری آمریکایی مانند فاکس و سی ان ان و...، همین اتفاق هم در سطح بین‌المللی اتفاق افتاده است. می‌توان گفت که مدیریت رسانه‌ها توسط صهیونیست‌ها صورت می‌گیرد و این موضوع تصادفی نیست، در ماه فوریه سال ۲۰۱۵ پس از حمله به مجله شارلی ابدو، خانواده روچیلد هر آن چه که در مجله باقی مانده بود خریداری کردند، زیرا برای صهیونیسم ادامه ی بهره برداری از آن با ایده قربانی کردن و سرزنش دیگران توسط این مجله بسیار مهم بود.

ارتباط دادن این جنبش با کمک مالی به گروه‌های تکفیری، غیر منطقی نخواهد بود، زیرا در واقعیت، این گروه‌ها یک ماشین تبلیغاتی بزرگ محسوب می‌شوند که هیچ دلیلی برای عدم حمایت و پشتیبانی اقتصادی و ارتباطاتی آن‌ها وجود ندارد.

یکی از استراتژی‌های مورد استفاده در ارتباطات فعلی اسلام هراسی است که پیشتر بدان پرداخته شد و راه گسترش و ترویج آن نیز ترس است.

از سوی دیگر، با افزایش مسلمانان در سراسر جهان، صهیونیسم مجبور شد راه جدیدی برای ضربه زدن به اسلام پیدا کند، اما به شیوه‌ای غیرمستقیم، به طوری که جنبش شبه صلح طلبان ظهور کنند و به دنبال ایدئولوژی کردن آن هستند، واضح ترین مثال آن است جنبش ترکی فتح الله گولن که در بیش از ۱۳۰ کشور در سراسر جهان حضور دارد.

از سوی دیگر، با افزایش مسلمانان در سراسر جهان، صهیونیسم حالا برای پیدا کردن یک راه جدید برای ضربه زدن به اسلام اما از یک مسیر غیرمستقیم است، این به این معناست که

جنبش‌ها طرفدار صلح بوجود می‌آیند که از طریق آن بتوانند به اسلام ضربه وارد نمایند روشن‌ترین مثال این جنبش‌ها، جنبش ترکی فتح‌الله گولن است که در بیش از ۱۳۰ کشور در سراسر جهان حضور دارد.

۴. EIL و FETO به عنوان یک استراتژی ارتباطی (دولت اسلامی عراق و شام و گولنیست‌ها)

اگر چه این گروه‌ها از لحاظ ادعاهای مختلف متفاوت هستند، اما ما باید روشن کنیم که هر دو آن‌ها، سازمانی‌هایی هستند که در راستای منافع خارجی عمل می‌کنند.

جنبش داعش، همانطور که قبلاً گفته شد، یک گروه تروریستی است که رهبر اصلی آن ابوبکر البغدادی است و ایدئولوژی او بین سلفی و وهابی، دو افکار بسیار خطرناک تقسیم شده است.

وهابیت در قرن هجدهم ظاهر شد، اما هیچ‌گاه به عنوان یک نسخه قانونی از اسلام شناخته نشده است حتی توسط علمای اهل سنت، در کنفرانس جهانی بیداری اسلامی، در نوامبر ۲۰۱۶، حوزه‌های اسلامی از عربستان سعودی درخواست کردند که حمایت مالی از این نوع ایدئولوژی را متوقف سازد زیرا آنها برای انسانیت خطرناک هستند و آنها از اتحاد مکاتب مختلف مذهبی حمایت کردند. آنها با حضور در شبکه‌های اجتماعی به جذب پیروانشان می‌پردازند، به ویژه جوانانی که خواستار مبارزه مسلحانه هستند.

گروه دیگری که بیشترین محبوبیت خود را در ژوئیه ۲۰۱۶ پس از اقدام به کودتا علیه رئیس‌جمهور ترکیه، طیب اردوغان، به دست آورد، جنبش فتح‌الله گولن (FETO) است.

دولت ترکیه این گروه را به عنوان یک سازمان تروریستی در نظر گرفته شده و مدعی است که «ترکی‌سازی اسلامی» صورت گرفته است، یعنی محتوا مذهبی را حذف کرده اند و آن را به یک اسلام «سکولار» از یک موقعیت ناسیونالیستی تبدیل کرده اند. لازم به ذکر است که پیروان این جنبش و فتح‌اله گولن جوان هستند که سطح بالایی از تحصیلات و فرهنگ برخوردار هستند.

به نوبه خود، این جنبش روابط مستقیمی با سیاه، از جمله نماینده اصلی آن، فتح‌الله گولن که فردی «خودمختار» است، دارد که به ایالات متحده آمریکا تبعید شده و به نفع آن‌ها اقدام می‌کند. علاوه بر این، پس از سقوط برج دوقلو، حمایت مالی از این سازمان به میزان قابل توجهی افزایش یافت.

از طرف دیگر، در سطح منطقه ای، گولن شخصیت بسیار مهمی برای اردوغان به عنوان رئیس جمهور ترکیه محسوب می‌شود تا آنجایی که فتو (FETO) شبکه‌های گسترده‌ای در داخل نیروهای امنیتی و حتی در جامعه خود ترکیه دارد. اگر چه به نظر می‌رسد فتو یک پدیده محلی است، لازم به ذکر است که این جنبش در بیش از ۱۳۰ کشور در سراسر جهان وجود دارد. بعدها توضیح خواهیم داد که پیام و عملکرد تبلیغاتی هر دو جنبش (EiIL و FETO) برای تحلیل دستکاری‌های رسانه‌ای است.

پیام EiIL (داعش)

داعش شاخه‌ای از دولت اسلامی عراق است، شاخه القاعده عراق به رهبری ابوبکر البغدادی. در آوریل ۲۰۱۳، بغدادی اعلام کرد که جبهه داعش (ISIS) و النصره، گروه‌های جهادی در سوریه با هم ادغام شده و دولت اسلامی عراق و شام (EiIL) را تشکیل داده اند.

یکی از ویژگی‌های اساسی و اصلی ارتباطی و رسانه‌ای این جنبش و حرکت پذیرفتن مسئولیت اعمال تروریستی است، این در حالی است که آن‌ها به پیامدهای رسانه‌ای و تاثیر عواقب آن نیز آگاهی دارند همچنین آن‌ها نسبت به این موضوع آگاهی دارند، انعکاس خشونت‌های خونین از طریق رسانه در شدت تاثیر آن در افراد بیشتر خواهد بود.

علاوه بر این، داعش استراتژی خود را بر ایجاد ترس بصورت مداوم بنا نهاده و در کنار این موضوع به صورت مکرر بر «پیروزی» و استقرار «خلافت» تاکید دارد اگر چه در پشت این سناریوهای رسانه‌ای از تکنولوژی سینمای هالیوود بهره می‌گیرند و در پشت همه این تبلیغات رنگ و بویی از نظامی‌گری و توانمندی‌های نظامی وجود ندارد در حقیقت، شاهد این موضوع هستیم در آخرین حمله‌ی نظامی به آن‌ها چندین شهر از عراق و سوریه آزاد شدند و در ضد حمله‌ای که از آن‌ها صورت گرفت فیلم‌های فوق العاده خشونت آمیز که در آن هیچ رحم و مروتی وجود نداشت، منتشر گردید که در آن هیچ محدودیتی در ابراز خشونت دیده نشد.

نمونه دیگری از این موارد، زمانی بود که شهر پالمیرا آزاد شد، داعش، تسهیلات اداری دولت در نزدیکی کرکوک را بمباران کرد که باعث کشته شدن چندین نفر و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم شد. آنها حتی فیلم‌هایی از سرقت، گردن زدن، ذبح کردن و قتل‌های نوزادان و زنان را منتشر کرده‌اند، زیرا احساس می‌کنند که در مراحل بعدی پیشروی ارتش

سوریه و متحدان آنها تاثیرگذار خواهد بود.

همچنین بعد از روی کار آمدن رئیس جمهور ترامپ، ارتش آمریکا با بمباران بخشی از پایگاه ارتش سوریه به داعش کمک کرد تا بعد از شکست‌های متعدد بتواند خود را بازسازی و سازماندهی کند و به پیشرفت‌های میدانی دست پیدا یابد و این اتفاق در زمانی به وقوع می‌پیوندد که ارتش سوریه و متحدانش به پیروزی‌های قابل توجهی دست یافته و این پیروزی‌ها باعث عقب نشینی گروه‌های تروریستی شده، این اقدام آمریکای‌ها پیامی جز ارتباط داعش با آن‌ها ندارد. با توجه به ابزارهای ارتباطی که آن‌ها استفاده می‌کنند، ما می‌توانیم بگوئیم، کانال‌های مختلف انتشار بسته به نوع دریافت کنندگان پیام، با توجه به اینکه دامنه‌ی گسترده‌ای از مخاطبان را در بر می‌گیرد، وجود دارد.

مخاطبان را می‌توان به شرح ذیل تقسیم کرد:

- ساکنین محلی، مخاطبانی هستند که در حوزه‌های تحت کنترل و سلطه آن‌ها زندگی می‌کنند.

- غیر مسلمانان، بخشی از جهان که مسلمانان نیستند.

- مسلمانانی که در خارج از محدوده تحت کنترل آن‌ها زندگی می‌کنند.

پیام‌ها بر اساس محتوا، زبان، پیچیدگی و نسبت به نوع گیرنده متفاوت است.

بنابراین تبلیغات در حوزه مخاطبان محلی با هدف و تمرکز بر دستیابی به مشروعیت و معرفی مدل «دولت اسلامی» (آن چنان که برای مردم قابل درک است) صورت می‌گیرد. علاوه بر این به عنوان مثال اقدام به مشروعیت‌زایی و کم اهمیت جلوه دادن ایدئولوژی‌هایی که با آن‌ها همسو نیستند، پرداخته و مسیحیان و مسلمانانی که از آن‌ها پیروی نکنند را «مرتد» اعلام کرده و مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. از استراتژی‌های دیگری که توسط دولت اسلامی عراق و شام برای مشروعیت بخشی به خود در جوامع یا سکنه محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد انتشار فعالیت‌های «اجتماعی» است که در آن خود را آن گونه معرفی می‌کنند که به عنوان یک جنبش اجتماعی به جامعه «توجه» دارند و بدین طریق بر اذهان سکنه‌ی محلی تأثیر می‌گذارند.

علاوه بر این، پیامی که به غرب جهان غیر مسلمان صادر می‌کنند، همان گونه که قبلاً به آن اشاره شد، تولید ترس از طریق ایجاد نا امنی، برجسته‌سازی، حتی ناکارآمدی یا ناتوانی دولت برای مبارزه علیه گروهی که مورد بحث قرار گرفت و ایجاد احساس ترس که «فردا چیزی در اینجا

ممکن است اتفاق بیفتد»، که نتیجه آن تبلور احساس ترس نسبت به بیگانه خواهد بود. با توجه به پیام‌های رادیکالی که مستمراً برای مسلمانان صادر می‌گردد این گونه به آن‌ها القاء می‌گردد که بر اساس تفسیر قرآن، آنها پیروان اسلام واقعی هستند و همه ی فرقه‌هایی که پیام آن‌ها را قبول ندارند، فرقه‌هایی گمراه و مرتد هستند. با توجه به این پیام برای مسلمانان به طور کلی، آن را به طور مداوم نشان می‌دهد از طریق یک پیام رادیکال، با تفسیر قرآن کریم که آنها واقعی اسلام هستند و تمام جناح‌هایی که پیام خود را نمی‌پذیرند شاخه‌های محض و حتی آنها به عنوان غیرقانونی در نظر گرفته می‌شوند.

ماشین تبلیغاتی داعش

ما می‌توانیم بگوییم که، داعش به عنوان معیاری بین المللی از جنبش جهادی با توجه به استفاده از فناوری‌ها و دخل و تصرف (دستکاری واقعیت) رسانه‌ای شده است.

یکی از راهبردهای رسانه‌ای، ایجاد کمپین تبلیغاتی است که با انتشار و تاثیر رسانه‌ای با تمرکز ویژه بر شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد. علاوه بر این، محتوای سمعی و بصری به طور فزاینده‌ای پیچیده تر و حرفه‌ای تر است و حوزه گسترده‌ای را در بر دارد که احتمالاً به دلیل این واقعیت است که بسیاری از هواداران و مبارزین داعش دانش کاملی در برنامه نویسی، طرح بندی ویدئو و طراحی گرافیکی دارند.

در واقع، دو نفر از مدیران اصلی شبکه‌های اجتماعی آن‌ها در غرب آموزش دیده اند. به همین ترتیب، شبکه‌های اجتماعی به عنوان سلاح‌های جدید جنگی برای جنبش محسوب می‌شوند، حتی از ابتدای تهاجم به عراق، این گروه از توئیتر، اینستاگرام، فیس بوک، واتس آپ، اسکایپ و برنامه‌های کاربردی دیگر استفاده کرده است حتی از برنامه‌های کم کاربرد و کمتر شناخته شده همچون کیک (KIK) و دیسپورا جهت گسترش وحشت در میان مسلمانان و مسیحیان، تحقیر غرب، جذب اعضای جدید و سازماندهی ماشین تبلیغاتی بسیار کارآمد مورد بهره برداری قرار گرفته است.

با توجه به بررسی محبوب ترین شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر و فیس بوک که در مقاله‌ای توسط بی بی سی در لندن منتشر شده است داده‌های استخراج شده از «آمار حضور داعش» در توئیتر، تخمین زده می‌شود که حداقل ۴۶۰۰۰ حساب کاربری توئیتر در اختیار آن‌ها وجود دارد.

از سوی دیگر، آنها از سیستم عامل‌های ویدئویی مانند یوتیوب، ساندکلاود^۱، ویدئو پرس و اسک. اف ام^۲ نیز استفاده می‌کنند که شامل یک پلت فرم برای برقراری ارتباط از طریق سوالات و پاسخ‌ها (همچون یک انجمن) است.

نکته‌ای که در این جا بسیار جالب است این موضوع است که آنها نه تنها به استفاده از زبان شبکه‌های اجتماعی آشنایی دارند بلکه به خوبی به برنامه نویسی تسلط داشته و خلاقانه از آن در بازاریابی دیجیتال بهره برداری می‌کنند و حتی یک برنامه کاربردی تحت عنوان "طلوع آفتاب" (سپیده دمی از اخبار خوب) تولید کرده اند اگر چه این برنامه دیگر در دسترس نیست، ولیکن می‌توان آن را از طریق فروشگاه گوگل پلی^۳ یافت.

این گروه به تقلید از دولت‌ها و شرکت‌های اینترنتی گزارش سالانه‌ای را منتشر می‌کند که در آن به طور کلی به بازبینی اتفاقات صورت گرفته در حوزه ی فضای مجازی در یک سال گذشته می‌پردازد. اما در اینجا ما در ارتباط با موضوعات اقتصادی صحبت نمی‌کنیم، بلکه این گزارش در ارتباط با تروریسم و تولید ترس و وحشت می‌باشد.

قبلا در مورد یکی از مهمترین نشریات مربوط به این جنبش تحت عنوان مجله دایبق، صحبت شد.

این نشریه به زبان‌های مختلف یافت می‌شود و از طریق این مجله، آنها قصد دارند با مسلمانان در غرب برای کمک به جنبش یا دعوت از آنها برای پیوستن به داعش، ارتباط برقرار کنند.

این مجله دارای ۵۰ صفحه رنگی با تصاویر با کیفیت بالا است که نشان دهنده این موضوع است که تولید آن فی البداهه نیست.

با توجه به تولیدات سمعی و بصری، می‌توان گفت که تقریباً مجموعه‌ای مشابه هالیوود برای آنها ایجاد شده است، یکی از این تولیدات به نام "آواز (صدای) شمشیرها"^۴ است که در آن یکی از عملیات میدانی داعش در شمال عراق به تصویر کشیده و به تفصیل شرح داده شده است. حتی تولید کنندگانی هستند که به طور مستقیم با آنها در تولید محتوا کار می‌کنند، مانند آل فرقان، کسی مسئول تولید ویدئو مذکور که در بالا به آن اشاره شد است، یکی دیگر

1. Soundcloud
2. ASK.fm
3. Google Play

از تولید کنندگان محتوا برای داعش مرکز رسانه‌ای الحیات است، نویسنده فیلم «ما به جهاد می‌رویم» که می‌توان این فیلم را به چندین زبان و با کیفیت فنی عالی پیدا کرد. می‌توانیم بگوییم که تبلیغات آنلاین داعش چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند:

- تزریق ترس و وحشت در میان سربازان ارتش عراق و سوریه.
- ارتقاء حمایت و پشتیبانی مردمی و ... از سازمان {داعش}.
- جذب و استخدام اعضای جدید.
- ایجاد پیوندهای جدید با سایر سازمان‌های تروریستی.

با وجود تبلیغات و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، رادیو، تلویزیون، که برای نفوذ در جوامع محلی و جامعه بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، لازم است مبارزه ادامه یابد همچون اقداماتی که توسط ارتش سوریه، ایران، کردهای پیشمرگه، روسیه و متحدانش در حال انجام شدن است، زیرا حمله نظامی برای ایجاد ناامیدی در بین این گروه ضروری است، گروهی که به دنبال تشدید خشونت و تبلیغ توخ‌ش به عنوان راهی برای پنهان کردن شکست خود است. اما علی‌رغم این موضوع، ما باید یک راهبرد برای مقابله با ماشین تبلیغاتی آن‌ها در نظر داشته باشیم، ما باید منابع مالی آن‌ها را پیدا کرده و به آن نقطه حمله کنیم، بسیار پیچیده است، زیرا در تامین مالی این گروه تروریستی پوشش بین‌المللی وجود دارد.

پیام فتو^۱ (گولنیست‌ها)

فتح‌الله گولن در رسانه‌های بین‌المللی به عنوان یک «واعظ» شناخته شده است، او خود را به عنوان یک روحانی اسلام‌گرای مدرسه نورکو، که توسط سعید نورسی (۱۹۶۰-۱۸۷۸) که مسلمان کرد است، معرفی می‌کند، این جریان منتسب به مذهب سنی اسلامی است؛ این جریان الهام بخش اصلی او بود، زیرا هدف او برقراری ارتباط بین دولت، دین و جامعه از طریق آموزش است. گولن از سال ۱۹۹۹، در تبعیدی خود خواسته در ایالات متحده به سر می‌برد، جایی که او موفق به دریافت حق شهروندی در سال ۲۰۰۸ شد، و از آنجا او شاخه‌های مختلف سازمان خود را سازماندهی کرده که حداقل در ۱۳۰ کشور در سراسر جهان گسترش یافته است.

این جنبش در دهه ۸۰ متولد شد و توسط طرفدارانش تحت عنوان «ایسمت»^۲ نامیده شد،

1. FETO

2. Hizmet

که به معنی خدمات در ترکیه است.

این جنبش توسط وزارت امور خارجه آمریکا و دولت نظامی ترکیه به عنوان ترمز علیه کمونیسم همچنین عنصر مهار کننده علیه گروه تروریستی القاعده مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل است که پس از ۱۱ سپتامبر، به او اجازه داده شد تا در ایالات متحده فعالیت‌های موعظه‌ای خود را گسترش دهد؛ او از قبل مدارسی را پیدا کرده بود اما او قبل از «حمله» برای شروع فعالیت‌های خود تردید داشت.

از سوی دیگر حضور او در سیاست ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود زیرا بخش قابل توجهی از حمایت‌های مالی از سازمان او از طریق بخش‌های اقتصادی ترکیه تامین می‌شد حتی شبکه‌های سیاسی او در درون دولت ترکیه به رجب طیب اردوغان اجازه داده بودند که او به قدرت برسد.

این جنبش علاوه بر انجام اهداف ایدئولوژیک و سیاسی بحث برانگیز، دارای شبکه‌های فراملی با موسسات آموزشی، مذهبی و تجاری در سراسر جهان است. همچنین، نام فتح الله گولن در سطح بین‌المللی با شکایت متحد سابق خود، پس از حداکثر دشمنی، رئیس جمهور فعلی ترکیه رجب طیب اردوغان، که در دسامبر سال ۲۰۱۳ او را به داشتن یک «دولت موازی» متهم نمود و بار دیگر در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۶، او را متهم به کودتا علیه خود کرد به عنوان یک جنبش تروریستی شناخته شده است.

جنبش فتح ا... گولن متمایز از جنبش‌های اسلام‌گرا دیگر است زیرا در برگیرنده‌ی مدرنیته است، بدین معنی که، شامل یک ایدئولوژی بر اساس تلفیق اخلاق اسلامی، تکنولوژی و علم غربی است و این موضوع کلید موفقیت این جنبش در غرب بود.

از سوی دیگر، سرمایه داری نیروی ضروری جنبش است، در واقع گولن، از زمان آغاز فعالیت‌های خود پیروانش را جهت رشد کسب و کار خود در همان زمانی تشویق کرد، همچنین او پیروان خود را موعظه نموده که بخشی از ثروت‌های فردی خود را برای حمایت از پروژه‌های جنبش اختصاص دهند.

اساس این جنبش گسترش ایدئولوژی از طریق آموزش و پرورش است، در واقع گولن معتقد است که «ساخت مدارس به جای مساجد» را ترجیح می‌دهد به دلیل آن که آموزش رسمی در رسالت خود ناموفق بوده در حالی که سازمان او بهترین پیروان خود در رشته‌های مختلف علوم

اجتماعی و علوم سیاسی را برای فعالیت‌های مطالعاتی بکارگیری می‌کند و تمام هزینه‌های مطالعاتی آن‌ها را پرداخت می‌کند و با امضای توافقنامه‌های دو جانبه به پیروانشان «بورس تحصیلی» اعطا می‌نماید، که هر دو طرف از این موضوع (هم بورس شوندگان هم سازمان) منتفع شوند این افراد پس از فارغ التحصیل شدن بکارگیری می‌شوند، اولین فارغ التحصیلان مدارس این جنبش در ترکیه، امروز موقعیت‌های کلیدی را در دولت ترکیه در دست دارند.

در حالی که این جنبش در ترکیه حضور دارد ولیکن دارای مدرسه و شبکه‌هایی در بیش از ۱۳۰ کشور در پنج قاره است.

پیام این جنبش به سمت سطح متوسط و بالای جامعه هدایت شده، در واقع، مدارس و موسسات آن‌ها در آرژانتین تحریک کننده به سمت سرمایه داری است، مدرسه "هرکولس" از نظر سطح آموزشی معتبر است اما یکی از گرانترین موسسات در منطقه‌ای که واقع شده است، می‌باشد. شبکه‌های آموزشی، تجاری و ارتباطی، حمایت از پروژه‌ها در این جنبش در راستای قدرت هژمونیک ترکیه و ایجاد یک جامعه مسلمان یا خلافت جهانی است، زیرا صفحات اینترنتی این جنبش معمولاً به آن اشاره دارند. آنها بانک آسیا (Asya) را با یک دارایی چند میلیارد دلاری، گروه توکسان (Tuckson) که دارای بیش از ۵۰۰۰۰ بازرگان و ۱۴۰۰۰۰ شرکت صنعتی و همچنین یک شرکت بیمه است، کنترل می‌کنند.

ما می‌توانیم دریافت کنندگان پیام جنبش فتو را به صورت زیر تقسیم کنیم:

- جوامع منطقه‌ای

- جامعه غربی

- جامعه اسلامی

جنبشی که از طریق ماشین ارتباطی (مدارس و مراکز علمی) خود به طور مستقیم از طریق کانال‌های مختلف به هر یک از این جوامع به منظور مشروعیت بخشی به خود وارد می‌شود، همچنین، کارکردی است برای امپراطوری که، نیاز به متحدان منطقه‌ای دارد، نیاز به تبدیل اسلام به یک ایدئولوژی دارد و در این راه به اسلام اجازه می‌دهد که همچنان رو به رشد باشد اما بدون در نظر گرفتن جنبه انقلابی و سیاسی اسلام که برای نظام غربی خطرناک است.

ماشین تبلیغاتی فِتو

شبکه تبلیغاتی گولن گسترده است اما به طور عمده در رسانه‌هایی مانند روزنامه‌های دیجیتالی و بنیادهای مربوط به گفتگوی بین ادیان و شبکه‌های اجتماعی مشغول به فعالیت می‌باشد.

هدف این جنبش، بر خلاف داعش، همکاری با بخش‌های علمی و آکادمیک است.

علاوه بر مدیریت روزنامه زمان^۱ و انتشار آن به زبان انگلیسی، «تو دیز زمان»^۲ مدیریت خبرگزاری سیهان^۳، ناشران مختلف، مجله اکتیون^۴، یک ایستگاه رادیویی، کانال تلویزیونی "سامان یولو تی وی"^۵ (STV)، مدیریت داشته همچنین به عنوان یک نهاد خیریه‌ای تحت عنوان Kimse Yok Mu در ترکیه و در سایر کشورهای جهان فعالیت دارد.

تعداد زیادی از رسانه‌های جمعی تحت شعاع جنبش فِتو قرار دارند. این جنبش به شعبات خود اجازه داده که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای خود حاضر شده و در مقابل «اطلاعات نادرست» با ایجاد وب سایت‌های متعدد به منظور پاکسازی انتقادات علیه خود با تولید اطلاعات متناقض و نادرست به پاکسازی چهره‌ی خود اقدام نمایند.

علاوه بر این، این جنبش به استخدام و همکاری با روشنفکران و برقراری ارتباط با آن‌ها از طریق مقالاتی که برای آن‌ها ارسال می‌شود، اقدام می‌کند.

فتح الله گولن، همچون جنبش دولت اسلامی عراق و شام^۶، مدافع چشم انداز ژئوپولیتیکی توسعه طلبانه است، اما کاملاً متفاوت با جریان داعش، زیرا شبکه‌ی گسترده‌ای از حامیان او در درون نیروهای مسلح ترکیه حضور دارند که گفتمان مشابه با داعش را نمی‌پذیرند و از آن حمایت نمی‌کنند بدین منظور تمرکز او بر یک غرب ستیزی صلح طلبانه می‌باشد، که با جامعه غربی سازگار است.

علیرغم پیام صلح طلبانه این جنبش، در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۶، این جنبش توسط دولت اردوغان به توطئه برای کودتای نظامی به رهبری بخشی که به دنبال ایدئولوژی گولنیست‌ها هستند؛ متهم شد، اردوغان، پس از اقدام به کودتا توسط گولنیست‌ها، حضور پیروان این

-
1. Zaman
 2. Today's Zaman
 3. Cihan
 4. Aktiön
 5. Samanyolu TV
 6. EIIL

جنبش را در نیروهای امنیتی و چندین وزارتخانه ترکیه کاهش داد. در حالی که تبلیغات این جنبش در درجه اول معطوف به بخشی از جامعه که مشتاق به یادگیری هستند، می‌باشد، از سوی دیگر به دنبال تأثیرگذاری بر بخشی از جامعه که علاقمند به فرهنگ ترکی هستند، است، و این ارتباط با ترکیه از طریق فرهنگ و آموزش و یادگیری زبان به دانش آموزان و تشویق آن‌ها به سفر به ترکیه و برقراری ارتباط مستقیم با فرهنگ این کشور صورت می‌گیرد، به طور مثال «المپیک بین‌المللی ترکیه» رویدادی است که سالانه یک بار در شهرهای مختلف ترکیه برگزار می‌گردد و دانشجویان مدارس مختلف گولن از سراسر جهان در آن شرکت می‌کنند.

نکته جالبی که در این جا می‌توان به آن اشاره کرد، این است که از ۱۳۰ کشور در جهان که این جنبش در آن کشورها حضور دارد از طریق سفر و خرید بلیط هواپیما از شرکت «هواپیمایی ترکیش»، که یک شرکت دولتی است به صندوق دولت این کشور ارز فراوانی را تزریق می‌کند.

از سوی دیگر، این جنبش طرفدار «گفتگوی بین ادیان» و دارای یک شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های بین‌المللی در پشت پرده این موضوع است، در ارتباط با این مورد می‌توان به «بنیاد آلبا» در آرژانتین اشاره نمود که در حوزه‌های علمی حضور قابل ملاحظه‌ای داشته و حتی با فرماندار شهر بوئنوس آیرس و دولت ملی این کشور ارتباط دارد.

لازم به ذکر است که سازمان‌های گفتگوی بین ادیان مرتبط با جنبش فتح ... گولن مطابق با الگوها و روش مشابه در کشورهای مختلف ایجاد شده و اقدام به فعالیت می‌کنند.

در واقع، در پس این گونه اقدامات یک دلیل بزرگ اقتصادی وجود دارد که در صورت لزوم آشکار می‌شود. آنها به اپراتورهای محلی با نفوذ نسبی در سازمان‌های دولتی مختلف نیاز دارند تا پروژه‌های خود را اجرا کنند تا ارتباط مستقیمی با ترکیه و کشورهای که منصوب به آن‌ها هستند، برقرار شود.

به عنوان نکته دوم گولنیست‌ها انجمن‌ها یا بنیادهای محلی غیر انتفاعی که از نفوذ سریع اجتماعی و سطح پایین حساسیت برخوردار می‌باشند، را ایجاد می‌نمایند که از طریق آنها به ایجاد کانال‌های گفتگوی بین ادیان و گسترش تصوف از طریق سمینارها و ترویج تعالیم گولن و فرهنگ ترکیه پردازند، این سازمان‌ها نیز در خدمت اهداف اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جنبش می‌باشند.

همچنین، خارج از کشور خودشان آنها یک گفتمان سکولار و لائیک دارند زمانی که پیشنهادات خود را به مردم غیر مسلمان ارائه می‌دهند. آنها ظریفانه به هویت دینی خود اشاره می‌کنند و در میان گفتگوهای مختلف به ترویج باورهای خود پرداخته، که این عمل بر اساس بازخوردگیری و آستانه‌ی تحمل با استفاده از جایگاه کلمات در بُعد جهانی در ارتباط با عشق به همسایه و تبادل نظر برای «دستیابی به صلح جهانی» صورت می‌گیرد.

به همین ترتیب می‌توان گفت که این جنبش، بر خلاف داعش، به دنبال همکاری با دانشگاهیان یا نخبگان آموزشی برای انتشار پیام خود از طریق آموزش‌های رسمی است؛ ابزار آن‌ها صفحات رسمی بنیادها، روزنامه‌های دیجیتالی و نشریات و نمایندگان سیاسی خود در کشورهایی که در آنها مستقر هستند، می‌باشد.

۵. نقش ائمه در استراتژی ارتباطات

«وجود امامت برای حصول یکپارچگی در میان مسلمانان و جلوگیری از تفرقه و ایجاد وحدت است». حضرت فاطمه زهرا (علیه‌السلام)

تاکنون با دخل و تصرف (دستکاری) واقعیت توسط رسانه‌ها و شبکه‌های مرتبط با صهیونیسم، همچنین با ظهور جنبش‌های تروریستی و ایدئولوژی‌هایی که از اسلام جدا شده‌اند، آشنا شدیم.

سوال اساسی در ارتباط با این موضوع، این است که: نقش امامان و راهنماهای دینی چیست؟ اگر ما به عنوان نمونه امام خمینی «ره» را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که در آئین ائمه‌ی معصوم دین و شریعت به تنهایی جایگاهی ندارد همچنان که سیاست را نمی‌توان به تنهایی تصور کرد.

در حال حاضر در کتاب «دولت اسلامی» امام خمینی «ه»، به گسترش اسلام پرداخته شده است اما واقعیت حضور تبلیغات غربی را نباید فراموش کرد. انتشار کتاب و تبلیغات اسلامی برای دستیابی به یک دولت اسلامی ضروری است هر چند که موضوع این مقاله نیست، اما شما می‌توانید درک کنید که مشارکت سیاسی ائمه معصوم و رهبران دینی نیاز است در حقیقت تلاش برای پیدا کردن سبک و روش نگارش درباره اسلام که در شرایط کنونی با مشکلات رسانه‌ای روبرو است باید مضاعف شود به همین خاطر حضور رهبران دینی و معنوی در سیاست باید با درک واقعیت‌های کنونی همراه باشد و برای تحقق این امر، ضروری است در عین حفظ

اصول اسلامی با علوم اجتماعی و سیاست غربی آشنا شد. علاوه بر این بایستی بین مدارس مختلف دینی ارتباط برقرار شود، باید بین آن‌ها یک گفتگوی ثابت و مستمر برای ایجاد یک اتحاد مستحکم صورت گیرد در غیر این صورت با چنین شرایطی که در حال حاضر با آن درگیر شده‌اند، مواجه خواهند شد.

در همان کتاب، امام خمینی «ره» می‌گوید: «علمای اسلام موظف اند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند؛ و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام خوار در ناز و نعمت به سر ببرند». امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «من مسئولیت حاکمیت را قبول کرده‌ام زیرا خداوند متعال و بزرگ از علمای اسلامی خواسته است که از یک سو در برابر ظلم و ستم ستمگران ساکت ننشینند و از سوی دیگر در مقابل فقر و گرسنگی ستمدیدگان بایستند.»

اسلام به عنوان یک ایدئولوژی متضاد با لیبرال، که متکی بر اندیشه غربی است ماتریالیسم را هدایت می‌کند، کمونیسم همان روی سکه است؛ زیرا سرمایه‌داری و کمونیسم بر ماتریالیسم متمرکز هستند.

در عوض، اسلام یک نظام سیاسی و اقتصادی دارد که بر ارزش‌ها و اخلاق متمرکز دارد، بنابراین، از موقعیتی متفاوت برخوردار است که می‌تواند به عنوان یک گزینه جدید در مقابل بحران یک سیستم که دائما در پی دستیابی به مشروعیت از طریق رسانه‌ها است، در نظر گرفته شود.

۶. پیشنهادات برای مقابله و دور زدن چالش‌های دخل و تصرف (دستکاری واقعیت) رسانه‌ها.

جامعه در حال حرکت ثابت است و ارتباطات با سرعت عجیبی، افکار مردم را با استفاده از تصویر، تغییر می‌دهند، به همین دلیل اکنون جنگ‌ها نه تنها با سلاح‌ها بلکه با دستکاری و دخل و تصرف رسانه‌ها و نیز استفاده از تصویری که شوک موثری ایجاد می‌کند، مدیریت می‌شوند.

یک نمونه از این صحنه‌های مسلحانه در طول جنگ سوریه است جایی که گروه‌های تکفیری با خونسردی با فریاد «الله اکبر» و با نشان دادن سلاح به همراه قرآن دست به جنایت می‌زنند که این عمل با هدف نشان دادن چهره‌ی خشن و عقب مانده از دین اسلام صورت می‌گیرد که با تحریک تعصبات باعث تفرق و تقسیم جامعه می‌شود.

به نوبه خود، بحران سرمایه داری به هیچ وجه به دنبال ایجاد مشروعیت اجتماعی برای حفظ هژمونی قدرت و جلوگیری از ایدئولوژی‌های جدید نیست که ممکن است باعث حضور

آنها شده و منافع آنها را به خطر بیندازد.

انتشار تبلیغات داعش و فتوکه کاملاً کاربردی است ما را به سمت و سوی سوق می‌دهد که باید به دنبال راهبردهای ارتباطی برای مقابله با آنها باشیم.

با توجه به عملکرد داعش، علاوه بر ادامه مبارزه سرزمینی نیروهای نظامی، باید یک استراتژی ارتباطی برای مقابله با آنها در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر، ما بایستی نسبت به حضور گروه‌های جدیدی که از گفت و گو بین مذهبی جهت ارائه یک اسلام خشن در راستای منافع غرب و جنبش صهیونیستی سود می‌برند، آگاه باشیم.

این نوع از حرکت (فتو)، حتی می‌تواند خطرناک تر از گروه‌های تکفیری مانند داعش باشد زیرا دستگاه تبلیغاتی آنها بزرگتر است و به یک بخشی از جامعه «علمی» که بیشتر به آموزش و پرورش رسمی اهمیت می‌دهد تعلق دارد علاوه بر این، یکی از عبارات فتح الله گولن این است که " به جای مساجد باید مدرسه ساخت."

تأمین مالی و روابط جنبش گولن با سازمان سیا نشان دهنده ی این موضوع است که هدف آنها جهانی شدن و حذف محتوای انقلابی از اسلام که مورد قبول غرب بوده و در راستای حفظ برتری قدرت امپراتوری آنها می‌باشد.

در مواجهه با این نوع مشکلات باید راهبردهایی را در نظر بگیریم، در اصل یکی از مهمترین چالش‌ها این است که این گروه‌ها و کسانی را که قصد داریم با آنها را مقابله کنیم شناسایی شوند، زیرا شما نمی‌توانید به دشمن حمله کنید که او را نمی‌شناسید.

از سوی دیگر، گفت و گو بین دو مدرسه اسلامی از لحاظ بنیادین بسیار حائز اهمیت است، به همین دلیل کنفرانس‌ها و جلسات برای متحد کردن معیارها و در مورد چگونگی مقابله با این وضعیت، اهمیت ویژه‌ای دارد.

یکی دیگر از راهکارها و راهبردهای مهم، ایجاد شبکه‌های متخصص در ارتباطات و تبلیغات است، اما آنها بایستی واقعا به اسلام وفادار باشند، زیرا تنها راه مقابله با این نوع جنبش‌ها داشتن تعهد واقعی به اسلام است.

از سوی دیگر، نقش رهبران مذهبی در جوامع محلی به دلایل مختلف اهمیت دارد، در اصل برای حفظ فلسفه اسلامی جوامع مذهبی، و از سوی دیگر، زیرا آنها باید از حقوق مسلمانان را علیه کلیشه‌های ثابت و اطلاعات غلط دفاع کنند. بدین منظور، آنها باید اطلاعات گسترده‌ای در

ارتباط با وضعیت ارتباطات گروه‌های تروریستی مختلف و استراتژی ارتباطات آن‌ها داشته باشند، پس لازم است هر یک از آنها یک تیم تخصصی برای همکاری و مقابله با تبلیغات تروریستی داشته باشند.

منابع

- Alonso- Fernandez, F. (2002). Fanáticos terroristas. Claves psicológicas y sociales del terrorismo, Barcelona, Salvat, p.32.
- Barrancos, D. (2014). La comunidad de los administradores del terror: La propaganda online de Isis y su ofensiva sobre Irak. IEE.Opinión, N 82 bis/ 2014.
- Bourdieu, Pierre (1979): la distinción. Criterio y bases sociales del gusto. Madrid, Taunus, 1988.
- Bourdieu, Pierre (1997): Lecciones sobre la lección. Barcelona, Amalgama, 2002.
- Foucault, Michel (1974): Microfísica del poder.Madrid, La piqueta, 1979.
- Foucault, Michel (1997). Verdad y poder. En: Un diálogo sobre el poder y otras conversaciones. Madrid, Editorial Alianza.
- Gil Calvo, E. (2003). El miedo es el mensaje. Riesgo, incertidumbre y medios de comunicación, Madrid, Editorial Alianza, p. 160.
- Jomeini, R. (1979). El Gobierno islámico, Traducido por Abdul Hamid Qutillas, mayo 2004, en www.biab.org
- Hardt y Negri (2000): Empire, Harvard University, Estados Unidos.
- Herzl Theodor (1896) se encontrar on line en: masuah.org/wp-content/uploads/2013/12/El-Estado-Judio-Hertzl.pdf
- Kendikian, Pablo (2014). Fethullah Gülen , La enigmática red política turca llega a la Argentina, Buenos Aires, Argentina ,Ediciones Ciccus.
- Montalvo, J. (2012). Terrorismo, Información y Derechos Humanos. Revista de Filosofía, Derecho y Política, n 15. Enero 2012. Universitas, pp 91- 124
- McCombs, Maxwell (2004). Estableciendo la agenda: El impacto de los medios en la opinión pública y en el conocimiento. España, Editorial Paidós.
- Nievas, F. (2006). De la guerra “nítida“ a la guerra “difusa” en Nievas, F. (Ed): Aportes para una Sociología de la Guerra (p. 57 - 98). Buenos Aires, Argentina, Proyecto Editorial.
- Revista Especial de la Anadolu Agency, 15 de julio de 2016, Democracy Triumphs in Turkey.

- Setién, F. (1993). Terrorismo y prensa en la transición política española (1976-1986), Tesis doctoral, Universidad Complutense de Madrid, Facultad de ciencias de la Información, Departamento de Historia de la Comunicación Social, 1993, p 10.
- Veres, L (2011). Iconos, terrorismo y comunicación. El Argonauta Español, n 8. 2011.

Entrevistas y notas periodísticas vía on line

- Entrevista a Johan Galtung en: <https://actualidad.rt.com/sociedad/view/42488-Galtung-Los-judíos-controlan-medios-internacionales>
- Nota periodística: Líder advierte de “guerra blanda” bien planificada contra Iran en: www.hispantv.com/noticias/politica/70726/lider-ayatola-jamenei-irib-guerra-blanda
- Nota periodística “ Los medios de comunicación, en la primera línea de la guerra blanda” en: <http://spanish.trib.ir/gaza/item/114583-los-medios-de-comunicacion-en-la-primera-linea-de-la-guerra-blanda?tmpl=component&print=1>



وحدت محبان اهل بیت(ع) برای

تشکیل امت واحدہ اسلامی

ایهاب شوقی^۱

ترجمہ: علیرضا طاقتی

(۱۳۱ - ۱۵۸)

چکیده

با اینکه تحقق امت واحدہ اسلامی یک تکلیف الہی است، ولی این تکلیف را برخی مسلمین کہ قدر آن را نمی‌دانند، ساقط کرده‌اند. البتہ بسیاری از مسلمین در این راه تلاش کرده‌اند کہ در برخی قضایا موفق شده‌اند و در برخی موضوعات نیز شکست خورده‌اند. با این حال ہر کس کہ نسبت بہ دینش اہتمام و غیرت دارد و از جوہر این دین اصیل آگاہ است و بہ این مسیر امیدوار است، راہی جز تلاش مستمر برای تحقق وحدت اسلامی ندارد.

عوامل وحدت اسلامی و مقومات امت برای ہر فرد صاحب بصیرتی مشخص است؛ ولی واقعیت این است کہ این وحدت ہدف توطئہ‌ہای خارجی قرار گرفتہ کہ از تعصبات و تنگ‌نظری سوءاستفادہ می‌کنند کہ باید بہ آن، اہداف و طمع‌ورزی‌ہای سیاسی گروہ‌ہا و رژیم‌ہایی را اضافہ کرد کہ دائماً با یکدیگر اختلاف دارند و تنہا بہ فکر بقای خود ہستند و مسیر نزاع اصلی با دشمنان امت را منحرف و آن را بہ منازعات داخلی تبدیل و از این طریق برای حفاظت از حکومت‌ہای خود بہ استعمار خدمت می‌کنند.

اگرچہ مفہیم دوست داشتن متفاوت است، حُبّ اہل بیت(ع) محل اجماع اسلامی است. همچنین باید اعتراف کرد گرچہ مفہیم امامت متفاوت است، قدر و منزلت و مرکزیت و امامت آنها نیز محل اجماع است.

محبان اہل بیت، اکثریت این امت ہستند و در این میان تعداد کمی در پی ہوا و ہوس‌ہای خود رفتہ یا بہ دین‌شان نفوذ شدہ و از طریق محبت، منحرف شدہ‌اند. این محبان، پیشگامان وحدت‌گرایی ہستند، زیرا آنها از ارزش‌ہای روحی و اخلاقی اہل

۱. نویسنده و پژوهشگر مصری و فارغ‌التحصیل دانشگاه قاہرہ

بیت(ع) چشیده‌اند و از اقدامات و تعالیم آنها مطلع‌اند. وحدت این محبان اساساً مقدمه‌ای ضروری برای ایفای نقش توحیدی آنهاست.

در این تحقیق وحدت محبان اهل بیت(ع) به واسطه مشترکات موجود بین آنها بررسی و تأکید شده است شرط توانایی ایفای نقش توحیدی همین وحدت است. همچنین به وجوه اختلافی برای رسیدن به راه‌حل‌های عملی برای همزیستی مسالمت‌آمیز اشاره شده و مفاهیم اصولی که به وحدت کمک می‌کند مورد بررسی قرار گرفته و بر ضرورت ارائه قرائت‌های جدید از سیره نبی مکرم اسلام(ص) و اهل بیت(ع) به جای تصویری که حقایق را وارونه جلوه می‌دهد، تأکید شده است. همچنین اندیشه‌های تقریبی وحدت‌آفرین پیشگامان عرصه وحدت بررسی و برای نمونه به مواضع امام خمینی(ه) اشاره شده است؛ چنان که بر وجوب استعانت از توانمندی‌های محبان اهل بیت و صوفیان و از دست ندادن امکانات و توانمندی‌هایشان در کمک به وضعیت امت و به کارگیری آنها در ایجاد تقریب و وحدت تأکید شده است، بدون اینکه از بیان نقش امامت در وحدت غفلت شود.

این تحقیق که تلفیقی از روش استقرایی و بازستانی است، با بررسی واقعیت و همچنین با استفاده از احکام تاریخ در قرائت آن، به نتایجی دست یافته است.

برای رسیدن به هدف چند محور در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است:

- مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی جوامع اسلامی؛
- وجوه اختلاف و تشابه و بیان آن برای نهادینه‌سازی وحدت بین مسلمین؛
- مفاهیم و اصولی که باعث افزایش بیداری می‌شود و به وحدت و تقارب بین محبان اهل بیت(ع) کمک می‌کند.

- استعانت از توانمندی‌های محبان اهل بیت و صوفیان برای کاهش شدت اختلافات موجود بین مسلمین؛

- وجوب ارائه قرائت جدید از سیره عملی نبی مکرم اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع)؛
- اجرای آمال و اندیشه‌های تقریبی امام خمینی(ه) در تکوین امت اسلامی واحد؛
- راه‌های آشنایی با توطئه‌های استکبار جهانی و استعمار برای تفرقه‌افکنی بین امت؛
- مشترکات موجود بین محبان اهل بیت و استفاده از آنها در زمینه وحدت امت؛
- نقش امامت در وحدت مسلمین؛
- راه‌حل‌های همزیستی مسالمت‌آمیز بین محبان اهل بیت برای ساخت امت.

واژگان کلیدی

وحدت، اهل بیت، امامت، امت اسلامی، نبی مکرم(ص)، همزیستی مسالمت‌آمیز، امام خمینی، صوفیه، وحدت اسلامی

مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی جوامع اسلامی

پژوهشگران بر این موضوع توافق دارند که هویت به شکل کلی، بیانگر چارچوب کلی روانی و فکری است که موجودیت اجتماعی فرد و فعالیت‌های عملی و سیاسی او را بیان می‌کند و نتیجه طبیعی اقدامات متقابل و حاصل مجموعه‌ای از عوامل فکری و معرفتی است که بر رفتار اعضای آن حاکم است و مسیرهای مختلفی را در طول زندگی برای آنها مشخص می‌کند تا شخصیت کلی فرد و جامعه را به طور صحیح و واضح آماده سازد تا بر طبیعت رابطه موجود بین فرد و طرف مقابل نظارت کند؛ زیرا این هویت در درون خود از ارزش‌های فراوان، زبان، آداب و رسوم و آیین مشترک برخوردار است و از ذات جماعتی سخن می‌گوید که این مشترکات را در چارچوب وطن واحد انجام می‌دهند.

به این ترتیب هویت با آگاهی تاریخی، ملی و فرهنگی مرتبط است تا اینکه تاریخ منبع علم و فرهنگ آن باشد و با آغوشی باز از تمامی صحنه‌های حیات انسانی استقبال کند.

با توجه به تنوع جوامع اسلامی، اصول و متغیرهایی وجود دارد که مورد بررسی علما قرار گرفته است. علما بر این عقیده‌اند که هویت تاریخ اسلامی می‌تواند تحول و تغییر و نسبیت را برای انسجام با زمان حاضر بپذیرد و با ابعاد مختلف آن اعم از افکار اجرایی سیاسی و غیرسیاسی هم‌نوا شود.

در اینجا چاره‌ای جز تفاوت قائل شدن بین عناصر ثابت در این هویت نیست. مهم‌ترین ابعاد این هویت وابستگی جوامع به دایره اسلام و پیروی از قرآن کریم و نبی مکرم اسلام(ص) است... که نتیجه آن، ارزش‌هایی همچون عدالت، آزادی و مساوات است. زمان نمی‌تواند در عناصر این هویت تأثیر بگذارد و به اصلاح یا تغییر آنها بپردازد؛ زیرا درون هویت همه عناصر ثبات و مقومات استمرار و بقا به عنوان افکار جوهری وجود دارد و زمان و مکان در آن تأثیرگذار نیست.

از جمله عناصر متغیری که نتیجه دستاوردهای جوامع اسلامی است، ویژگی‌ها و مزایای فرهنگی با فعل عوامل ذاتی و موضوعی متغیر از داخل این جوامع یا خارج آنهاست؛ به گونه‌ای که تعاملات آنها با یکدیگر - با تمامی عناصر و اطلاعات متغیر و در حال تحول- و با عناصر ثابت در بلوغ رساندن و تکوین بُعد متغیر (نسبی) هویت فرهنگی مسلمین سهیم است. این بُعد دربرگیرنده همه راه‌حل‌هایی است که برای مشکلات و چالش‌ها و اشکالات مختلف ارائه می‌شود (صالح، ۱۴۳۵).

شاید فرهنگ غربی و مشخصاً «فرهنگ هگل» بخشی از آنچه را که می‌خواهیم در این باب

توضیح دهیم، لمس کرده باشد؛ به گونه‌ای که در مراحل نهایی به سمت تحقق مقصد یا هدف کلی تاریخ- چنان که «هگل» می‌گوید- برخوردهای بزرگی که بین نظام‌های موجود (نظام‌های فکری معین مسلط بر لحظات معینی از لحظات تاریخ) و بین جریان‌های ضد این نظام‌ها رخ می‌دهد و به بی‌ثباتی آنها می‌انجامد، حرکت کند. به نظر می‌رسد این برخوردها برای اتمام عملیات موفق تحول، همچون شری اجتناب‌ناپذیر است. هگل این شخصیت‌های تاریخی را که در مسیر تغییر، زلزله ایجاد کرده‌اند، «بزرگان تاریخ» می‌نامد؛ چون این شخصیت‌ها هنگام تحقق اهداف خود یا حرکت در مسیر آن یا حتی در صورت تحقق نیافتن نهایی اهدافشان، هدف بالاتری را محقق کرده‌اند که با بالاترین تصورات از روح کلی مسلط بر تاریخ توافق دارد.

مشترکات موجود در وجدان اسلامی تا حد زیادی مانع ظلم طاغوت شده است. نظریه هگل نه تنها در اروپا ساقط شده است، بلکه بسیاری از فلاسفه و متخصصان این نظریه را در جهان اسلام نیز ساقط کرده‌اند. توضیح اینکه در مسیر هگلی می‌توان دستاوردها و نتایج دوره رنسانس اروپا را که توسط فلاسفه روشنگری محقق شد، به منزله اجرای این فلسفه جدید در تاریخ دانست. زمانی که عقل کلی اروپایی به سمت آزادی کامل و پیشروی در جهت انسان‌سازی فراگیر در حرکت بود، منطق تاریخ چاره‌ای نداشت جز اینکه آتش منازعات بین نظام فکری لجوج و سرسخت کلیسا در اروپا و بین جریان‌های فکری روشنفکر جدید را روشن نگاه دارد که بهای هنگفتی برای آن پرداخت شد. کلیسا ظلم و ستم زیادی بر اندیشمندان، ادبا و فلاسفه اروپایی روا داشت؛ زیرا تلاش می‌کرد موقعیت ممتاز خود را حفظ کند. این توهم در کلیسا وجود داشت که اختیار نجات روحی و تفسیر واحد از دین، تنها حق کلیساست؛ ولی حقیقت این است که این تفکر و ظلم و ستم‌های ناشی از آن جاودان نبود. کشیشان، دادگاه‌های تفتیش عقاید برپا می‌کردند و دانشمندان را آتش می‌زدند. چنین نقشی برای کشیشان را تاریخ برای آنها به واسطه عقل کلی مسلط سابق ترسیم کرده بود. این نقش زمانی که به بلوغ و مرحله نهایی رسید، به نقش کلیسا در اروپا و سیطره آن بر افراد و حیات و آزادی نهایی عقل اروپایی پایان داد و آن را به مؤسسه‌ای دینی تبدیل کرد که بر مؤسسات دیگر در جامعه حکم می‌راند.

این وضعیت، برخی اندیشمندان عرب و خارجی را بر آن داشت تا آنچه را که در حال حاضر بنیادگرایان افراطی در جهان اسلام انجام می‌دهند- اعم از انفجارات داخلی، سخت گرفتن بر مؤلفه‌های مدرنیسم و نهادهای آن، اقدامات خشونت‌آمیز، بمب‌گذاری، کشتار مردم به دلیل

وحدت محبان اهل بیت(ع) برای تشکیل امت واحدہ اسلامی ■ ۱۳۵

هویت دینی- مقدمه برخورد و منازعه بزرگی بدانند که هگل از آن سخن به میان آورد و شاید این برخورد موجب فروپاشی این بنیادگرایی و پیروزی اصول تمدن انسانی شود (یوسف ابا الخیل، ۲۰۱۲).

از اینجا جست‌وجوی مشترکات اهمیت می‌یابد؛ با این حال به این موضوع در طول تاریخ به اندازه کافی پرداخته نشده است. اسلام که در جان‌های پیروان خود ریشه دوانده، دارای نقطه اشتراکی قوی است که «توحید» نام دارد که ظلم و استکبار را نمی‌پذیرد و طاغوت را به چالش می‌کشد و علیه آن جهاد می‌کند؛ در نتیجه، اشتراکات وجدانی و مادی نیز در اسلام زیاد و جامع است.

چه زیباست سخن امام خامنه‌ای که می‌فرماید: «وحدت به معنای تأکید بر اشتراکات است؛ مشترکات بین مسلمین بیش از موارد اختلافی است. باید بر مشترکات تأکید داشت و بخش اعظم این تکلیف، مسئولیت نخبگان است؛ اعم از نخبگان سیاسی، علمی یا دینی. علمای مسلمان دین باید به ملت‌های اسلامی نسبت به افزایش شدت اختلافات بین فرق و مذاهب اسلامی هشدار دهند. استادان دانشگاه‌ها نیز باید دانشجویان را هدایت کنند و به آنها بفهمانند که امروز مهم‌ترین مسئله در جهان اسلام عبارت است از مسئله وحدت و اتحاد برای تحقق اهدافی از جمله استقلال سیاسی، تثبیت حاکمیت دینی مردم و عمل به احکام الهی در جوامع اسلامی. این اسلام خواستار آزادی است و خواستار عزت و شرف است. این کار تکلیف امروز و این وظیفه ماست» (سخنان امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظم و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۰۱۴/۱/۱۹).

مشترکات بین جوامع اسلامی، واضح و آشکار است. مشترکات دینی ناشی از وحدت عقیده است. امت دارای اصول اعتقادی واحدی است و این اصول نزد امت اسلامی - با اجماع کل علمای مذاهب - شامل توحید، نبوت و معاد می‌شود.

انکار یکی از این اصول یا ایمان نداشتن به آن، بنا بر اجماع علما و متن قرآن و سنت، فرد را از دایره اسلام خارج می‌کند. همچنین آن‌طور که علما برای دفاع از وحدت روی منابر می‌گویند، حد لازم برای ورود فرد به دایره مسلمین و تحقق وحدت امت مسلم التزام به حد مورد توافق در این فروع است؛ مانند نمازهای پنج‌گانه که تعداد رکعات آن منصوص است یا حج که مناسک آن با اقدامات توافقی انجام می‌شود. اما شروط و آداب این اعمال بین مذاهب مختلف است و مداخله‌ای در حد لازم مذکور ندارد. همچنین امت با اجماع مسلمین بر کتاب الله

و سنت رسولش اجماع دارند و بین مذاهب اسلامی کسی نیست که رهبری این دو را منکر شود؛ زیرا این دو، عامل مهم وحدت مسلمین هستند. اینجا شایسته است به سخنان علامه شیخ محمد ابوزهره، یکی از پیشگامان تقریب در مصر، اشاره کنیم که گفته بود: «وحدت اسلامی از سه عنصر تشکیل شده است که برای تحقق کمترین حالت وحدت باید این سه عنصر محقق شوند. این عناصر عبارت‌اند از:

۱. توحید فکری و روانی؛

۲. ممانعت از تنازع اقتصادی، سیاسی یا جنگ بین اقلیم‌های اسلامی؛

۳. ایجاد اسباب آشنایی مستمر فردی بین مسلمین بعد از آشنایی دسته‌جمعی».

شیخ اعتقاد دارد توحید فکری، فرهنگی و روانی نیازی به انشا ندارد، ولی نیازمند توجیه و جمع است؛ زیرا اصل، موجود و ثابت است. زمانی که به سمت یک کشور اسلامی می‌روی، احساس می‌کنی توافق روانی و فکری وجود دارد و می‌بینی فکر جامع موجود است و امر جامع برای شیوه‌های فکر اسلامی ثابت است. آن‌گونه که در روابط بین مسلمین حاکم است، اهل یک دین یا یک مکتب اقتصادی یا اجتماعی معین را نمی‌یابی که مانند اسلام، افکارشان درباره یک موضوع معین تلاقی داشته باشد.

بی‌تردید فرهنگ از چند عامل تشکیل شده که مهم‌ترین آنها دین و اصول و فروع آن و آداب و رسوم مرتبط با آن است که در همه جوامع اسلامی تحت شعار واحد وجود دارد و با عنوان فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود و دارای حدود مشابهی است که با وجود اختلاف نژادی و زبانی بین جوامع مسلمین، شاید به تطابق برسد. علاوه بر تاریخ و وحدت دشمن که امت را هدف قرار داده است، با مشکلاتی در طول تاریخ خود دست و پنجه نرم می‌کند، زیرا تنوع فکری یا مذهبی را مستثنی نکرده است، بلکه با امت به عنوان یک امت واحد هدف قرار گرفته، تعامل می‌کند.

وجوه اختلاف و تشابه و بیان آن برای نهادینه کردن وحدت بین مسلمین

از جمله اصول اندیشه علمی، تحلیل ظواهر و بیان مؤلفه‌های مختلف آن است و برای رسیدن به اثبات قضیه وحدت چاره‌ای نیست جز بررسی تفاوت‌ها و اختلافات و بیان عمق حقیقی آن و موانع سر راهش. آیا به این مرحله رسیده‌ایم که بتوانیم بین تحقق وحدت امت یا عدم آن

تفکیک قائل شویم؟

واقعیت این است که بر خلاف بزرگ‌نمایی دشمنان امت و تندروی افراط‌گرایان در این امر، اختلاف به وجودآورنده چنین مانعی نیست، بلکه تنوعاتی است که می‌توان اساس آن را شکل داد و پایه آن را پایه‌ای مشترک برای ساخت قرار داد. بنابراین این تنوع موجب قدرت امت می‌شود و نه تجزیه آن.

تشابه در ارکان و عبادات و معاملات، اصل است و اختلاف در این زمینه استثناست و طبق نظر فقها و مراجع بزرگ، هیچ‌کس از دین خارج نمی‌شود.

آنچنان که ناظران رصد کرده‌اند، مخالفت با مذهب، مخالفت با واقعیت و حقیقت اسلام نیست، بلکه برای صاحب مذهب و به عبارت صحیح‌تر، مخالفت با صورت ذهنی است که از اسلام دارد. یکی از نویسندگان به نام علی ادیب در تحقیقی با عنوان «شیعه و سنی ... آیا این انزجار از یکدیگر توجیهی دارد؟» بر این نکته تأکید و به سخن شیوای شیخ محمدجواد مغنیه تأکید کرده که در کتابش با عنوان «الفقه علی المذاهب الخمسة» آمده است.

شاید بسیاری هنگام اطلاع از این کتاب شگفت‌زده شوند، زیرا در می‌یابند نقاط توافق بین مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب جعفری دوازده امامی خیلی بیشتر از آن چیزی است که آنها فکر می‌کنند.

کسی که به بررسی احکام عبادات و معاملات در این کتاب بپردازد درمی‌یابد شیعیان در اکثر موضوعات با مذاهب سنی توافق نظر دارند و گاهی اوقات نیز به دلیل اختلاف در تفسیر یا استفاده نکردن از روش‌های دیگر در استنباط حکم، تفاوت دیدگاه وجود دارد. در هر صورت، مخاطب این فتاوا درمی‌یابد که مساحت اختلافات بسیار کمتر از تصورات ما در واقعیت منازعات مذهبی در حیات امروزه ماست.

در تصدیق این موضوع، اعتقاد به امامت از ضرورت‌های مذهب است؛ ولی چنان که علامه مرحوم محمدحسین فضل الله تأکید داشته، اگر کسی به آن اعتقاد نداشته باشد، از دین خارج نمی‌شود و طبق گفته شیخ علی جمعه، مفتی اسبق مصر، اعتقاد به امامت [امام] علی(ع) و فرزندان‌ش، شیعیان را از دین خارج نمی‌سازد.

بله، نقاط اختلافی بین طرفین وجود دارد و هدف در اینجا نادیده گرفتن واقعیت و منکر شدن اختلافات نیست؛ بلکه هدف این است که اختلافات را به اندازه واقعی نشان دهیم و همین انگیزه ما را و ما می‌دارد اطلاعات را از منابع صحیح به دست آوریم. ما درک می‌کنیم تا چه حد

زمان را به دلیل انزجارهای توجیه‌ناپذیر و منازعات بی‌نتیجه‌ای از دست داده‌ایم که تفرقه را تثبیت می‌کند و منازعات عبث در پی دارد (علی ادیب، ۲۰۱۵).

«رادیو سوا» تحقیق کتبی انجام داده است که با بررسی آن به وخامت اختلافات در موضوعات بزرگی پی می‌بریم که امت را به وحدت می‌رساند؛ در حالی که می‌توان از این اختلافات عبور کرد و نباید هیچ‌یک از این اختلافات به عوامل نزاع و تفرقه تبدیل شود. ما این بخش از تحقیق را بدون دخل و تصرف می‌آوریم:

«دشنام و تکفیر دائماً حول مسائل اختلافی بزرگ تکرار می‌شود. اولین مسئله «عصمت از خطا»ست. اهل سنت معتقدند عصمت تنها مختص انبیاست، ولی شیعیان معتقدند شامل انبیا و دوازده معصوم نیز می‌شود؛ یعنی علی بن ابی طالب و دو فرزندش حسن و حسین و نه تن از فرزندان ائمه از نسل [امام] حسین؛ چنان که شیخ سامی مسعودی، نائب رئیس دیوان وقف شیعی عراق، به سایت رادیو سوا توضیح می‌دهد.

دومین مسئله اختلافی مربوط به صحابه رسول خدا(ص) است. اهل سنت می‌گویند همه صحابه منزّه هستند و باید به آنها و سخنان‌شان احترام گذاشت، زیرا آنها «پیشینیان صالح هستند و باید به آنها اقتدا کرد»؛ اما حکم شیعیان در این موضوع نسبی است، زیرا بر این باورند که صحابه افرادی عادی هستند و امکان اشتباه و دروغ گفتن از جانب آنها وجود دارد و حتی ممکن است از دین مرتد شوند.

شیخ مسعودی در این مسئله می‌گوید: شیعیان به صحابه احترام می‌گذارند ولی چیزی از آنها نمی‌گیرند، زیرا رأی و اجتهاد آنها متفاوت است؛ اما ائمه اهل بیت مرجع صحیحی هستند که نبی مکرم اسلام(ص) قبل از وفاتش نسبت به آنها وصیت کرده است. البته یکی از علمای مصری الازهر به نام احمد کریمه طی تماس با سایت رادیو سوا در پاسخ به او گفت: درست است که علمای اهل سنت اختلاف دارند، ولی نباید فراموش کنیم که علمای شیعه نیز در نظرها و اجتهادات خود اختلاف دارند. بنابراین اختلاف در هر دو گروه وجود دارد.

مسئله سوم «تقیه» است، یعنی اظهار عکس آنچه را انسان به آن فکر می‌کند یا به آن ایمان دارد که این حالت نزد شیعیان جائز است؛ اما اکثریت اهل سنت آن را نفاق و سوءنیت و خروج از جماعت می‌دانند. حتی این مسئله کاملاً محسوس نیست. سامی مسعودی، از علمای دینی شیعه، می‌گوید تقیه باید طبق شروطی انجام شود؛ آن هم هنگامی است که یک شیعه در

برابر یک حاکم ظالم از جانش بیمناک شود.

اما عالم دینی اهل سنت، احمد کریمه، توضیح می‌دهد که برخی مراجع سنی، تقیه را در مناسبت‌های خوف بر جان و دین و شرف حلال می‌دانند.

مسئله دیگری که اختلافات شدیدی بین اهل سنت و شیعیان به وجود آورده است تا جایی که در صفحات شبکه‌های اجتماعی نیز به آن پرداخته می‌شود مسئله «ازدواج موقت» است. این نوع ازدواج نزد شیعیان مباح است، بلکه حتی برای آن اجر و ثواب نیز قائل‌اند؛ اما شیوخ اهل سنت تأکید می‌کنند که این نوع ازدواج حرام است و حتی آن را در رمزه «زنا» می‌دانند.

آخرین مسئله ضربه زدن به خود است که بسیاری از شیعیان آن را مباح می‌دانند و در سالروز شهادت [امام] حسین(ع) خود را می‌زنند تا جایی که خون از بدن‌شان جاری شود؛ ولی اهل سنت با این کار مخالف‌اند و در این موضوع به آیه قرآنی عمل می‌کنند که می‌فرماید: «ولا تلقوا بأنفسکم إلى التهلكة». ولی شیخ مسعودی با اظهار مخالفت با این موضع آنها، می‌گوید: «ضربه مباح که عبارت است از سینه زدن سبک بیان‌کننده از دست دادن یک عزیز است، ولی ضربه زدن شدید، قابل قبول نیست.» وی همچنین ضمن تعجب از ایرادگیرندگان از این موضوع به سایت رادیو سوا گفت: «چرا آنها مسابقات بوکس یا گلوبازی را حرام اعلام نمی‌کنند؟» (پایان اقتباس)

موضوع درخور تأمل این است که در برابر این اختلافات، مشترکات بزرگی وجود دارد که به استثنای تکفیری‌ها، بسیاری بر این عقیده‌اند که می‌توان از این اختلافات صرف نظر کرد و با وجود توافق در اصول، عقیده، عبادات و معاملات باید از این اختلافات عبور کرد و آنها را مانعی در برابر وحدت و ساخت مشترک قرار نداد.

مفاهیم و اصولی که بیداری را افزایش می‌دهد و به وحدت و تقارب بین محبین اهل بیت کمک می‌کند

بی‌تردید اکثریت مسلمین با داشتن تنوعات فکری و مذهبی، از قاعده مشترک وسیعی برخوردارند و هر چه تنوعات و مشترکات به تلاقی برسند، انسجام بین آنها قدرت بیشتری پیدا می‌کند و فرصت‌های کاری مشترک به مراتب بیشتر می‌شود.

اکثریت امت با اهل بیت نبوت(ع) اختلافی ندارند و همگی آنها به اهل بیت(ع) ابراز محبت و احترام می‌کنند. اختلاف موجود فقط در تعریف اهل بیت، شیوه دوست داشتن، نظر به عصمت آنها و وجوب پیروی بین مذاهب است.

شیخ علی عبدالباقی شحاته می‌گوید: اصول اسلام آن چیزی است که اختلافی درباره آنها

بین مسلمین وجود ندارد و به کسی مسلم گفته می‌شود که یقیناً به وحدانیت خداوند، نبوت و رسالت محمد(ص)، قرآن به عنوان کتاب الهی و کعبه به عنوان قبله و ارکان پنج‌گانه معروف اسلام ایمان داشته باشد و آنچه را که از دین ضروری است بداند و اعتقاد داشته باشد که بعد از اسلام دین دیگری وجود ندارد و بعد از نبی مکرم اسلام(ص) پیامبر دیگری وجود ندارد و هر آنچه را که بر محمد مصطفی(ص) نازل شده، حق و صدق است.

این اصولی که امت بر سر آنها اجماع دارند بیانگر جوهر اسلام یا اساسات آن است و هر کس که به این اصول ایمان داشته باشد، مسلم است و بین او و سایر مسلمین در هر گوشه از جهان و با هر مذهبی که داشته باشند، اخوت در عقیده برقرار است و همین اخوت مانع از توهین، اذیت و دشمنی مسلمانی با مسلمانان دیگر یا طرفداری از دشمنان او می‌شود (شحاته، بی‌تا).

ما در برابر مفاهیم و اصولی پیچیده‌تر و مرتبط‌تر نزد محبان اهل بیت هستیم؛ به گونه‌ای که اخلاق اهل بیت(ع) نقطه اجماع آنهاست و آگاهی مضاعف و وجدانی خالص را در آنها شکل می‌دهد که با فهم عمیق دین و رسالت انسانی‌اش، بسیاری از حجاب‌ها شکافته می‌شود.

بی‌تردید اندیشه اهل بیت(ع) در ایجاد جریان اعتدال در جهان اسلام تلاش می‌کند؛ به عبارت دیگر اندیشه اهل بیت(ع) می‌تواند پروژه اسلامی را عقلانیت ببخشد و آن را جلو ببرد؛ چنان که «صاحب مهدی»، از پژوهشگران در این زمینه می‌گوید: تمایز دینی تأثیری در احترام متقابل و مکارم اخلاقی و حقوق انسانی ندارد.

اندیشه اهل بیت(ع) مالک کلید پیشرفت انسانیت و سعادت اوست و با حقایق تعامل می‌کند و بین آن و اخلاق نیکو جمع برقرار و انسان را به سمت روحانیت حقیقی هدایت می‌کند.

اندیشه اهل بیت(ع) ملت‌ها و فرهنگ‌های آنها و همچنین قومیت‌ها را دربر گرفته است؛ از این رو شاهد هستیم که پیروان اهل بیت(ع) در همه قاره‌ها حضور دارند. این اندیشه فعالیت‌های ویژه‌ای دارد که با متغیرات مختلف تعامل می‌کند (صاحب مهدی، شیرازی نت).

با توجه به مفاهیم و اصول یادشده، بی‌تردید محبان اهل بیت با داشتن مذاهب مختلف توسط کسانی که نمی‌خواهند وحدت امت محقق شود، هدف قرار می‌گیرند؛ زیرا آنها می‌خواهند اسلام را بدنام کنند؛ در نتیجه، این طیف دائماً تحت تعقیب هستند. از این رو وحدت و همبستگی و عدم تفرقه بین آنها امری اجتناب‌ناپذیر است به گونه‌ای که به الگویی برای عبور از اختلافات تبدیل شوند، زیرا امت تنها با جوهر رسالت است که ایجاد می‌شود.

تجسم این رسالت نیز در اهل بیت(ع) است. بنابراین محبان اهل بیت برای وحدت امت و حمایت از آن در برابر توطئه‌های محیط، باید بر پایه وحدت، تقارب، بیداری و شناخت نقش پیشرو خود گام بردارند تا شایسته لقب محب باشند و به عنوان زینت اهل بیت(ع) شناخته شوند نه اینکه مایه شرم آنها باشند.

استعانت از توانمندی‌های محبان اهل بیت و صوفیان برای کاهش شدت اختلافات موجود بین مسلمین

محبان اهل بیت با وجود اختلاف مذاهب و تنوعات فکری، ویژگی‌هایی دارند که مهم‌ترین آنها ویژگی روحی و عاطفی است که آنها را جذب اهل بیت کرده و به شناخت آنها از اهل بیت و سیره و اخلاق و وصایای آنها عمق داده است. آنها دارای ویژگی‌های عقلی و فرهنگی هستند که فرصت شناخت منزلت اهل بیت(ع) و جایگاه‌شان را فراهم کرده و به محبان اجازه داده است ابعاد مختلف دین را ببینند و درک و فهم خود را افزایش دهند تا آنها را به شاگردان مکتب اهل بیت تبدیل کند. طبیعتاً این مکتب نیز توانمندی‌های شاگردان خود را افزایش می‌دهد و مسیر تلاش و رویکردهایشان را اصلاح می‌کند و به آنها مزیت‌هایی می‌بخشد که برای رهبری جوامع آماده شوند.

چنان که اشاره شد، اندیشه اهل بیت(ع) تلاش می‌کند جریان اعتدال را در جهان اسلام ایجاد کند و می‌تواند پروژه اسلامی را عقلانی کند و آن را به سمت میانه روی پیش ببرد و پیروانش را به روحیه تسامح بیاراید و روحیه ابتکار عمل را با هدف انتشار اسلام و وحدت محدود کردن منازعات در آنها شکوفا سازد.

متأسفانه منازعات داخلی در امت ما زیاد است و دشمنان نیز با خرسندی به تماشای این منظره نشست‌اند و در آتش آن می‌دمند. بنابراین ما نیازمند یک انقلاب عقلی و روحانی حقیقی هستیم تا وجدان‌ها را اصلاح کند و محیط مستعد افراط‌گرایی و تکفیر را از بین ببرد. از این رو با این بخش از تحقیقات عثمان الطاهر المجمر موافقیم که می‌گوید: «ما نیاز شدیدی به یک پل ارتباطی بین پدیده‌های نجات‌یافته در غرب و شرق داریم. این پل انسانی و تمدنی می‌تواند در خود نتایج گفت‌وگوی آگاهانه را که بذل صلح جهانی، امنیت، سلامت و ثبات را می‌کارد، حمل کند و به گونه‌ای زنجیره‌وار موجب تقویت مؤلفه‌های همکاری تمدنی شود و در محیطی آرام فعالیت صورت گیرد تا تمامی مرض‌های خطرناک درمان شوند و فتیله تخریب و ویرانگری با زیرکی و هوشیاری پایین کشیده شود و بر نهادینه‌سازی اعتماد تأکید کند؛ زیرا اعتماد تنها

کلید حل است به گونه‌ای که پل را به حرکت در می‌آورد و آن را به کار و می‌دارد و در مسیر صحیح ترسیم‌شده برای خود قرار می‌دهد. ما می‌توانیم با صدای بلند بگوییم این پل، تصوف است» (عثمان الطاهر المجرم، بی‌تا).

البته نه فقط تصوف بلکه حب اهل بیت(ع) به طور کامل و پیروی شایسته از آنها با ایجاد فرهنگ وحدت و ابتکار عمل و انجام نقش‌های مثبت در ایجاد این وحدت چاره‌ساز است؛ چنان که عزالدین سلیم در تحقیق خود می‌گوید: «اگر بتوانیم آنچه را ائمه برای حفظ موجودیت امت و وحدت مسلمین به آن تمسک کرده‌اند، ببینیم و با مطالعه اسناد آنچه را که به التزامش در این مسیر یکی پس از دیگری توصیه کرده‌اند، مشاهده کنیم، حالتی از ایثار و مقدم داشتن مصلحت اسلام و مسلمین را خواهیم دید که نظیرش را در جهان بین مردم نخواهیم یافت.

در حالی که ما در تاریخ اسلام نمونه‌هایی می‌بینیم که توجهی به آنها نمی‌شود و تنها در مسیر تحقق منافع شخصی به آن نگاه می‌شود؛ حتی اگر اسلام فشارهای این خسران و سیر قهقه‌رایی را تحمل کند و امت نیز ضربه‌های آلام و رنج ناشی از فجایع را به جان بخرد.

اگر بخواهیم حساب دقیقی از مواضع مملو از اهتمام ائمه و اهل بیت(ع) نسبت به موجودیت امت و وحدت و سلامت شوکت مسلمین داشته باشیم، محاسبه این‌گونه مواضع به دلیل کثرت و وسعت آنها، از عهده ما بر نمی‌آید» (عزالدین سلیم، بی‌تا).

همه محبان اهل بیت اعم از شیعیان دوازده امامی، صوفیه، زیدیه، اسماعیلیه، اشاعره و هر مذهبی که منزلت اهل بیت(ع) و مرکزیت آنها در دین را درک کرده‌اند، در این صفات و توانمندی‌ها مشترک‌اند و چاره‌ای نیست جز کمک گرفتن از آنها با هدف نابودی اختلافات موجود و مقاومت در برابر فتنه‌انگیزی‌های دشمنان امت که در این مسیر از گروه‌ها و اندیشه‌های تکفیری بی‌اعتبار بین عموم مسلمین سوءاستفاده می‌کنند و با وجود این بی‌اعتباری، از آنجا که از امکانات مادی و منابر درخور توجهی برخوردارند، برای اجرای اهداف خبیث خود از این امکانات بهره می‌برند.

بدیهی است مقاومت در برابر این‌گونه گروهک‌ها با کمک گرفتن از عموم مسلمین که دارای فطرت‌های پاک هستند و همچنین با مساعدت و هماهنگی بین رهبرانی از بین محبان اهل بیت امکان‌پذیر خواهد بود تا فتنه‌های پیش رو خنثی یا دست‌کم از شدت اختلافات بین مسلمین جلوگیری و برای مرحله پیشرفته‌تر با عنوان «وحدت اسلامی حقیقی» تلاش شود.

وجوب ارائه قرائت جدید از سیره عملی نبی مکرم اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع)

بی تردید همه مسلمین از محبان نبی مکرم اسلام(ص) هستند و تلاش می کنند به ایشان اقتدا و از آن حضرت پیروی کنند؛ ولی قصور بزرگی در ارائه سیره ایشان صورت گرفته و تنها بر نکات و مواضع معینی از ایشان تمرکز شده و در بسیاری اوقات تفسیر و تأویل هایی با اهدافی خاص و مغرضانه با هدف خدمت به اهداف سیاسی و در چارچوب پروژه های فتنه انگیزانه صورت گرفته و این تصویر برای عموم مسلمین نیز تبلیغ شده است. بدیهی است این اهداف خبیثانه به نادیده گرفتن مواضع دیگر کمک می کند و بر صورت کلی که امکان نمایش و پلایش تصویر حقیقی نبی مکرم(ص) و مقاصد رسالت را می دهد، پرده حجاب می افکند. در نتیجه تصویر نادرستی به بخش زیادی از مسلمین می رسد که افکاری خاص را تولید می کند و بسیاری را مصداق «...للأخسرین اعمالا الذین ضل سعیمهم فی الحیاء الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا» قرار می دهد!

در نتیجه ضرورت دارد قرائتی جدید و البته صحیح از سیره عملی نبی مکرم اسلام(ص) و ائمه و اهل بیت ایشان ارائه کرد تا مسلمانان حقیقت دین خود و جوهر آن را دریابند و در کنار پیروان اهل سنت در جهت وحدت تلاش کنند.

سیره نبی مکرم اسلام و ائمه(ع) سرشار از خوبی ها و فضایل است و هر مسلمانی با مراجعه به این سیره، به جواب سؤالش از گذشته، حال و آینده می رسد؛ زیرا سیره این بزرگواران ارتباطی به مکان و زمان ندارد، بلکه قرآن ناطق است. بنابراین اگر امت به این سیره مراجعه کند، الفبای فعالیت های سیاسی توأم با وحدت و شجاعت را در می یابد و اولویت های آن مشخص می شود و دوست و دشمن را می شناسد و سنت های جهانی را که به سمت پیشرفت رهنمون می شود یا جوامع را به فروپاشی می کشاند، در می یابد.

این مکتب، به ویژه سیره عملی آن، باید پیشرفت کند؛ زیرا آن چیزهایی را که پشت دین مخفی شده است و دشمنان داخلی را رسوا و توطئه های خارجی را کشف می کند و به سمت روش های وحدت آفرین و همزیستی روحانی و همکاری بین برادران دینی رهنمون می شود.

اگرچه منبرها و تریبون های موجود سیاست زده اند، ولی محبان اهل بیت دارای منبرهای جایگزینی هستند. بنابراین چاره ای جز افزایش تلاش برای ایجاد شبکه های ارتباطی، روزنامه ها و مجلات الکترونیک وجود ندارد تا در منازل، خیابان ها و مجالس عمومی جوامع آنها در دسترس باشد. البته باید به گونه ای عمل شود که این تلاش ها، چنان که امام صادق(ع)

می‌فرمایدف موجب زینت اهل بیت شود نه اینکه موجبات شرمساری آنها را فراهم کند. همچنین شایسته است از اساس با مأموریت نبوت و امتداد آن به امامت آشنا شد؛ چنان که امام خمینی(ره) در یکی از کتب خود اشاره کرده است: «مأموریت نبوت عملیات ساخت یک جامعه بر اساس توحید، عدالت اجتماعی، تکریم انسان، آزاد ساختن او، تحقق مساوات حقوقی و قانونی بین گروه‌ها و افراد، نپذیرفتن سوءاستفاده و استبداد و احتکار، باز کردن زمینه برای انرژی‌ها و تجربیات انسانی و تشویق آموزش و یادگیری اندیشه و تفکر است ... مأموریت نبوت عبارت است از ایجاد جامعه‌ای که کلیه عوامل عظمت انسان در جمیع ابعاد اساسی رشد کند و بشریت را به سوی سیر تکاملی خود در عرصه تاریخ رهنمون سازد. این مأموریتی است که خداوند متعال انبیا را برای آن مبعوث ساخت و از آن به امامت می‌رسیم به این اعتبار که امتداد مأموریت نبوت است و همین فشارها را تحمل می‌کند... هدف امامت همان هدف نبوت است و راه همان راه است؛ یعنی ایجاد یک جامعه اسلامی عادلانه و تلاش برای صیانت از مسیر صحیح آن» (مرکز فرهنگی امام خمینی).

اجرای آمال و افکار تقریبی امام خمینی در مسیر تکوین امت اسلامی واحد

امام خمینی از بزرگ‌ترین منادیان وحدت بود و اندیشه‌های ایشان و شاگردان وحدت‌گرایشان همچنان باقی است. امام خمینی با اندیشه‌ها، نوشته‌ها و اقداماتش سهم بسیار زیادی از نظر فکری و عملی در این زمینه داشته است.

اندیشه وحدت اسلامی نزد امام خمینی مرکزیت داشت و ایشان بر این عقیده بود که «دعوت به اسلام در حقیقت دعوت به وحدت است» و «اسلام نازل شد که همه ملت‌های جهان اعم از عرب و عجم، ترک و فارس و دیگران را به وحدت برساند و در این جهان امت عظیمی برپا نماید که همان امت اسلامی است». ایشان به دنبال این بود که قومیت‌ها و نژادها تحت پرچم اسلام به دعوت توحید لبیک گویند و مقدمات ایجاد این امت عظیم را فراهم آوردند.

امام بر این عقیده بود که «وحدت بر همه مسلمین واجب است». اینجاست که مخالفت و معارضة با وحدت بین مسلمین به معنای مخالفت با دعوت به اسلام و در نتیجه، انحراف از روش اسلام و مهم‌ترین اهدافی است که توحید برای آن آمده و رسول خدا(ص) برای آن گام برداشته است (مرکز فرهنگی امام خمینی، ۲۰۱۳).

- امام خمینی برای تحقق وحدت بین اعضای امت اسلامی، راه‌های زیادی را مطرح کرده که بسیاری از آنها در سخنان و بیانات ایشان وجود دارد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:
۱. متوسل شدن به قرآن مجید و سنت رسول الله(ص)؛
 ۲. تأکید بر هدف واحد (نشر اسلام)؛
 ۳. تأکید و تقویت نقاط مشترک؛
 ۴. کمک کردن به یکدیگر و همبستگی با هدف ایستادگی در برابر دشمن مشترک؛
 ۵. عدم بزرگ‌نمایی موضوعات اختلاف‌انگیز و چشم‌پوشی از مسائل ثانویه؛
 ۶. مشخص کردن منافع عالیه امت اسلامی (در سطح جهان)؛
 ۷. اطلاع از دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنانی که هدفشان تفرقه‌افکنی است.
 ۸. ارتباط مستمر بین اندیشمندان مذاهب اسلامی و گفت‌وگوی صادقانه برای از بین بردن اختلافات؛
 ۹. سعه صدر و تحمل نظرهای طرف مقابل؛
 ۱۰. امتناع از بی‌حرمتی به مقدسات یکدیگر؛
 ۱۱. خودداری از اتهام و افترا و تعصب کورکورانه توجیه‌ناپذیر؛
 ۱۲. کنترل افراط‌گرایی که دائماً برای فتنه‌انگیزی و اشاعه نفاق در تلاش‌اند (سایت روح الله الموسوی الخمینی(ره)).

بی‌تردید این آمال و افکار تقریبی مأموریت‌هایی را برای کسانی شکل می‌دهد که در مسیر وحدت گام بر می‌دارند و بیان‌کننده مکنونات سینه‌های منادیان وحدت است که شوق تحقق آن و دوری از واقعیت دردناک فعلی را در دل دارند.

راه‌های شناخت توطئه‌های استکبار جهانی و استعمار برای ایجاد تفرقه بین امت

منطق استعماری مشهور «تفرقه بینداز، حکومت کن»^۱ حاکم بر نقشه‌های قدیم و جدید در طول تاریخ، حال و آینده بوده و هست؛ زیرا بر سنتی جهانی استوار است که مفاد آن عبارت است از انحراف منازعات با دشمن و هدایت آن به داخل و همچنین فرسایش قدرت‌ها و تضعیف مقاومت. توطئه دارای ابعاد سیاسی و فرهنگی متعددی است؛ مستکبر و استعمارگر اقدام به ایجاد تفرقه و روشن کردن آتش فتنه بین گروه‌های جامعه واحد و قومیت‌های آن می‌کنند و از

اختلافات طایفه‌ای، مذهبی یا نژادی بهره می‌گیرند و با پیگیری سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن بر قربانیان خود سیطره می‌یابند.

آن‌طور که محمد نعمان البعدانی گفته است: «به‌رغم خطرهای این توطئه خارجی، تنها در صورتی این توطئه می‌تواند اهداف خود را محقق سازد و نتایج آن را به نظاره بنشیند که عناصری بین ما داشته باشد. این عناصر به زبان ما سخن می‌گویند و اسامی ما را برگزیده‌اند و خود را به ما نسبت می‌دهند؛ ولی سرنوشت خود را با سرنوشت توطئه‌کنندگان علیه ما گره زده‌اند و منافع آنها را منافع خود می‌پندارند حتی اگر هزینه آن را از دین، کشور و برادران خود بپردازند» (البعدانی، بی‌تا).

شایان ذکر است توطئه‌های استعمار تنها به تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف‌های عمیق بین جوامع اسلامی منحصر نمی‌شود، بلکه شکاف دینی تکفیری خطرناک‌ترین شکاف‌هاست که تنها به تفرقه اکتفا نمی‌کند، بلکه کار را به مرحله درگیری و فرسایش می‌رساند.

علاوه بر اقدامات خصمانه و تشکیک، ادوات استکبار و استعمار جهانی و صهیونیسم دائماً مشغول تفرقه‌افکنی و اختلاف‌اندازی بین مسلمین هستند و خواستار روشن کردن فتنه‌های طایفه‌ای و تعصبات مذهبی و ایجاد منازعات نژادی هستند تا امت اسلامی ضعیف و تجزیه‌شده باقی بماند و در نهایت دشمنان بتوانند هر یک از این دولت‌ها را به تنهایی شکار کنند و از ثروت‌های آنها و مواد خام موجود در این کشورها به نفع صنعت خود بهره‌برداری کنند و این کشورها در برابر دشمن صهیونیستی تمکین کنند تا همچون خاری در قلب جهان عرب و اسلام باقی بماند.

سیاست استکبار و استعمار آمریکایی، چنان که دکتر توفیق علی وهبه می‌گوید، تحقق دو هدف زیر است:

۱. ضعیف باقی ماندن و تجزیه امت اسلامی و سیطره ایالات متحده و کشورهای غربی بر نفت و مواد خام؛

۲. تضمین بقای اسرائیل.

این چیزی است که رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده آمریکا، نیکسون، در کتاب خود با عنوان «فرصت به دست آمده» از آن سخن گفته و همان کاری است که همه رؤسای جمهوری آمریکا بعد از او نیز انجام داده‌ند.

بنابراین اجماع کلمه و گرد آمدن دور هم و اقدام برای تحقق وحدت اسلامی قوی به

گونه‌ای که مجد و عظمت اسلام را بازگرداند و تمدن آن را نشر دهد و آینده‌ای درخشان را برای پیروانش بسازد و در ایجاد یک جامعه جهانی مبتنی بر عدالت و صلح و احترام به حقوق بشر گام بردارد، از ضروریات است (توفیق علی وهبه، بی‌تا).

از مشهورترین نقشه‌های تقسیم «سند برنارد لوئیس» است که کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۳ آن را مصوب کرد. برنارد لوئیس یک شرق‌شناس بریتانیایی و مورخ و متخصص تحقیقات شرقی و آفریقایی و صاحب خطرناک‌ترین طرح در قرن بیستم با هدف تجزیه خاورمیانه به بیش از سی کشور قومی و مذهبی است. او نظریه‌پرداز سیاست مداخله آمریکا در منطقه عربی در زمان دولت جرج بوش بوده و با بهره‌برداری از تناقضات نژادی و تعصبات قبیله‌ای و طایفه‌ای، منازعات قومی و نژادی و دینی زیادی را در جهان عرب و اسلام برپا کرده است.

تحلیلگران بر این نظرند که «داعش» ساخته و پرداخته آمریکاست و انتشار این گروهک در عراق، سوریه و لیبی مقدمه‌ای برای اجرای نقشه‌های تقسیم است. جنایت‌هایی که این گروهک علیه مذاهب مختلف و اقلیت‌های دینی انجام می‌دهد در شعله‌ور کردن «فرقه‌گرایی» مؤثر است. هدف این است که سرنوشت دولت‌های مذکور به تجزیه داخلی ختم شود. ادعاهای «دولت خلافت» نیز در حقیقت آغازی برای تقسیم منطقه عربی بوده است.

«فتنه‌انگیزی» سیاستی است که انگلیسی‌ها بنا نهادند و از آن برای به زانو در آوردن ملت‌های مستعمره خود استفاده کردند که همان سیاست معروف آنها با نام «تفرقه بینداز، حکومت کن» است. آنها در کشورهای تحت سیطره‌شان روی یک اقلیت قومی مشخص تمرکز می‌کردند تا شکافی عمیق بین اقلیت و مردم دیگر به وجود آورند. این سیاست از یک طرف موجب تجزیه «وحدت ملی» می‌شود و مردم را در مسیر مبارزاتی خود با هدف تحقق آزادی، تجزیه و ضعیف می‌کند و از طرف دیگر این اقلیت را در برابر اکثریت، ضعیف می‌کند که برای استمرار سلطه خود ناچار به استفاد از پشتیبانی خارجی یعنی همان «استعمارگر» هستند تا داخل کشور خود بر اکثریت ظلم و ستم کنند. این وضعیت سیطره استعمارگر را بر آن ملت تسهیل می‌کند و استمرار حکومت اقلیت را با منافع استعمارگران پیوند می‌زند.

سیاستمداران صهیونیست اهتمام زیادی به مسئله اقلیت‌ها در جهان عرب داشته و دارند و ادعا می‌کنند مرزهای ترسیم‌شده در منطقه بعد از جنگ جهانی اول، به اقلیت‌های نژادی و طایفه‌ای ظلم کرده است. البته قبل از برپایی رژیم صهیونیستی نیز صهیونیست‌ها توجه زیادی به پروژه‌های تجزیه و تقسیم داشتند. جنبش صهیونیسم از اواخر دهه ۱۹۳۰ با برخی اقلیت‌ها

در لبنان و عراق تماس داشته است تا آنها را تحریک به تمرّد و جدایی کند. در این راستا مردخای بن فورات و شوشانا اربیلی با کردهای عراق در تماس بودند و ایلپاهو ساسون و ایسر هرائیل، رئیس سازمان موساد، با اقلیت‌های سوریه و لبنان ارتباط داشتند.

بن گوریون، اولین رئیس‌جمهور اسرائیل، از می‌۱۹۴۸ تا ژانویه ۱۹۵۴ و از نوامبر ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ بر این عقیده بود که ترکیب نژادی و طایفه‌ای در کشورهای عربی، فرصتی است برای بزرگ‌نمایی اختلافات تا در نهایت موجب معضلاتی شود که حل آنها دشوار است. او خواستار اجرای نقشه‌ای بود که بعدها به «استراتژی اطراف» یا «استراتژی کشیدن اطراف» معروف شد که «ریفون شیلوح» از کارمندان وزارت خارجه رژیم صهیونیستی این طرح را تدوین کرده بود. این استراتژی بعدها تغییراتی کرد و به «استراتژی کشیدن اطراف و بریدن آنها» تبدیل شد. این طرح از طریق تمرکز بر تعامل با اقلیت‌ها و تشویق آنها به جدایی انجام می‌شد. آریل شارون قبلاً در گفت‌وگویی با روزنامه معاریو در ۱۹۸۱/۱۲/۱۸ و چند ماه قبل از حمله به لبنان، در زمانی که وزیر دفاع بود، گفته بود شرایط برای تحقق پروژه تجزیه کشورهای عربی و بسط هیمنه اسرائیل در منطقه آماده است.

شارون همچنین از منازعه احتمالی بین شیعیان و اهل سنت و کردها در عراق، اهل سنت و علوی‌ها در سوریه، طوایف دشمن در لبنان، فلسطینی‌ها و بدوی‌ها در شرق اردن، اهل سنت و شیعیان در منطقه شرقی عربستان سعودی، مسلمانان و قبطی‌ها در مصر، شمال مسلمان و جنوب مسیحی در سودان و بین اعراب و بربرها در مغرب عربی بزرگ صحبت کرده بود.

از جمله تحقیقاتی که در این راستا انجام شده متعلق به عودید ینون، از کارمندان وزارت خارجه رژیم صهیونیستی، با عنوان «استراتژی اسرائیل در دهه هشتاد» است. تمرکز این تحقیق بر تجزیه و تضعیف جهان عرب است. اما اندیشمند صهیونیست «یحزقیل درور» در کتاب خود با عنوان «استراتژی بزرگ اسرائیل در سال ۱۹۹۰» از تجزیه رژیم‌های عربی و سرنگونی آنها و راه‌اندازی جنگ‌ها و منازعات بین آنها و تجزیه داخلی جوامع عربی از طریق پشتیبانی از اقلیت‌های غیر عربی و غیرمسلمان سخن گفته بود.

همچنین الوف بن، سردبیر روزنامه هلا/رتس، طی مقاله‌ای در ۲۰۱۱/۳/۲۵ در ابتدای انقلاب‌ها و تغییرات عربی گفت: غرب مانند اسرائیل ترجیح می‌دهد خاورمیانه تجزیه شود و سرگرم منازعات خود باشد و رژیم‌های متعددی در چندین جبهه علیه وحدت عربی و وحدت

اسلامی بجنگند.

ناظران بر تحولات منطقه و طرح‌های اجراشده در آن و سیاست‌ها و تصریحات بر این عقیده‌اند که این نقشه‌های تجزیه‌طلبانه گام به گام در حال اجراست؛ از این رو عقلای امت باید به سرعت هوشیار شوند و مانع گردند که کار به مراحل «جنگ‌های داخلی»^۱ گسترده برسد و استعمار جهانی بر مردم منطقه کاملاً سیطره یابد.

مشترکات موجود بین محبان اهل بیت و استفاده از آنها در زمینه توحید امت

نظر به قاعده «فاقد الشيء لا يعطيه» وحدت محبان اهل بیت در جهت اجرای مأموریت‌های واگذارشده به آنها یعنی وحدت امت، امری ضروری است.

بین محبان اهل بیت اشتراکات زیادی است که باید روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. دوست داشتن اهل بیت به تنهایی می‌تواند کینه‌ها را از بین ببرد؛ از این رو افزایش و عمیق شدن این ویژگی بین پیروان، تناقضات و اختلافات را قبل از آنکه از سطح پایین به منازعات برسند، از بین می‌برد و وحدت حقیقی را بین پیروان واقعی اهل بیت محقق می‌سازد و اخلاقیات را بین آنها حاکم می‌کند؛ همچنان که شخصیت‌های آنها را تعالی می‌بخشد و تهذیب روحی و اخلاقی را برایشان به ارمغان می‌آورد و دیدگاه آنها را وسعت می‌دهد و صداقت را چاشنی تحلیل‌ها و توصیفات‌شان می‌گرداند و آنها را به مهارت ابداع روش و ابزار می‌رساند.

برای مثال، راهپیمایی اربعین امام حسین(ع) از مناسبت‌هایی است که شیعیان و اهل سنت را با طیف‌های مختلف کنار یکدیگر قرار می‌دهد. حب امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) موجب برپایی مراسم عزاداری می‌شود و همچنین زیارت بارگاه اهل بیت(ع) و دعا و توسل به آنها و مدد جستن از آنها، همگی از ایستگاه‌هایی است که مسلمین را به وحدت می‌رساند و هر گونه اختلاف فکری یا تعصبات را از بین می‌برد؛ زیرا فضای روحانی و پاک موجود بر هر گونه فضای دیگری برتری دارد چون در مورد امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) و منزلت و مظلومیت و جایگاه حقیقی و مرکزی آنها در اسلام توافق وجود دارد.

در تحقیق مهمی متعلق به «مرکز الرساله» آمده است: «حب اهل بیت(ع) یک اصل رسالت‌محور است که دربرگیرنده ابعاد مهم و حساسی است و آثار آن در حیات فردی مسلمانان

و حیات جامعه اسلامی نمایان است. حب آنها صرفاً یک رابطه قلبی یا عاطفی نیست که ما را به سمت افراد مشخصی جذب کند از آن جهت که آنها نزدیکان پیامبر مکرم اسلام(ص) هستند، بلکه این امر مربوط به ریسمان الهی است که بعد از پیامبر ختمی مرتب(ص) از آسمان به زمین کشیده می‌شود و از طریق آن ارتباط حیات فردی و جامعه با آموزه‌های آسمانی و با اراده الهی تحقق می‌یابد؛ زیرا آنها ثقل الهی روی زمین و آیه‌های خداوند هستند که همگان را به سوی او رهنمون می‌شوند و صفات و کمالاتی که خداوند متعال می‌خواهد، در آنها مجسم است. حُب آنها در حقیقت حب الهی و ارزش‌های ربانی و کمالات الهی است و همین حب انسان را از پلکان کمال - که اراده خداوند متعال است - بالا می‌برد.

از طرف دیگر، حب اهل بیت(ع) ضامن سلامت راهی است که به اهداف مد نظر رسالت اسلامی ختم می‌شود؛ زیرا آنها سرچشمه زلال و منبع امین احکام رسالت و مفاهیم آن هستند و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی را شکوفا کرده‌اند. بنابراین مودت اهل بیت(ع) ضامن صیانت شریعت اسلامی و خط رسالت محمدی و افکار آن و حفظ امت از انحراف و حرکت در مسیر مستقیم است و خیر و کمال را به ارمغان می‌آورد» (مرکز الرساله، بی‌تا).

بی‌تردید مشترکاتی از حیث تکوین وجود دارد و مشترکاتی نیز در این حب و پیروی ایجاد می‌شود. از حیث تکوینی، محبان اهل بیت ویژگی‌هایی همچون تسامح، وسعت افق نگاه، روحانیت، گرایش فطری به عدالت، استقبال از بشر، مخالفت با ظلم و شجاعت در حق دارند. این ویژگی‌های فطری آنها را به حب اهل بیت(ع) می‌رساند. حتی اگر این افراد در محیط محبت اهل بیت هم رشد نکرده باشند، با تلاش خود و داشتن صبر این مسیر را می‌پیمایند. همچنین فرد دوست‌دار و پیرو اهل بیت چگونگی پاک کردن فطرت و اصلاح انحرافات و تهذیب سلوک را از این بزرگواران فرا می‌گیرد و به فردی شجاع و پیشرو تبدیل می‌شود که با نگاهی کاملاً باز در جهت وفاق و وحدت می‌کوشد و دروغ‌پردازی‌ها و توطئه‌ها را کشف می‌کند و منافع عالی و وحدت را بر اختلافات مقدم می‌دارد. این مشترکات، محبان اهل بیت را برای بر عهده گرفتن نقش‌های پیشرو جهت تحقق وحدت، روشنگری جوامع، رهبری آنها به سمت دوری از تفرقه، کشف توطئه‌ها، شناخت اهمیت وحدت و ضرورت آن، در اولویت قرار می‌دهد.

نقش امامت در وحدت مسلمین

امامت، پروژه طرح اختلاف یا دوری بین مکاتب اسلامی و رها کردن یک مذهب و پیروی از مذهب دیگر نیست که به موضوعی اختلافی تبدیل شود؛ بلکه امامت قضیه‌ای است وحدت‌آفرین که می‌تواند مسلمین را تحت پرچم خود به وحدت برساند و همچنین می‌تواند تنوعات آنها را دربرگیرد.

امامت، امتداد روحی و عقیدتی نبوت و وارث رسالت‌های آسمانی است که نقش آن را در تلاش برای تصحیح مسیر جامعه و بازگردان آن به مسیر صحیح نبوی ادامه می‌دهد. ائمه(ع) در این راه تلاش و ایثارگری‌های فراوانی کردند تا جایی که موجب شهادت سرور آزادگان جهان، سید الشهداء، ابا عبدالله الحسین و تنی چند از اهل بیت و یاران ایشان در روز عاشورا شد (مقدمه‌ای بر پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی).

مسئله رهبری از ضروریات اسلام است و جایگاه بسیار با اهمیتی را به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که رهبر، فردی معصوم از اشتباه و مطهر از گناه است.

این اتفاق در زمان رسول گرامی اسلام(ص) افتاد و ایشان دارای دو مسئولیت بود: ادای رسالت و رهبری جامعه اسلامی. ایشان مبلغ وحی، حاکم بر دولت، بیان‌کننده شریعت و مسئول اجرای آن در حیات انسان‌ها بود.

بعد از رحلت ایشان به سوی پروردگار، شکاف بزرگی در جامعه رخ داد؛ زیرا آنهایی که خلافت را به دست گرفتند، در زمره انبیا نبودند و ادعای ارتباط با آسمان را نداشتند (مکتبه الفکر والثقافه، بی تا).

در نتیجه تفاوت قائل شدن بین جنبه روحی و جنبه سیاسی و تاریخی در بررسی این قضیه می‌تواند راه را مقابل تلاش‌های تفرقه‌افکنانه ببندد؛ زیرا ورود به جنبه‌های سیاسی و تاریخی و بزرگ کردن موضوعات، عاملی برای ایجاد فتنه و کینه‌توزی است و اذهان مسلمین را از تعمق عقلی و روحی و تبصر در جنبه‌های توافق و حتی تطابق در موضوعات مهم دور می‌کند. بنابراین می‌توان از اکثر اختلافات عبور کرد و دست‌کم مانع از تشکیل پایه وحدت نشد و در مسیر وجود آن موانع ایجاد نکرد.

چنان که کارشناسان می‌گویند، ممکن است برخی تصور کنند طرح این موضوع بین شیعیان و اهل سنت، جدال‌آفرین است که البته این تصویری اشتباه است؛ زیرا هنگامی که از جنبه سیاسی این موضوع چشم‌پوشی می‌کنیم تا بحث در چارچوب علمی خود پیش برود،

بیشتر دیدگاه‌ها و نظرهای دو گروه را کشف می‌کنیم و آنها را به رسمیت می‌شناسیم و این روند به ما فرصت می‌دهد عامل شکاف و اختلاف بین مسلمین را محدود کنیم.

بحث علمی در این مسئله حیاتی موجب آزادی تفکر و بیان عقیده و وسعت افق دید در دو گروه می‌شود و شاخصه‌های محبت را بیشتر و روابط برادری و همبستگی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر اتحاد در سایه حقیقت نتایج مفیدی دارد، زیرا کتمان حقیقت و نادیده گرفتن آن و اصرار به اتحاد ظاهری هرگز نمی‌تواند محوری قوی برای ایجاد روابط بین امت اسلامی باشد و گروه‌های جامعه اسلامی را به وحدت برساند.

همچنین نعره‌های تفرقه‌افکنانه و طایفه‌ای مستلزم وجود بیداری جدی و شناخت جوهری اسلام و حقایق آن است و این چیزی است که قرآن کریم در مدیریت و رهبری و حکومت‌داری ما را به آن رهنمون می‌شود. طبیعتاً این اهداف را نمی‌توان در فضای متشنج و با وجود نظرهای متعصبانه‌ای که برای طرف مقابل ارزش و اعتباری قائل نیست، محقق کرد (مکتبۃ الفکر والثقافه، بی‌تا).

از تعاریف علمای اهل سنت درباره خلافت، برای ما روشن می‌شود که ارتباطی مستحکم بین خلافت و امامت وجود دارد. البته مفهوم امامت فراگیرتر از مفهوم خلافت است به گونه‌ای که خلافت یکی از روش‌های امامت است.

فقه‌های اهل سنت از شرایط امامت و خلافت سخن گفته‌اند، ولی آنها در اینجا بر شروط واجبی تمرکز کرده‌اند که باید در امام یا خلیفه به عنوان یک فرد وجود داشته باشد مانند اسلام، بلوغ، عقل و عدالت.

اهل سنت درباره ائمه اهل بیت(ع) از نظر اهلیت آنها برای امامت اختلافی ندارند و آنها را امام توصیف می‌کنند و منزلت و جایگاه آنها را می‌شناسند؛ بنابراین اختلاف در مسئله خلافت و حکومت است.

در نتیجه توافق روحی و دینی درباره امامت اهل بیت و ریاست دینی آنها مرهون به وحدت رساندن مسلمین و ممانعت از انشقاق بین آنها و جلوگیری از تکفیر است که می‌توان از طریق گشودن افق‌های گفت‌وگو تحت پرچم اهل بیت(ع) به این مهم نائل آمد. در این صورت همه موانع ایجادشده توسط استعمار خبیث و ادوات تکفیری او - که مانع از وحدت مسلمین است - از بین خواهد رفت.

نقش بزرگ‌تر در اینجا بر عهده محبان اهل بیت است؛ زیرا آنها از دیگران نسبت به حجیت اهل بیت(ع) و امامت آنها و نقشی که این امامت در به وحدت رساندن مسلمین ایفا می‌کند، عالم‌ترند. چه بسا آنها به حکم حب و پیروی‌شان از اهل بیت، مکلف به ایجاد وحدت بین خود و انجام نقش توحیدی هستند؛ به ویژه اینکه آنها این تکلیف را از ائمه و سیره و اخلاق و تعالیم آنها فرا گرفته‌اند.

راه‌حل‌های همزیستی مسالمت‌آمیز بین محبان اهل بیت(ع) با هدف ساخت امت

سیاست بین‌الملل اصطلاح «همزیستی مسالمت‌آمیز»^۱ را این‌گونه معرفی کرده است: همکاری بین کشورهای جهان بر اساس تفاهم و تبادل منافع اقتصادی و تجاری. این اصطلاح در زمینه سیاست بعد از جنگ جهانی دوم و تقسیم جهان به دو بلوک در حال جنگ تعریف شد؛ ولی در مفهوم کلی، این اصطلاح یک مفهوم دینی است که ادیان و تمامی ارزش‌های اخلاقی را به آن تشویق می‌کند.

اسلام به شکلی ویژه همگان را به همزیستی مسالمت‌آمیز تشویق کرده است. اسلام در جوهره خود دینی برای جنگ و تجاوز نیست، بلکه دین صلح و نبرد دفاعی است. اسلام فاصله بسیار زیادی با رفتارهای تروریستی تکفیری دارد و اساساً این‌گونه رفتارها، نسخه‌ای دروغین و بدنام است که به عنوان بخشی از جنگ علیه امت و دین و در مسیر خدمت به استعمار و استکبار جهانی و نظریاتی همچون «جنگ تمدن‌ها» مطرح می‌شود که در این راستا از اندیشه نادر و اشتباه‌های تاریخی برای ضربه زدن به دین و جوهره حنیف آن بهره‌برداری کرده است.

ویژگی اسلام عبارت است رعایت انسانیت به طور کل و رعایت پیروان ادیان آسمانی به طور خاص. خداوند متعال با این دین، روحیه وابستگی را بین بشریت گسترانده و شهروندان گروه‌های مختلف را با یکدیگر مأنوس و روحیه عدالت و احسان را بین همه مردم منتشر کرده است.

فرهنگ اسلامی منظومه‌ای کامل از نمونه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها و قبایل دارد؛ به گونه‌ای که نژادها و گروه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد و محاسن اخلاقی را بین آنها اشاعه می‌دهد و بهترین شمایل را تقدیم می‌کند. همه اینها در این جهت است که انسان حیات طبیعه‌ای را احیا کند که شعار آن صلح است و روش و فکر آن از اسلام الهام می‌گیرد.

همزیستی مسالمت‌آمیز دارای مؤلفه‌های زیادی است و راه‌های تحقق آن بسیار است و فرد عاقل آن کسی است که درک کند زندگی برای همه است و افکار، قابل مناقشه‌اند و شایسته نیست عمر آدمی صرف اختلافات و واگرایی و دشمنی شود و خداوند انبیا را مبعوث و بین ملت‌ها انس و الفت برقرار و رفتارهای آنها را اصلاح کرده است تا همزیستی با طرف مقابل را در سایه ضوابط و مقررات آن بپذیرند.

انسان واقعی کسی است که حق انسانیت را ادا و آن را برای بشریت حفظ کند و مسلمان واقعی کسی است که حقوق انسانیت را حفظ کند و رأفت و شفقت و احسان را سرلوحه حیات خود قرار دهد و تلاش کند با استفاده از انرژی و رحمت و عقل و ایمانی که خدا به او عطا کرده است، انسانیت را نجات دهد و با اخلاق اسلامی و وسعت رحمت و عدالت به الگویی برای بشریت تبدیل شود (شوقی، بی‌تا).

در این مجال کم نمی‌توان روش اهل بیت را در همزیستی مسالمت‌آمیز مورد بررسی قرار داد، بلکه تنها می‌توان گفت آنها دائماً با تعالیم و سیره خود بزرگ‌ترین منادیان صلح و تسامح بوده‌اند؛ چنان که حمید غریب رضا در تحقیقش می‌گوید: اهل بیت(ع) هیچ تناقضی بین حفظ هویت خود و تعامل صحیح اجتماعی با دیگران نمی‌بینند و در حقیقت ائمه اهل بیت(ع) منادیان و پرچم‌داران تثبیت حیات اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمین هستند. امروزه می‌توان از اصطلاحات جدیدی مانند «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» استفاده کرد که در آن زمان استفاده نمی‌شد؛ ولی مقصود ما از وحدت اسلامی در اینجا روش و وصایای مکرر ائمه اهل بیت(ع) به پیروان‌شان در زمینه تعامل منطقی و عقلانی با اهل سنت است.

امروز و در ادبیات جدید اجتماعی موضوع تسامح اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان یک راه‌حل متمم‌تانه برای خروج از بحران‌ها و فتنه‌های طایفه‌ای مطرح می‌شود؛ در حالی که در روایت‌های ائمه اهل بیت(ع) نقشه راه تعامل و همزیستی پیروان آنها با بقیه پیروان مذاهب اسلامی با دقت عالی و ظرافت عمیق ترسیم شده است.

این نمونه همزیستی که ائمه اهل بیت(ع) ارائه داده‌اند مبنی بر اصولی است که با نگاه دین به انسان و عبودیت الهی و توحید خداوند توافق دارد؛ به عبارت دیگر آنها روش‌های تعامل عقلانی و راه‌های خروج از فتنه‌های سیاسی و اجتماعی را بر اساس نظام توحیدی و اندیشه

اسلامی در ابعاد اجتماعی ارائه داده‌اند (حمید غریب رضا، بی تا).

محبان اهل بیت اکثریت امت را تشکیل می‌دهند و آنچه احياناً مانع از تجمع آنها و از بین بردن همزیستی مسالمت‌آمیز می‌شود، اختلافات سیاسی و شاید هم برخی دسیسه‌ها یا صدور نظریه‌ها یا افکار تفرقه‌افکنانه‌ای است که چشم‌های آنها را در برابر عمق وحدت و توافق‌شان و میزان جرم مرتکبان بسته است.

با این حال راه‌حل‌های متعددی وجود دارد که شایسته است شامل منظومه همه‌جانبه اجتماعی، اقتصادی، علمی و روشنگرانه باشد تا جبهه محبان اهل بیت را قوی کند و آنها را در برابر ضعف حفاظت کند؛ زیرا این ضعف موجب نفوذ عناصر تکفیری یا عناصر مزدور استکبار بین امت اسلامی می‌شود.

این راه‌حل‌ها باید مشوق دیدارها و گفت‌وگوهای دائمی باشد که روابط را تقویت و عمل مشترک را فعال کند.

همچنین شایسته است محیطی مناسب برای وحدت و از طریق پروژه‌های فکری، علمی، اجتماعی و تجاری ایجاد کرد. همچنین به نتیجه‌ای فراگیر در سطح فکری و سازمانی رسید و البته اجتناب از افتادن در دام روزمرگی و نفوذ در این مسیر از ضروریات است.

هنگامی که محیط سالم باشد، همزیستی نیز سالم خواهد بود و به‌رغم وضعیت بد تعداد زیادی از جوامع اسلامی به دلیل شرایط سیاسی و اقتصادی، می‌توان این حالت را از راه‌های مختلف کاهش داد از جمله:

- ایجاد فرصت‌های مشترک و همکاری در پروژه‌های اجتماعی و فرهنگی که منافع مادی و معنوی آن برای جوامع است.

- مقاومت در برابر ایجاد محیطی مناسب برای تکفیر و نفوذهای استعماری.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب تحقیق، ما به دلایل متعدد و پیچیده در برابر واقعیتی قرار داریم که به تلاش و کار بیشتری نیاز دارد؛ از جمله:

- قصور داخلی در اردوگاه محبان اهل بیت(ع) به دلیل از بین بردن انرژی‌ها و امکانات خود و استفاده مثبت از این ظرفیت‌ها در زمینه وحدت یا حتی در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز و شاید دلیل این قصور فقدان امکانات یا پروژه‌های جامع باشد.

- فشارهای خارجی از جانب جوامع خود، حکومت‌هایشان یا خارج از طریق تحمیل فشارها و موانع یا فتنه‌انگیزی و تبلیغات.

این واقعیت‌ها به ما دیکته می‌کند که در اردوگاه محبان اهل بیت انسجام و هم‌افزایی ایجاد شود و با بهره‌برداری از امکانات و توانمندی‌های خود برای تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر گام بردارند و به سمت افق‌های دور برای نقش توحیدی امت اسلامی قدم گذارند. می‌توان با این واقعیت به صورت واقع‌بینانه تعامل داشت و ضمن محاسبه مشترکات و تشابهات و اختلافات و تأکید بر بیشتر بودن حجم آنها در مقایسه با اختلافات، بر پایه این مشترکات حرکت کرد.

همچنین باید قرائتی جدید از سیره عملی نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیت (ع) ارائه کرد؛ زیرا با این کار می‌توان به ارزش‌ها و تعالیم آنها پی برد و چشم‌اندازهای بزرگی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و جامعه‌ای وحدوی در نظر داشت.

تأکید می‌شود باید از افکار و آمال تقریبی شخصیت‌های وحدت‌گرا و علمایی که در این زمینه سهیم بودند، استعانت جست که مهم‌ترین آنها امام خمینی و تعداد بسیاری از علمایی هستند که افکار و نمونه‌هایی قابل اجرا در مسیر همزیستی و وحدت ارائه کرده‌اند. از آنجا که عوامل سیاسی متعددی موجب ایجاد شکاف در جامعه شده و می‌شود، آگاهی‌بخشی سیاسی و کشف و افشای نقشه‌های فتنه‌انگیزانه و پروژه‌های استعمار و دنباله‌روهای آن داخل امت از اقدامات ضروری است تا ضمن مقاومت در برابر این پروژه‌های ویرانگر، پروژه‌های وحدت‌آفرین را جایگزین آنها کرد. در پایان چند توصیه و پیشنهاد در راه تحقق این هدف عظیم به شرح زیر ارائه می‌شود.

پیشنهادها

- صدور و اظهار اندیشه‌های وحدت‌آفرین در میراث دینی و هر آنچه موجب تشویق وحدت مسلمین می‌شود.

- ابراز روش توحیدی اهل بیت (ع) و تعالیم آنها که مشوق همزیستی مسالمت‌آمیز و مشترک است.

- ارائه قرائت‌های جدید از سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) و اهل بیت (ع) و چاپ آنها در قالب

بروشورهایی که قرائت آنها آسان باشد و به سادگی در دسترس همگان قرار گیرد. بدیهی است این پیام‌ها باید بر جنبه‌های وحدت‌آفرین تمرکز کند.

- تعظیم شعائر اهل بیت(ع) و زیارت آنها و مناسبات‌هایشان بدان علت که محل اجماع همه محبان هستند و برگزاری مناسبت‌ها برای ابراز دوست داشتن آنها و همچنین برگزاری دیدارها و جلسات گفت‌وگو؛

- افزایش مؤسسات و پروژه‌های جامع برای محبان اهل بیت با هدف تعمیق همکاری بین آنها و تبادل افکار و هم‌افزایی؛

- ایجاد پروژه‌های اجتماعی و تجاری با هدف تبادل منافع و همچنین خدمت به فقرا و تنها رها نکردن آنها همچون طعمه؛ بدیهی است فقر، جهل، مرض، ضعف روانی دارای عواقب و پیامدهایی است از جمله ممکن است موجب تبدیل شدن این افراد به طعمه‌هایی آماده برای تکفیری‌ها شود.

- انتشار آگاهی سیاسی و کشف توطئه‌هایی علیه امت و بستن راه‌های نفوذ سیاسی در برابر افکار فتنه‌انگیز و در خدمت پروژه‌های استعمار.

همچنین شایسته است دائماً با در اختیار داشتن ابتکار عمل، بسترهای مناسب ملاقات بین محبان اهل بیت(ع) از طیف‌های مختلف را از طریق برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌ها فراهم کرد؛ زیرا همین ملاقات‌ها و دیدارها به نوبه خود می‌تواند شکاف‌ها را از بین ببرد و فعالیت‌های وحدت‌آفرین را پیش ببرد و تلاش‌های فتنه‌انگیزانه را در نطفه خفه کند.

منابع

- ابا الخلیل، یوسف (۲۰۱۲)، فلسفه تاریخ هگل،
<http://historyinarabic.blogspot.com.eg/2012/11/blog-post.html>
- ادیب، علی (۲۰۱۵)، الشیعۀ والسننۀ: هل من مبرر لكل هذا الكره؟، رصیف ۲۲
<http://raseef22.com/politics/2015/08/27/sunnis-and-shiites-similarities-and-differences/>
- البعدانی، محمد نعمان، «دلایل تجزیه و توطئه خارجی»، دانشگاه الایمان.
- خامنه‌ای (امام) سخرنانی در دیدار با مسئولان نظم و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۰۱۴/۱/۱۹.
- سایت روح الله الموسوی الخمینی، راه‌های عملی تحقق وحدت بین مذاهب و طوایف اسلامی چیست؟:
http://ar.imam-khomeini.ir/ar/c515_12219/
- سلیم، عزالدین (بی‌تا)، «نقش ائمه‌أهل‌البيت - علیهم‌السلام - در حفظ وحدت کیان امت اسلامی»،
رسالة التقرب، العدد ۱۰۹:۴
<http://iranarab.com/Default.asp?Page=ViewArticle&ArticleID=109:4>
- شحاته، علی عبدالباقی (بی‌تا)، التقرب بین المذاهب والتقنین الفقهی،
<http://www.taddart.org/?p=12720>
- شوقی، محمد (بی‌تا)، مفهوم همزیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع، سایت ارتقاء:
<http://www.irtikaa.com/learning/2023->
- صالح، نبیل علی (۱۴۳۵ق)، «هویت اسلامی در مسیر تاریخی خود»، مجله‌الوحدة الاسلامیة، س ۱۳،
ش ۱۴۹، رجب.
- غریب رضا، حمید (بی‌تا)، روش‌شناسی اهل بیت در همزیستی مسالمت‌آمیز، انجمن گفت‌وگوی دینی
برای وحدت: <http://alhiwaraldini.com/home/1098-2>
- المجرم، عثمان الطاهر، تصوف اسلامی، پل تمدنی و انسانی بین شرق و غرب، پایان‌نامه کارشناسی
ارشد علوم اسلامی، پژوهشکده اروپایی علوم انسانی پاریس.
- مرکز الرسالة (بی‌تا)، مؤلفه‌های حبّ اهل‌البيت علیهم‌السلام، شبکه‌رافد الاسلامیة.
- مرکز فرهنگی امام خمینی (ره) (۲۰۰۳)، «وحدت اسلامی، محورها و نتایج»، سخنرانی نماینده
پارلمان حاج عبد الله قصیر، عضو فراکسیون الوفاء متعلق به مقاومت، بیروت: نشست فکری، ۲۳ ژانویه.
- مرکز فرهنگی امام خمینی (ره) (بی‌تا)، خطوط کلی سیره ائمه‌علیهم‌السلام.
- مقدمه‌ای بر پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی
- مکتبۀ الفکر والثقافة، کلمۀ المركز
- مهدی، صاحب (بی‌تا)، «روش اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ همزیستی»، شیرازی نت.
- وهبه، توفیق علی (بی‌تا)، «امت اسلامی در مواجهه با تعصب و چالش‌های معاصر»، مجمع جهانی
تقرب مذاهب: <http://www.taghrib.org/pages/content.php?tid=92>



نقش نهضت عاشورا در بقای شیعه و تفکر آن

احمد مزینانی^۱

(۱۵۹ - ۱۸۵)

چکیده

نگارنده در مقاله حاضر برای شناخت زمینه‌های بقای شیعه و تفکر آن، با تکیه بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، ابعاد تأثیرپذیری محتوایی نهضت‌های اسلامی - انقلابی شیعی را از نهضت عاشورا مورد بررسی قرار داده است. مقاله حاضر با تکیه بر نظریه‌های فطرت و حیات معقول، تفکر و رفتار مقاومت پایه شیعه و تحولات جامعه شیعی را مبتنی و متکی بر سرشت پاک فطری انسان خداجو، ایدئولوژی و مکتب پویا، آگاهی و حضور فعالانه مردم و رهبران مومن و عالم به زمان می‌داند که به صورت سلبی و ایجابی تحت تأثیر تحولات و آرمان‌های نهضت عاشورا (به‌عنوان مبدأ و موتور محرک پیشینی مقاوم ساز) است و دارای اثربخشی و کارآمدی معقول و عاطفی می‌باشد.

این نهضت به دلیل ولایت مداری کنشگران اصلی و محتوایی بی‌پیرایه، از سرمایه اجتماعی (اعتماد، اعتبار، منزلت و امید) بالایی در جامعه اسلامی برخوردار است، بازفهمی، ترسیم جامعیت و تصحیح هندسه اسلامی را در دستور کار مستمر نظری - فکری دارد و با تکیه بر ابعاد تهییجی، بعد تبشیری، بعد تنویری و بعد تنذیری، عقل ناب و عاطفه پاک سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه شیعی را به جنبش و مشارکت سازنده وا می‌دارد. بنابراین علت موجهه (علت وجودی) و علت مبقیه (علت بقا) اندیشه و رفتار شیعی، تأثیرپذیری حداکثری و بی‌پیرایه از دکتین: «بازفهمی و بازسازی مستمر و دائمی تمدن اسلام ناب ولایی، از طریق بازنمایی چهره و سنت تحریف شده نبوی (ص) و زنگار زدایی آن از تحریف و بدعت حکام جور و اسلام خرافی» نهضت عاشورا است.

کلمات کلیدی

شیعه، نهضت عاشورا، ابعاد، کارکرد، بقا، اندیشه، رفتار.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام و دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۵

مقدمه

انسان به سبب ترکیب هیئت وجودی و ماهیت سرشتی خود به‌گونه‌ای آفریده شده است که هم استعداد مناسب و آماده‌ای برای رشد و کمال را دارد و هم متقاضی دائمی و نوبه نو ترقی مادی و کمال معنوی است. با این اوصاف جستجوی و مطالبه منابع و منافع مادی و تعالی معنوی در زندگی اجتماعی انسان، هم میل بالقوه سرشت فطری انسان است، هم نیاز زیر بنایی تحول جامعه انسانی می‌باشد و هم زمینه‌ساز و عامل بالفعل حفظ و بقا یافته و داشته انسان و جامعه انسانی می‌شود.

در چنین شرایطی اندیشمندان و نخبگان جوامع همواره در پی یافتن راه‌کارهای مناسب و شیوه‌های متقن علمی از منابع اصیل و یا تجربیات فاخر گذشته، برای حرکت از وضع تحقق یافته (موجود) انسان و جامعه به سوی انسانیت و جامعه مطلوب هستند. در این مسیر مشاهده سیر تکامل دیگران و نظاره صعود انسان‌ها و جوامع راه‌یافته به قله‌های کمال، یکی الزامات حرکت در مسیر رشد و کمال است. چراکه در تاریخ همواره نمونه‌های عملی از افراد و جوامع موفق کمال یافته به‌عنوان اسوه و الگو وجود دارد که توجه سالکان را به خود جلب می‌کند و خواسته‌های سرشتی و بنیادین خود را در آینه وجودی آن‌ها می‌یابند. به این منظور ایجاد شرایط تربیتی برای اسوه‌پذیری از انسان‌های صالح و الگو یابی جوامع مصلح، جزء تمناهای دائمی جوامع بشری بوده است؛ بنابراین اسوه‌های انسانی و الگوهای اجتماعی تأثیرات متنوع و زیادی در حیات بشر دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. تبیین و ترسیم مسیر رشد و کمال؛

۲. موتور محرک جست‌وجوگران رشد و کمال؛

۳. دفع نواقص و رفع کاستی‌های مسیر رشد و کمال؛

۴. غربال‌گری انحرافات و لغزش‌ها در مسیر رشد و کمال.

در میان انسان‌ها و رویدادهای تاریخی، عاشورا به‌عنوان یک نهضت بزرگ و کنش‌گری امام حسین(ع) به‌عنوان اصلی‌ترین و اصیل‌ترین کنش‌گر این نهضت، همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران جامعه و تاریخ بوده است که منجر به عطف توجه دائمی جست‌وجوگران کمال به آن‌ها می‌شود. چراکه نهضت عاشورا(به صورت بنیادین هم با فطرت خدایی و انسانی آحاد جامعه بشری گره می‌خورد و هم آرمان‌های حیات طیبه بشری را ترسیم کننده می‌کند. در نتیجه توجه

به نهضت عاشورا مصداق کاملی از عینیت نظریه «آرمان خواهی واقع‌گرایانه» است. نگارنده در مقاله حاضر در پی آن است تا از طریق کالبدشکافی نهضت عاشورا، کارکردهای این نهضت را مورد بررسی قرار داده و در نهایت ابعاد تأثیرگذاری این نهضت در ایجاد و بقاء سایر نهضت‌های اسلامی - انقلابی شیعی و تفکر آن را تبیین نماید؛ بنابراین مسئله مطرح در این تحقیق ناشناخته بودن ابعاد اثرپذیری محتوایی نهضت‌های اسلامی - انقلابی شیعی و تفکر از نهضت عاشورا است. محقق برای عمق‌بخشی به یافته‌ها و دستاوردهای مقاله موجود ضمن بهره‌برداری از ادبیات اندیشمندان اسلامی تمرکز اصلی را بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری قرار داده است.

سؤالات

سؤال اصلی: نهضت عاشورا در بقاء شیعه و تفکر آن چه نقشی دارد؟

سؤالات فرعی

- ۱- نهضت عاشورا دارای چه ماهیتی چیست؟
- ۲- کارکردهای نهضت عاشورا کدام است؟
- ۳- ابعاد تأثیرگذاری نهضت عاشورا بر بقاء و تفکر شیعه چیست؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. نظریه دلالت فطرت

نظریه «فطرت»، ریشه در ارائه تصویری از سرشت انسانی دارد که وجهه تمایز بین انسان و سایر موجودات می‌شود. این سرشت دارای منشأ الهی، فراگیر، تبدیل‌ناپذیر، غیراکتسابی، امکان بالقوه و مصون از خطا است؛ بنابراین «نظریه فطرت»، عنوان دیدگاهی است که از یک‌سو، ناظر به «انسان» مخلوق و از سوی دیگر، در ارتباط با «خدا» خالق سامان یافته است.

فطرت و ملحقات آن در میان حکما و عرفای اسلامی، مستقیماً یا به واسطه سایر موضوعات فلسفی، محل بحث بوده است، اما به عنوان «نظریه فطرت» در ادبیات ما سابقه چندانی ندارد. شاید بتوان بنیان‌گذار این مکتب فکری را حکیم و عارف متأله، آیت‌الله شاه‌آبادی بزرگ دانست که «فطرت» را به‌عنوان محور تحلیل و بررسی همه ابعاد دین، در قلب نظرات خویش جای داده است.

پس از وی شاگرد ایشان امام خمینی و در ادامه، بزرگانی همچون شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح و... به بسط و تشریح این نظریه پرداختند (لبخندق، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۵).

بر اساس این نظریه انسان، علاوه بر بُعد جسمانی، دارای بُعد غیرجسمانی است که از آن با عناوین مختلفی مانند «روح» یا «نفس مجرد» نام می‌برند. حکمای اسلامی، قوای نفس مجرد انسان را در دوشاخه کلی قوای ادراکی و قوای تحریکی معرفی کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۶). حکما جمله‌ای دارند که می‌گویند «العامله تحت الشوقیه و الشوقیه تحت المدرکه؛ یعنی قوه عامله تحت تأثیر و نفوذ قوه شوقیه است و قوه شوقیه تحت تأثیر قوه مدرکه است». مقصود این است که قوه مدرکه است که قوه شوقیه را برمی‌انگیزد و میل را تحریک می‌کند... و قوه شوقیه است که قوه عامله را برمی‌انگیزد و تحریک می‌کند تا منتهی به عمل می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۱: ۴۵۵). بر مبنای نظریه فطرت‌انگیزه‌های قابل تحریک انسان دو دسته‌اند: دسته اول، انگیزه‌هایی که به بُعد طبیعی او برمی‌گردند، مانند غریزه گرسنگی یا غریزه جنسی. دوم، انگیزه‌هایی که به فطرت او باز می‌گردند، مانند علم دوستی، کمال طلبی، جمال خواهی و... حال اگر پدیده‌ای به یکی از این دو دسته نیازهای انسان پاسخ دهد، محبوب آدمی شده و انسان به سوی آن حرکت می‌کند (پیشین: ۷۰).

ورود مباحث نظریه «فطرت» به مبادی علوم مختلف، تبعات معرفتی فراوانی به همراه دارد. به‌عنوان مثال ورود فطرت به نظری فرهنگ، دستاوردهای علمی مهمی حاصل چون: «ابناء بقاء فرهنگ‌ها بر عناصر فطری»، «بهره‌مندی همه فرهنگ‌ها از فطرت الهی»، «معتبر دانستن بخشی از تفاوت‌های فرهنگی جوامع»، «تحلیل بحران‌های فرهنگی بر اساس فطرت»، «رأی به تعالی‌پذیری همه فرهنگ‌ها»، «فطری دانستن ارتباطات»، «امکان گفت‌وگوی فرهنگ‌ها با زبان فطرت»، «مفاهمه ذاتی فرهنگ‌ها با فرهنگ دینی» و «ورود به سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر نظری فطرت» را به دنبال دارد (همان: ۶۳-۷۱).

در مجموع بر اساس نظریه «فطرت»، می‌توان هر فرهنگی را به دو بخش اصیل و غیراصیل تقسیم نمود: بخش اصیل هر فرهنگی، بخش ثابت و پایدار آن است که همان عناصر فطری فرهنگ است؛ اما بخش غیراصیل هر فرهنگ که الزاماً به معنای بد بودن نیست، ناظر به بُعد طبیعی جوامع است. با این اوصاف نظریه فطرت در جوامع انسانی به‌عنوان بخش اصیل، اصلی و زیر بنایی در مباحث فرهنگ دینی است که سایر نمادهای اجتماعی و تمدنی به‌عنوان بخش

روبنایی و تبعی آن هستند.

۱-۲. نظریه حیات معقول

در میان راه‌های نجات بشر از پوچی و اثبات و اعلان عظمت الهی در زندگی که علامه جعفری از آن به نام حیات معقول و خدمت حیاتی به بشر یاد می‌کند سه راه مهم و اساسی وجود دارد که تاریخ و وجدان بشری (فطرت پاک نهاد) و بالاتر از این دو، خدای بزرگ، لزوم ارائه آن‌ها را به وسیله مشاهده حقیقت زندگی و شهود صاف درونی گوشزد می‌کند. این سه را مهم عبارت است از (جعفری، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۱).

راه یکم. تعلیمات ربانی انبیاء و اولیاء و علمای ربانی

از منظر علامه جعفری ارائه منطقی تعلیمات ربانی انبیای عظام و اوصیای کرام و حکمای راستین و وارستگان از تاریکی‌های ماده و مادیات و پیوستگان به الم عقل والا که ناکنون از طریق گوناگون بشریت را آگاه ساخته‌اند. علمای ربانی و صاحب نظران مخلص و ژرف اندیش، در ابلاغ آن تعلیمات، نهایت تکاپو را مبذول داشته‌اند و هنوز مسیر خود را با کمال جدیت می‌پویند (همان: ۲۱).

راه دوم. انسان‌های رشد یافته و راه یافته در مسیر انبیا

جمع آوری و بررسی نتایج مثبت و سازنده پیروی از ادیان الهی و انسان‌های رشد یافته در مسیر انبیاء عظام و همه وارستگان از آلودگی‌های خود خواهی و خودکامگی. بدیهی است که ادیان الهی در تصفیه اخلاق و تزکیه نفوس انسان‌ها و آشنا ساختن آنان با هدف اعلای زندگی در طول تاریخ، مهم‌ترین نقش را در پیشبرد فرهنگ پیشرو به عهده داشته‌اند (همان: ۲۱).

راه سوم. راه عشق انسان‌های پاک دل و پاک باخته

عشق و علاقه فراوان انسان‌های پاک دل و خردمند به برخورداری از فضیلت‌ها و کرامت‌های والای روحی، هرچند که به دست آوردن آن‌ها، مشقت بار و زجرآور باشد. حد اعلای این فضیلت‌ها و شرافت‌ها پس از قرار گرفتن در شعاع جاذبه ربوبی (خدایی)، انواع فداکاری‌ها و شهادت‌ها در راه نجات دادن خود و دیگران از فقر مادی و روحی است (همان: ۲۲).

چنانچه در مقطع تاریخی این سه به صورت مشترک در یک فرد متجلی شود او به‌عنوان شایسته‌ترین فرد برای راهبری و امامت در میان امت عصر خود خواهد بود. در حقیقت یکی از بارزترین نقاط تاریخی که حکایت تجمیع هر سه راه در شخصیت حسین بن علی علیهم‌السلام تجلی یافت.

ارکان نهضت‌ها و تمدن اسلامی

ایدئولوژی، مردم و رهبری مهم‌ترین ارکان یک نهضت انقلابی مبتنی بر باورهای دینی و بستر اصلی شکل‌گیری و دست‌یابی به نتیجه در یک تحول عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. برخورداری انقلاب اسلامی در ایران از یک ایدئولوژی و مکتب پویا و انقلابی، مشارکت گسترده، فعالانه و ایثارگرانه مردم از همه طبقات، ظهور و نهادینه شدن رهبری مورد قبول عموم مردم با ویژگی‌های شخصی همچون نبوغ، اقتدار، صلابت و جسارت در تصمیم‌گیری، باعث موفقیت آن شد چرا که این انقلاب در هر سه رکن از تمامیت و عظمت بی‌نظیری برخوردار بوده است (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۸۲). از آنجا که ارکان مذکور هم با سرشت خداجو انسانی و هم با عقلانیت اجتماعی حیات بشری گره خورده است، حفظ و تداوم انقلاب و نظام و یا آسیب‌پذیری آن در برابر عوامل انحطاطی منجر به زوال اقتدار نظام خواهد انجامید. ارکانی که به صورت جامع و کامل تحت تأثیر نهضت عاشورا می‌باشد. چرا که بقاء دین با عاشورا پیوند خورده (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۳/۲۶) و انقلاب اسلامی و نظام ج.ا.ایران نیز محصولات محرم است (امام خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۵/۱۱). بازتاب این ارکان سه‌گانه در دیدگاه مقام معظم رهبری به شرح زیر هست:

رکن اول. ایدئولوژی و مکتب پویا

ریشه‌های فکری و اندیشه‌ای نهضت‌ها به عنوان ترسیم‌کننده خط مشی و مسیر حرکت و عقبه‌تئوریک نهضت‌ها مهم‌ترین عناصر مورد توجه اندیشمندان تئوری‌های انقلاب است (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۹۰) و از الزامات تمدن‌سازی محسوب می‌شود. «هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند.

همین‌هائی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند... بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

رکن دوم. مشارکت آگاهانه و فعالانه توده مردم

بخشی از فعالات تغییرات اجتماعی مدیون فعالیت پیاده نظام جامعه است. در حقیقت همراهی افراد به عنوان عناصر شکل دهنده جامعه، تسهیل کننده تغییرات اجتماعی و رفع موانع است (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۵۶). انقلاب که نوعی از تغییرات شدید در اجتماع بوده و تمام عناصر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک اجتماع را تغییر می‌دهد نیز از این قاعده مستثنا نبوده و شاید بتوان گفت که بدون حضور مردم در این تغییر اجتماعی عملاً انقلابی صورت نخواهد گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). در این میان انطباق محتوای نظری انقلاب با سرشت انسان خداجو و توجه منطقی و عقلانی آن به نیازهای اجتماعی جامعه، منجر به حضور آگاهانه و مسئولانه مردم در مسیر انقلاب و پایداری و تعالی بخش آن خواهد شد. «مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه‌های اصلی انقلاب است.» و «انقلاب - اسلامی، یک انقلاب مردمی به تمام معنا بود؛ یعنی واقعاً مردم حضور داشتند - مثل انقلاب خود ما - رهبران هم رهبران صددرصد مردمی و دارای افکار نو و به دنبال ایجاد یک جامعه‌ی مردمی» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

رکن سوم. ظهور و نهادینه شدن رهبری حکیمانه

عنصر بسیار مهمی که به عنوان حلقه واسط میان دو عنصر دیگر در یک انقلاب مطرح هست، رهبری است. بطوریکه جهت‌دهی به حرکت‌های مردمی، اداره کردن و راهنمایی درست مردم، و تعیین ایدئولوژی مناسب و متناسب با حرکت که توجیه کننده و تقویت کننده جنبش‌های مردمی باشد همه و همه با وجود یک رهبر جامع‌الاطراف میسر خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۶۷). یکی از دلایل عدم موفقیت و یا موفقیت همراه با رکود جنبش‌های اسلامی و مردمی دو قرن اخیر بر علیه استکبار و استعمار، نبود رهبری مناسب و مقبول است (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۷۷). بنابراین رهبری معنوی و حکیمانه یکی از محوری‌ترین عناصر ایجاد و

تداوم انقلاب است. «اگر مرکزیت امام نبود، هیچکدام از این کارها نبود... هدایت حقیقی یک حرکت انقلابی و یک نهضت بزرگ در طول مدت چهارده سال و عبور دادن آن از آن همه عقبات گوناگون توسط آن بزرگوار بود... در همه قضایای مهم، حضور امام محسوس بود» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۷۸/۳/۱۴) و «اراده‌ی اسلامی و ایمانی ملت ایران به رهبری امام، این امر محال - شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی - را ممکن کرد؛ این امر نشدنی، واقع شد» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۹۰/۸/۱۱).

با این وجود ایدئولوژی و مکتب پویا مبتنی بر عقبه فکری دینی، مشارکت آگاهانه و فعالانه توده مومن و انقلابی مردم و ظهور و نهادینه شدن رهبری برآمده از آموزه‌های دینی که منطبق بر نیازهای فطری انسان خداجو و عقلانیت توحیدی باشد از مهمترین ارکان نهضت‌های انقلابی - اسلامی در تمدن‌سازی و شکل‌گیری حیات طيبة است.

۱. کالبدشکافی نهضت عاشورا

۱-۱. ماهیت شناسی نهضت عاشورا

انسداد در مسیر ایجاد و توسعه اندیشه و رفتار توحیدی و تحریف مفاهیم و گزاره‌های سازنده اندیشه و رفتار از نخستین روزهای حیات فکری - معنوی بشر و معمولاً با غیبت موقت یا رحلت هادیان منصوص و منصوب الهی (انبیاء و اولیاء صاحب) آغاز می‌شود. از منظر جامعه‌شناختی این انسداد ابتدایی و انحراف بعدی در فرآیند تاریخ اسلام نیز از نخستین ساعت رحلت پیامبر اعظم(ص) در جامعه اسلامی آغاز شده است و درنهایت منجر به خروج تدریجی این جامعه از مسیر توحیدی شده است به گونه‌ای که در مدت کمتر از دو دهه بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص)، مهم‌ترین مدافعان جامعه جاهلی شبه جزیره (قبل از اسلام) یعنی بنی امیه با تغییر و تلطیف چهره، مجدداً در رأس جامعه اسلامی قرار گرفته و جامعه اسلامی را دچار تحریف محتوا و تغییر ساختار نمودند. در حقیقت حوادث بعدی چون نهضت عاشورا تحت تأثیر عوامل و دلایل جامعه‌شناختی ناشی از تغییر صورت و تحریف صورت جامعه اسلامی است. از منظر جامعه‌شناختی و با مرور ادبیات امام حسین (علیهم السلام) مهمترین عوامل انسداد مسیر جامعه توحیدی که در نهایت منجر به ایجاد نهضت عاشورا شد عبارت است از:

۱. درهم آمیختگی مرز میان عزت و ذلت

مسئله عزت طلبی و ذلت گریزی را امام حسین (ع) در خطبه‌های متعدد برشمرده است. «أَلَا إِنَّ الدَّعَى بِنِ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ...: آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم...» (ابن طابوس، ۱۳۴۸: ۹۹-۹۷). منظور حضرت تبعیت از هوس‌ها و خواسته‌های باطل و سکوت در برابر انحرافات دستگاه جور بنی‌امیه است. بدیهی است که عزت زمانی محقق می‌شود که جامعه ارزش‌های خود را لکه‌دار نبیند و بتواند بدون مانع آرمان‌های بلند و والای خودش را معرفی کند و ناگزیر نباشد که زیر فشار دیگران از اهداف و تمایلات مدنظر خود دست بردارد.

۲. درهم ریختگی معیارهای حق و باطل

در واقع امام فلسفه حرکت خود را در محاق رفتن حق و روی آوردن باطل می‌دانند و می‌فرمایند: «أَلَا تَرَوْنَ الحَقَّ لَا یَعْمَلُ بِهِ وَ الباطِلَ لَا یَتَنَاهَى عَنْهُ، لیرَغَبُ الْمُؤْمِنُ فِی لِقَاءِ اللَّهِ؛ مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد. در این صورت انسان مؤمن رغبت لقای خدا را دارد» (موسوی آل اعتماد، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۵۷). اگر امام حسین (ع) بر اصول خودشان پافشاری نمی‌کردند، مسیر قربانی کردن همه ارزش‌های اسلامی آغاز می‌شد و همه سازش می‌کردند و دیگر الگویی وجود نداشت که در تاریخ به او تمسک کنند و با استناد به آن الگو ارزش‌ها را بازسازی نمایند. در تصور امام تخلف از این وظیفه مهم غیرقابل اغماض و بخشش است و باید مقابله حادی با این درهم‌ریختگی معیاری صورت بگیرد.

۳. جابجایی در الگوهای مرجع

از دیدگاه جامعه‌شناختی در نهضت عاشورا جابه‌جا شدن الگوهای برجسته و الگوهای پذیرفته‌شده جامعه بود و آن حضرت به مسئله یزید استناد می‌کند، نسبت یزید به معاویه و معاویه را به ابوسفیان توضیح می‌دهد که اینها آمدند و تدریجاً الگوی مورد توجه جامعه را عوض کردند و چون مردم هم ذائقه فهم بسیاری از امور را ندارند، الگوهای جدید را به راحتی پذیرفتند. امام حسین (ع) نتیجه نهایی جابجایی در الگوها و حاکمیت یزید بر جامعه اسلامی را پایان یافتن اسلام می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّغْتِ الْأُمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ یَزِيدٍ؛ همه از

خداییم و بازگشت ما به سوی خداست و بر اسلام باید سلام فرستاد؛ زمانی که امت اسلام گرفتار حاکمی چون یزید می‌شود» (بحارالانوار، ج ۴۴، ۱۳۶۲:۳۲۵).

۴. نزاهت و عدم نزاهت قدرت

در این زمینه آنچه سبب پیدایش خیزش مهم تاریخی عاشورا شد، مربوط به مسئله حاکمیت است. امام بارها توضیح دادند که یزید حاکم شده و چنان که در بخشی از خطبه‌ای مذکور فرمودند با وجود یزید بر اسلام سلام باد. در واقع تمام بحث را متمرکز نمودند در اینکه باید فاتحه اسلام را خواند، چون حاکمی همچون یزید آمده و بر مسند حاکمیت جامعه دینی تکیه زد از برنامه ریزی و شبکه سازی از قدرت فاسد جامعه را فاسد و از مسیر خودش شده است. به همین دلیل امام حسین (ع) به امیر مدینه که از می‌خواهد با یزید بیعت کند می‌فرماید: «أَيُّهَا الْأَمِيرُ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَحَلُّ الرَّحْمَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا خَتَمَ، وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبٌ خَمْرٍ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمَحْرَمَةِ مُغْلِبٌ بِالْفِسْقِ، وَمِثْلِي لَا يُبَايِعُ لِمِثْلِهِ؛ أَي امیر! ما خاندان نبوت، جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگانیم. به وسیله‌ی ما، خداوند درهای رحمت را به روی بندگان می‌گشاید و می‌بندد. یزید مردی فاسق، شرابخوار، قاتل انسان‌های محترم و مشهور به فسق است. فردی مثل من با چنین کسی بیعت نخواهد کرد» (سالم، ۱۳۸۶: ۹۰).

با این اوصاف در حقیقت پیامد انسداد مسیر جامعه توحیدی، در مدت کوتاهی فهم درست از اسلام، جامعیت اسلام و هندسه صحیح اسلام پس از پیامبر دچار آفت‌های سخت و دگرگونی‌های شگفت‌آور شد و با قدرت گرفتن امویان این انحراف و اضمحلال به اوج خود رسید. امویان در یک پرتو زمانی کوتاه توانستند با گرفتن فهم درست از اسلام و تحریف مفاهیم آن، جامعیت را از اسلام زدودند و لباس تنگ متناسب با نظام قبیلگی، نژادگرایی و جاهلیت سفیانی بر تن آن کردند. آنان هندسه اسلام نبوی را بر هم زدند و چنان نسبتی از امور دینی بر پا کردند که منافع مناسب عشیره‌ای و حمیت قبیله‌ای آنان تأمین و حفظ شود. بدین ترتیب اسلامی خشن و جاهلانه، بی روح و قشرگرایانه، مبتنی بر مدیریت خودکامانه شکل گرفت (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۷). این مسئله علاوه بر دوره بازگشت اولیه به جاهلیت ابتدایی یعنی دوره تسلط بنی‌امیه بر جامعه اسلامی، در دوره دوم یعنی دوره اقتدار بنی‌عباس نیز با

همان محتوا ولی در چهره جدید پیگیری شد و جامعه اسلامی را با تنگنا مواجه کرد و فرهنگ قبیلگی، خانوادگی و قشری گرایانه بنی عباس را توسعه و تعمیق داد. بگونه‌ای که چهره اسلام ناب نبوی در آینه چهره اسلام اموی و عباسی دیده می‌شد. بنابراین ماهیت اصلی این نهضت، بازسازی و بازنمایی تصویر مردم و از اسلام است.

۱-۲. کارکرد شناسی نهضت عاشورا

با مرور مواضع اعلامی (گفتاری) یا اعمالی (رفتاری) ائمه شیعه (علیهم السلام) از آغاز نهضت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شیعه در غدیر و عاشورا تا انقلاب اسلامی و پس از این، می‌توان مجموع اهداف آن‌ها را در ذیل چهار هدف اساسی مطرح شده در سخنان ابوالائمہ حضرت امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) سازماندهی نمود.^۱ مجموعه‌ی مواضع ائمه شیعه، به ویژه دو امام اخیر الذکر نشان می‌دهد که چهار هدف اصلی آنان در عبارت است از:

اول. احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام اصیل و ناب محمدی؛

دوم. فراهم ساختن بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی؛

سوم. اصلاح و بهبود وضع مردم سرزمین‌های اسلامی؛

چهارم. مبارزه با ستمگران جهت تأمین امنیت برای مردم ستمدیده.

بنابراین نهضت امام حسین (علیه السلام) هم جنبه تولی نسبت به پدر بزرگوار (پیامبر) خود داشت و هم صبغه تبری از سنت و سیرت امویان (جوادی آملی، ۲، ۱۳۸۸: ۲۱۵) بنابراین با تکیه چهار هدف ذکر شده در ادبیات ائمه علیهم السلام کارکرد ایجابی و سلبی از نهضت عاشورا ترسیم نمود. این دو کارکرد در دو مقطع زمانی حیات این نهضت و با دو هدف مهم قابل بازخوانی و باز فهمی است. این دو کارکرد از عبارت است از:

۱-۳-۲. کارکرد ایجابی: پرده برداری از چهره و سنت نبوی و اسلام ناب

در نهضت عاشورا ما با یک چهره‌ای از نهضت امام حسین (ع) به‌عنوان وارث حقیقی و سخن

۱. «اللهم آنک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسة فی سلطان ولا التماسی ء من فضول الحطام و لکن لئرد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطم من حدودک؛ خدا یا تو خود آگاهی که آنچه از ناحیه ما صورت گرفت، رقابت در کسب قدرت یا خواهش فزون طلبی نبود، بلکه برای این بود که سنن تو را که نشانه‌های راه تواند باز گردانیم و اصلاح آشکار و چشمگیر در شهرهای تو به عمل آوریم که بندگان مظلوم و محروم امان یابند و مقررات به زمین مانده تو از نو بیا داشته شوند» (نهج البلاغه/خطبه ۱۲۹).

گوی راستین پیامبر و اسلام ناب نبوی مواجه هستیم که در آن تلاش وافر هستند تا ترسیم ذهنی و نمادسازی عینی از مجموعه‌ی خصایل فردی، اجتماعی، سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و حقیقت اسلام ناب ارائه نمایند.

این چهره در حقیقت در مقطع اول این نهضت یعنی از آغاز نهضت از مدینه تا پایان حیات مبارک امام حسین (ع) در عصر عاشورا به تصویر کشیده شده است. امام حسین (ع) در شرایط و مقاطع نیمه اول نهضت عاشورایی خود بارها احیای سنت رسول الله، اصالت دین اسلام و بازخوانی و بازفهمی جامعه نبوی را مورد توجه کلامی و عینیت‌سازی رفتاری خود قرار داده‌اند تا شاید امت غافل از اسلام رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) را به ماهیت و حقیقت چهره و رفتار نبوی و علوی آشنا و متذکر نمایند. چهره‌ای در آن مقطع به خاطر خلع ارتباط مردم با اهل البیت پیامبر (پس از رحلتش) در چهره و رفتار سایر صحابه دیده می‌شود و مردم حاکمان خود را که اغلب از زعمای جور و ستم و یا حداقل متفاوت از پیامبر بود می‌دیدند. امام حسین (ع) در بخشی از وصیت نامه خود به برادرش محمد بن حنفیه هدف از قیامش را عمل به روش جدش و پدرش می‌خواند: «و من از سر مستی و طغیان و فساد انگیزی و ستمکاری قیام نکردم، تنها برای اصلاح در امت جدّم به پا خواستم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفتار نمایم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۲۶). علاوه بر کارکرد پرده برداری از چهره پیامبر و اسلام ناب، سیر در گفتمان مقام معظم رهبری نشان دهنده آن است که کارکردهای ایجابی دیگری برای نهضت‌های اسلامی - انقلابی نظیر عاشورا وجود دارد. برخی از این کارکردها عبارت است از: آرامش بخشی، هماهنگ کنندگی ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، روشننگری و بیدار سازی، معرفت آفرینی، مقوم سازی اراده‌ها، فرصت سازی، عزتمداری، انسجام آفرینی و وحدت سازی، الگودرآزی و جهت دهنده‌گی، هویت سازی و الهام بخشی، اقتدار آفرینی، حیات بخشی، احیاگری، منفعت آفرینی، عدالت آفرینی، امیدآفرینی، مسئولیت سازی، بصیرت آفرین و ترویج دهنده‌گی ارزش‌ها (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۵۹-۴۹).

۲.۳.۲. کارکرد سلبی: پرده دری از چهره حکام جور و اسلام انحرافی

کارکرد دوم نهضت عاشورا عبارت است از پرده برداری از چهره کریه دشمنان پیامبر (ص) در ذیل نمادها و شعائر آن حضرت سفره رنگین دنیا خواهی و قدرت طلبی را گسترده و از این

منافع و منابع اسلامی را به یغما می‌برند. تجلی این کارکرد از نهضت را در حوادث و اتفاقات پس از حادثه عاشورا ملاحظه کرد. ما در این مقطع با یک چهره‌ای از نهضت امام حسین (ع) مواجه هستیم که بازماندگان حقیقی این نهضت یعنی حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) به‌عنوان وارث حقیقی امام حسین (ع) و سخن‌گویان اصلی نهضت عاشورا، تلاش وافری دارند تا چهره واقعی و سخیف بنی‌امیه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پرده برداری کنند. حضرت زینب (س) در خطبه‌ای که در کوفه و شام داشته است مهم‌ترین و نخستین کارش پرده‌برداری از چهره فریبکاری، ظلم و ستم بنی‌امیه بوده است. ایشان در شام و در بارگاه یزید چهره بنی‌امیه چنین رسوا می‌کند: «چگونه می‌توان به حمایت و مراقبت آن کس امید داشت که (مادرش) جگر پاکان را به دهان گرفته (اشاره به داستان هند جگرخوار مادر بزرگ یزیداست) و گوشتش از خون شهیدان رویده؟! و چگونه در دشمنی ما اهل بیت شتاب نکند آن کس که به ما با غرور و با نفرت، خشمگینانه و کینه‌توزانه نگاه می‌کند... جای شگفتی بسیار است که گروهی الهی و برگزیده، به دست حزب شیطان و بردگان آزاد شده، کشته شوند و خون‌های ما از این پنجه‌های (ناپاک) بچکد و پاره‌های گوشت ما از دهان (ناپاک) شما بیرون بیفتد و شما گرگ‌های وحشی پیوسته به سراغ آن بدن‌های پاک و پاکیزه آیدید و بچه‌کفتارها آن‌ها را به خاک بمالند؟...» (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۳۹۳).

چنانکه در سخنان حضرت زینب (س) می‌بینیم این چهره از نهضت عاشورا در حقیقت در مقطع دوم این نهضت یعنی از عصر عاشورا و پایان حیات مبارک امام حسین (ع) و از گودال قتلگاه به شکل نمادین آغاز و تا رسوایی بنی‌امیه دنبال می‌شود و در ادامه در تمام تاریخ مبنای می‌شود که به تبع آن سایر دولت‌های مدعی اسلامی ولی دور از حقیقت اسلامی رسوا شوند. بازماندگان حقیقی نهضت عاشورا در این در شرایط و مقاطع نیمه دوم نهضت عاشورایی خود بارها به کانون اصلی تصویرسازی مبهم و نارسا از چهره زعمای جور حمله می‌کنند و در توجیحات کلامی و عینیت‌سازی رفتاری خود، حقیقت وجودی آنان در کسب مطامع دنیوی و به حاشیه راندن حقیقت دین و خاندان رسالت را مورد حمله قرار می‌دهند. این پرده برداری از چهره بنی‌امیه تنها یک اتفاق تاریخی نیست بلکه یک درس همیشگی و ماندگار برای همه اعصار تاریخی تا آستانه ظهور است که در آن مریدان اهل‌البیت با کنار زدن وجهه ظاهری حکام جور و ستم، چهره مشوش و نامتعادل معرفی شده آنان را روشن و بی‌پیرایه به جامعه بشری معرفی نمایند.

علاوه بر کارکرد پرده دری از چهره حکام جور، سیر در گفتمان مقام معظم رهبری نشان دهنده آن است که کارکردهای سلبی دیگری برای نهضت‌های اسلامی - انقلابی نظیر عاشورا وجود دارد. برخی از این کارکردها عبارت است از: ظلم ستیزی، پندآموزی، عبرت اندوزی، تذکر دهنده‌گی، درون نگری، دگرگون سازی و هشدار دهنده‌گی (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۵۹-۴۹).

پیامدهای راهبردی نهضت عاشورا

کارکرد ایجابی نهضت عاشورا در پرده برداری از چهره حکام جور و اسلام انحرافی، پیامدهای زیادی در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پس از نهضت عاشورا داشت که مهمترین این پیامدها از منظر راهبردی عبارت است از:

اولین پیامد راهبردی. بازسازی فهم از اسلام: پس از پیامبر اکرم (ص) و در ادامه با شدت و ضعف متفاوت تا غیبت صغری، فهم درست از اسلام چنان به انحراف گراید که قرائت‌های از اسلام پیدا شد که هیچ نسبتی با اسلام پیامبر ندارند. هر یک از قدرتهای مسلط تحت لوای خلیفه حاکم، تلاش کردند تا چهره اسلام را رنگ و لعابی نو بزنند تا توجیه‌گر صورت و صیرت اندیشه و رفتار خلیفه باشد. بنابراین اسلام را به گونه‌ای تفسیر و تبیین کردند که تثبیت کننده و تضمین کننده منافع اجتماعی و خودکامانه خلفاء باشد. این فرآیند درنهایت به تغییر گزاره‌های فکری و باورهای مردم انجامید به گونه‌ای پس از مدت کوتاهی تعداد قابل توجهی از اسلام‌های فرقه‌ای ظهور کرد: اسلام خلفا، اسلام خوارج، اسلام امویان، اسلام عباسیان، اسلام عثمانیان، اسلام صفویان و دیگران. هر یک تا توانسته‌اند اسلام ناب را مسخ کردند.

آن‌ها خواهان اسلامی بی‌هویت بودند تا بر مردمانی بی‌هویت به راحتی حکومت کنند: اسلام اسارت و ذلت و ظلمت تا مردمان را در ذیل آن به راحتی به اسیری و خواری و ستم پذیری بکشانند. در چنین شرایط امام حسین (ع) با برپا کردن نهضت عاشورا، نشان داد که اسلام مکتب حریت و عزت و عدالت است و با حماسه‌ای خونین این فهم از اسلام را جاودنگی بخشید؛ بنابراین نهضت عاشورا نهضت زدودن اسلام از پیرایه‌ها و ارائه فهم درست آن بود چرا که امام حسین (ع) وارث اسلام ناب بود و آیین حریت، عبودیت، عزت و استقامت را از آن به ارث برده بود. با این وصف این فهم بی‌پیرایه از اسلام چگونه می‌توانست تن به اسارت و ذلت بسپارد و در

برابر ستم و ستمگران استقامت نورزد و شاهد آن باشد که باطل صحنه گردانی کند و مردمان را به بندگی غیر خدا وادارد. چراکه آیین حسینی، آیین زندگی در پرتو کرامت انسانی و عزت ایمانی است و مبارزه در راه تحقق عدالت اجتماعی و سعادت حقیقی؛ و زندگی در سایه خواری و پستی، جز تباهی و بدبختی نیست (همان: ۳۹-۳۵).

دومین پیامد راهبردی ترسیم جامعیت اسلام: اسلام زمانی حیات بخش و سعادت آفرین است که در شکل جامع‌اش مطرح شود و همه وجوه آن مورد توجه قرار گیرد. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) به تدریج، وجوهی از اسلام را تعطیل کردند و امویان و حکومت‌های ستمگر پس از آنان در جهت منافع خود، اسلام را از جامعیت انداختند. چنانکه امام صادق (ع) در باره این حرکت بنی امیه و تخدیر جامعه اسلامی فرموده است: «إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَ لَمْ يَطْلُقُوا تَعْلِيمَ الشَّرْكِ؛ لِكَيْ إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ؛ بَنِي أُمَيَّةَ أَمَوُخْتَنَ إِيْمَانَ رَا بَرَاءَ مَرْدَمِ أَرَادَ كَذَابَتَهُنَّ، أَمَا شَرَكِ شِنَاسِي رَا أَرَادَ نَكْذَابَتَهُنَّ تَا أَرَا أَنَانَ رَا بَه شَرَكِ بَكْشَانَدَن، مَرْدَمِ مَتَوَجَّهَ نَشُونَد» (کافی، ج ۲، ۴۱۵-۴۱۶). بنی امیه با اتخاذ سیاست افراطی گرایي (مسلک مرجعه) رویکرد اشعری خود، مردم را مشغول ظواهر و نمادهای شریعت همچون نماز، روزه و حج مشغول کردند، اما اجازه نمی‌دادند مردم با شرک و راه و رسم مشرکانه خود آشنا شوند (دلشاد، ۱۳۹۴: ۴۶-۴۷).

بنی عباس نیز در دوره پس از بنی امیه همین روند را در شکل جدید آن از طریق اتخاذ سیاست عقل‌گرایی تفریبطی و رویکرد اعتزالی اتخاذ کردند و جامعه را به بحث‌های حاشیه‌ای مثل فلسفه و منطوق و واژه‌های نظیر شرک و ایمان، حق و باطل مشغول و عملاً از تطبیق مصادق شرک و کفر و حق و باطل باز میداشتند. در حقیقت بنی امیه و بنی عباس و سایر رژیم‌های عشیره‌ای و قبلیگی مسلط در عصر پس از رحلت تاکنون اجازه نمی‌دانند مردم درک کنند سیاست، حکومت، مدیریت و تربیت طاغوتی، حمیت عشیره‌ای چیست و چه تفاوتی با نمونه نبوی آن دارد.

با این اوصاف نهضت عاشورا حسینی مبارزه عملی و فرهنگی خود را به منظور پیاده سازی اجزاء مکتوم و برزمین مانده اسلام ناب نبوی را هدف خود می‌داند و تلاش می‌کند برای رسیدن به این هدف مهم لباس جاهلیت پوشانده شده بر اسلام ناب از سوی دستگاه خلافت را از حقایق توحیدی و جامعه نبوی بردارد. در این زمینه امام حسین (ع) در نامه به مردم بصره می‌فرمانویسد: «وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (صَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ

أَمِيتَ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتَ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ؛ و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم، چراکه (این گروه) سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از بین برده و بدعت (در دین) را احیا کردند، اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم» (طبری، ج ۴، ۱۳۹۱: ۲۶۶-۲۶۵). با این وجود چنین اسلامی در برگزیده سطح زندگی انسان از گذشته تا حال و تا آینده از یک سو و در برگزیده عمق حیات انسان و جامعه یعنی در برگزیده امور مادی و طبیعی و ماوراء الطبیعه از سوی دیگر است؛ بنابراین نهضت عاشورا نشان دهنده جامعیت اسلام است که در آن: حکمت و معرفت، سیاست و حکومت، مادیت و معنویت، رفاقت و عدالت، مودت و محبت، خدمت و عبویت و... (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۵۵) به صورت بالقوه در فطرت انسان وجود دارد و به صورت عینی در حیات طیبه انسان و جامعه متجلی می‌شود.

سومین پیامد راهبردی. تصحیح هندسه اسلام: اسلام اعضا و جوارحی دارد و اگر این اعضا و جوارح را درست در کنار هم قرار ندهیم، درست مثل این است که چند پاره خط داشته باشیم، با آن‌ها هم می‌توانیم شکل نامنظم درست کنیم و هم می‌توانیم شکلی منظم بسازیم. می‌توانیم شکل معتدل و منطقی یا بالعکس از آن را ارائه کنیم. هندسه درست دین را باید پیدا کرد. هندسه درست دین با غدیر معنی شد. این هندسه در سیره تجلی پیدا کرده است. اگر این هندسه یافت نشود می‌تواند با وجود تمام پاره خط‌ها راه به جایی نبرد. به تعبیر دیگر ترسیم زیست درست اسلامی مبتنی بر ترسیم هندسه اصلی دین است که از طریق قرآن و سیره در غدیر الگو پردازی و مستحکم شد. «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...؛ ای پیامبر! آن چه را از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، پیامش را نرسانده‌ای...» (مائده/۶۷).

بنابراین برای تبیین هندسه درست اسلام باید به سراغ الگوی غدیر مستتر در سیره و قرآن رفت. اصل و ریشه در قرآن قرار دارد. بعد، راه و رسم پیامبر اکرم (ص) برایتان پیدا می‌شود و در امتداد آن سبک و سیاق امیرالمؤمنین و ائمه اطهار و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) منبع استخراج سیره است. در نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام علی (ع) می‌فرماید: آن جاهایی که در فشار و تگنا قرار می‌گیرید، معضلی است، کارتان را به خداوند و رسول اکرم (ص) محول کنید. خدای سبحان نیز به مومنان توصیه می‌کند برای رسیدن به مقصود به منبع آن دست یابید و اطاعت

از خدا و رسول و اولیاء منصوب را مبنا قرار دهید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر (اوصیای پیامبر) را!...» (نساء/۵۹).

نهضت عاشورا به دنبال بازنمایی هندسه نو اما متکی بر حجیت وحی و سنت نبوی است که به دلیل تغییر معماران آن پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) از قالب انتصاب الهی به شکل وراثت سببی تغییر یافته است؛ و دستاورد آن برای جامعه اسلامی غصب حکومت از طریق پوشاندن حقیقت و تغییر مناسبات و شعائر دینی جامعه اسلامی به نفع حاکمان و به ضرر مومنان و مظلومان است. امام حسین (علیهم السلام) در خصوص خروج خود بر علیه دستگاه خلافت وراثتی شده بنی امیه می فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسُّسَ مِنْ قُضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ أَحْكَامِكَ؛ خداوند! تو می دانی که آنچه از ما (در طریق تلاش برای بسیج مردم) صورت گرفت، به خاطر رقابت در امر زمامداری و یا به چنگ آوردن ثروت و مال نبود، بلکه هدف ما آن است که نشانه های دین تو را آشکار سازیم و اصلاح و درستی را در همه بلاد بر ملاً کنیم تا بندگان مظلومت آسوده باشند و فرایض و سنت ها و احکامت مورد عمل قرار گیرد» (بحار الانوار، ج ۹۷، ۱۳۶۲: ۷۹). البته حضرت راهکار و ابزار لازم جهت جامه عمل پوشاندن به این هدف را، در عنصر «امر به معروف و نهی از منکر» می دانند. از این رو در وصیت نامه خود به محمد بن حنفیه می نویسند: «...أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ سِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ ...می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب (ع) رفتار کنم» (همان، ج ۴۴، ۳۲۹).

این بازنمایی از هندسه اسلامی در نهضت های شیعی نیز قابل درک و ترسیم است. چرا که درس آموزی در تمامی دوران حیات شیعه یک نهضت مستمر و در عین حال پویا و توأم با رشد فزاینده کمی و کیفی ادامه داشته است. بدین معنا که جامعه شیعه همواره و بدون عقب گرد، هم به لحاظ گستره جغرافیائی و هم از جهت تعمیق باورها و ایمان ها، به سمت فزونی حرکت کرده است و حتی در دوران غیبت صغری از حرکت باز نایستاده است. این رشد را می توان در مقاطعی چون سالهای ۳۵ (رویش و پرورش نیروهای خاص در کنار امیر المومنین)، ۶۱ (شروع نهضت های سیاسی و نظامی ضد اموی)، ۱۳۲ (اسقاط حکومت بنی امیه)، ۲۰۱ (نفوذ و اقتدار اجتماعی امامان)، ۲۶۵ (اتکاء جامعه شیعه به خود در بقاء)، ۳۲۹ (توان کشف نائب امام زمان)،

قرن ۱۴ (انقلاب اسلامی ایران) و... مشاهده کرد.

با این وصف باید با مراجعه به منابع و سرچشمه، نقشه زیست اسلامی را استخراج و هندسه اسلام که توسط جریان‌های متکی بر قدرت و ثروت با باورها و تعصبات قبیله‌ای و عشیره‌ای مخدوش و ممزوج شده است را بازفهمی و بازسازی مستمر و دایمی کرد که با نهضت رشد دهنده عاشورا ارتباط بنیادین دارد. و این میسر نمی‌شود مگر اینکه سبک زندگی را بر مبنای اصول اساسی زیست اسلامی - انقلابی ترسیم نو به نو نمود و سپس آن را در وجه مادی و معنوی حیات انسانی و اجتماعی جاری و ساری کرد. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی اسلامی و اصول اساسی زیست مسلمانی را این‌گونه معرفی می‌کند: «هرزبانی، حریم داری و پرواپیشگی، پایبندی به کیفیت استخدام وسیله، اعتدال و میانه روی، اصل پارسایی، اصل تکریم، پاسداشت حقوق، رفق و مدارا، صراحت و صداقت، اصل پایبندی به عهد و پیمان و اصل عدالت» (دلشاد تهرانی، fajr57.ir).

تأثیرپذیری نهضت‌های اسلامی - انقلابی از نهضت عاشورا

نهضت‌ها به فراخور ماهیت خود از ابعاد، زمانی، مکانی، محتوای و بسترها و عوامل درونی آن‌ها نظیر محیط، بازیگران و... تأثیری پذیرند و هم بر این عوامل تأثیرگذارند. با وجود اهمیت ابعاد زمانی و مکانی در نهضت‌ها، مهم‌ترین بعد نهضت‌های دینی - انقلابی ابعاد محتوایی نهضت‌ها است. این بعد از نهضت‌ها از یک سو علت وجودی و علت مبقیه خود نهضت و نهضت‌های بعدی را توجیه منطقی می‌کند و از سوی دیگر سازماندهی و ساماندهی جهت‌ها و اهداف نهضت‌های تأثیرپذیری را بر عهد می‌گیرد. از نظر شهید مطهری نهضت عاشورا (به‌عنوان مهم‌ترین نهضت حیات بشری) دارای دو بعد عقلی و عاطفی است و راز بقای امام حسین نیز از یک طرف، در منطقی بودن و حمایت عقل از نهضتش دارد و از طرف دیگر راه یافتن آن به عمق احساسات و عواطف است (مطهری، جلد ۲۴، ۱۳۸۷: ۴۷۴). از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز مهم‌ترین ابعاد محتوایی نهضت‌های اسلامی - انقلابی را عبارت است از: بعد تهییجی، بعد تبشیری، بعد تنویری و بعد تنذیری (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۶۰). با تکیه بر دسته بندی چهارگانه مذکور (که در حقیقت شکل توسعه یافته نظریه شهید مطهری است) می‌توان مهم‌ترین دست آور ابعاد محتوای نهضت‌های اسلامی - انقلابی (به ویژه نهضت عاشورا) ایجاد

زمینه و ظرفیت عقلی و عاطفی انسانی و قابلیت اجتماعی دانست که هدف نهایی آن شکل دهی به انسان و جامعه زمینه‌سازی ظهور است.

با این اوصاف سیر در آراء و اندیشه‌های اسلامی به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) - نشان دهنده آن است که از منظر محتوایی نهضت عاشورا به دلیل کارکردهای ایجابی و سلبی و پیامدهای آن، به‌عنوان بن مایه و ریشه تمامی نهضت‌های انقلابی - اسلامی تاریخ اسلام به طور اعم و تاریخ تشیع هستند و نهضت‌های تاریخ اسلام از جمله انقلاب اسلامی تحت تأثیر محتوای عقلانی و عاطفی این ابعاد از نهضت‌های اسلامی - انقلابی تأثیرپذیرفته‌اند؛ که ابعاد و مؤلفه‌های مرتبت بر آن‌ها دانست:

تهییجی: از منظر روانشناسی اجتماعی، هنجار هیجانی می‌تواند زمینه‌ساز جهت دهی به نیازهای روحی - روانی و فعال‌سازی بستر شخصیتی انسان برای هدایت از نیازها به اهدافش شود. هیجان‌ها انگیزه سازند و انگیزه‌های اساسی می‌توانند تولید رفتار می‌کنند. هیجان‌ها در افکار اولویت ایجاد می‌کنند (منجر به پدید آمدن تفکرات خاص می‌شوند). ارزیابی شناختی از هر موقعیت می‌تواند هیجانی خاص ایجاد کند و داشتن حالت هیجانی خاص بر نحوه ارزیابی از موقعیت اثرگذار است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۱۰-۷۰۹). بر همین اساس در روان‌شناسی هیجانی معمولاً به احساس‌ها و واکنش‌های عاطفی اشاره می‌شود و هر رفتار هیجانی از سه مؤلفه اساسی برخوردار است:

۱. مؤلفه شناختی: افکار، باورها و انتظاراتی که نوع و شدت پاسخ هیجانی را تعیین می‌کنند.

۲. مؤلفه فیزیولوژیکی: که شامل تغییرات جسمی در بدن است.

۳. مؤلفه رفتاری: به حالت‌های مختلف ابراز هیجان‌ها اشاره می‌کند.

تهییج در مبانی و اندیشه دینی زمینه‌ساز برانگیختگی غیرت دینی منتهی به رفتار حماسی است. «خداوند سبحان برای تهییج و برانگیختن غیرت و روح حماسی مسلمانان فرمود: نبرد کنید با آن‌ها که سالیانی دراز با قتل و شکنجه شما را آزرده‌اند و اکنون نیز با شما سرستیز دارند» (جوادی آملی (۱)، ۱۳۸۸: ۵۶۸) و تهییج به تداوم راه الهی در مسیر نهضت‌های انقلابی - اسلامی ضروری است. «تجربه‌های شیرین و هیجان‌انگیز و موفقیت‌آمیز ما، مشوق این ملت است، برای اینکه راه خدا و اسلام و قرآن را همچنان ادامه بدهد.» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۶۹: ۴۱۹) و تهییج منجر به ایجاد جاذبه برای سایر مسلمانان و حیات بخشی فطرت‌ها انسانی می‌شود. «آن‌ها - دشمنان اسلام - می‌ترسند، چون می‌بینند که این انقلاب جاذبه دارد. هر جا

در دنیا مسلمانی هست، وقتی سر بلند می‌کند و چشمش به این پرچم برافراشته و به اهتزاز درآمده می‌افتد، به هیجان می‌آید و احساسات اسلامی در او زنده می‌شود. شما ببینید از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیجانانگیز و احساسات و حرکات اسلامی و موفقیت‌های گروه‌های مسلمان در منطقه‌ی اسلامی، چقدر زیاد شده است!» (امام خامنه‌ای بیانات، ۷۱:۱۳۷۹)

بنابراین بعد تهییجی نهضت عاشورا یکی از عوامل ظهور، بقاء و تداوم سایر نهضت‌های شیعی و انقلاب اسلامی به‌عنوان دست‌آور تاریخی تفکر شیعه هست. سیر در ادبیات اسلامی به ویژه ادبیات گفتمان ولایت فقیه حاکی از آن است که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار نهضت عاشورا در بعد تهییجی نهضت‌ها عبارت است از: اعجاز‌آفرینی، عزت‌طلبی، ارزش‌خواهی، افتخار‌آفرینی و هویت‌سازی (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

بعد تبشیری: «تبشیر» در لغت به معنی: مزدگانی دادن، مژده دادن (لغت‌نامه دهخدا) و مژده آوردن و بشارت است (فرهنگ فارسی معین) و از مقوله تشویق است (مطهری، جلد ۱۶، ۱۳۸۷: ۱۵۴) و بَشْر: بشارت در عرف عام به معنای گزارش مسرت‌بخش است. اما با توجه به ریشه اصلی این واژه که از واژه بَشْر گرفته شده است حزن‌انگیزی هم از معنای آن است (جوادی آملی (۱)، جلد ۲، ۱۳۸۸: ۴۶۶).

در قرآن کریم «تبشیر و انذار مقرون به یکدیگر است، یعنی از یک طرف بشارت است و نوید و از طرف دیگر انذار و اعلام خطر... در دعوت، این هر دو رکن باید توأم باشد. البته قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد: بَشِيرًا وَ نَذِيرًا، مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (پیشین: ۱۵۵) که راز تقدیم بشارت بر انذار، در تقدّم رحمت الهی بر غضب او از یک‌سو و رجحان اصل سلامت بر زدودن بیماری از سوی دیگر نهفته است: «سُبْحَانَ الَّذِي سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» که در این صورت به لحاظ تشریح الهی است. ولی تقدیم انذار بر تبشیر: «إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۱۸۸) به لحاظ حال بندگان از منظر دیگر است، چون بسیاری از مردم به وسیله ترس از دوزخ اصلاح می‌شوند (جوادی آملی (۱)، ج ۱۰، ۱۳۸۸: ۳۹۴)؛ البته توجه به این نکته مهم است که «در قرآن، بشارت مخصوص مؤمنین است؛ اما انذار برای همه است. مؤمن و کافر مورد انذارند» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۸۴: ۲۶۱). بنابراین بعد تبشیری نهضت‌ها گذشته و آینده (اعم از بهجت و غرور و حزن و اندوه) با هدف دستیابی به منافع فاخر دنیوی و مواهب فضل اخروی عامل محرک برای آمال و آرزوهای انسان فطرت سرشت و دین منش و انقلابی روش است که منجر

به ایجاد تحول درونی و بیرونی می‌شود. این تحول در ایجاد، حمایت از بقاء و تداوم انقلاب اسلامی به‌عنوان دست‌آور تاریخی تفکر شیعه به خوبی متجلی شده است. سیر در ادبیات اسلامی به ویژه ادبیات گفتمان ولایت فقیه حاکی از آن است که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار نهضت عاشورا در بعد تبشیری نهضت‌ها عبارت است از: انسان (مردم) محوری، ظرفیت‌آفرینی، تکلیف‌مداری، گفتمان‌سازی، تحول‌مداری و تعامل محوری (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

بعد تنویری: «تنویر» در فرهنگ لغات به معنی «روشنگری» (لغت‌نامه دهخدا) و در علم فلسفه دارد که به معنای روشن کردن حقیقت به کمک عقل و تجربه است (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۲۵۶) و از نظر کانت، اندیشیدن اصل و پایه روشنگری است. (ارهادبار، ۱۳۷۶: ۹۷) و روشنگری به انسان قدرت عمل نیز می‌بخشد تا بتواند برای بهتر زیستن تلاش کند (پیشین: ۲۵۶).

یکی از محصولات اصلی روشنگری توجه به حوزه‌های مختلف عقلانیت و تفکر انسانی بود. افکار عمومی^۱ به طور عمده محصول دوران روشنگری است. این اندیشه با فلسفه‌های سیاسی لیبرالی اواخر قرون هفدهم و هیجدهم (لاک و روسو) و به ویژه تئوری دمکراتیک قرن نوزدهم تلفیق شده است. (پرایس، ۱۳۸۱: ۲۱) افکار عمومی به‌عنوان هدف تنویر زمانی بوجود می‌آید که موضوع یا مسئله‌ای مورد توجه عمومی وجود داشته باشد. مسئله مزبور باید تا آن حد حیاتی باشد که مردم را به موضع‌گیری در خصوص آن وا دارد (نصر، ۱۳۸۰: ۴۱۴-۴۱۱).

فعالیت‌های تنویری و روشنگرانه موضوع و هدف محور بر روی افکار عمومی، به ویژه در مراکز دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهضت‌های اسلامی - انقلابی و از جمله انقلاب اسلامی ایران دارد. «یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند. جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به‌عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته‌ی رژیم طاغوت شد» (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۷۵: ۱۴۵). این اقدام روشنگرانه به ویژه با تکیه بر معارف نهضت عاشورا دارای وسعت و عمق بیشتر و مؤثرتری بود.

موضوع تنویر و روشنگری در همه دوران تاریخی از اهداف متولیات دین بوده است به‌عنوان

مقام معظم رهبری در مورد فعالیت‌های تنویری سید الشهداء می‌فرمایند: «امام حسین (علیه‌السلام) امامت اسلامی را به چنین چیزی تبدیل کرده بودند: يعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان. امام حسین (علیه‌السلام) در مقابل چنین وضعیتی مبارزه می‌کرد. مبارزه‌ی او بیان کردن، روشنگری، هدایت و مشخص کردن مرز بین حق و باطل - چه در زمان یزید و چه قبل از او - بود (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۸۱: ۳).

بنابراین بعد تنویری از طریق جلب توجه به مسائل مطرح شده در نهضت عاشورا، بن مایه اندیشیدن و اندیشیدن جهت دهنده رفتار اجتماعی و سیاسی مردم در تمامی نهضت‌ها از جمله انقلاب اسلامی ایران است. با این اوصاف نهضت عاشورا، از این طریق مسئله سازی، جلب توجه عمومی، طرح مباحث و ایده سازی و ارائه راه حل‌ها عملاً جامعه را در مسیر اهداف مسائل اصلی و اساسی جامعه قرار می‌دهد و از این طرق هم مقاومت را در برابر فشارهای بیرونی تقویت می‌کند و هم خواسته‌های جامعه را با اصلاح و تغییر وضع موجود به سوی وضع مطلوب هدایت می‌کنند. بنابراین بعد تنویری نهضت عاشورا مهم‌ترین عامل ظهور و تداوم انقلاب اسلامی به‌عنوان دست آور تاریخی تفکر شیعه هست.

سیر در ادبیات اسلامی به ویژه ادبیات گفتمان ولایت فقیه حاکی از آن است که مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار نهضت عاشورا در بعد تنویری عبارت است از: درس آموزی، پیام رسانی، جهت دهنده‌گی، الگوسازی، بصیرت آفرینی و روشنگری (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۶۵).

بعد تنذیری: معنای لغوی واژه «تنذیر» هراس، بیم و پرهیز داشتن آمده است. «ولی کاملاً رسا نیست، زیرا بیم دادن ترجمه تخویف است... انذار اعلام خطر است یعنی اگر آینده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشته باشد و شما از حالا به او خبر بدهید و او را بترسانید، این نوع خاص از ترساندن را انذار می‌گویند. به نظر می‌رسد که واژه هشدار که امروز در فارسی معمول شده است با این مفهوم نزدیکتر است. پیامبران هشداردهنده هستند» (مطهری، ج ۲۶، ۱۳۸۷: ۱۲۵) و معمولاً پیغمبران وقتی فرستاده می‌شوند که مردمی گمراه باشند و نیاز به مُنذِر دارند... مِنْ قِبَلان یأتیهِمْ عذاب الیمّ قبل از آنکه عذاب دردناکی به آن‌ها برسد آن‌ها را اعلام خطر کن (همان: ۷۴۹). بنابراین از نظر علمی و در ادبیات قرآنی انذار یک دستورالعمل دینی است که جزء شئون رسالت است: «انذار و تبشیر را به‌عنوان یک برنامه قرآنی از شئون رسالت هستند» (همان: ۷۰۲). پس کاربرد انذار بخش جدایی ناپذیر از فرایند تربیت اسلامی است که

به‌عنوان عامل تحرک بخش و پسینی به‌یاری تبشیر به‌عنوان یک عامل پیشینی در امر هدایت کمک می‌کند (امام خامنه‌ای بیانات، ۱۳۷۸: ۱۱).

اولویت انذار در ابلاغ رسالت از سوی پیامبر به دلیل تأثیرگذاری بیشتر آن در مخاطبان آیات الهی است. «خدای سبحان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بشیر، نذیر، مبشر و منذر معرفی کرد اما «حصر» را تنها در مورد انذار به کار برد و فرمود: کار تو فقط انذار است: إن أنت إلا نذیر (فاطر/۲۳)، إنما أنت منذر ولكل قوم هاد. (رعد/۷) و نبی اکرم هم فرمود: إن أنا إلا نذیر مبین. (شعرا/۱۱۵). من فقط برای انذار و ترساندن مبعوث شدم. این حصر نسبی، برای آن است که مسئله هراسناک بودن از قیامت، بیش از هر چیز دیگر مؤثر بوده و تهدید بجا مهمتر از تحبیب می‌باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۲۹). بنابراین بعد تنذیری عامل ظهور و تداوم انقلاب اسلامی به‌عنوان دست آور تاریخی تفکر شیعه هست. سیر در ادبیات اسلامی به ویژه ادبیات گفتمان ولایت فقیه حاکی از آن است که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار نهضت عاشورا در بعد تنذیری عبارت است از: تذکر دهندگی، تهدید کننده، ممیزدهنده، ریزشی و رهایی (مطالعه گروهی، ۱۳۹۴: ۶۵).

در مجموع مهمترین کارکرد ابعاد تهیجی، تبشیری، تنویری و تنذیری نهضت بزرگ عاشورا زنگارزدایی از عواطف و احساسات سرشت و فطرت خداجو و آزادی منش سرمایه‌های انسانی و جامعه انسانی، اسلامی و شیعی با تکیه بر مؤلفه‌های ماندن: حیات بخشی، عزت طلبی، ارزش خواهی، هویت سازی ظرفیت آفرینی، تکلیف مداری، گفتمان سازی، تحول مداری، درس آموزی، پیام رسانی، جهت دهندگی، الگوسازی، بصیرت آفرینی، روشنگری، تذکر دهندگی، تهدید کنندگی، ممیزدهندگی و رهایی بخشی است.

نتیجه گیری

انسان تحت تأثیر فطرت، عقل و ادراک خود رابطه میان داشته و خواسته‌های خود را تمیز می‌دهد و قوه شوقیه، ادراک او را به‌سوی منابع و مواهب مادی و معنوی هدایت می‌کند. به تعبیر دیگر انسان به فراخور اینکه دارای دو وجه روحانی و نفسانی است و نیازهای ادراکی به‌عنوان قوه عامله جهت می‌دهد و نیازهای عاطفی در قوه شوقیه انسان میل ایجاد می‌کند او را به‌سوی منافع مادی و معنوی می‌کشاند؛ بنابراین در میان پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، هر پدیده‌ای که بتواند بهترین و معتبرترین پاسخ‌ها را به خواسته و نیازهای ترکیبی او

(مادی و معنوی) بدهد بیشتر مورد توجه انسان و محبوب انسان او و جامعه قرار می‌گیرد و مسیر حرکت را به‌سوی خود (پدیده مورد نظر) تنظیم می‌کند.

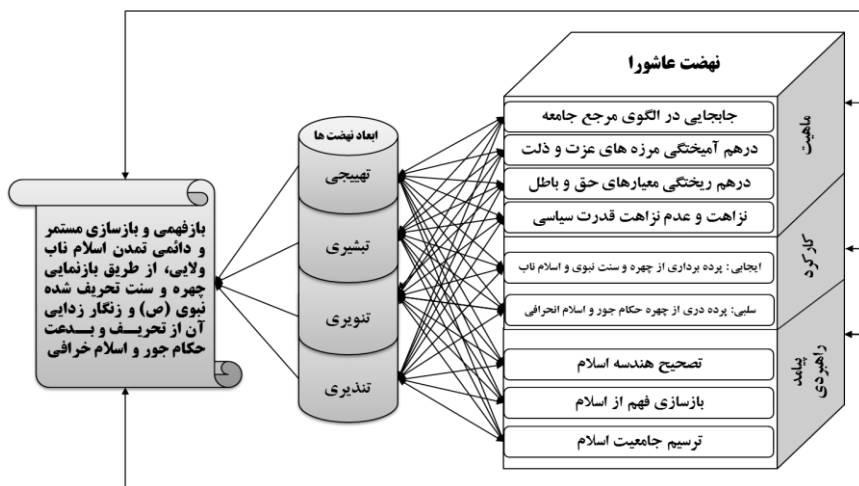
به دلیل سرمایه اجتماعی (اعتماد، اعتبار، منزلت و امید) ولایت مداری کنشگران اصلی و محتوایی بی‌پیرایه و معتبر درونی نهضت عاشورا، اندیشه و رفتار شیعه برای بقاء و تداوم خود به‌صورت دائمی در وجه ادراکی و عاطفی در حال عبرت‌گیری، درس‌آموزی و ارجاع به این نهضت است. شیعه تلاش می‌کند با تکیه بر این نهضت، بیماری درهم‌آمیختگی مرز میان عزت و ذلت، درهم‌ریختگی معیارهای حق و باطل، جابجایی الگوها مرجح و نزاهت و عدم نزاهت قدرت جامعه اسلامی را دفع و رفع نماید و این میسر نشده است مگر تکیه بر سه اقدام راهبردی نهضت عاشورا در بازسازی فهم از اسلام، ترسیم جامعیت اسلام و تصحیح هندسه اسلام. بنابراین بقاء شیعه و تفکر آن تحت تأثیر هدف نهضت عاشورا یعنی: «بازسازی و بازنمایی تصویر مردم و جامعه اسلامی از اسلام حقیقی» است.

اهل‌البیت (به‌ویژه امام حسین و حضرت زینب) علیهم‌السلام به دلیل ارتباط بی‌واسطه و اتصال بی‌پیرایه به پیامبر اعظم (ص) وارث حقیقی پیامبر و اسلام ناب هستند و حرکت ایجابی آنان هم‌صورت حقیقی نبوی و هم‌سیرت عملی آن حضرت را به نمایش می‌گذارد. و تلاش‌های سلبی اهل‌البیت علیهم‌السلام منجر به کنار زدن پرده نفاق و تزویر از چهره حکام جور و ظلم (به‌ویژه حکام بنی امیه، بنی عباس و...) و رسوایی اسلام انحرافی آنان برای انسان، جامعه و تاریخ بوده و هست. بنابراین مبانی نظری و رفتاری پاسخ‌طلبی به نیازهای ادراکی و عاطفی از طریق رجوع دائمی به ابعاد محتوایی (تهییجی، تبشیری، تنویری و تندی‌ری) نهضت دارد.

به تعبیر بهتر این نهضت از یک‌سو بازفهمی از اسلام، ترسیم جامعیت اسلام و تصحیح هندسه اسلام اندیشه ناب سرمایه‌های انسانی را فعال و روزآمد نگه می‌دارند و از سوی دیگر ابعاد محتوایی این دوآن‌نظر شامل: بعد تهییجی، بعد تبشیری، بعد تنویری و بعد تندی‌ری، و مؤلفه‌های مترتب بر این ابعاد توانسته است محرک عواطف پاک و آمال و آرزوهای انسان فطرت سرشت و دین منش شیعه شود و زمینه تحول درونی و مقاومت بیرونی و انقلابی شیعیان را در طول تاریخ تسهیل و تسریع نماید و پویایی و کارآمدی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه شیعی را فعال نگه‌داشته و از این طریق بقاء شیعه و تفکر آن را تضمین نماید.

بنابراین علت موجد (علت وجودی) و علت مبقیه (علت بقاء) اندیشه و رفتار شیعی،

تأثیرپذیری حداکثری و بی‌پیرایه از دکترین نهضت عاشورا است. این دکترین عبارت است از: «بازفهمی و بازسازی مستمر و دائمی تمدن اسلام ناب ولایی، از طریق بازنمایی چهره و سنت تحریف شده نبوی (ص) و زنگار زدایی آن از تحریف و بدعت حکام جور و اسلام خرافی». در مجموعه تأثیرپذیری نهضت‌های اسلامی - انقلابی شیعی از نهضت عاشورا در مدل مفهومی زیر به تصویر کشیده شده است.



مدل مفهومی تأثیرپذیری نهضت‌های اسلامی - انقلابی از نهضت عاشورا

منابع

- امام خامنه‌ای، سید علی، بیانات و مکتوبات، نرم‌افزار حدیث نور، قم: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
- ابومخنف، مقتل الحسین (اولین مقتل سالار شهیدان)، مترجم سید علی محمد موسوی جزایری، قم: انتشارات امام حسن، چ اول، ۱۳۸۰.
- اتکینسون و دیگران، زمینه روان شناسی، ترجمه دکتر محمد تقی براهینی و دیگران، چاپ ۱۶، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۱.
- احمدزاده، شیده، ادبیات نئوکلاسیک و فلسفه روشنگری، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۵ و ۴۶، ۱۳۸۴.
- ارهارد، بار، روشن‌نگری چیست، روشنی‌یابی چیست؟ (نظریه‌ها و تعریف‌ها)، مترجم: سیروس آریز پور، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۴.
- پرایس، وینست، افکار عمومی، ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
- پناهی، محمدحسین، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- جعفری، محمد تقی، حیات معقول، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۳.
- جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، محقق. علیرضا روغنی موفق، قم: مؤسسه اسراء، نوبت پنجم، ۱۳۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۱)، تسنیم، جلد ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۰ محقق. حسن واعظی محمدی، قم: مؤسسه اسراء، نوبت ششم، ۱۳۸۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۲)، ادب فنای مقربان، جلد ۳، محقق. محمد صفایی، قم: مؤسسه اسراء، نوبت ششم، ۱۳۸۸.
- حسینی، حسین، رهبری و انقلاب، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- دلشاد تهرانی، برگرفته شده از سایت انصارالخمینی (ره)
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، به کوشش. محمد معین و سید جعفر شهیدی تهران: دانشگاه تهران، نوبت دوم، ۱۳۷۷.
- رنجبر، مهناز، بررسی تطبیقی مقوله زمان و مکان از دیدگاه گیدنز و فوکو، سایت سوشال پرشن بلاگ، ۱۳۸۹.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام. مترجم: باقر صدری نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- طبری، محمد جریر، تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم باینده، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۶۲.

- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: رسولی هاشمی، تهران: ولیعصر، ۱۳۷۵.
 - لبخندقی، محسن، دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی، فصلنامه معرفت فرهنگی - اجتماعی، سال سوم، شماره اول، فصل زمستان، ۱۳۹۰.
 - ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، چاپ دوم، ناشر: جهان، ۱۳۴۸.
 - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: ناشر دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۲.
 - محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰.
 - مصباح یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
 - مطالعه گروهی ارائه‌الگوی راهبردی در حوزه مناسبت‌های اسلامی - انقلابی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۴.
 - مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
 - مطهری، مرتضی، نرم مجموعه آثار، جلد ۲، ۳، ۴، ۲۳، ۱۶ و ۲۴ قم: نرم‌افزار حدیث نور، قم. مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۸۷.
 - مکارم شیرازی، ناصر، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، به کوشش سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۸.
 - موسوی آل اعتماد، سید مصطفی، بلاغۃ الحسین علیه السلام، (سخنان امام حسین علیه السلام: خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار)، ناشر: رسول اعظم صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۱.
 - نصر، صلاح‌ف، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۸۰.
- <http://azadebabolj.blogfa.com/post-61.aspx>

تحليل عملية إسلاموفوبيا في الغرب واستراتيجيات مواجهتها

جاويد منتظران^١

الملخص

مع إذعان الغرب بأن الإسلام أخذ في التوسع في العالم الغربي و عدد السكان المسلمين في تلك البلدان أخذ في الازدياد، فقد بادر إلى إثارة موضوع يسمى إسلاموفوبيا حيث يجري التطرق إليه على نطاق واسع في وسائل الإعلام، و على الرغم من أن خلفيته تعود إلى عصر ظهور الإسلام، و لكن في أيامنا هذه، و بعد أحداث ١١ سبتمبر وما سبقها في الدول الغربية، فقد أصبحت أكثر عمقاً واتساعاً. وبالنظر إلى آراء مناهضة الإسلام و التخويف منه و التي يلجأ إليها دونالد ترامب الرئيس الجديد للولايات المتحدة الأمريكية و الحركات المناهضة للإسلام، يمكننا أن نلاحظ موجة جديدة من مناهضة الإسلام و إسلاموفوبيا في الغرب، وخاصة في أوروبا وأمريكا، و هذه الموجة تبين أن الدول الغربية قادرة بتقديم صورة راديكالية من المسلمين للناس مستمدة من الأسباب و العوامل و الأدوات. هذا هو السبب الذي دفعنا إلى إجراء هذه الدراسة التي تعتمد على المنهج الوصفي التحليلي حيث قمنا في البداية بالإشارة لمفهوم إسلاموفوبيا، وخلفية كراهية الإسلام وأسبابها و الأدوات المستعملة في الغرب لنشر - إسلاموفوبيا و قمنا في النهاية بالتعبير عن استراتيجيات مواجهة إسلاموفوبيا و التي يمكن للمسلمين الاستعانة بها للتعريف بالتعاليم الإسلامية الحقيقية و فضح إسلاموفوبيا الغربية.

المفردات الدليلية

إسلاموفوبيا، مناهضة الإسلام، الحضارة الغربية، المسلمون، الحادي عشر - من سبتمبر، الراديكالية

الأسس والمنطلقات للوحدة الإسلامية

أحمد محمد أحمد شمس الدين حسان^١

الملخص

الوحدة الإسلامية تعتبر من أهم القضايا في الجوامع الإسلامية و بالرغم وجود حرص شديد من جانب مفكرى العالم الإسلامى، لئلا نلاحظ تقدم ملحوظ في هذا المجال و لعل أهم عوامل عدم التقدم عبارة عن محاولات أعداء الإسلام و المسلمين لإثارة الفتنة و التفرقة بين أبناء الأمة الإسلامية و غفلة مفكرى الأمة عن هذه المحاولات الخبيثة.

أهم الموضوعات في هذه المقالة كالتالى:

توضيح مفهوم الوحدة الإسلامية بين المذاهب التابعة لآل البيت ثم تبين الأسس والمنطلقات التي توصل الى تحقيق الوحدة الإسلامية والألفة، وتووع مفهوم الوحدة في القرآن الكريم كالاتصام بحبل الله وإصلاح ذات البين والنهي عن الاختلاف والافتراق وأن يكون المسلمون بعضهم أولياء بعض، ثم ذكر مبادئ تحقيق الوحدة كالإيمان الواقعي بالوحدة والتركيز على القواسم المشتركة وزرع ثقافة الحوار ومبدأ الرأي والرأي الآخر بحكمة وشفافية ومبدأ التسامح والارتقاء إلى روح المحبة والإخاء، المصارحة الفكرية والعقائدية وعدم إلزام الآخر بها، ثم تبين ميثاق الوحدة عند الإمام علي عليه السلام.

التعايش السلمي بين أبناء الأمة والقبول بالآخر كضرورة حتمية ملحة في هذا العصر في ظل المتغيرات وتكالب الأعداء لتمزيق جسد الأمة، وذكر السبل الموصلة إلى التعايش السلمي

فماذج من النصوص القرآنية ذات الصلة بالتسامح والتعايش السلمي كاستعمال العبارات الجميلة في التخاطب، وحرية الأقليات الدينية، والاعتراف بالآخر، والتعامل بالحسنى والقسط مع كل الناس، والدعوة إلى الله بالسبل السلمية والحضارية، والنظر إلى النقاط المشتركة مع المخالف والانطلاق منها، والدعوة لكظم الغيظ...

الصراع الفكري بين المذاهب وآثاره السلبية وهي تحقيق أطماع العدو وأهدافه الرامية لإيجاد العداوة والفرقة وإضعاف قوة المسلمين وحرف البوصلة عن العدو الحقيقي وهم أمريكا وإسرائيل وأذنانهم من الأعراب كملوك الخليج

١. باحث إسلامي وعضو في جمعية العلماء اليمنيين وعضو في جمعية الشافعي الإسلامية

وغيرهم، وتبين الآثار الإيجابية على المجتمع إذا كان الحوار الفكري بين النخبة وأهل الاختصاص والعلم فإنه ينتج رؤى وأفكاراً ومنهجاً وسطياً معتدلاً ويحل الإشكالات القائمة ويزيل الشبهات الواردة

أدوات التحريض الطائفي وخطرها على الأمة المتمثلة في الفضائيات الفتنوية كقناة وصال وقناة صفا وأشبابها حيث تتركز برامجها على توغير الصدور والسب والشتائم وتكفير الآخر وطمس الهوية وقلب الحقائق، لأنها تفتقد إلى المبادئ الأساسية للحوار وآداب النقاش واحترام الآخر.

آداب الحوار الفكري وأخلاقه وأساسيات الحوار المثمر التي ذكرها وركز عليها العلماء مع الاستدلال بكلام أحد علماء الإمامية المنصفين.

المفردات الدليلية

الوحدة الإسلامية، التسامح، التعايش السلمي، القرآن الكريم.

«تكوين الأمة الإسلامية» الإنجاز الأساسي الخاص بالثورة الإسلامية

الكاتب: عباسعلي مشكاني سبزاري^١

الملخص

يمثل تأسيس العالم الإسلامي والأمة الإسلامية المرحلة النهائية لعملية تكامل الثورة الإسلامية. ومن جهة أخرى فإن تشكيل الأمة الإسلامية يتطلب وحدة المسلمين وتعاطفهم في المنطقة والعالم. وبناء على ذلك، فإن من أهم مهام جمهورية إيران الإسلامية التحرك نحو توسيع ثقافة التقريب والوحدة الإسلامية، وإنشاء الأمة الإسلامية بهذا الشكل. تحلل هذه المقالة العلاقة الثلاثية بين الثورة الإسلامية، الأمة الإسلامية ووحدة المسلمين، وذلك بعد شرح جوهر العملية التطورية لهذه العناصر الثلاثة. إن إنشاء عالم الإسلام والأمة الإسلامية يعتمد على توفير نمط مناسب للعالم الإسلامي. وبالتالي، في القسم الأخير من هذه المقالة، ستتم مناقشة القدرات النموذجية للثورة الإسلامية بالنسبة للعالم الإسلامي.

المفردات الدليلية

الأمة الإسلامية، العملية التكاملية للثورة الإسلامية، وحدة المسلمين، القدرات النموذجية للثورة الإسلامية، آراء المرشد الأعلى للثورة الإسلامية.

١. مدرس في جامعة باقرالعلوم (ع) - رئيس معهد معارف الحضارة الإسلامية وفكرها (قم)؛

تهديدات الجماعات التكفيرية التي تطال محبي أهل البيت (ع) (مع التأكيد على التهديدات السياسية)

محمد حقي^١

الملخص

يتميز خطاب محبي أهل البيت (ع) بتأثيرات ملفتة للنظر بسبب المؤشرات الموجودة فيه مثل التأكيد على الإسلام المحمدي الأصيل، التقارب والوحدة الإسلامية، مناهضة الاستبداد، محاربة إسرائيل، نشر العدالة والديمقراطية الدينية، العقلانية، الحكمة مقابل الطبقية على مستوى الدول الإسلامية والعالم، ومن ناحية أخرى، تقوم المجموعات التكفيرية بسبب خصائصها مثل النقل ومناهضة العقل والعنف والطبقية وتحليل دم بعض المسلمين وأموالهم وممتلكاتهم، بالتسبب بالعديد من التهديدات ضد خطاب محبي أهل البيت (ع). يسعى هذا المقال إلى الإجابة على السؤال التالي: ما هي تهديدات الجماعات التكفيرية في الساحة السياسية ضد محبي أهل البيت (ع) وما هي الحلول الخاصة بها؟ تشمل التهديدات السياسية ما يلي: تجاهل المثل العليا واستراتيجيات الوحدة الإسلامية، تهميش النضال ضد إسرائيل، خلق صراعات داخلية لخطاب محبي أهل البيت، العنف، تشويه السلوك السلمي لأهل البيت، الترويج للإسلاموفوبيا وغيرها. ومماشياً مع التهديدات القائمة، يلزم وضع بعض الاستراتيجيات للتعامل مع هذه التهديدات.

المفردات الدليلية

الجماعات التكفيرية، محبو أهل البيت (ع)، التهديد، الحل.

١. طالب دكتوراه في فرع تدريس الثورة الإسلامية، باحث في جامعة المصطفى (ص) العالمية، mhaghi59@yahoo.com.

ثقافة أهل البيت (ع) في مواجهة الإرهاب الإعلامي

فاليريا أغوستينا رودريغز^١

الملخص

بعد ظهور الحكومات الليبرالية الجديدة، حدث الكثير من الجدل حول النظام العالمي الجديد، وبعد ذلك تحولت استراتيجيات تواصل وسائل الإعلام إلى نقطة تحول هامة نحو الإسلاموفوبيا، وذلك باستخدام وسائل الإعلام كأداة لبناء أيديولوجية المجتمعات بناءً على الصلة بين التحيزات من منطلق الحكم الخاطئ على المسلمين وممارسة الظلم والقمع ضد المسلمين، فضلاً عن الحفاظ على هيمنة السلطة واستخدام الشركات متعددة الجنسيات. وبطبيعة الحال، تجدر الإشارة إلى أن الغالبية العظمى من هذه الشبكات الغربية صهيونية؛ بالإضافة إلى ذلك، فإن وجود الجماعات الإرهابية ساهم إلى حد كبير في نشر ظاهرة الإسلاموفوبيا، وهذا هو السبب الكامن وراء ضرورة التعرف إلى الاستراتيجيات التواصلية والإعلامية لمواجهة قضية الإسلاموفوبيا والصراع الإعلامي مع ثقافة أهل البيت (عليهم السلام).

المفردات الدلالية

الإسلاموفوبيا، الحركات الإرهابية، الإرهاب، الصهيونية، داعش، وسائل الإعلام الجماعية.

١. خبيرة في العلوم السياسية من بوينس آيرس - الأرجنتين

وحدة محبي اهل البيت (ع) لبناء الأمة الإسلامية الواحدة

إيهاب شوقي^١

ملخص

الامة الاسلامية الواحدة برغم ان تحقيقها تكليف الهي الا ان هذا التكليف تم اسقاطه من قبل مسلمين لم يراعوه حق قدره وسعى له مسلمون كثيرون ونجحوا جزئيا في محطات وفشلوا في اخرى، الا انه يبقى املا لكل حريص وغيور على دينه وكل واع بجوهر هذا الدين الأصيل، ممن لا يملك الا السعي الدؤوب لتحقيق الوحدة الاسلامية.

وعوامل الوحدة الإسلامية ومقومات الأمة جلية لكل ذي بصر وبصيرة الا انها مستهدفة بمؤامرات خارجية تستغل مرضا عضالا داخليا هو التعصب وضيقة الرؤية، ناهيك عن الغرض والأطماع السياسية للفئات والانظمة التي تقتات على الخلافات وتحافظ على بقائها بحرف الصراع الرئيسي- مع اعداء الامة وتحويله لصراعات داخلية تخدم من خلالها المستعمر لتحمي عروشها.

وحب اهل البيت (ع) هو محل اجماع اسلامي وان تفاوتت مفاهيم الحب، كما أن الاعتراف بقدرهم ومركزيتهم وامامتهم محل اجماع ايضا وان تفاوتت مفاهيم الامامة.

ومحبو اهل البيت هم اغلبية هذه الامة ولا يشذ عنهم الا اصحاب الهوى او من تسرب الخلل الى دينهم فأنحرف عن طريقهم ومحبتهم.

وهؤلاء المحبون هم الطليعة الوحيدة لانهم تشرّبوا قيم اهل البيت الروحية واخلاقياتهم واطلعوا على ممارساتهم وتعاليمهم، ووحدة هؤلاء المحبين هي بالأساس مقدمة ضرورية لقيامهم بالدور التوحيدي.

وهذه الدراسة تلقي الضوء على وحدة محبي اهل البيت عبر المشتركات الموجودة بينهم وبيان ان هذه الوحدة شرط للتمكن من القيام بالدور التوحيدي والقاء الضوء كذلك على وجوه الاختلاف للوصول لحلول عملية للتعايش السلمي وذلك مرورا بالمفاهيم الاصول المساعدة على الوحدة وضرورة تقديم قراءات جديدة لسيرة النبي الاعظم واهل البيت بدلا من الصور التي يتم تصديرها بترا

للعقائِق واقتطاعا من السياقات، كذلك القاء الضوء على افكار تقريبية وحدوية من رواد الوحدة واختارت الدراسة الامام الخميني نموذجاً، وكذلك وجوب الاستعانة بقدرات محبي اهل البيت والصوفيين وعدم اهدار امكاناتهم وقدراتهم في حشرات على حال الامة، بل توظيفها في بناء التقارب والوحدة، دون اغفال بالطبع لبيان دور الامامة في الوحدة.

واعتمدت الدراسة في ذلك على مزج بين المنهج الاستقرائي والاستردادي، حيث يتم استقراء الواقع وايضا استخدام احكام التاريخ في قراءته وصولا الى النتيجة والتوصيات.

وقد قامت الدراسة للوصول لهدفها باستعراض عدد من المحاور وهي:

*المشتركات الدينية والثقافية والتاريخية للمجتمعات الاسلامية

*وجوه الاختلاف والتشابه وبيانها من اجل ارساء الوحدة بين المسلمين

*المفاهيم والأصول التي تزيد من اليقظة وتساعد على الوحدة والتقارب بين

محبي اهل البيت

*الاستعانة بقدرات محبي اهل البيت والصوفيين لتقليل حدة الخلافات

الموجودة بين المسلمين

*وجوب تقديم قراءة جديدة عن سيرة النبي الأعظم العملية و الأئمة

*تطبيق الأمال والافكار المقربة للامام الخميني في منطلق تكوين الامة

الاسلامية الواحدة

*طرق التعرف على مؤامرات الاستكبار العالمي والاستعمار لتفريق الامة

*المشتركات الموجودة بين محبي اهل البيت وتوظيفها في مجال توحيد الامة

*دور الامامة في توحيد المسلمين

*حلول للتعاشيش السلمي بين محبي اهل البيت من اجل بناء الامة

المفردات الدليلية

وحدة، اهل البيت، الإمامة، الأمة الإسلامية، النبي الأعظم، التعاشيش السلمي،

الإمام الخميني، الصوفية، الوحدة الإسلامية

دور نهضة عاشوراء في بقاء الثقافة الشيعية وفكرها

احمد مزيناني^١

الملخص

يستند كاتب هذه المقالة إلى وجهات نظر المرشد الأعلى للثورة الإسلامية لمعرفة مجالات بقاء الشيعة وفكرهم ودراسة تأثير محتوى النهضات الإسلامية والثورية الشيعية بنهضة عاشوراء. تستند المقالة الموجودة بين أيديكم إلى نظريات الفطرة والحياة المعقولة معتبرة أن فكر وسلوك المقاومة الشيعية وتحولات المجتمع الشيعي مبنية على فطرة الإنسان الباحث عن الله والأيدولوجيا والمدرسة الديناميكية والواعية والحضور الفاعل للجماهير والقادة المؤمنين والعلمين بالزمان ومقتضياته والتي تأثرت بشكل سلبي وإيجابي بالتحولات والمثل العليا لنهضة عاشوراء (كمبدأ ومحرك للمقاومة) ذات التأثير والفعالية المعقولة والعاطفية. تتمتع هذه النهضة برأس مال اجتماعي كبير (الثقة والاعتماد والمنزلة والأمل) في المجتمع الإسلامي بسبب ولاية الفاعلين الرئيسيين، وتضع في جدول أعمالها النظري الفكري إعادة تفسير ورسم الشمولية وتصحيح الهندسة الإسلامية مستندة إلى الأبعاد التحفيزية والبعد التبشيري والتنويري والتنذيري والعقل النقي والعاطفة الطاهرة لتحريض رؤوس الأموال الإنسانية والاجتماعية للمجتمع الشيعي على النهضة والمشاركة البناءة. ولذلك فإن العلة الموجودة والعلة المبقية للفكر الشيعي والسلوك الشيعي هي عبارة عن تأثير أقصى بمدرسة "إعادة التفسير والتأهيل المستمر والمتواصل للحضارة الإسلامية النقية عن طريق إعادة تجسيد السنة النبوية التي تعرضت للتحريف وتنقيتها منه ومن البدع التي اختلقها حكام الجور والإسلام الخرافي" الناتجة عن نهضة عاشوراء.

المفردات الدليلية

الشيعة، نهضة عاشوراء، الأبعاد، الأداء، البقاء، الفكر، السلوك.

١. عضو الهيئة التدريسية في جامعة الامام الحسين عليه السلام و طالب دكتوراه في المعهد العالي للدفاع الوطني

Ashura Movement Role in Survival of Shiism and Shia Thoughts

By Ahmad Mazinani¹

Abstract

In a bid to know the causes of survival of Shiism and Shia thoughts, this paper has examined the aspects of the Ashura movement's influence on the Shia Islamic and revolutionary movements, based on the views of Iran's Supreme Leader Ayatollah Ali Khamenei.

Relying on theories of reasonable life and nature, this article considers the mentality of basic resistance by Shiism and the developments of Shia community to be based and reliant on the clean instinct of faithful humans, dynamism ideology and school of thought, awareness and active presence of people and faithful and knowledgeable leaders. That is affected by the developments and causes of the Ashura Movement (as the beginning point and driving force of resistance) and has reasonable effectiveness and efficiency.

This movement relies on valuable social assets (confidence, credibility, standing and hope) in the Islamic society due to the faithfulness of the main actors to the principle of velayat. A new understanding requires sketching out the inclusiveness and correcting the Islamic geometry both intellectually and theoretically, and relying on various aspects of human assets, including enlightenment, enticement, warning and awareness, it pushes the Shia society to motion and constructive participation. Therefore, the *raison d'etre* and surviving secret of the Shia thought and attitude lies in having been influenced by the Ashura Movement's doctrine of "re-understanding and reconstructing the pure Islamic civilizations consistently through demonstrating the distorted image and tradition of the Muhammad and cleaning it from distortion and alteration by superstitious Islam".

Keywords

Shiism, Ashura Movement, aspects, function, survival, thought, ttitude

1. aculty member, Imam Hussain University; PhD Candidate, University of National Defense

Unity of Devotees of Ahl ul-Bayat for United Islamic Ummah

By Ehab Shawki¹

Abstract

Although materialization of a united Islamic Ummah is a divine obligation, many Muslims have given up their task. Of course many Muslims have made endeavors to that end and they have experienced both success and failure. Nonetheless, anyone who is zealous about his religion and is aware of the very essence of this religion would have no option but to proceed with their efforts to make Islamic unity come true.

Causes of Islamic unity and requirements for any nation are clear. However, the fact is that this unity has been targeted by foreign plots which are based on fanaticism and narrow-mindedness. Add to this the political objectives of groups and regimes which are always on collision course and they only fight for their own survival. They are used to diverting the main path of combat with the enemies of the Islamic Ummah towards infighting in order to safeguard their own regimes and serve colonialist powers.

Devotion may be manifested in different forms; however, devotion to the Ahl ul-Bayat is the center of Islamic consensus. Furthermore, interpretations of imamate may vary; however, the dignity and standing of imamates are also a center of unanimity.

The devotees of Ahl al-Bayat constitute the majority of this Ummah and only few members of this Ummah have been misled because of following their carnal desires. These devotees are all harbingers of unity because they have experienced spiritual and moral values of the Ahl al-Bayat and they are well aware of their actions and teachings. The unity of these devotees is basically a beginning for the materialization of their monotheist role.

In this paper, the unity of devotees of Ahl ul-Bayat has been examined based on their commonalities and it has been emphasized that the precondition for the fulfilment of this monotheist role is unity. Furthermore, disagreements barring development of practical approaches for peaceful coexistence have

¹Egyptian author and researcher, graduate of civil engineering from Cairo University

been noted and the concepts which would be instrumental in the realization of such unity have been studied. There is also emphasis on presenting new readings of the Prophet Muhammad's modus vivendi and modus operandi as well as his House in order to overcome interpretations which are reversing realities. Pro-unity and pro-proximity thoughts developed by harbingers of unity have been examined and views of Imam Khomeini have been cited. It is also necessary to seek assistance from the devotees of Ahl ul-Bayt and Sufis in the struggle for causing unity and proximity. Meantime, the role of imamate in unity should not be neglected.

This paper first examines the reality and then offers solution based on historical evidence.

In order to reach the objective sought in this study, the following topics have been examined:

- Religious, cultural and historical commonalities in Islamic societies
- Elucidation of similarities and differences for institutionalizing unity among Muslims
- Concepts and principles that awaken Muslims and help unity and proximity between the devotees of Ahl ul-Bayt.
- Seeking assistance from the devotees of Ahl ul-Bayt and Sufis in order to reduce differences between Muslims
- Necessity of presenting new interpretations of the modus operandi and modus vivendi of the Prophet Muhammad and Shia imams
- Realizing of views and thoughts of Imam Khomeini on proximity for the creation of a unified Islamic Ummah
- Ways of knowing plots hatched by global arrogance and colonialist powers to cause division in the Ummah
- Highlighting commonalities of the devotees of Ahl ul-Bayt and using the for unity in the Islamic Ummah
- Role of imamate in Muslim unity
- Solutions for the devotees of Ahl ul-Bayt to have peaceful coexistence with a view to forming an Ummah

Keywords

Unity, Ahl ul-Bayt, imamate, Islamic Ummah, Prophet Muhammad, peaceful coexistence, Imam Khomeini, Sufism, Islamic unity

Culture of Ahl ul-Bayt in Tackling Media Terrorism

By Valeria Agustina Rodriguez¹

Abstract

After the emergence of neo-liberal governments, debate heated up about the new world order. After that, major media drastically changed their communications strategies to embrace Islamophobia. Mass media has since been used as a tool for ideologizing communities in order to spread incorrect misjudgments against Muslims. That has also helped powerful countries do injustice to Muslims while extra-national companies have preserved and stabilize their hegemony. Of course it must be noted that most of these Western networks are run by Zionists. The existence of terrorist groups has also been of great help to the spread and expansion of Islamophobia. Therefore, it is necessary to define communications and media strategies to respond to Islamophobia and the media confrontation with the culture of Ahl ul-Bayt.

Keywords

Islamophobia, terrorist movements, terrorism, Zionism, Daesh, mass media

1. BA in political sciences, Buenos Aires, Argentina.

Takfiri Threats Against Devotees of the House of Prophet (With Focus on Political Threats)

By Mohammad Haqi¹

Abstract

The discourse of devotees of the House of the Prophet Muhammad has been highly influential both at the level of Muslim nations and beyond. That is because of its emphasis on pure Islam, focus upon convergence and Islamic unity, combating arrogance, fight against Israel, strolling for justice, religious democracy, and wisdom against fundamentalism. Meantime, Takfiri groups, endowed with such characteristics as narrativism, anti-rationalism, violence, fundamentalism, excommunicating some Muslims and authorizing their killing and seizure of their assets, have posed numerous threats against the discourse of the devotees of the House of the Prophet Muhammad. This paper seeks to find which political threats the Takfiri groups are posing to the devotees of the House of the Prophet and how they could be dealt with. Political threats include forgetting about the ideal and strategy of Islamic unity, marginalizing struggle against Israel and triggering infighting, violence, undermining peaceful modus operandi of the devotees of the House of the Prophet, and spreading Islamophobia. Solutions and strategies will be presented for existing threats.

Keywords

Takfiri groups, devotees of the House of the Prophet, threat, solution

1. PhD candidate in Islamic Revolution teachings, researcher at al-Mustafa International Research Institute, Qom seminary graduate, email: mhaghi59@yahoo.com cellphone: 0098 919 253 22 48

"Establishing Islamic Ummah" Fundamental Mission of Islamic Revolution

By Abbas-Ali Meshkani Sabzevari¹

Abstract

Establishing a Muslim world and an Islamic Ummah is the final stage of the process of Iran's Islamic Revolution. However, the prelude to establishing an Islamic Ummah is unity and empathy between Muslims in the region and the world. Therefore, one of the most important missions of the Islamic Republic is to move towards expanding Islamic proximity and unity and preparing the ground for the establishment of an Islamic Ummah.

This paper first elucidates the origins of the evolutionary process of the Islamic Revolution, Islamic Ummah and Muslim unity before analyzing these three elements. Establishing a Muslim world and an Islamic Ummah depends on presenting a correct model to the Muslim world. In the closing section of this article, the potentialities of the Islamic Revolution for the Muslim world have been outlined.

Keywords

Islamic Ummah, evolutionary process of Islamic Revolution, Muslim unity, potentialities of Islamic Revolution, viewpoints of Supreme Leader

1. Professor at Baqer al-Olum University, director of Islamic Civilization Thoughts and Teachings Institute, email: meshkani.a@chmail.ir

Fundamentals and Origin of Islamic Unity

By Ahmad Muhammad Ahmad Shamsuddin Ihsan¹

Abstract

"Islamic unity" is among major topics discussed in Muslim societies. It is as old as the history of Islam. Despite major concerns among thinkers in the Muslim world on this issue, we have not seen serious progress in this strategy. The main cause is blamed on efforts by the sworn enemies of Islam and Muslims to cause division in the Islamic Ummah and Muslim communities on one side and the negligence of thinkers over these malicious efforts on the other. The main topics discussed in this article are as follows:

- Concept of unity between Islamic faiths
- Fundamentals and origin of Islamic unity
- Examining instances of this concept in the holy Quran, including unity over Allah, settling disputes, refraining from differences and division and Islamic brotherhood
- Elucidating principles of materialization of unity, including sincere faith in unity, focus on common points, promoting the culture of dialogue and openness to criticism with wisdom and transparency, tolerance and boosting the spirit of affection and brotherhood, intellectual and faith transparency and not forcing others to accepting our faith.
- Elucidating the document of unity from the viewpoint of Imam Ali (AS)
- Peaceful coexistence in the Ummah and mutual tolerance as a must against the backdrop of changes and efforts by enemies to divide the Islamic Ummah, and highlighting ways of reaching peaceful coexistence
- Examples of the holy Quran about tolerance and peaceful coexistence like using polite words to address others, freedom for

1. Muslim researcher and member of Yemen Ulema Association, member of Islamic Shafei Assembly

religious minorities, recognizing opposite parties, good interaction with everyone, inviting to God by peaceful and civilized methods, functioning based on commonalities, calling for restraint and containing wrath

- The main objective pursued by the enemy is to trigger disputes between Islamic faiths in order to perpetuate enmity and division among Muslims and undermine them. That would divert attention away from finding the real enemies, i.e. the US, Israel and their Arab followers including monarchs in the [Persian] Gulf countries. Furthermore, the positive effects of intellectual dialogue between elites and specialists on the society due to the generation of moderate attitudes and methods would be elucidated for overcoming challenges and removing doubts.

- Elucidation of tools used for provoking tribes; For instance divisive satellite networks like Vesla and Safa are concentrating their programs on vengeance, lack of respect, ex-communications, hostility, annihilation of identity and reversing realities as it is devoid of the main principle of dialogue and debate, i.e. mutual respect.

- Principles of dialogue on thoughts and moralities and principles of effective dialogue endorsed by scholars after vindication by an Imamiyya scholar

Keywords

Islamic unity, tolerance and peaceful coexistence, the holy Quran

Analysis of Islamophobia in West and Counterstrategies

By Javid Montazeran¹

Abstract

Having acknowledged the daily-increasing expansion of Islam in the West, the Western governments have promoted "Islamophobia" and widely focus on it in their media. Islamophobia dates from the time of revelation of Islam; however, in the aftermath of the 9/11 attacks it has gained momentum in most Western countries.

Give US President Donald Trump's anti-Islamist and Islamophobic attitudes, a new wave of anti-Islamism and Islamophobia is spreading in the West, particularly in the US and Europe. Meantime, the Western governments wield efficacious tools to give a radical image of Muslims.

This descriptive-analytic paper first defines Islamophobia to analyze grounds and causes before focusing on the tools wielded by the West for spreading Islamophobia. Finally, Muslims will be presented with strategies to help them introduce genuine Islamic teaching and lay bare the Islamophobia campaign.

Keywords

Islamophobia, anti-Islamism, Western civilization, Muslims, 9/11, radicalism

1. MS in International Relations, Malek Ashtar University;
email:montazeran.javid@gmail.com



International Journal of Islamic Awakening

The first year - the first issue - the summer of 2017

License Holder:

Islamic Awakening World Assembly

Managing Director:

Dr. Ali Akbar Velayati

Editor In Chief:

Dr. Abdullah Mobini

Editorial Board:

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------------|
| - Sahl Abraham (Yemen) | - Shamseddin Sharafoddin (Yemen) |
| - Mohammad Ebrahim Araphi (Iran) | - Mohammad al-Aasiy (United States) |
| - Majid Ahmad Hossein (Egypt) | - Ramadan Abdullah (Palestine) |
| - Abbas Ali Akhtari (Iran) | - Seyyed Sajed Ali Naqavi (Pakistan) |
| - Saladdin Ozgunduz (Turkey) | - Naeem Qasem (Lebanon) |
| - Ahmad Badrdalin Hassoun (Syria) | - Mohsen Qomi (Iran) |
| - Lahad Baluch (Pakistan) | - Ali Karimian (Iran) |
| - Mohammad Ali Teshkiri (Iran) | - Seyyed Asef Mohseni (Afghanistan) |
| - Ebrahim Jafari (Iraq) | - Seyyed Majid Meshaal (Bahrain) |
| - Jalaluddin Rahmat (Indonesia) | - Aliakbar Velayati (Iran) |
| - Ibrahim al-Shabbi (Tunisia) | - Tajeddin al-Hilali (Egypt) |
-

Executive Director: Mohsen Motallebi Juneghani

Internal Manager: Mohsen Dodangeh

Editors: Tahereh Zare, Tahereh Sayannjali

Arabic translation: Dr. Ali Ganjian Khonari, Alireza Taqati

English Translation: Mojtaba Sadeghian

Spanish translation: Hasan Izadi

Layout: Marzieh Roshanravan

Circulation: 1000

**Address: No. 4, Shahid Mohebbi St., North Sohraudi St., Journal of International
Awakening, Tehran, Islamic Republic of Iran**

Postal code :155883835611 Tel : (+9821) 24835222, 88534128 Fax : (+9821) 35032271

Web: Islamic-awakening.ir

E.mail: info@islamic-awakening.ir